جدول محتویات

مباحث ویژه در رسالات شبانی

این جلد را تقدیم می‌کنم به
دوستان و همکارانی که همه جلدهای این
مجموعه تحقیق تفسیری را خوانده و تایید کردند.
هر کدام از این افراد نظام علمی و دیدگاه الهیاتی
متفاوتی دارد. نظراتشان مرا یاری کرد
تا متوجه اشتباهات سهوی و اغراق‌های خود شوم.

دکتر رابرت الیسون
دکتر دیوید کینگ
دکتر بروس تانکرسلی

سخن بنیاد لاکمن در مورد نسخه بازنگری شده کتاب‌مقدس استاندارد امریکایی جدید ۱۹۹۵:

راحتتر برای مطالعه:

- بخشهایی که در آنها ضمایر انگیسی قدیمی بکار رفته بود، به معادلها مورد استفاده در انگلیسی امروزی تغییر یافت.

- کلمات و عباراتی که به دلیل تغییر معنایشان در ۲۰ سال گذشته ممکن بود اشتباه فهمیده شوند به انگلیسی امروزی تغییر یافتند.

- آیاتی دارای ترتیب واژهای یا لغات مشکل به انگیسی روانتر ترجمه شدند.

- با توجه به اختلاف سبک بین زبانهای قدیمی و انگلیسی امروزی، برای جملاتی که با "و" شروع می شدند اغلب ترجمه انگلیسی بهتری ارائه شده است. متون اصلی یونانی و عبری مانند انگلیسی امروزی علامتگذاری نداشتند، و در بسیاری از موارد این علامات در انگلیسی امروزی همان کار "و" در متون اصلی را انجام میدهند. در برخی موارد دیگر، با توجه به متن و در جایی که متن اصلی اجازه میداد، بجای "و" در ترجمه کلمه دیگری مثل "سپس" یا "اما" استفاده شده است.

دقیقتر از همیشه

- تحقیقات اخیر بر روی بهترین و قدیمیترین دست نوشته های یونانی عهد جدید مرور، و به منظور وفاداری هرچه بیشتر نسبت به متون اصلی پاره ای از بخشها بازنگری شده اند.

- بخشهای موازی مقایسه و مرور شده اند.

افعالی که معانی متعددی دارند در بعضی قسمت ها بگونه ای ترجمه شده اند که با متن زمینه همخوانی بهتری داشته باشند.

اما هنوز هم کتاب‌مقدس استاندارد امریکایی جدید (ان آ اس بی)

- ترجمه "ان آ اس بی" بازنگری شده تغییر-به صرف-تغییر نیست. "ان آ اس بی" امتحان خود را پس داده، و به منظور احترام به استانداردی که کتاب‌مقدس استاندارد امریکایی جدید مقرر کرده، تغییرات در پایینترین حد ممکن نگاه داشته شده اند.

- "ان آ اس بی" بازنگری شده از سنت "ان آ اس بی" برای ترجمه تحت اللفظی متون یونانی و عبری اصلی بدون هر گونه سازش، پیروی میکند. تغییرات در متن در محدوده پارامترهای سفت و سختی است که اهداف چهارگانه بنیاد لاکمن مقرر کرده است.

- مترجمین و مشاورانی که در بازنگری "ان آ اس بی" سهم داشته اند محققین سنتگرای کتاب مقدس هستند که در زمینه زبانهای کتاب مقدس، الهیات دارای مدرک دکتری یا مدارج عالی دیگر هستند. آنها نمایندگان فرقه ها و زمینه های متعددی می باشند.

ادامه یک سنت:

نسخه اولیه "ان آ اس بی" به عنوان دقیقترین ترجمه انگلیسی کتاب مقدس برای خود شهرت کسب کرده است. در سالهای اخیر ترجمه های دیگری ادعا کرده اند که هم دقیق و هم روانند، اما خواننده ای که به جزئیات دقیق باشد در نهایت متوجه می شود که این ترجمه ها بطرز یکنواختی فاقد یکنواختی هستند. گرچه گاهی تحت اللفظی اند، اما به دفعات به تفسیر متن اصلی میپردازند، واغلب از روان بودن چیز زیادی عایدشان نمی شود، و تازه همین هم به بهای قربانی کردن وفاداری به متن اصلی بدست می آید. تفسیر هویتا چیز بدی نبوده، میتواند و باید مطابق با درک و تفسیر مترجمین معنای یک بخش را روشن کند. ولی در نهایت ترجمه تفسیری بیشتر نوعی تحقیق است تا ترجمه کتاب مقدس. "ان آ اس بی" بازنگری شده سنت "ان آ اس بی" جهت ارایه ترجمه واقعی کتاب مقدس را پی گرفته، و آنچه را در واقع نوشته اصلی گفته آشکار میکند، نه آنچه را که مترجم متوجه می شود.

گفتار نویسنده: این کتاب تفسیر تحقیقی چه کمکی می‌تواند به شما بکند؟

تفسیر کتاب مقدس فرآیندی منطقی و روحانی است جهت درک نویسنده‌ای قدیمی و تحت الهام، به این منظور که بتوانیم پیام خدا را درک و در زندگی روزمره خود بکار گیریم.

فرآیند روحانی ضروری است، اما تعریف کردن آن اسان نیست. این فرآیند تسلیم و باز بودن در مقابل خدا را میطلبد. شخص باید تشنه خود خدا، شناخت خدا و خدمت کردن به او باشد. این فرآیند شامل دعا، اعتراف و تمایل برای عوض شدن سبک زندگی است. در فرآیند تفسیر حضور روح‌القدس ضروری است، با اینحال علت برداشت متفاوت مسیحیان بی‌ریا و خداشناس از کتاب مقدس یک راز باقیمانده است.

توصیف فرآیند منطقی آسانتر است. باید بتوانیم پیوستگی و بیطرفی را در متن حفظ کنیم و تحت تاثیر گرایشهای شخصی و فرقه‌ای خود قرار نگیریم. همه ما از لحاظ تاریخی شرطی هستیم. هیچکدام مفسر بیطرف و بدون نظر شخصی نیستیم. این کتاب تفسیر فرآیند منطقی دقیقی را ارائه می‌کند که شامل سه اصل تفسیری است و به گونه‌ای طراحی شده که به ما کند بر تعصباتمان غلبه نماییم.

اصل اول

اصل اول توجه به چارچوب تاریخی که کتابی از کتب مقدس در آن نوشته، و موقعیت تاریخی خاص تالیف آن است. مولف هدفی داشت و میخواست پیامی را منتقل کند. متن نباید برای ما معنایی را داشته باشد که هرگز برای مولف اولیه، باستانی و تحت الهام نداشت. نکته کلیدی قصد او است، و نه نیاز تاریخی، احساسی، فرهنگی، شخصی و یا فرقه‌ای ما. کاربرد باید در تفسیر مورد نظر قرار گیرد، اما تفسیر مناسب همواره باید مقدم بر کاربرد باشد. لازم بذکراست که هر متن کتاب مقدس تنها یک معنا میتواند داشته باشد. این همان معنایی است که مولف اولیه تحت هدایت روح قصد داشت برای این دوره بیان کند. این معنا ممکن است برای فرهنگها و موقعیتهای متفاوت کاربردهای متعددی داشته باشد. چنین کاربردهایی باید به حقیقت مرکزی مولف اولیه وصل شوند. به همین علت، این راهنمای مطالعه تفسیری طراحی می‌شود تا برای هر کدام از کتب کتاب مقدس مقدمه‌ای را فراهم کند.

اصل دوم

اصل دوم شناسایی واحدهای ادبی است. هر کدام کتب کتاب‌مقدس سندی منسجم است. مفسران حق ندارند تنها یک جنبه از حقیقت را به بیها خذف جنبه‌های دیگر، جدا کنند. بنابراین قبل از تفسیر مستقل هر کدام از واحدهای ادبی، لازم است هدف کلی هر کتاب را درک کنیم. بخشهای مستقل-بابها، پاراگرافها یا آیات- بیانگر معنای کلی یک واحد نیستند. تفسیر باید از مشئ قیاسی کل کتاب به مشی استنتاجی بخشها تغییر کند. بنابراین، این راهنمای مطالعه تفسیری طراحی می‌شود تا به دانش‌آموز کمک کند ساختمان هر واحد ادبی را پاراگراف به پاراگراف تجزیه و تحلیل کند. تقسیم‌بندی پاراگراف و باب الهامی نیست، و تنها ما را در شناسایی واحدهای فکری یاری می‌کند.

پایبندی به تفسیر در سطح پاراگراف –نه در سطح جمله، شبه جمله، عبارت یا کلمه- برای پیروی از معنای مورد نظر مولف اولیه کلیدی است. پاراگرافها بر مضامین واحدی بنا شده‌اند که اغلب موضوع یا جمله موضوعی نامیده می‌شوند. هر کلمه، عبارت، شبه جمله یا جمله به نحوی در پاراگراف به این موضوع واحد مرتبط می‌شود. آنها موضوع را محدود، مبسوط و تشریح کرده و یا زیر سوال می‌برند. کلید واقعی تفسیر مناسب پیروی از اندیشه مولف به صورت پاراگراف به پاراگراف در واحدهای ادبی مستقلی است که با هم کتاب مقدس را می‌سازند. این راهنمای مطالعه تفسیری طراحی می‌شود تا به دانش‌آموز کمک کند که این هدف را از طریق مقایسه ترجمه‌های انگلیسی جدید دنبال کند. این ترجمه‌ها به این دلیل انتخاب شده‌اند که در آنها نظریه‌های ترجمه متفاوتی بکار گرفته شده‌اند:

۱. متن یونانی انجمن کتاب مقدس نشر چهارم بازنگری شده است (یو. بی. اس). این متن توسط محققین متن‌شناس جدید پاراگراف‌بندی شد.

۲. نسخه جدید کینگ جیمز (ان. ک. ج. وی) ترجمه لغوی کلمه به کلمه بر مبنای نسخه سنتی است که آنرا تحت نام (Receptus Textus) می‌شناسند .

تقسیم‌بندی پاراگرافها در آن از سایر ترجمه‌ها طولانی‌تر است. واحدهای طولانی‌تر به دانش آموز کمک می‌کنند تا موضوعات مستقل را تشخیص دهند.

۳. نسخه بازنگری شده استاندارد (ان. آر. اس. وی) ترجمه کلمه به کلمه اصلاح شده است. این ترجمه حدفاصل بین دو نسخه جدیدی است که در زیر ذکر میشوند. پاراگراف‌بندی آن به تشخیص موضوعات کمک زیادی می‌کند.

۴. نسخه انگلیسی امروز (تی. ای. وی) ترجمه پویای معادلی است که توسط انجمن کتاب‌مقدس منتشر شد. این نسخه تلاش می‌کند کتاب‌مقدس را به گونه‌ای ترجمه کند که خواننده یا گوینده انگلیسی امروزی بتواند معنای متن یونانی را درک کند. در اغلب موارد و بویژه در اناجیل، پاراگرافها بر مبنای گوینده تقسیم‌بندی میشوند نه بر مبنای موضوع. این روشی است که در ان آی وی نیز بکار گرفته شده است. برای مقاصد تفسیری این سبک مفید نیست. با آنکه یو. بی. اس. و تی. ای. وی هر دو توسط سازمانی واحد منتشر می‌شوند، اما پاراگراف‌بندی آنها با هم فرق دارد.

۵. کتاب مقدس جدید اورشلیم (ان. ج. بی) ترجمه پویای معادلی است بر مبنای کتاب‌مقدس کاتولیک فرانسوی. این نسخه جهت مقایسه پاراگراف‌بندی از نقطه نظری اروپایی مفید است.

۶. متن چاپی در واقع به روز شده کتاب مقدس استاندارد امریکایی (ان. ای. اس. بی) چاپ ۱۹۹۵ است، که ترجمه‌ای کلمه به کلمه می‌باشد. تفسیر آیه به آیه بعد از پاراگراف‌بندی می آید.

اصل سوم

اصل سوم مطالعه ترجمه‌های مختلف کتاب‌مقدس به منظور برداشت وسیعترین دامنه معانی (میدان معنایی) است که کلمات و عبارات کتاب‌مقدس ممکن است داشته باشد. اغلب یک عبارت یا کلمه یونانی ممکن است به طرق متعددی درک شود. ترجمه‌های مختلف این گزینه‌ها را در دسترس قرار داده و به شناسایی و توجیه تفاوتها در دست‌نوشته‌های یونانی کمک می‌کنند. اینها تاثیری در اصول اعتقادی ندارند، ولی به ما کمک می‌کنند تا به متن اولیه نوشته شده توسط نویسنده قدیمی تحت الهام دست یابیم.

این تفسیر روش سریعی را به دانش‌آموز ارائه می‌دهد تا بتواند برداشت خود را چک کند. قرار نیست که حرف آخر را بزند، و ترجیحا آموزنده است و خواننده را به تفکر وامیدارد. اغلب، وجود سایر تفسیرهای احتمالی دیگر به ما کمک می‌کنند تا چندان کوته‌نظر، متعصب و تحت تاثیر فرقه خود نباشیم. مفسرین برای اینکه متوجه شوند متن اولیه تا چه حد میتواند مبهم باشد، نیازمند دامنه وسیع گزینه‌های تفسیری هستند. وقتی متوجه شویم بین مسیحیان که ادعا می‌کنند کتاب‌مقدس منبع حقیقت برای آنهاست، توافق تا چه اندازه ناچیز است، شوکه می‌شویم.

این اصول مرا مجبور کرده‌اند که با متن باستانی دست و پنجه نرم کنم و از این طریق کمک کرده‌اند تا بر شرطی شدنم نسبت به تاریخ تا حد زیادی غلبه کنم. امیدوارم که برای شما هم باعث برکت شود.

باب آتلی

دانشگاه بابتیست شرق تکزاس

۲۷ ژوئیه ۱۹۹۶

راهنمای مطالعه مفید کتابمقدس:

تحقیق شخصی برای یافتن حقیقت قابل تصدیق

آیا می‌توانیم حقیقت را بشناسیم؟ حقیقت کجا یافت می‌شود؟ آیا میتوان آنرا به طور منطقی تصدیق کرد؟ آیا قدرت نهایی وجود دارد؟ مطلق‌هایی وجود دارند که بتوانند زندگیها و جهان ما را هدایت کنند؟ آیا زندگی معنایی دارد؟ ما اینجا چه می کنیم؟ مقصدمان کجاست؟ این پرسشها –پرسش‌هایی که هر شخص معقولی می‌پرسد- از همان ابتدای جهان اندیشه بشر را مورد جولان قرار داده‌اند (جامعه ۱: ۱۳-۱۸ و ۳: ۹-۱۱). بیاد می‌آورم که خود من چطور به دنبال مرکزیتی انسجام‌بخش برای زندگیم می‌گشتم. زمانی که خیلی جوان بودم، تحت تاثیر شهادت سایر افراد برجسته خانواده به مسیح ایمان آوردم. وقتی که رشد کردم و به بلوغ رسیدم، پرسش‌هایم در مورد خودم و جهان اطرافم نیز رشد کردند. کلیشه‌های ساده فرهنگی و مذهبی به تجربیاتی که در موردشان می‌خوانم یا به آنها مواجه می‌شدم، معنایی نمی‌بخشید. دوره‌ای بود سرشار از سردرگمی، کنکاش، اشتیاق و اغلب حس نومیدی نسبت به جهان بی احساس و خشنی که در آن زندگی می‌کردم. بسیاری ادعا می‌کردند که برای این پرسش‌های بنیادین پاسخی دارند، اما پس از تحقیق و تعمق درمی‌یافتم که پاسخ‌هایشان برپایه (۱) فلسفه‌های شخصی، (۲) اسطوره‌های باستانی، (۳) تجربه‌های شخصی یا (۴) روشنگری‌های روانشناسانه بود. اما من به نوعی تصدیق، مدرک و تعقل نیاز داشتم تا بتوانم جهان‌-بینی، مرکزیت انسجام‌بخش و دلیل زیستنم را بر آن بنا کنم.

من اینرا در مطالعه کتاب‌مقدس یافتم. شروع کردم به جستجو برای یافتن مدارکی که حقیقت بودن آنرا تایید کنند و این مدارک را در (۱) اعتبار تاریخی کتاب مقدس که توسط یافته‌های باستان‌شناسی تایید میشوند، (۲) درستی نبوتهای عهد عتیق، (۳) وحدت پیام کتاب‌مقدس در طول ۱۶۰۰ سال تالیف آن، و (۴) شهادت افرادی که زندگیشان در اثر تماس با کتاب‌مقدس برای همیشه عوض شد، یافتم. مسیحیت به عنوان سیستم منسجمی از ایمان و باور، توان مواجهه با پرسش‌های پیچیده حیات بشر را دارد. این تنها چارچوبی عقلانی را مهیا نکرد، بلکه جنبه تجربی ایمان مسیحی شعف احساسی و ثبات را نیز برایم به ارمغان آورد.

فکر می‌کردم، آنچنان که از متون مقدس نیز قابل درک است، مرکزیت انسجام‌بخشی برای زندگیم پیدا کرده‌ام، مسیح. تجربه هیجان‌انگیزی بود؛ نوعی رها شدن پر شور. با اینوجود، هنوز هم به خاطر دارم که وقتی متوجه شدم که حتی در یک کلیسا یا مدرسه واحد چقدر تفسیرهای متعددی از این کتاب وجود دارد، چه شوک و دردی را احساس کردم. اثبات الهامی و قابل اعتماد بودن کتاب‌مقدس انتهای راه نبود، بلکه تنها ابتدای آن بود. چطور می‌توانم تفاسیر متنوع و متناقض بخشهای مشکل کتاب‌مقدس را تایید یا رد کنم؟ این تفسیرها توسط افرادی ارائه شده‌اند که مدعی اقتدار و قابل اعتماد بودن کتاب هستند.

این امر خطیر هدف زندگی و سفر روحانی ایمانم شد. می‌دانستم که ایمانم به مسیح (۱) برایم آرامش و شادی به ارمغان آورده بود. در بطن نسبیتی که فرهنگم (پست مدرنیته) دچار آن بود؛ (۲) کوته‌اندیشی سیستم‌های مذهبی متناقض (مذاهب جهان)؛ و (۳) نخوت فرقه‌ای، ذهنم مشتاق قدری قطعیت بود. در کنکاشم برای پیدا کردن رهیافت‌های معتبر برای تفسیر متون ادبی باستانی، از کشف تعصبات تاریخی، فرهنگی، فرقه‌ای و تجربی خود متحیر شدم. غالبا کتاب‌مقدس را می‌خواندم تا دیدگاه‌هایم را تقویت کنم. آن را به عنوان منبعی عقیدتی بکار میبردم تا به دیگران حمله، و ضعف‌ها و نارسایی‌های خود تسکین دهم. چقدر درک نکته بالا دردآور بود!

با آنکه هرگز نمی‌توانم کاملا بی‌طرف باشم، اما می‌توانم خواننده بهتری برای کتاب‌مقدس شوم! می‌توانم با شناسایی و اذعان به تعصباتم، آنها را محدود کنم. هنوز از ضعف‌های خود مبرا نشده‌ام، اما با آنها مواجه شده‌ام. اغلب، مفسر بدترین دشمن مطالعه مناسب کتاب‌مقدس است!

بگذارید تعدادی از پیش‌فرض‌هایی را که در مطالعه کتاب دخالت میدهم به ترتیب بیاورم کنم، تا شما، خوانندگان، هم همراه من آنها را مورد آزمون قرار دهید:

۱) پیش‌فرض‌ها

الف- من معتقدم که کتاب‌مقدس تنها مکاشفه شخصی الهامی یگانه خدا حقیقی است. بنابراین، باید در پرتو انگیزه مولف الهی اولیه (روح) از طریق انسانی نویسنده در وضعیت تاریخی خاص تفسیر شود.

ب- من معتقدم کتاب‌مقدس برای فرد عادی نوشته شد- برای همه انسانها. خداوند خود را همساز کرده تا بتواند در هر زمینه تاریخی و فرهنگی با ما سخن گوید. خداوند حقیقت را پنهان نمی‌کند- می‌خواهد آنرا درک کنیم! پس، باید در پرتو

دوره خودش تفسیر شود نه دوره ما. کتاب‌مقدس نباید برای ما معنایی داشته باشد که برای کسانی که دفعه اول آنرا شنیدند یا خواندند، نداشت. این کتاب برای یک ذهن انسانی متوسط قابل درک است و تکنیک‌ها و فرمهای محاوره‌ای انسانی معمولی را بکار می‌برد.

ج- من معتقدم کتاب‌مقدس پیام و هدف واحدی را دنبال می‌کند. با آنکه بخش‌های مشکل و پیچیده را شامل می‌شود، اما در خود تناقض ندارد. بنابراین، بهترین مفسر کتاب‌مقدس خود کتاب‌مقدس است.

د- من معتقدم هر بخش (به استثنای نبوتها) بر اساس انگیزه مولف تحت الهام اولیه، تنها و تنها یک معنا دارد. گرچه هرغز نمی‌توانیم کاملا مطمین باشیم که انگیزه مولف اولیه را می‌دانیم، اما شاخص‌های زیادی ما را به آن جهت هدایت می‌کنند:

۱. سبک ادبی (ژانره) که برای بیان پیام انتخاب شده

۲. زمینه تاریخی یا موقعیت ویژه‌ای که نوشته از آن استنتاج شده

۳. زمینه ادبی کل کتاب و نیز هر واحد ادبی

۴. طرح متن (رئوس مطالب) واحدهای ادبی و ارتباط آنها با پیام کلی

۵. جنبه‌های دستوری خاص بکار رفته برای بیان پیام

۶. لغات انتخاب شده برای ارائه پیام

۷. بخش‌های موازی

مطالعه هر کدام از این موارد موضوع مطالعه هر بخش از کتاب خواهد شد. قبل از آنکه راهکار خود برای مطالعه درست کتاب‌مقدس را شرح دهم، بگذارید برخی روشهای نامناسبی را که امروزه بکار برده می‌شوند مشخص کنم. این روش‌ها باعث تنوع وسیع تفسیرها شده و در نتیجه باید از آنها اجتناب کرد:

۲) روشهای نامناسب

الف) نادیدن گرفتن زمینه ادبی کتب کتاب‌مقدس و بکار بردن هر جمله، عبارت و حتی کلمه مستقل به عنوان بیانیه حقیقتی که هیچ ارتباطی هدف مورد نظر مولف و یا مفهوم وسیعتر ندارد. اغلب به این 'متن-محوری' می‌گویند.

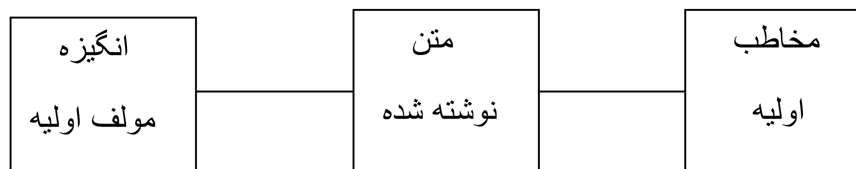
ب) نادیده گرفتن زمینه تاریخی کتب با جایگزین کردن یک چارچوب تاریخی فرضی که خود متن آنرا بطور جزئی یا اصلا تایید نمی‌کند.

ج) نادیده گرفتن زمینه تاریخی کتب و خواندن آنها همانند روزنامه محلی صبح که عمدتا برای مسیحیان امروزی نوشته شده است.

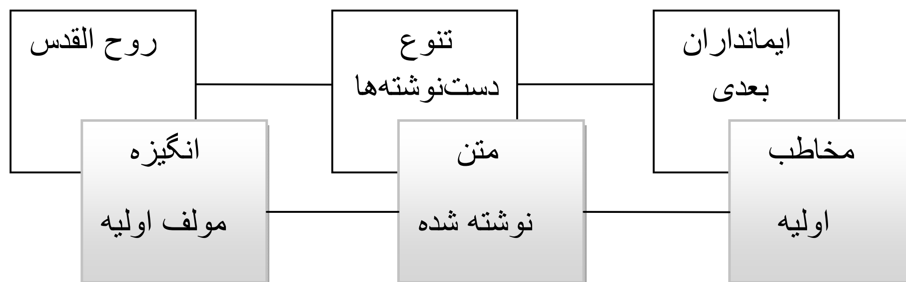
د) نادیده گرفتن زمینه تاریخی کتب با تغییر دادن متن به پیامی فلسفی و الهیاتی که هیچ ارتباطی با شنونده اولیه و انگیزه مولف اولیه ندارد.

ه) نادیده گرفتن پیام اولیه از طریق جایگزین کردن سیستم الهیاتی شخصی، عقاید داخلی یا امور امروزی که هیچ ربطی به هدف نویسنده اولیه یا پیام بیان شده ندارد. این پدیده اغلب خواندن اولیه کتاب‌مقدس را به دنبال دارد که به عنوان ابزاری برای تثبیت اقتدار گوینده بکار می‌رود. به این عموما 'پاسخ خواننده' می‌گویند (متن برای من چه معنایی دارد-تفسیر).

در همه محاوره‌های انسانی مکتوب حداقل سه جز مرتبط را می‌توان یافت.



در گذشته تکنیکهای متفاوت قرایت بر روی یکی از این سه جز متمرکز بودند. اما برای آنکه الهام منحصربفرد کتاب‌مقدس بدرستی و با قاطعیت مشخص شود، دیاگرام اصلاح شده مناسبتر است.



در حقیقت در فرآیند تفسیر هر سه جز باید منظور شوند. از لحاظ تحقیقی، تفسیر من بر دو جز اول متمرکز شده است: مولف اولیه و متن. احتمال من نسبت به استفاده‌های نادرستی که شاهدشان بوده‌ام واکنش نشان می‌دهم: (۱) تمثیلی و روحانی کردن متن، (۲) تفسیر 'پاسخ خواننده' (برای من چه مفهومی دارد). استفاده نادرست ممکن است در هر مرحله‌ای اتفاق بیفتد. لازم است مدام انگیزه‌ها، تعصبات، تکنیکهای و کاربردهای خود را چک کنیم. اما اگر حد و مرزی برای تفسیر، محدوده‌ها و معیارهایی وجود نداشته باشد، چطور می‌توان خود را چک کرد؟ اینجا جایی است که انگیزه نویسنده و ساختار متن معیارهایی را برای محدود کردن حوزه تفسیرهای معتبر و ممکن برایم فراهم می‌کنند.

با توجه به این تکنیک‌های قرایت نامناسب، کدام راهیافتها قرایت درست کتاب‌مقدس و دستیابی به تفسیر با درجه مناسبی از یکدستی و صحت را ممکن می‌کنند؟

۳) رهیافت‌های ممکن برای قرایت درست کتاب‌مقدس

در این مقطع در مورد تکنیک‌های منحصربفرد تفسیر یک سبک ادبی (ژانره) خاص بحث نمی‌کنم، بلکه اصول عمومی علم تفسیر را مطرح می‌کنم که برای همه نوع متون کتاب‌مقدسی اعتبار دارند. یکی از کتاب‌های خوب در مورد رهیافت‌های تفسیری مختص هر ژانره، کتاب 'چگونه کتاب‌مقدس را به بهترین نحو بخوانیم' است که توسط گوردن فی و داگلاس استوارت نوشته شده و زوندروان آن را چاپ کرده است.

راهکار من که ابتدایا بر خواننده متمرکز است به روح‌القدس اجازه می‌دهد که از طریق چهار دایره قرایت شخصی کتاب‌مقدس را روشن کند. این روش روح‌القدس، متن و خواننده را در جایگاه نخست قرار می‌دهد، نه جایگاه دوم. خواننده را نیز از اینکه بی‌مورد تحت تاثیر مفسر قرار گیرد، محافظت می‌کند. شنیده‌ام که گفته‌اند: "کتاب‌مقدس نور زیادی بر تفسیرها می‌افکند". هدف از این اظهار نظر بی ارزش کردن وسایل کمک آموزشی نیست، بلکه در واقع درخواستی است برای اینکه از آنها در موقع مناسب استفاده شود.

باید بتوانیم تفسیرهای خود را با استفاده از خود متن تایید کنیم. پنج ناحیه حداقل تصدیق محدودی را فراهم می‌کنند:

۱) الف .محیط تاریخی و

ب. زمینه ادبی خواننده اولیه.

۲) انتخاب‌های نویسنده اولیه از لحاظ

الف. ساختار دستور زبانی

ب. کاربرد اثر در آن زمان

ج. سبک ادبی (ژانره)

۳) درک ما از بخش‌های موازی مناسب و مرتبط

باید بتوانیم دلایل و منطقی را ارایه دهیم که تفسیر بر آن بنا شده است. کتاب مقدس تنها منبع ایمان و اعمال ماست. متاسفانه، مسیحیان اغلب در مورد آنچه این کتاب تعلیم می‌دهد و یا تایید می‌کند، با هم اختلاف نظر دارند. وقتی ادعا می‌کنیم که کتاب‌مقدس الهامی است، در حالیکه خود مسیحیان قادر نیستند در مورد تعالیم و مستلزمات آن با هم توافق کنند، گویی خود را شکست داده‌ایم.

چهار دایره قرایت طراحی شده‌اند تا نگرش‌های تفسیری زیر را فراهم آورند:

الف) دایره قرایت اول

۱. کل کتاب را یکجا بخوانید. دوباره آنرا از ترجمه دیگری که از یکی تئوری‌های ترجمه متفاوت ذیل تبعیت می‌کند، قرایت کنید:

- ترجمه کلمه به کلمه (ان. ک. ج. وی، ان. آ. اس. بی، ان. آر. اس. وی)
- معادل پویا (تی. ای. وی، جی.بی)
- تفسیری (ال. بی، کتاب‌مقدس مبسوط)

۲. سعی کنید هدف مرکزی کل نوشته را بیابید. موضوع کلی آنرا شناسایی کنید.

۳. (در صورت امکان) واحد ادبی، باب، پاراگراف یا جمله‌ای که این این موضوع کلی یا هدف مرکزی را بیان می‌کند جدا کنید.

۴. سبک ادبی غالب را شناسایی کنید.

الف) عهد عتیق

(۱) داستانسرایی عبری

(۲) شعر عبری (ادبیات حکیمانه، مزمور)

(۳) نبوت عبری (نثر، شعر)

(۴) دستورات شریعت

ب) عهد جدید

(۱) داستانسرایی (اناجیل، اعمال رسولان)

(۲) مثل‌ها (اناجیل)

(۳) نامه‌ها / رسالات

(۴) ادبیات مکاشفه‌ای

ب) دایره قرایت دوم

۱. دوباره کل کتاب را خوانده، بکوشید مطالب و موضوعات مهم را شناسایی کنید.

۲. طرح کلی موضوعات عمده را ترسیم و مختصرا محتویات آنها را در جمله‌های کوتاه بیان کنید.

۳. نوشته خود را در مورد هدف و طرح کلی با منابع کمک آموزشی مقایسه منید.

ج) دایره قرایت سوم

۱. مجددا کل کتاب را بخوانید و اینبار با استفاده از خود کتاب شرایط تاریخی و موقعیت خاص نگارش آنرا شناسایی کنید.

۲. موارد تاریخی را که در کتاب ذکر شده‌اند یادداشت کنید:

- مولف
- تاریخ
- مخاطبان
- دلیل خاص نگارش
- جنبه‌هایی از شرایط فرهنگی که با هدف نگارش مرتبط هستند
- اشارات به افراد و وقایع تاریخی

۳. برای آن بخش از کتاب‌مقدس که قصد تفسیرش را دارید، طرح کلی خود را تا سطح پاراگراف بسط دهید. همیشه واحد ادبی را شناسایی و در طرح کلی نشان دهید. این ممکن است چندین پاراگراف یا باب را شامل شود. این روش باعث می‌شود بتوانید منطق مولف اولیه و الگوی متن را دنبال کنید.

۴. شرایط تاریخی خود را با استفاده از منابع کمک آموزشی چک کنید.

د) دایره قرایت چهارم

۱. با استفاده از ترجمه‌های مختلف واحد ادبی خاص را دوباره بخوانید.

- ترجمه کلمه به کلمه (ان. کـ. ج. وی، ان. آ. اس. بی، ان. آر. اس. وی)
- معادل پویا (تی. ای. وی، جی.بی)
- تفسیری (ال. بی، کتاب‌مقدس مبسوط)

۲. ساختارهای ادبی یا دستوری را بیابید

الف) عبارات تکراری، افسسیان ۱: ۶، ۱۲ و ۱۳

ب) ساختارهای دستوری تکراری، رومیان ۸: ۱۳

ج) مفاهیم مقایسه‌ای،

۳. موارد زیر را فهرست کنید

الف) واژه‌های مهم

ب) واژه‌های غیرمعمول

ج) ساختارهای دستوری مهم

د) کلمات، شبه جمله‌ها و جمله‌های خیلی دشوار

۴. بخشهای موازی مرتبط را بیابید

الف) با استفاده از موارد زیر واضح‌ترین بخش تعلیمی کتاب در مورد موضوع مورد بحث را پیدا کنید

- کتاب‌های الهیات سیستماتیک
- کتاب‌های مقدس مرجع
- کتاب‌های راهنمای مطالب و موضوعات

ب) در محدوده موضوع مورد نظر خود به دنبال زوج‌های ظاهرا متناقض احتمالی بگردید. بسیاری از حقایق کتاب‌مقدس به صورت زوجهای مناظره‌ای ارائه می‌شوند؛ بسیاری از جدالهای فرقه‌ای از تاکید بیش از حد تنها بر نیمی از یک استدلال کتاب‌مقدسی نشات می‌گیرند. تمام کتاب مقدس الهامی است، پس برای حفظ توازن در بهره بردن از آن جهت تهیه تفسیر خود، باید پیام کامل آن را جستجو کنیم.

ج) در کتاب واحد، مولف واحد و سبک ادبی واحد بدنبال موارد موازی بگردید؛ کتاب‌مقدس خود بهترین مفسر خود است زیرا تنها یک مولف دارد، روح‌القدس.

د) کلمات، شبه جمله‌ها و جمله‌های خیلی دشوار

۵. با استفاده از منابع کمک آموزشی مشاهدات خود در مورد محیط و موقعیت تاریخی را چک کنید

الف) کتاب‌مقدس‌ها را مطالعه کنید

ب) دایره‌المعارف کتاب مقدس، دست‌نوشته‌ها و فرهنگ‌ها

ج) مقدمات بر کتاب‌مقدس

د) تفاسیر کتاب‌مقدس (در این مرحله از مطالعه خود، اجازه دهید ایمانداران، چه گذشته و چه حال، به مطالعه شخصی شما کمک و آنرا تصحیح کنند.)

۴) کاربرد تفسیر کتاب‌مقدس

در این مرحله به کاربرد می‌پردازیم. شما برای درک متن در محیط اولیه آن وقت صرف کرده‌اید؛ حال باید آن را به زندگی و فرهنگ خود ربط دهید. من اقتدار کتاب‌مقدس را اینگونه تعریف می‌کنم: "درک آنچه نویسنده به دوره خودش می‌گفت و بکار برده آن حقیقیت برای این دوره."

کاربرد باید هم از لحاظ زمان و هم استدلال تفسیر نیت مولف اولیه را دنبال کند. ما تنها زمانی می‌توانیم بخشی از کتاب‌مقدس را در دوره خود بکار بریم که بدانیم آن بخش به دوره خود چه می‌گفت. هیچ بخشی از کتاب نباید معنایی را ارائه دهد که هرگز قرار نبود ارائه دهد.

طرح کلی شما، همراه با جزئیات در سطح پاراگراف (دایره قرایت شماره ۳)، راهنمایتان خواهد بود. کاربرد باید در سطح پاراگراف باشد، نه کلمه. کلمات، شبه جمله‌ها و جملات تنها در متن معنی پیدا می‌کنند. تنها شخص تحت الهام درگیر در فرآیند تفسیر مولف اولیه است. ما فقط به کمک روشنگری روح‌القدس مسیر او را دنبال می‌کنیم. اما روشنگری به معنای الهام نیست. برای گفتن "پس خداوند فرمود" باید به انگیزه مولف اولیه وفادار بمانیم. کاربرد بویژه باید به هدف عمومی کل نوشته، واحد ادبی خاص و پیشرفت بحث در سطح پاراگراف مرتبط باشد.

اجازه ندهید موضوعات روز ما کتاب‌مقدس را تفسیر کنند، بگذارید کتاب‌مقدس سخن بگوید. شاید لازمه این استخراج اصول از متن باشد. این در صورتی معتبر است که کتاب اصلی را تقویت کند. متاسفانه، در بیشتر موارد اصول ما تنها اصول "ما" هستند، نه اصول متن.

هنگام بکار بردن کتان مقدس، مهم است که بیاد داشته باشیم (به استثنای نبوت) برای متنی بخصوص از کتاب تنها و تنها یک معنی اعتبار دارد. آن معنا مرتبط است با نیت نویسنده اولیه که به بحران یا نیازی در دوره خودش پرداخته بود. از این معنای واحد کاربردهای احتمالی زیادی را ممکن است بتوان استخراج کرد. کاربرد بر مبنای نیاز مخاطب خواهد بود، اما لازم است که به نیت مولف اولیه ربط داشته باشد.

۵) جنبه روحانی تفسیر

تا اینجا فرآیند منطقی و متنی دخیل در تفسیر و کاربرد را توضیح دادم. حال میخواهم مختصرا جنبه روحانی تفسیر را مورد بحث قرار دهم. من فهرست زیر را مفید یافتم:

الف) برای دریافت کمک از طرف روح القدس دعا کنید (۱ قرنتیان ۱: ۲۶ تا ۲: ۱۶)

ب) برای بخشیده و پاک شدن خود از گناهان شناخته شده دعا کنید (۱ یوحنا ۱: ۹)

ج) برای اشتیاق بیشتر جهت شناخت خدا دعا کنید (مزامیر ۱۹: ۷-۱۴؛ ۴۲؛ ۱۱۹)

د) هر درک جدیدی را فورا در زندگی خود بکار ببرید

ه) فروتنی و تعلیم پذیری خود را حفظ کنید

حفظ تعادل بین فرآیند منطقی و هدایت روحانی روح القدس کار دشواری است. نقل قول زیر به من در حفظ این تعادل کمک کرده اند:

الف) جیمز دبلیو سایر، متون مقدس پیچیده، صفحات ۱۷-۱۸:

"اشراق به ذهن قوم خدا خطور میکند- نه فقط به نخبگان روحانی. در مسیحیت کتاب مقدس طبقه مغز متفکر، روشن ضمیر، یا دسته خاصی که تنها حق تفسیرداشته باشند، وجود ندارد. پس، با آنکه روح القدس هدایای مخصوص برای حکمت، معرفت و بصیرت روحانی را عطا میکند، اما چنین افراد صاحب استعدادی را به عنوان تنها مفسرین صاحب اختیار کلام خود منصوب نمیکند. وظیفه تمامی ایمانداران است که ، فرا بگیرند، قضاوت کنند و تشخیص دهند. برای این منظورمرجع آنها کتاب مقدس است که حتی برای آنهایی که توانایی های خدادادی خاص دارند نیز ملاک عمل است. خلاصه کلام اینکه، فرضیه ای که من در سراسر کتاب ارائه میدهم این است که کتاب مقدس مکاشفه حقیقی خداست برای همه انسانها، ملاک غایی ماست برای تمام موضوعاتی کج در موردشان صحبت می کنیم، و سری کلی نیست بلکه برای مردم عادی از هر فرهنگی قابل درک است."

ب) در مورد کیرکه گارد، از برنارد رام، تفسیر کتاب مقدس پروتستان، صفحه ۷۵:

به نظر کیرکه گارد مطالعه دستوری، واژه ای و تاریخی کتاب مقدس ضروری اما تنها مقدمه خواندن صحیح آن است. برای قرایت کتاب مقدس به عنون کلام خدا، شخص باید با اشتیاق وافر، توجه عمیق و توقع مشتاقانه و در گفتگو با خدا آن را بخواند. خواندن بی ملاحظه یا بی دقت یا علمی و حرفه ای، خواندن کتاب مقدس به عنوان کلام خدا نیست. هنگامی که شخص آنرا مانند نامه ای عاشقانه میخواند، تنها آن موقع است که آنرا به عنوان کلام خدا می خواند.

ج) اچ. اچ. راولی در کتاب موضوعیت کتاب مقدس، صفحه ۱۹:

هیچ درک هوشمندانه منحصر به فردی از کتاب مقدس، ولو کامل، نمی تواند همه گنجینه های آن را دربر داشته باشد. کتاب مقدس چنین درکی را خوار نمی شمارد، زیرا پیش نیاز درک کامل است. اما برای کامل بودن باید منجر به درکی روحانی از گنجینه های روحانی این کتاب شود. و برای چنان درک روحانی، چیزی فراتر از هوشیاری خردمندانه لازم است. امور روحانی ازطریق روحانی تمیز داده می شوند و دانشجویان کتاب مقدس، اگر میخواهند از مرحله مطالعه علمی فراتر رفته به میراث غنی این کتاب که از هر کتابی عظیمتر است برسند، نیازمند قدرت دریافت روحانی و اشتیاق برای یافتن خدایی هستند که باید خود را تسلیم او کنند.

۶) روش کار این کتاب تفسیر

کتاب تفسیر راهنمای مطالعه طراحی شده تا به طرق زیر به دستور العمل های تفسیری شما کمک کند:

الف) طرح کلی تاریخی مختصر هر کتاب را معرفی میکند. بعد از انجام دایره قرایت ۳ این اطلاعات را مرور کنید.

ب) برداشتهای ناشی از بررسی متن در ابتدای هر پاراگراف یافت می شوند. این به شما کمک میکند ساختاربندی واحد ادبی را ببینید.

ج) در ابتدای هر باب یا واحد ادبی بزرگ، تقسیم بندی پاراگرافها و عنوانهای توصیفی مربوط به آنها از ترجمه های متعدد امروزی ارائه می شود:

۱- متن یونانی انجمن متحد کتاب مقدس، چاپ چهارم بازنگری شده (یو بی اس)

۲. کتاب مقدس جدید امریکایی، بروز شده در سال ۱۹۹۵

۳. نسخه جدید کینگ جیمز (ان کی ج وی)

۴. نسخه جدید استاندارد بازنگری شده (ان آر اس وی)

۵. نسخه انگلیسی امروز (تی ای وی)

۶. کتاب مقدس اورشلیم (ج بی)

تقسیم بندی پاراگرافها الهامی نیست. باید آنها را بر اساس زمینه متن تعیین کرد. با مقایسه ترجمه های متعدد امروزی که از لحاظ تئوری ترجمه و دیدگاه الهیاتی با هم فرق دارند، قادر خواهیم بود ساختار فکری نویسنده اولیه را مورد تجزیه تحلیل قرار دهیم. هر پاراگراف یک حقیقت عمده را دربر میگیرد. اینها را میتوان 'جمله موضوعی' یا 'تفکر مرکزی متن' نامید. این تفکر انسجام بخش کلید تفسیر تاریخی و دستوری مناسب است. هرگز نباید کمتر از یک پاراگراف را تفسیر، موعظه یا تعلیم داد. همچنین به یاد داشته باشید که هر پاراگرافی با پاراگرافی اطرافش مرتبط است. به همین دلیل است که طرح کلی پاراگرافهای کل کتاب از اهمیت زیادی برخوردار است. باید بتوانیم جریان منطقی موضوع مورد بررسی توسط مولف اولیه را دنبال کنیم.

د) یادداشتهای باب از رهیافت تفسیر آیه به آیه پیروی میکند. این ما را مجبور میکند تفکر نویسنده اولیه را دنبال کنیم. یادداشتها از جنبه های متعددی اطلاعات ارائه می دهد:

۱. زمینه ادبی متن

۲. برداشتهای تاریخی، فرهنگی

۳. اطلاعات دستوری

۴. مطالعات لغوی

۵. بخش های موازی مرتبط

ه) در مقاطع خاصی از این تفسیر تحقیقی، متن چاپی نسخه استاندارد جدید امریکایی (ان آ او وی) با استفاده از ترجمه نسخه های امروزی متعدد دیگری تکمیل میشود:

۱. نسخه جدید کینگ جیمز (ان ک ج وی)، که از دست نوشته های متنی کتاب مقدس 'متن دریافتی' (تکستوس رسپتوس) پیروی میکند.

۲. نسخه جدید استاندارد بازنگری شده (ان آر اس وی)، که بازنگری کلمه به کلمه ای است که شورای ملی کلیساها از نسخه استاندارد بازنگری شده، انجام داده است.

۳. نسخه انگلیسی امروز (تی ای وی)، که معادل پویایی است از ترجمه ای که توسط انجمن متحد کتاب مقدس انجام شد.

۴. کتاب مقدس اورشلیم (ج بی)، که ترجمه انگلیسی است از یک ترجمه فرانسوی کاتولیک معادل پویا.

و) برای کسانی که قادر به خواندن یونانی نیستند، مقایسه ترجمه های انگلیسی میتواند به شناسایی مشکلات در متن کمک کند:

۱. تنوع دست نوشته ها

۲. معانی گوناگون کلمات

۳. متونی و ساختارهایی که از که لحاظ دستور مشکل هستند

۴. متون مبهم

گرچه ترجمه های انگلیسی قادر به حل این مشکلات نیستند، ولی آنها را به عنوان مواردی جهت مطالعه عمیقتر و کاملتر مورد هدفگیری قرار میدهند.

ز) در پایان هر باب سوالات توضیحی مربوطه ارائه میشود که تلاش دارند معظلات تفسیری مربوط به آن باب را نشانه روند.

مقدمه ای بر رسالات شبانی

۱ و ۲ تیموتائوس و تیطوس

بیانیه افتتاحی

الف) موقعیت جعرافیایی ذکر شده در ۱ و ۲ تیموتائوس و تیطوس در ترتیب زمانی اعمال رسولان یا سایر رسالات پولس جا نمی گیرد.

۱. دیدار از افسس (۱ تیموتائوس ۱: ۳)
۲. دیدار از تروآس (۲ تیموتائوس ۴: ۱۳)
۳. دیدار از میلیتوس (۲ تیموتائوس ۴: ۲۰)
۴. ماموریت در کریت (تیطوس ۱: ۵)
۵. ماموریت در اسپانیا (کلمنت روم، ۹۵ بعد از میلاد و مقدمه بر مصوبه موراتوریان ۲۵۰-۱۸۰ میلادی)

بنابراین تصور من این است که پولس از زندان آزاد شد (اوایل تا اواسط دهه ۶۰ که در ۱ کلمنت ۵ نوشته شده در حدود سال ۹۵ بعد از میلاد ثبت شده است) و سفر بشارتی چهارمی را آغاز کرد، سپس دوباره دستگیر و قبل از سال ۶۸ میلادی (خودکشی نرون) کشته شد.

ب) هدف از نگارش این رسالات عموما اداری در نظر گرفته شده است (سازماندهی کلیسا). با اینحال، در تفسیر تحقیقی بین المللی جدید کتاب مقدس، جلد ۱۳ که مربوط است به ۱ و ۲ تیموتائوس و تیطوس، گوردون فی مرا متقاعد می کند که علت نگارش رسالات تعلیم غلطی بود که در کلیساهای خانگی افسس (۱ تیموتائوس) و جزیره کریت (تیطوس) پدیدار شده بود.

ج) از برخی جنبه ها رسالات شبانی الگوی مدیریتی را بنا می نهند که مشابه است با دستورالعمل انضباتی اسن‌ها. با توجه به انحراف زودهنگام و فراگیر از تعالیم و روش رسولان این راهبردها بسیار ضروری بودند.

د) شباهت بین رسالات شبانی و سبک نگارش اعمال رسولان و انجیل لوقا شاید به این دلیل باشد که پولس از او به عنوان کاتب کمک گرفت (سی اف سی موول، *مشکل رسالات شبانی*، یک ارزیابی تازه). سی جی ویلسون در کتاب *لوقا و رسالات شبانی* ثابت کرده است که این سه کتاب احتمالا تلاش لوقا بوده اند برای نگارش جلد سومی که جنبش انجیل را فراتر از روم ترسیم کند.

ه) چرا این سه کتاب با هم در نظر گرفته میشوند؟ آیا ممکن است که آنها با زمان، مکان یا موضوعات مجزایی سروکار داشته باشند؟ تنها ۱ تیموتائوس و تیطوس به سازماندهی کلیسا می پردازند. در واقع علت عبارت است از: (۱) سبک نگارش، (۲) معلمین کاذبی که ظاهرا این سه کتاب را متحد می سازند و (۳) این حقیقت که آنها در ترتیب زمانی اعمال رسولان (اگر با هم در نظر گرفت شوند) نمی گنجند.

مولف

الف) خود رسالات مدعی هستند که آنها را پولس (۱ تیموتائوس ۱: ۱؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۱ و تیطوس ۱: ۱) به ترتیب به دو نماینده اش، تیموتائوس و تیطوس نوشت.

ب) بحث بر روی مسئله مولف رسالات شبانی در قرون ۱۹ و ۲۰ آغاز شد. عدم پذیرش پولس به عنون مولف عموما بر اساس یکی از موارد زیر است:

۱) سازماندهی تثبیت شده کلیسا (تعیین صلاحیت رهبران)
۲) فلسفه عرفانی-روحانی تثبیت شده (ثبت شده در قرن دوم)
۳) الهیات تثبیت شده (بیانی های عقیدتی)
۴) تغییر در دایره لغت و سبک (یک سوم واژه ها در سایر رسالات پولس بکار برده نشده اند)

ج) این تفاوتها را میتوان توجیه کرد:

۱) اینها آخرین نوشته های پولس هستند، احتمالا از لوقا به عنوان نگارنده کمک گرفته است

۲) دایره لغت و سبک به علت نگارش بستگی دارد
۳) فلسفه عرفانی-روحانی بسطی بود از تفکر یهودی قرن اول (طومارهای دریای مرده)
۴) پولس الهیات دان فوق العاده و نویسنده ای خلاق با دایره لغتی وسیع بود
د) درک رو به رشدی از سوابق تاریخی وجود دارد:
۱) استفاده پولس از کاتب مسیحی حرفه ای (در اینجا، احتمالا لوقا، ۲ تیموتائوس ۴: ۱۱)
۲) استفاده پولس از دیگران به عنوان مولفان همکار (یعنی بخشی از تیم خدمتی اش)
۳) استفاده پولس از نقل قولهای عبادت و پرستشی (خلاصه خوبی را میتوان در *کتاب لغت پولس و رسالاتش* صفحه ۶۶۴، یافت که توسط هات هورن و مارتین تدوین و بوسیله آی وی پی چاپ شد)
این ایده که بخشی از رسالات شبانی نقل قولی است از سایر منابع، کمک میکند که بتوانیم تعداد هاپکس لیگومنا (لغاتی که تنها در زمان عهد جدید رایج بودند)، اصطلاحات غیر پولسی، و کاربرد منحصر بفرد واژه های پولسی را توجیه کنیم.

الف) عبارات تسبیحی (۱ تیموتائوس ۱: ۱۷؛ ۶: ۱۷-۱۶)
ب) فهرست گناهان (۱ تیموتائوس ۱: ۱۰-۹)
ج) رفتار مناسب زنان (۱ تیموتائوس ۲: ۹ تا ۳: ۱)
د) تعیین صلاحیت خادمان (۱ تیموتائوس ۱: ۱۳-۱)
ه) اعترافات پرستشی (۱ تیموتائوس ۲: ۶-۵؛ ۳: ۱۶، ۲ تیموتائوس ۱: ۱۰-۹، تیطوس ۳: ۷-۳)
و) سرودهای پرستشی (۱ تیموتائوس ۶: ۱۲-۱۱، ۱۶-۱۵؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۱۳-۱۱؛ تیطوس ۲: ۱۴-۱۱)
ز) تفسیر کتاب مقدس یهودی عید عتیق (۱ تیموتائوس ۱: ۱۰-۹، ۲: ۹ تا ۳: ۱، ۵: ۱۸-۱۷؛ ۲ تیموتائوس ۲: -۱۹ ۲۱: تیطوس ۳: ۷-۳)
ح) فرمولها

(۱) "وفادار واژه مورد نظر است" (۱ تیموتائوس ۱: ۱۵؛ ۲: ۹ تا ۳: ۱؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۱۳-۱۱؛ تیطوس ۳: ۸-۳)
(۲) "دانستن اینکه" (۱ تیموتائوس ۱: ۱۰۲-۹؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۵-۱)
(۳) "این چیزها" (۱ تیموتائوس ۴: ۶ و؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۱۴؛ تیطوس ۱: ۱۶-۱۵؛ ۲: ۱)
ط) نقل قول از شاعران یونانی (تیطوس ۱: ۱۲ [علم منطق و یا کلام])

ه) جای تعجب است که یک به اصطلاح پولس شناس قرن دوم چنان جزئیات دقیقی از جمله نام افراد را ذکر کند (هیمینائوس ۱ تیموتائوس ۱: ۲۰؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۱۷؛ اسکندر، ۱ تیموتائوس ۱: ۲۰ و زیناس، تیطوس ۳: ۱۳) و وقایع (بیماری تروفیموس در میتیلوس، ۲ تیموتائوس ۴: ۲۰؛ یا نقش زن بیوه، ۱ تیموتائوس ۵: ۹) که هیچ جای دیگر در نوشته های پولس به آنها اشاره نشده است. این موارد با فرض ساختگی بودن نام در نگارش سازگاری ندارد.

مقاله خوبی در زمینه ساختگی بودن نامها در رسالات عهد جدید توسط کارسون. موو و موریس تحت عنوان مقدمه ای بر عهد جدید صفحات ۳۷۱-۳۶۷ چاپ شده است.

زمان

الف) اگر این حقیقت داشته باشد که پولس از زندان آزاد شد (بعد از پایان کتاب اعمال رسولان، احتمالا ۶۱-۵۹ میلادی)، آیا روایت های اولیه ای از فعالیتهای پس از زندان او وجود دارد (مثلا موعظه در اسپانیا، رومیان ۱۵: ۲۴ و ۲۸)؟
۱. رسالات شبانی (۲ تیموتائوس ۴: ۱۰)
۲. ۱ کلمنت ۵
الف) پولس در شرق و غرب موعظه کرد (یعنی در اسپانیا)
ب) پولس در زمان "رئیسان" کشته شد (تیگلینوس و سابینوس که در سال آخر زمامداری نرون، ۶۸ میلادی، ایفای نقش میکردند)
۳. مقدمه ای بر مقطع موراتوریان (فهرستی از کتب مصوبات از روم در حدود ۲۵۰-۱۸۰ میلادی)
۴. تاریخ جامعه ۲: ۲۲: ۸-۱ اثر یوسیبوس بیان میکند که پولس از زندان رومیان آزاد شد.

ب) به نظر میرسد که ۱ تیموتائوس و تیطوس در زمانی نزدیک به هم و قبل از دستگیری دوباره پولس نوشته شدند. ۲ تیموتائوس آخرین تالیف و خداحافظی پولس است از زندان.

ج) ترتیب زمانی احتمالی نوشته های پولس بر اساس اف اف بوروس و موری هریس با تغییراتی جزیی:

کتاب	تاریخ	محل نگارش	ارتباط با اعمال رسولان
۱. غلاطیان	۴۸	انطاکیه ترکیه	۱۴: ۲۸، ۱۵: ۲
۲. اول تسالونیکیان	۵۰	قرنتس	۱۸: ۱۵
۳. دوم تسالونیکیان	۵۰	قرنتس	
۴. اول قرنتیان	۵۴	افسس	۱۹: ۲۰
۵. دوم قرنتیان	۵۶	مقدونیه	۲۰: ۲
۶. رومیان	۵۷	قرنتس	۲۰: ۳
۷-۱۰. رسالات زندان			
کولسیان	اوایل دهه ۶۰ میلادی	روم	
افسسیان	اوایل دهه ۶۰ میلادی	روم	
فلیمون	اوایل دهه ۶۰ میلادی	روم	
فیلیپیان	اوایل ۶۳-۶۲	روم	
۱۱-۱۳. سفر بشارتی چهارم			
۱ تیموتائوس	۶۳ (یا بعد از	مقدونیه	
تیطوس	۶۳ آن ولی	افسس (؟)	
۲ تیموتائوس	۶۴ قبل از ۶۸)	روم	

مخاطبان

الف) عنوان رسالات شبانی از تفسیر تحقیقی دی ان بردات که در سال ۱۷۰۳ نوشته شد، می آید. این تفسیر از ویژگی و محتوای منحصربفرد این کتب میگوید. اما، تیموتائوس و تیطوس شبان نیستند، بلکه نمایندگان رسولان هستند.

ب) این رسالات در فرم ادبی نامه به همکاران پولس یعنی تیموتائوس و تیطوس، خطاب به کلیساها نوشته شدند. پولس وقتی به تیم رهبریش مینویسد کل اعضاء کلیسا را مخاطب قرار میدهد. اشارات زیرنشانگر گسترده بودن مخاطبان پولس است:

۱) مقدمه های رسمی که رسالت پولس را ذکر میکنند

۲) "شما" در فرم جمع در بخش انتهایی هر سه نامه

۳) دفاع پولس از دعوت خود (۱ تیموتائوس ۲: ۷)

۴) نوشته پولس خطاب به تیموتائوس در مورد مسایلی که او بخاطر زمانی که با پولس گذرانده بود از قبل از آنها اطلاع داشت (۱ تیموتائوس ۳: ۱۵)

موقعیت و هدف از نگارش

الف) هدف اصلی پولس مبارزه با بدعت های نوظهور بود (۱ تیموتائوس ۱: ۳). بدعت خاص ممکن است ترکیبی از گرایشهای یهودی و عرفانی باشد (بسیار شبیه معلمان دروغین افسسیان و کولسیان). احتمالا دو گروه مجزا وجود داشت.

ب) عهد عتیق راهبردهای روشنی را برای سازماندهی جماعت ایمانداران ارائه میدهد. عهد جدید دستورالعمل مشخصی برای سازماندهی یا اداره کلیسا ندارد. رسالات شبانی (۱ تیموتائوس، ۲ تیموتائوس و تیطوس) بهترین راهبردهای ممکن عهد جدید هستند.

ج) ۱ تیموتائوس نوشته شد

۱. تا از تیموتائوس درخواست شود در افسس بماند (۱تیموتائوس ۱: ۳)

۲. تا با معلمان دروغین برخورد شود (۱تیموتائوس ۱: ۲۰-۱۹؛ ۴: ۵-۱؛ ۶: ۵-۴، ۲۰، ۲۱)

۳. تا رهبری سازماندهی شود (۱تیموتائوس ۳)

د) تیطوس نیز ماموریت داشت به بدعت و سازماندهی در کریت رسیدگی کند (۱: ۵)

ه) ۲ تیموتائوس زمانی نوشته که پولس در زندان بود و امید ناچیزی برای آزادی داشت (۴: ۶-۸، ۱۸-۱۶)
و) حس قویی از "تعلیم راسخ" (یعنی اصول درست) در سراسر این کتب (۱ تیموتائوس ۱: ۱۰؛ ۴: ۶؛ ۶: ۳، ۲ تیموتائوس ۱: ۱۳؛ ۴: ۳ و تیطوس ۱: ۹؛ ۲: ۱) و "ثبات در ایمان" (۱ تیموتائوس ۱: ۱۳؛ ۲: ۲) وجود دارد. خداوند "تعلیم راسخ" خود را به پولس میسپارد (۱ تیموتائوس ۱: ۱۱)؛ پولس هم آن را به تیموتائوس (۱ تیموتائوس ۶: ۲۰) میسپارد. تیموتائوس نیز به نوبه خود آنرا به مردان امین (۲ تیموتائوس ۲: ۲) به امانت میدهد.

معلمین دروغین

الف) بدلیل عدم دسترسی ما به اطلاعات مربوط به قرن اول، بحث در مورد معلمین دروغین دشوار است. پولس به کسانی می نویسد که ای معلمین دروغین را شخصا می شناختند. بنابراین، در مورد اللهایت آنها مفصلا بحث نمی کند، ولی معمولا روش زندگی و انگیزه های آنها را محکوم میکند (درست مانند یهودا).
ب) مسیله تفسیری اصلی این است که آنها اصالتا اهل کجا بودند:
۱) یهودی
۲) یونانی
۳) ترکیبی از اینها
معلمین دروغین به نظر میرسد که ترکیبی باشند از عناصر یهودی و عرفانی. اما چطور این جنبش های مذهبی کاملا متفاوت در هم آمیختند؟
الف) یهودیت همواره برخی عناصر دوگانه را در خود پذیرفت (طومارهای دریای مرده)
ب) عرفان قرن دوم این موضوعات اللهیاتی/فلسفی مرسوم در خاور نزدیک را توسعه کرد
ج) یهودیت در غربت بسیار گزینشی تر از آن بود که محققین امروزی تصور میکردند
د) سابقه قرن اولی برای بدعت یهودی-عرفانی در کتاب کولسیان وجود دارد
ج) برخی عناصر معلمین دروغین
۱) جنبه های یهودی
الف) معلمین دروغین
(۱) معلمین شریعت (۱ تیموتائوس ۱: ۷)
(۲) طرفداران ختنه (تیطوس ۱: ۱۰)
ب) به معلمین دروغین در مورد افسانه های یهود هشدار داده شد (۱ تیموتائوس ۳: ۹؛ تیطوس ۱: ۱۴)
ج) معلمین دروغین در ارتباط با احکام مربوط به غذا (۱ تیموتائوس ۴: ۵-۱)
د) معلمین دروغین در ارتباط با شجره نامه ها (۱ تیموتائوس ۱: ۴؛ ۴: ۷؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۴؛ تیطوس ۱: ۱۴-۱۵؛ ۳: ۹)
۲) جنبه های عرفانی (موضوع خاص در تیطوس ۱ را ببینید)
الف) ریاضت منع کردن یا مستثنی کردن
(۱) منع ازدواج (۱ تیموتائوس ۲: ۱۵؛ ۴: ۳)
(۲) مستثنی کردن برخی غذاها (۱ تیموتائوس ۴: ۴)
ب) بهره برداری جنسی (۱ تیموتائوس ۴: ۳؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۷-۶؛ تیطوس ۱: ۱۱ و ۱۵)
ج) تاکید بر معلومات (۱ تیموتائوس ۴: ۳-۱؛ ۶: ۲۰)

مطابقت با متون پذیرفته شده

الف) رسالات پولس در یک جلد به نام "رسول" جمع آوری و سپس بین کلیساها توزیع شدند. تنها دست نوشته یونانی رسالات پولس که فاقد ۱ و ۲ تیموتائوس و تیطوس (و نیز ۲ تسالونیکیان و فلیمون) است، دست نوشته پاپیروسی مربوط به حدود ۲۵۰ میلادی است که پی ۴۶ نام دارد (از پاپیروسهای چستر بیتی). حتی این نیز مبتنی بر حدس و گمان است زیرا صفحات زیادی از بخش پایانی دست نوشته مفقود هستند. سایر دست نوشته های یونانی همگی شامل بخشی هستند که بعدها "رسالات شبانی" نامیده شدند.
ب) منابع باستانی که به رسالات شبانی استناد کرده، یا به آنها گریز زده و اشاره دارند
۱) رهبران کلیسای اولیه

الف) برنابای کاذب (۱۳۰-۷۰ میلادی) از ۲ تیموتائوس و تیطوس نقل میکند
ب) کلمنت روم (۹۷-۹۵ میلادی) به ۱ و ۲ تیموتائوس اشاره و تیطوس ۳: ۱ را نقل میکند
ج) پولیکارپ (۱۵۰-۱۱۰ میلادی) به ۱ و ۲ تیموتائوس و تیطوس اشاره میکند
د) هرماس (۱۴۰-۱۱۵ میلادی) از ۱ و ۲ تیموتائوس نقل میکند.
ه) آیرنائوس (۱۳۰- ۲۰۲ میلادی) از ۱ و ۲ تیموتائوس و تیطوس نقل میکند
و) دیوگنتوس (۱۵۰ میلادی) از تیطوس نقل میکند
ز) ترتولیان (۲۲۰-۱۵۰ میلادی) از ۱ و ۲ تیموتائوس و تیطوس نقل میکند
ح) اوریگن (۱۸۵ – ۲۵۴ میلادی) از ۱ و ۲ تیموتائوس و تیطوس نقل میکند

۲) فهرست کتابهای متون پذیرفته شده که رسالات شبانی در آنها وجود دارد
الف) قطعه موراتوریان (از روم در حدود ۲۰۰ میلادی)
ب) باروکوکچیو (۲۰۶ میلادی)
ج) فهرست مربوط به رسولان (۳۰۰ میلادی)
د) فهرست چلتنهام (۳۶۰ میلادی)
ه) نامه آتناسیوس ۳۶۷ میلادی)

۳) نسخه های اولیه که شامل رسالات شبانی هستند
الف) لاتین قدیمی (۱۷۰-۱۵۰ میلادی)
ب) آشوری قدیمی (۲۰۰ میلادی)

۴) شوراهای کلیسایی قدیمی که الهامی بودن رسالات شبانی را تایید کردند
الف) نیقیه (۴۰۰-۳۲۵ میلادی)
ب) هیپو (۳۹۳ میلادی)
ج) کارتهیج (۳۹۷ و ۴۱۹ میلادی)

ج) فرآیند اجماع در بین اجتماعات مسیحی اولیه امپراتوری روم متون پذیرفته شده را شکل داد. بی شک این اجماع تحت تاثیر فشارهای اجتماعی داخلی و خارجی قرار گرفت. شروط اصلی برای مشمول شدن در متون پذیرفته شده به نظر میرسد از این قرار باشد:

۱) ارتباط با یکی از رسولان
۲) پیغام سازگار با نوشته های سایر رسولان
۳) زندگی تغییریافته کسانی که این نوشته ها در دسترس شان قرار می گرفت
۴) پذیرفته شدن رو به رشد در میان فهرست نوشته های مورد قبول این کلیساهای اولیه

د) نیاز به تعیین متون پذیرفته شده به دلایل زیر گسترش یافت:

۱) تاخیر در بازگشت ثانویه
۲) فاصله جغرافیایی بین کلیساها و رسولان
۳) مرگ رسولان
۴) ظهور معلمین دروغین از همان ابتدا
الف) یهودیت
ب) فلسفه یونانی
ج) ترکیبی از عناصر یهودی عرفانی (کولسیان)
د) سایر مذاهب اسطوره ای یونانی-رومی (مانند میترا)
اینها زمانی اتفاق افتاد که انجیل به فرهنگهای مختلف راه یافت.

ه) مسیله مطابقت با متون پذیرفته شده از لحاظ تاریخی با تشخیص مولف ارتباط دارد. کلیساهای اولیه رسالات شبانی را به عنوان نوشته های پولس قبول داشتند. پیش فرض خود من در مورد مطابقت با متون پذیرفته شده این است که روح القدس، نه تنها در نگارش متون مقدس، بلکه در جمع آوری و حفاظت از آنها نقش داشته است. پرسش در مورد اینکه آیا پولس مولف این کتب بود یا نه، (من گمان میکنم) تاثیری در الهامی بودن و پذیرش آنها در متون پذیرفته شده ندارد.

دایره قرایت یک (به صفحه ix مراجعه کنید)

آنچه در دست دارید تحقیق تفسیری است که نقش راهنمای مطالعه را ایفا می‌کند، به این معنای که شما شخصا مسئولیت تفسیرتان از کتاب‌مقدس را بر عهده دارید. ما همگی باید در نوری که داریم قدم برداریم. شما، کتاب‌مقدس و روح‌القدس مقدم بر تفسیر هستید. چنین نقشی را نباید به مفسر محول کنید.

کتاب مورد نظر از کتاب‌مقدس را یک دور کامل و یکجا بخوانید. موضوع کلی کتاب را به کلمات شخصی خود بیان کنید.

۱) موضوع کلی کتاب

۲) نوع ادبیات (ژانره)

دایره قرایت دو (از "راهنمای قرایت صحیح کتاب‌مقدس" صفحه ix)

آنچه در دست دارید تحقیق تفسیری است که نقش راهنمای مطالعه را ایفا می‌کند، به این معنای که شما شخصا مسئولیت تفسیرتان از کتاب‌مقدس را بر عهده دارید. ما همگی باید در نوری که داریم قدم برداریم. شما، کتاب‌مقدس و روح‌القدس مقدم بر تفسیر هستید. چنین نقشی را نباید به مفسر محول کنید.

کتاب مورد نظر از کتاب‌مقدس را یک دور کامل دیگر و یکجا بخوانید. طرح کلی موضوعات اصلی را ترسیم و هر موضوع را در یک جمله بیان کنید.

۱. موضوع واحد ادبی اول

۲. موضوع واحد ادبی دوم

۳. موضوع واحد ادبی سوم

۴. موضوع واحد ادبی چهارم

۵. و الی آخر

اول تیموتائوس ۱

تقسیم بندی پاراگرافها در ترجمه‌های جدید*

ان ج بی	تی ای وی	ان آر اس وی	ان ک ج وی	یو بی اس
مخاطب	مقدمه	سلام و تعارف	سلام	سلام و تعارف
۱: ۱-۲	۱: ۱	۱: ۱	۱: ۱	۱: ۱-۲
	۱: ۲ الف	۱: ۲ الف	۱: ۲ الف	
	۱: ۲ ب	۱: ۲ ب	۱: ۲ ب	
برخورد با معلمین دروغین	هشدار در مورد تعالیم غلط	دفاع از حقیقت	بدون دفاع دیگر	هشدار در مورد اصول عقیدتی غلط
۱: ۳-۷	۱: ۳-۷	۱: ۳-۷	۱: ۳-۱۱	۱: ۳-۷
	۱: ۸-۱۱	۱: ۸-۱۱		۱: ۸-۱۱
سخن پولس در مورد دعوتش	قدردانی از خدا برای رحمتش		جلال بر خدا به خاطر فیضش	شکرگذاری به خاطر رحمت
۱: ۱۲-۱۷	۱: ۱۲-۱۷	۱: ۱۲-۱۷	۱: ۱۲-۱۷	۱: ۱۲-۱۷
مسئولیت تیموتائوس			مبارزه درست	
۱: ۱۸-۲۰	۱: ۱۸-۲۰	۱: ۱۸-۲۰	۱: ۱۸-۲۰	۱: ۱۸-۲۰

دایره قرایت سه (از "راهنمای قرایت صحیح کتاب‌مقدس" صفحه ix)

تبعیت از انگیزه نویسنده اولیه در سطح پاراگراف

آنچه در دست دارید تحقیق تفسیری است که نقش راهنمای مطالعه را ایفا می‌کند، به این معنای که شما شخصا مسئولیت تفسیرتان از کتاب‌مقدس را بر عهده دارید. ما همگی باید در نوری که داریم قدم برداریم. شما، کتاب‌مقدس و روح‌القدس مقدم بر تفسیر هستید. چنین نقشی را نباید به مفسر محول کنید.

باب مورد نظر را یکجا بخوانید. موضوعات را شناسایی کنید. تقسیم‌بندی موضوعی خود را با تقسیم‌بندی پنج ترجمه امروزی مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی الهامی نیست، اما کلیدی است برای دنبال کردن انگیزه مولف اولیه، که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول
۲. پاراگراف دوم
۳. پاراگراف سوم
۴. و الی آخر

گرچه پاراگراف‌بندیها الهامی نیستند، ولی کلیدی هستند برای درک و دنبال کردن انگیزه مولف اولیه، که قلب تفسیر است. همه ترجمه‌های جدید پاراگرافها را تقسیم‌بندی و خلاصه کرده‌اند. هر پاراگراف شامل یک موضوع، حقیقت تا تفکر مرکزی است. هر نسخه آن موضوع را بر اساس روش منتخب خود جمع‌بندی می‌کند. وقتی که متن را می‌خوانید از خود بپرسید کدام ترجمه با درک شما از موضوع و تقسیم‌بندی آیات سازگارتر است.

در هر باب باید ابتدا کتاب‌مقدس را بخوانیم و سعی کنیم موضوعات (پاراگرافهای) آن را شناسایی کنیم، سپس برداشت خود را با ترجمه‌های امروزی مقایسه کنیم. تنها زمانی می‌توانیم کتاب‌مقدس را بدرستی بفهمیم، که انگیزه مولف اولیه را از طریق دنبال کردن منطق و طرز ارائه‌اش است درک کنیم. فقط مولف نخستین تحت الهام بود- خوانندگان حق تغییر یا تعدیل پیام را ندارند. خوانندگان موظفند حقیقت الهامی را در دوره و زندگی خود بکار برند.

توجه داشته باشید که تمامی واژه‌های تخصصی و مخفف‌ها در ضمیمه‌های ۱، ۲ و ۳ بطور کامل توضیح داده خواهند شد.

مطالعه لغت و عبارت

متن ان آ بی اس (بروز شده): ۱: ۱
[1]پولس، رسول مسیح عیسی، مطابق با فرمان خدا نجات‌دهنده ما، و مسیح عیسی که امید ماست،

۱: ۱ **"پولس"** این نامی یونانی است به معنای "ناچیز". بیشتر خانواده‌های یهودیِ در غربت (پولس اهل ترسوس کیلیکیه بود) برای فرزندان خود یک نام یونانی و یک نام یهودی انتخاب می‌کردند. قبل از اعمال ۱۳: ۱۳ او را شائول (طلبیده) می‌نامیدند. این نام اولین پادشاه عبری از قبیله بنیامین بود (مانند پولس، اعمال ۱۳: ۲۱؛ رومیان ۱۱: ۱: فیلیپیان ۳: ۵). در اعمال ۱۳: ۱۳، لوقا ناگهانی و غیرمنتظره "شائول" را به "پولس" تغییر میدهد.

◆ **"رسول"**، این یکی از دو واژه معمول یونانی برای "فرستادن" است. این واژه کاربردهای الهیاتی متعددی دارد.

۱. معلمین یهود از آن برای کسی استفاده می‌کردند که به عنوان نماینده رسمی شخصی فراخوانده و فرستاده شده است، چیزی مانند سفیر در فارسی (۲ قرنتیان ۵: ۲۰)

۲. اناجیل معمولا فرم فعلی آن را برای عیسی بکار می‌برند که از سوی پدر فرستاده شده. در یوحنا این واژه آهنگ مسیحی به خود می‌گیرد (یوحنا ۴: ۳۴: ۵: ۲۴، ۳۰، ۳۶، ۳۷، ۳۸؛ ۶: ۲۹، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۵۷؛ ۷: ۲۹؛ ۸: ۴۲؛ ۱۰: ۳۶؛ ۱۱: ۴۲: ۱۷: ۳، ۸، ۱۸، ۲۱، ۲۳، ۲۵؛ ۲۰: ۲۱).

۳. هنگامی که عیسی ایمانداران را می‌فرستد بکار می‌رود (یوحنا ۱۷: ۱۸؛ ۲۰: ۲۱)

۴. برای نوعی عطای رهبری خاص در عهد جدید بکار میرود (

الف) حلقه دوازده نفره شاگردان اولیه (اعمال رسولان ۱: ۲۲-۲۱)

ب) گروهی خاصی از یاوران و همکاران رسولان

(۱) برنابا (اعمال ۱۴: ۴، ۱۴)

(۲) آندرونیکوس و یونیاس (رومیان ۱۶: ۱۷)

(۳) آپولس (۱ قرنتیان ۴: ۹-۶)

(۴) یعقوب برادر خداوند (غلاطیان ۱: ۱۹)

(۵) سیلوانوس و تیموتائوس (۱ تسالونیکیان ۲: ۶)

(۶) احتمالا تیطوس (۲ قرنتیان ۸: ۲۳)

(۷) احتمالا اپافرودیتوس (فیلیپیان ۲: ۲۵)

ج) عطایی جاری در کلیسا (افسسیان ۴: ۱۱)

۵. پولس در اغلب رسالاتش این عنوان را برای خود بکار می‌برد تا بر اقتداری خدادادیش به عنوان نماینده مسیح تاکید کند (۱ قرنتیان ۱: ۱؛ ۲ قرنتیان ۱: ۱؛ افسسیان ۱: ۱؛ کولسیان ۱: ۱؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۱). حتی در نامه‌های شخصی مانند ۲ تیموتائوس این اختیار اهمیت دارد

الف) اقتدار او به تیموتائوس اقتدار می‌داد

ب) او بر معلمین دروغین می‌تاخت

ج) بدیهی است که نامه‌اش برای تمام کلیسا خوانده می‌شد

◆ **"مسیح عیسی"**، این واژه‌ها بخشی او عنوانی کامل‌تر است، " مسیح عیسی خداوند". این سه عنوان هر کدام اهمیت مستقلی دارند.

۱. "مسیح" ترجمه کلمه عبری مشایاح است (تدهین شده) است. این عنوان بر جایگاه عهد عتیقی عیسی به عنوان شخص موعود خدا تاکید دارد که فرستاده شد تا عهد نوینی از پارساشمردگی را بنا نهد.

۲. "عیسی" نامی است که فرشته در بیت‌لحم بر کودک نهاد (متی ۱: ۲۱). این نام ترکیبی است از دو نام عبری "یهوه" که نام خدا بود در عهد عتیق، و "نجات" (خروج ۳: ۱۴). در واقع همان نام عبری "یوشع" است. وقتی به تنهایی بکار رود به یک شخص اطلاق میشود، عیسی ناصری، پسر مریم (متی ۱: ۱۶، ۲۵؛ ۲: ۱؛ ۳: ۱۳، ۱۵، ۱۶؛ اعمال ۱۳: ۲۳، ۳۳؛ رومیان ۸: ۱۱؛ ۱ قرنتیان ۱۱: ۲۳؛ ۱۲: ۳؛ فیلیپیان ۲: ۱۰؛ ۱ تسالونیکیان ۱: ۱۰؛ ۴: ۱۴).

۳. "خداوند" (در ک ج وی ۱:۱ یا ۱: ۱۲ بکار رفته) ترجمه‌ای است از واژه عبری "ادون"، که به معنای "صاحب، شوهر، استاد یا ارباب" است. یهودیان وحشت داشتند از اینکه مبادا نام مقدس یهوه را بیهوده بر زبان آورده و یکی از ده فرمان را بشکنند. پس هرگاه کتاب‌مقدس را می‌خواندند بجای یهوه می‌گفتند ادون. به همین دلیل است که در ترجمه‌های انگلیسی عهد عتیق هر جا که خداوند بجای یهود بکار رفته از حروف بزرگ استفاده شده است. با انتقال این عنوان (یونانی آن "کوریوس" است) به عیسی در عهد جدید، مولفین عهد جدید بر الوهیت و یکسان بودنش با پدر تاکید می‌کنند (همین کار با استفاده از دستور زبان در آیه دو هم انجام شده، یعنی یک حرف اضافه برای اشاره هم به خدای پدر و هم عیسای پسر بکار رفته است (۱ تسالونیکیان ۱: ۱، ۲ تسالونیکیان ۱: ۱، ۲).

◆ **" مطابق با فرمان خدا"**، این روش ادبی دیگری است باری تاکید بر اقتدار پولس به عنوان رسول. خدمت پولس "اراده خدا" (۲ تیموتائوس ۱: ۱) و فرمان خدا (تیطوس ۱: ۳) بود. این احتمالا به دعوت از پولس در راه دمشق و اطلاعات داده شده از طریق حنانیا اشاره دارد (اعمال ۹: ۲۲-۱؛ ۲۲: ۱۶-۳؛ ۲۶: ۱۸-۹). پولس داوطلب خدمت نشد!

◆**"خدا نجات دهنده ما"**، این عنوانی عهد عتیقی است که به مراقبت و نجات یهوه برای اسرائیل داده می‌شد (اشعیاء ۱۹: ۲۰؛ ۴۳: ۳، ۱۱؛ ۴۵: ۱۵، ۲۱؛ ۴۹: ۲۶؛ ۶۰: ۱۶؛ ۶۳: ۸)، بخصوص نجات توسط خدمتکاری که قرار بود بیاید و رنج ببیند (اشعیاء۵۲: ۱۳- ۵۳: ۱۲). این عنوان برای خدای پدر در تیطوس ۱: ۳؛ ۲: ۱۰ و برای خدای پسر، عیسی، در تیطوس ۱: ۴؛ ۲: ۱۳ و ۳: ۶ بکار رفته است. این طریق دیگری است برای ارتباط دادن پدر و پسر از لحاظ الهیاتی.
این یکی از عنوانهای یهوه بود که در عهد جدید برای قیصر بکار برده شد. قیصرهای زمان پولس ادعا می‌کردند که "ارباب"، "نجات‌دهنده" و حتی "خدا" هستند. مسیحیان این عنوان را فقط به عیسی اختصاص دادند و به همین دلیل از سوی دولت روم و جامعه خائن خوانده شده و هزاران نفر از آنها در قرون اول و دوم مورد جفا قرار گرفته و یا جان دادند.

◆**"و مسیح عیسی که امید ماست"**، پولس این عبارت را در چندین موقعیت مرتبط بکار برده است. کاربردها اغلب به تحقق ایمان ایمانداران ربط دارد (۱ تیموتائوس ۱: ۱). این را می‌توان با جلال، زندگی ابدی، نجات نهایی، آمدن ثانویه و غیره بیان کرد. تحقق قطعی است، اما زمان آن آینده است و ناشناخته.

۱. آمدن ثانویه (غلاطیان ۵: ۵؛ افسسیان ۱: ۱۸؛ ۴: ۴؛ تیطوس ۲: ۱۳)
۲. عیسی امید ماست (۱ تیموتائوس ۱: ۱)
۳. آوردن ایماندار به حضور خدا (کولسیان ۱: ۲۳-۲۲، ۱ تسالونیکیان ۲: ۱۹)
۴. امید محفوظ در آسمان (کولسیان ۱: ۵)
۵. نجات نهایی (۱ تسالونیکیان ۴: ۱۳)
۶. جلال خدا (رومیان ۵: ۲؛ ۲ قرنتیان ۳: ۱۲-۷؛ کولسیان ۱: ۲۷)
۷. نجات غیریهودیان توسط مسیح (کولسیان ۱: ۲۷)
۸. تضمین نجات (۱ تسالونیکیان ۵: ۹-۸)
۹. زندگی ابدی (تیطوس ۱: ۲؛ ۳: ۷)
۱۰. رهایی تمامی خلقت (رومیان ۵: ۲۲-۲۰)
۱۱. تحقق فرزندخواندگی (رومیان ۵: ۲۵-۲۳) عنوانی برای خدا (رومیان ۱۵: ۱۳)
۱۲. راهنمایی عهد عتیق برای ایمانداران عهد جدید (رومیان ۱۵: ۴)

متن ان آ بی اس (بروز شده): ۱: ۲
[۲] به تیموتائوس، فرزند حقیقی من در ایمان: فیض، رحمت و آرامش خدای پدر و خداوندمان مسیح عیسی بر تو باد.

۱: ۲ "به تیموتائوس" رسالات شبانی از فرم متداول نامه‌های یونانی تبعیت می‌کنند: (۱) از طرف چه کسی؛ (۲) به چه کسی و (۳) دعا یا آرزو.

مبحث ویژه: تیموتائوس

الف) معنی نامش این است "کسی که خدا را جلال میدهد".

ب) او فرزند مادری یهودی و پدری یونانی بود و در لیستره زندگی می‌کرد (اعمال ۱۶: ۱). ترجمه لاتین تفسیر تحقیقی اوریگن در رومیان ۱۶: ۲۱ می‌گوید تیموتائوس شهروند دربه بود. این احتمالا از اعمال ۲۰: ۴ نتیجه‌گیری شده بود.

ج) وی توسط مادر و مادربزرگش ایمان یهودی (یا ایمان مسیحی) را آموخت (۲ تیموتائوس ۱: ۵؛ ۳: ۱۵-۱۴).

د) ظاهرا در جریان اولین سفر بشارتیِ پولس به مسیح ایمان آورد (اعمال ۱۴: ۷-۶).

ه) در سفر دوم از او خواسته شد که به تیم بشارتی پولس و سیلاس ملحق شود (اعمال ۱۶: ۵-۱)، تا ظاهرا وظایف یوحنای مرقس را بر عهده گیرد. از طریق نبوت خوانده‌شدگی او تایید شد (۱ تیموتائوس ۱: ۱۸؛ ۴: ۱۴).

و) برای اینکه بتواند هم میان یهودیان و هم یونانیان کار کند توسط پولس ختنه شد (اعمال ۱۶: ۳).

ز) او وقف همراهی پولس و نماینده رسالتی او شد. نام او بیش از هر همکار دیگر پولس ذکر شده است (۱۷ بار در رسالات (رومیان ۱۶: ۲۱؛ ۱ قرنتیان ۴: ۱۷؛ ۱۶: ۱۰؛ فیلیپیان ۱: ۱؛ ۲: ۱۹، ۲۲؛ کولسیان ۱: ۵؛ ۱ تیموتائوس ۲:۱؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۲؛ تیطوس ۱: ۴).

ح) پولس او را مهربانانه "فرزند حقیقی من در ایمان" (۱ تیموتائوس ۱: ۲)؛ "پسر عزیزم" (۲ تیموتائوس ۱: ۲)؛ "فرزند راستینم در ایمانی مشترک" (تیطوس ۱: ۴) می‌نامد. در ۱ قرنتیان ۴: ۱۷ پولس او را "فرزند محبوب من و امین در خداوند" می‌خواند.

ط) ظاهرا زمانی که پولس از زندان آزاد شد، او در روم بود و در سفر بشارتی چهارم همراهیش کرد (کولسیان ۱: ۱؛ فلیمون ۱).

ی) در ۱ تسالونیکیان ۲: ۶ به لحاظ داشتن عطای معنوی ثابت برای کلیساها "رسول" خوانده می‌شود (افسسیان ۴:۱۱).

ک) دوتا از سه رساله شبانی خطاب به او نوشته شدند.

ل) نام او برای بار آخر در عبرانیان ۱۳: ۲۳ ذکر می‌شود (اما به لحاظ ترتیب زمانی در ۲ تیموتائوس ۱: ۲).

◆ **"فرزند حقیقی من در ایمان"** "من" در در متن یونانی نیست. فرزند *تکنون* است که معنای آن فرزند قانونی است. پولس خود را پدر روحانی تیموتائوس می‌داند (۲ تیموتائوس ۱: ۲؛ ۲: ۱). او تیطوس (تیطوس ۱: ۴) و اونیسیموس (فلیمون ۱۰) را نیز با همین عبارت مورد خطاب قرار می‌دهد.

◆ **"فیض، رحمت و آرامش"** به اشتراکات و تفاوتها در بخش افتتاحی رسالات پولس دقت کنید:

۱. "فیض و سلامتی از جانب پدر ما خدا و عیسی مسیح خداوند بر شما باد" (رومیان ۱: ۷؛ ۱ قرنتیان ۱: ۳؛ ۲ قرنتیان ۱: ۲؛ غلاطیان ۱: ۳؛ افسسیان ۱: ۲؛ فیلیپیان ۱: ۲؛ ۱ تسالونیکیان ۱: ۲؛ فلیمون ۱: ۳)

۲. "فیض و سلامتی از جانب پدر ما خدا بر شما باد" (کولسیان ۱: ۲)

۳. "فیض و سلامتی بر شما باد" (۱ تسالونیکیان ۱: ۱)

۴. "فیض، سلامتی و رحمت از جانب پدر ما خدا و خداوندمان مسیح عیسی بر شما باد" (۱ تیموتائوس ۱: ۲؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۲)

۵. "فیض و سلامتی از جانب پدر ما خدا و نجات‌دهندمان مسیح عیسی بر شما باد" (تیطوس ۱: ۴)

دقت کنید که گوناگونی وجود دارد ولی برخی عناصر همگون هستند.

۱. تمام تهنیت‌ها با "فیض" شروع می‌شوند. این فرم مسیحی‌شده تهنیت است که بر شخصیت خدا متمرکز است.

۲. "سلامتی" نتیجه اعتماد انسان بر خدای قابل اعتماد است.

۳. "رحمت" راه دیگری برای توصیف شخصیت خدا و مختص نوشته‌های پولس بوده، تنها در ۱ و ۲ تیموتائوس بکار رفته است. این عبارت در قدیمی‌ترین نسخه یونانی عهد عتیق (هفتادگان) برای ترجمه واژه عبری *هِسِد* بکار رفت (یعنی پایبند به عهد). خداوند فیاض و قابل اعتماد است.

۴. در تمام تهنیت‌ها پدر و پسر ذکر شده‌اند (در ۱ تسالونیکیان در عبارت قبلی به آنها اشاره شده است). از لحاظ دستوری آنها همیشه به هم پیوند داده می‌شوند. این یکی از طرقی بود که در عهد جدید نویسندگان بکار بردند تا بر الوهیت کامل عیسای ناصری تاکید کنند. عنوانهای عهد عتیقی یهوه (یعنی خداوند و نجات‌دهنده) نیز به همین منظور برای عیسی استفاده شدند.

◆**"پدر"** کتاب‌مقدس برای کمک به انسان گناهکار و محدود به زمان از مقوله‌های انسانی (آنتروپومورفیزم‌ها) جهت توصیف ذات الهی استفاده می‌کند. متداولترین استعارات کتاب‌مقدسی مرتبط به خانواده: (۱) خدا به عنوان پدر، ولی (مادر و پدر)، خویشاوند نزدیک (گوئل)؛ (۲) عیسی به عنوان پسر، برادر، شوهر؛ (۳) ایمانداران به عنوان فرزندان، فرزندخوانده‌ها، و عروس.

مبحث ویژه: پدر

عهد عتیق استعاره خانوادگی صمیمی پدر را برای خدا معرفی می‌کند: (۱) قوم اسرائیل اغلب به عنوان "پسر" یهوه توصیف می‌شوند (هوشع ۱۱: ۱؛ ملاکی ۳: ۱۷)؛ (۲) حتی قبل از آن در تثنیه تشبیه خدا به پدر بکار رفته بود (۱: ۳۱)؛ (۳) در تثنیه ۳۲ اسرائیل "فرزندان او" و خدا "پدرتان" خوانده می‌شوند؛ (۴) این تشبیه در مزمور ۱۰۳: ۱۳ و مبسوطتر در مزمور ۶۸: ۵ (پدر یتیمان) عنون می‌شود؛ در کتب انبیا کاملا متداول بود (اشعیاء ۱: ۲؛ ۶۳: ۸؛ اسرائیل به عنوان پسر، خدا به عنوان پدر، ۶۳: ۱۶؛ ۶۴: ۶؛ ارمیاء ۳: ۴، ۱۹؛ ۳۱: ۹).

عیسی به زبان آرامی صحبت می‌کند، و این بدین معناست که در بیشتر مواردی که "پدر" با کلمه یونانی *پادر* ذکر می‌شود احتمالا منظور *ابا* به زبان آرامی است (۱۴: ۳۶). این واژه خانوادگی که معادل "بابا" است، نشانگر صمیمیت عیسی با پدر است؛ عیسی به مکشوف کردن این به پیروانش ما را نیز تشویق می‌کند که با پدر صمیمی باشیم. در عهد عتیق واژه پدر ندرتا برای یهوه استفاده می‌شد، اما عیسی آنرا به دفعات و فراگیر بکار می‌برد. این مکاشفه‌ای است برای ایمانداران در مورد رابطه نوین‌شان با خدا از طریق مسیح (متی ۶: ۹).

نباید فراموش کرد که پدر استعاره‌ای است برای خانواده، نه نسل و یا زندگی پیشین. زمانی وجود نداشته که در آن خدای پدر، خدای پسر و خدای روح با هم و در ذات یکی نبوده باشند.

متن ان آ بی اس (بروز شده): ۱: ۷-۳

[۳] چنانکه به هنگام عزیمتم به مقدونیه به تو اصرار کردم، در اِفِسُس بمان تا بعضی را فرمان دهی که نظریات عجیبی را تعلیم ندهند [4] و خویشتن را با افسانه‌ها و شجره‌نامه‌های بی‌پایان سرگرم نسازند، زیرا اینها مباحثات * را دامن می‌زند، به جای ترویج کار خدا * که از راه ایمان ممکن می‌شود. [5] هدف از این فرمان، محبت است، محبتی برخاسته از دلی پاک، وجدانی صالح و ایمانی بی‌ریا. [6] بعضی کسان از اینها منحرف شده، به بیهوده‌گویی روی آورده‌اند، [7] و می‌خواهند معلمان شریعت باشند، حال آنکه نمی‌دانند چه می‌گویند یا از چه چیز چنین مطمئن دَم می‌زنند.

۱: ۳ "افسس"

۱. بزرگترین شهر در ایالت رومی آسیای صغیر بود. این شهر با آنکه فرمانروا آنجا زندگی می‌کرد، مرکز نبود. بدلیل بندر طبیعی عالیش مرکزی تجاری بود.

۲. چون شهری آزاد بود اجازه یافت از حکومت محلی و بسیاری از آزادیهای سیاسی از جمله عدم استقرار سربازان رومی، برخوردار شود.

۳. تنها شهری بود که اجازه یافت مسابقات المپیک آسیایی دوسالانه برگزار کند.

۴. معبد آرتیمیس (دایانا به لاتین) که یکی از عجایب هفتگانه زمان خود بود، در آن قرار داشت. معبد دارای ۴۲۵ اینچ طول و ۲۲۰ اینچ عرض و ۱۲۷ ستون بود که هر کدام ۶۰ اینچ ارتفاع داشتند. ۸۶ تا از این ستونها از طلا ساخته شده بودند (کتاب تاریخ طبیعی پلینی ۳۶: ۵۹). تصور این بود که تمثال آرتیمیس شهاب سنگی بود که به اندان زنی با پستانهای متعدد شباهت داشت. به همین دلیل در شهر تعداد زیادی فاحشه مرتبط با آیین دینی وجود داشت (اعمال ۱۹). افسس شهری بسیار غیراخلاقی و چندفرهنگی بود.

۵. پولس بیش از سه سال در این شهر ماند (اعمال ۱۸: ۱؛ ۲۰: ۱۳). وی در این شهر طولانی‌تر از هر جای دیگر توقف کرد.

۶. سنت کلیسا ثابت می‌کند که بعد از مرگ مریم در فلسطین، این شهر به خانه یوحنای رسول تبدیل شد.

۷. پولس و تیموتائوس پس از آزادی پولس از زندان رومیان در روم باید به این شهر سفر کرده باشند. این اولین اطلاعات جغرافیایی است در مورد سفر بشارتی چهارم پولس. دقت کنید که او از اینجا به مقدونیه می‌رفت.
۸. یوسبیوس (مورخ مسیحی قرن سوم) این روایت معرف را نقل می‌کند که تیموتائوس بعدها به دلیل بحث‌هایش با پیروان دیانا در افسس سنگسار شد.

◆ **"تا"** این یک *هینا* (جزء بیانگر مقصود) است به معنای "به منظور" (۱: ۱۰، ۱۸، ۲۰؛ ۲: ۲، ۳: ۱۵؛ ۴: ۱۵؛ ۵: ۷، ۱۶، ۲۰، ۲۱؛ ۶: ۱، ۱۹)

◆ **"بعضی را فرمان دهی"** این اصطلاحی نظامی است، "فرمان اکید دادن" (۵، ۱۸؛ ۴: ۵: ۷؛ ۶: ۱۳). پولس به تیموتائوس به عنوان نماینده رسالتی خود فرمان می‌دهد.

◆ **"که نظریات عجیبی را تعلیم ندهند"** معمولا پولس، مانند همه نویسندگان قرن اول، دعای شکرگذاری و مقدمه رایج در نامه‌های یونانی را در نامه خود می‌گنجاند. اما در غلاطیان و ۱ تیموتائوس موقعیت (معلمین دروغین مخالف) ایجاب می‌کرد که از الگوی معمول فاصله بگیرد. در مورد این معلمین دروغین مباحثات علمی خیلی جدیدی وجود دارد. ظاهرا آنها جنبه‌یایی از اندیشه‌های یهود و یونانی را در هم می‌آمیختند (مانند معلمین دروغین کولسیان). در این مورد (۱: ۴-۳) آنها با ویژگیهای زیر شناخته می‌شوند:

۱. نظریات عجیب
۲. گرایش به افسانه‌ها
۳. گرایش به شجره‌نامه‌های طولانی
۴. مباحثات توخالی

برخی مفسرین آنها را به درجات روحانی یا لایه‌های فرشتگان (پالرما) مابین خدای بسیار متعال و خدایان یا فرشتگان فروتر ربط می‌دهند. مادونترین این خدایان یا فرشتگان ذات شیطان را تشکیل می‌دهد. به مبحث ویژه گنوستیکها در تیطوس ۱: ۱ مراجعه کنید.

عنصر یهودیت در اینها آشکار است:
۱. "معلمین شریعت" (۱ تیموتائوس ۱: ۱۰-۷)
۲. "افسانه‌های یهود" (تیطوس ۱: ۱۴؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۴)
۳. "اختلاف‌نظر در مورد شریعت" (تیطوس ۳: ۹)
۴. "اهل ختنه" (تیطوس ۱: ۱۰)
۵. احتمالا اصل و نصب مسیح در تیطوس ۳: ۹

◆ **ان آ اس بی " تعلیم ندادن نظریه دیگر"**
ان ک ج وی " تعلیم دادن نظریه متفاوت"
ان آر اس وی "تعلیم نظریه غلط"
تی ای وی "تعلیم نظریه غلط"
ان ج بی "ترویج نظریه غلط"

این اسم مصدر زمان حاضر واژه مرکب *هتروس* (یک دیگر از نوع متفاوت) بعلاوه *دیداکالین* (چیز آموخته شده) است. صفت هتروس همچنین در اعمال ۱۷: ۲۱؛ ۲ قرنتیان ۱۱: ۴؛ و غلاطیان ۱: ۷-۶ برای توصیف تعلیم نامناسب بکار می‌رود. ۱ تیموتائوس ۶: ۳ نیز در همان راستاست.
در تحقیق تفسیری بین‌المللی جدید کتاب‌مقدس صفحه xiv یکی از مفسرین مورد علاقه من، بنام گوردون فی، ثابت می‌کند که این آیه در تفسیر هدف از نگارش ۱ تیموتائوس اهمیت حیاتی دارد. به عقیده او این رساله پیش از آنکه دستورالعمل انضباطی برای کلیسا باشد، رد معلمین و تعلیمات غلط است (من نیز موافقم).

۱: ۴ "و خویشتن را با افسانه‌ها و شجره‌نامه‌های بی‌پایان سرگرم نسازند" با توجه به اشاراتی که به شریعت یهود (آیات ۷- ۱۰ و تیطوس ۳: ۹)، ختنه (تیطوس ۱: ۱۰) و افسانه‌های یهود (تیطوس ۱: ۱۴ و ۲ تیموتائوس ۴: ۴) شده، روشن است که این تعالیم ماهیت یهودی داشتند. احتمال دارد که به خاستگاه‌های فرضی مسیح اشاره داشته باشد (تیطوس ۳: ۹).

آیرنائوس و ترتولیان فکر می‌کردند که پولس برای مدارج روحانی یا سطوح فرشتگانی نبوت می‌کند که مابین خدای مقدس و خدایان فروتری (یا الوهیم/فرشتگان) که ماده را تشکیل می‌دهند، قرار دارند. مدارج روحانی (گنوستیزم) سیستمی فکری است که نوشته‌های بجا مانده از اواسط قرن دوم آنرا به ما معرفی می‌کنند. به مبحث ویژه گنوستیکها در تیطوس ۱: ۱ مراجعه کنید. این نوشته‌ها ما را با فهرست بلند سطوح فرشتگان مابین خدای متعال نیکو و موجودات روحانی پست‌تر آشنا می‌کنند. با اینحال این فهرست‌های گنوستیکی در مسیحیت معاصر، یهودیت یا ادبیات گنوستیکی هرگز با واژه‌های "افسانه" یا "شجره‌نامه‌ها" توصیف نمی‌شوند.

موضوع گنوستیزم با اکتشافات باستان‌شناسی متون گنوستیک از قبیل نگ همادی وسیعا باز شده است. این نوشته‌ها هماکنون به زبان انگلیسی و تحت عنوان مجموعه *نگ همادی، اثر جیمز ام رابینسون و ریچارد اسمیت*، در دسترس هستند.

◆ **ان آ اس بی "اینها مباحثات * را دامن می‌زند"**
ان ک ج وی " باعث بحث و جدل میشوند"
ان آر اس وی "باعث مباحثات میشوند"
تی ای وی "که فقط بحث ایجاد می‌کنند"
ان ج بی "تنها ایجاد شک می‌کنند"

می‌توانیم چنان در مطالعه آکادمیک مسیحیت غرق شویم که فراموش کنیم چرا کلام خدا را مطالعه می‌کنیم (تیطوس ۳: ۸؛ متی ۲۸: ۲۰-۱۹). تنها به این دلیل که یک متن ممکن است چنین یا چنان معنایی دارد، به این معنا نیست که حتما آن معنا را دارد. باید چارچوب تاریخی و زمینه ادبی بزرگتر را ببینید.

◆ **ان آ اس بی "به جای ترویج کار خدا"**
ان ک ج وی "به جای تهذیب الهی"
ان آر اس وی "به جای تعلیم الهی"
تی ای وی "در خدمت نقشه خدا نیستند"
ان ج بی "به جای پیشبرد نقشه خدا"

این واژه مخصوص "پیشکار خانه" است که برای وظیفه مراقبتی ایمانداران نسبت به پیام انجیل بکار رفته است. به نقشه پرفیض خدا برای نجات نوع بشر از طریق ایمان به مسیح اشاره دارد (پیدایش ۳: ۱۵؛ ۱۲: ۳؛ خروج ۱۹: ۶-۵؛ یوحنا ۳: ۱۶؛ ۲ قرنتیان ۵: ۲۱؛ افسسیان ۲: ۱۰-۸؛ ۲: ۱۱- ۳: ۱۳).

مبحث ویژه: تهذیب
پولس این واژه *اویکودومیو* و فرمهای دیگر آن را به دفعات بکار می‌برد. معنای تحت‌اللفظی آن "ساختن خانه" است (متی ۷: ۲۴)، ولی بصورت استعاره برای موارد زیر نیز استفاده می‌شود:

۱. بدن مسیح، یعنی کلیسا، ۱ قرنتیان ۳: ۹؛ افسسیان ۲: ۲۱؛ ۴: ۱۶
۲. بنا کردن
الف. برادران ضعیف، رومیان ۱۵: ۱
ب. همسایه‌ها، رومیان ۱۵: ۲
ج. یکدیگر، افسسیان ۴: ۲۹؛ ۱ تسالونیکیان ۵: ۱۱
د. مقدسان برای خدمت، افسسیان ۴: ۱۱
۳. ما در اثر موارد زیر بنا یا تهذیب می‌شویم:
الف. محبت، ۱ قرنتیان ۴: ۸؛ افسسیان ۴: ۱۶
ب. محدود کردن آزادیهای شخصی، ۱ قرنتیان ۱۰: ۲۴-۲۳
ج. اجتناب از مباحثات، ۱ تیموتائوس ۱: ۴
د. محدود کردن گویندگان در برنامه‌های پرستشی (خوانندگان، معلمان، نبوت‌کنندگان، متکلمان به زبانها و

تعبیرکنندگان)، ۱ قرنتیان ۱۴: ۴-۳، ۱۲
۴. همه چیز باید تهذیب شود
الف. اقتدار پولس، ۱ قرنتیان ۱۰: ۸؛ ۱۲: ۱۹؛ ۱۳: ۱۰
ب. بیانیه‌های کلی، رومیان ۱: ۱۴: ۲۶؛ ۱ قرنتیان ۱۴: ۲۶

◆**"که از راه ایمان"** بین ایمان و "افسانه‌ها"، "شجره‌نامه‌ها" و "مباحثات" تفاوتی واقعی وجود دارد. ایمان بر اساس واقعیت تاریخی انجیل است نه تئوریها. ایمان از وعده‌های خدا ناشی می‌شود (غلاطیان ۳: ۴۱، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۱، ۲۲، ۲۹) نه از تعمقات فلسفی انسان (۱ قرنتیان ۱: ۳۱-۱۸). یکی بر پایه مکاشفه است، دیگری اندیشه انسانی. یکی خدا را تجلیل می‌کند دیگری انسان متفکر را بزرگ جلوه می‌دهد.
هدف فرق قایل شدن بین مکاشفه الهی و استدلال، تعمق و کشف انسانی است نه کم ارزش جلوه دادن مطالعات الهیاتی.
ایمانداران فراخوانده شده‌اند تا خدا را با فکر خود دوست بدارند (اشاره عیسی به تثنیه ۶: ۵ در متی ۲۲: ۳۷-۳۶؛ مرقس ۱۲: ۳۰-۲۸؛ لوقا ۱۰: ۲۷) و این حقایق را به فرزندان خود منتقل کنند (تثنیه ۶: ۷، ۲۵-۲۰).

۱: ۵ "محبتی برخاسته از دلی پاک" هدف وظیفه‌ای که پولس در آیه ۱: ۵ بر دوش ایمانداران می‌گذارد ترکیبی سه لایه دارد
۱. محبت برخاسته از دل پاک
۲. محبت برخاسته از وجدان صالح
۳. محبت برخاسته از ایمان بی‌ریا
در عبری قلب مرکز درک، احساسات و اراده بود (تثنیه ۶: ۶-۵). در واقع کلیت انسان را نشان می‌داد.

مبحث ویژه: دل
واژه یونانی *کاردیا* در قدیمی ترین نسخه یونانی کتاب‌مقدس (هفتادگان) و عهد جدید بکار می‌رود که معادل است با واژه عبری *لِب*. این واژه به اشکال مختلفی بکار برده می‌شود (باور، آرندت، گینگریچ، *فرهنگ لغت یونانی – انگلیسی*، صفحات ۴۰۳-۴۰۴):
۱. مرکز حیات جسمانی، استعاره برای شخص (اعمال ۱۴: ۱۷؛ ۲ قرنتیان ۳: ۳-۲؛ یعقوب ۵: ۵)
۲. مرکز حیات روحانی (اخلاقی)
الف. خداوند از دل خبر دارد (لوقا ۱۶: ۱۵؛ رومیان ۸: ۲۷؛ ۱ قرنتیان ۱۴: ۲۵؛ ۱ تسالونیکیان ۲: ۴؛ مکاشفه ۲: ۲۳)
ب. کاربرد حیات روحانی انسان (متی ۱۵: ۱۹-۱۸؛ ۱۸: ۳۵؛ رومیان ۶: ۱۶؛ ۱ تیموتائوس ۱: ۵؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۲۲؛ ۱ پطرس ۱: ۲۲)
۳. مرکز حیات فکری (یا اندیشه، متی ۱۳: ۱۵؛ ۲۴: ۴۸؛ اعمال ۷: ۲۳؛ ۱۶: ۱۴؛ ۲۸: ۲۷؛ رومیان ۱: ۲۱؛ ۱۰: ۶؛ ۲ قرنتیان ۴: ۶؛ افسسیان ۱: ۱۸؛ ۴: ۱۸؛ یعقوب ۱: ۲۶؛ ۲ پطرس ۱: ۱۹؛ مکاشفه ۱۸: ۷؛ دل مترادف است با فکر در ۲ قرنتیان ۳: ۱۵-۱۴ و فیلیپیان ۴: ۷)
۴. مرکز نیت (یا اراده، اعمال ۵: ۴؛ ۱۱: ۲۳؛ ۱ قرنتیان ۴: ۵؛ ۷: ۳۷ ۲ قرنتیان ۹: ۷)
۵. مرکز احساسات (متی ۵: ۲۸؛ اعمال ۲: ۲۶، ۲۷؛ ۷: ۵۴؛ ۲۱: ۱۳؛ رومیان ۱: ۲۴؛ ۲ قرنتیان ۲: ۴؛ ۷: ۳؛ افسسیان ۶: ۲۲؛ فیلیپیان ۱: ۷)
۶. تنها جای فعالیت روحانی (رومیان ۵: ۵؛ ۲ قرنتیان ۱: ۲۲؛ غلاطیان ۴: ۶ [یعنی مسیح در قلبهای ما، افسسیان ۳: ۱۷])
۷. دل روشی استعاری باری گفتن از کلیت فرد است (متی ۲۲: ۳۷ که به تثنیه ۶: ۵ اشاره دارد). افکار، انگیزه ها و اعمال نسبت داده شده به دل کاملا هویت شخص را برملا می کنند. عهد عتیق کاربردهای خیلی جالب توجهی از این واژه دارد
الف. پیدایش ۶: ۶؛ ۸: ۲۱، "خداوند در دل خود محزون شد"(هوشع ۱۱: ۹-۸ را نیز ببینید)
ب. تثنیه ۴: ۲؛ ۶؛ ۵، "با تمامی دل و تمامی جان خود"
ج. تثنیه ۱۰: ۱۶، "دل ختنه نشده" و رومیان ۲: ۲۹
د. حزقیال ۱۸: ۳۲-۳۱، "دلی تازه"
ه. حزقیال ۳۶: ۲۶، "دلی تازه" در مقابل "دلی سنگی"

◆ **"وجدانی صالح"** در عهد عتیق معادلی برای واژه یونانی وجدان وجود ندارد مگر آنکه کلمه "سینه" شناخت خویشتن و انگیزه‌های آنرا بطور ضمنی بیان کند. در اصل واژه یونانی به هوشیاری مربوط به حواس پنجگانه اشاره داشت. بعدها برای حواس درونی بکار برده شد (رومیان ۲: ۱۵). پولس در محاکمه‌هایش در اعمال رسولان دوبار از این واژه استفاده می‌کند (۲۳: ۱؛ ۲۴: ۱۶). در اینجا به حسش اشاره می‌کند که ناآگاهانه از برخی وظایفش نسبت به خدا تخطی کرده است (۱ قرنتیان ۴: ۴). وجدان درک فزاینده انگیزه‌ها و اعمال ایماندار است بر اساس (۱) جهان‌بینی کتاب‌مقدسی؛ (۲) روح‌القدس ساکن در درون؛ و (۳) شناخت کلام خدا. پذیرش شخصی انجیل آن را ممکن می‌کند. پولس این واژه را دو بار در باب ۱، یکبار در رابطه با شناخت رو به رشدش نسبت به اراده خدا (۱: ۵)؛ یکبار در مورد رد عمدی معلمین دروغین (تیطوس ۱: ۱۵)، از جمله اسکندر و هیمنائوس (۱ تیموتائوس ۱: ۲۰). این معلمین دروغین وجدانهای خود را خشکانده بودند (۱ تیموتائوس ۴: ۲).

◆ **"ایمانی بی‌ریا"** پولس از این صفت سه بار برای توصیف (۱) ایمان (۱ تیموتائوس ۱: ۵؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۵)؛ و (۲) محبت (۲ قرنتیان ۶: ۶ و نیز ۱ پطرس ۱: ۲۲) استفاده می‌کند. این واژه دارای بار معنایی صادقانه، واقعی، و یا صمیمانه است که متضاد هستند با "جعلی"، که برای توصیف معلمین دروغین بکار رفته است (آیات ۲۰-۱۹).

۱: ۷-۶ این آیات بر اساس طبقه‌بندی کاملا یهودی خصوصیات معلمین دروغین را بیان می‌کنند

۱. از هدف تعالیم اخلاقی منحرف شدند (آیه ۵)
۲. به "مباحثات بیهوده" متمایل شدند (ان آ اس بی)
   الف. "بحث عاطل" (ان ک ج وی)
   ب. "بحث بی‌معنی" (ان آر اس وی)
   ج. "بحث توخالی" (ان ج بی)
۳. آنها می‌خواستند معلمین شریعت باشند
۴. آنها شریعت را درک نمی‌کردند
۵. در مورد آنچه نمی‌فهمیدند با اعتماد به نفس اظهار نظر می‌کردند
۶. به نظر می‌رسد آیات ۱۰-۹ منعکس‌کننده ده فرمان باشند

فاجعه معلمین دروغین یا (۱) کوری روحانی آنهاست، که اغلب با عدم صداقت آنها توصیف می‌شود، یا (۲) رد کردن عمدی نور است توسط آنها، نه صرفا ناآگاهی؛ و یا (۳) دیگران را به سوی خطا و نابودی هدایت کردند.

متن ان آ بی اس (بروز شده): ۱: ۱۱-۸

[۸] می‌دانیم که شریعت نیکوست، اگر کسی آن را بدرستی به‌کار بندد. [9] نیز می‌دانیم که شریعت نه برای درستکاران، بلکه برای قانون‌شکنان و سرکشان وضع شده است، برای بی‌دینان و گناهکاران، و ناپاکان و کافران؛ برای قاتلان پدر و قاتلان مادر؛ برای آدمکشان، [10] زناکاران و همجنس‌بازان؛ برای آدمربایان، دروغگویان و شهادت‌دهندگانِ به دروغ، و نیز برای هر عملی که خلاف تعلیم صحیح باشد، [11] تعلیم منطبق بر انجیلِ پرجلالِ خدای متبارک که به من سپرده شده است.

۱: ۱۱-۸ این آیات در یونانی یک جمله طولانی هستند. واضح است که آنها هدف دنباله‌دار شریعت موسی، بخصوص در رابطه با زندگی اخلاقی آشکار می‌کنند.

۱: ۸ "می‌دانیم که شریعت نیکوست" به مبحث ویژه زیر مراجعه کنید.

مبحث ویژه: نظرات پولس در مورد شریعت موسی

الف. شریعت نیکو و از طرف خداست (رومیان ۷: ۱۲، ۱۶)
ب. شریعت طریق پارساشمرده شدن و پذیرش از سوی خدا نیست (حتی می‌تواند لعنت باشد، غلاطیان ۳)
ج. با اینحال اراده خداست برای ایمانداران، زیرا خدا از طریق آن خود را مکشوف می‌کند (۱ تیموتائوس ۳: ۱۷-۱۶. پولس اغلب برای متقاعد کردن یا تشویق ایمانداران به عهد عتیق استناد می‌کند)
د. عهد عتیق به ایمانداران آگاهی میدهد (رومیان ۴: ۲۴-۲۳؛ ۱۵: ۴؛ ۱قرنتیان ۱۰: ۶، ۱۱)، اما آنها را نجات نمی‌دهد (اعمال ۱۵؛ رومیان ۴؛ غلاطیان ۳؛ عبرانیان)

ه. در عهد جدید عملکرد آن این است:
۱. نشان می‌دهد انسان گناهکار است (غلاطیان ۳: ۲۹-۱۵)
۲. راهنمای انسان نجات یافته در جامعه است
۳. مسیحیان را از تصمیمات اخلاقی آگاه می‌کند

این طیف الهیاتی، از لعنت (غلاطیان ۳: ۱۱-۱۰؛ ۱۳) و مرگ (کتاب عبرانیان) تا برکت و بقا (متی ۵: ۲۰-۱۷) است که تلاش برای درک نظر پولس در مورد شریعت موسی را دشوار می‌کند. در کتاب *یک مرد در مسیح*، جیمز استوارت تناقض فکری و نوشتاری پولس را نشان می‌دهد:
"عموما از شخصی که خود را آماده می‌کند که سیستمی فکری و عقیدتی را بنا نهد، انتظار می‌رود که معنای واژه‌هایی را مورد استفاده قرار می‌دهد تا حد امکان ثابت نگاهدارد. انتظار میرود در واژه‌گذاری ایده‌های بنیادین نهایت دقت را به خرج دهد. توقع دارید اگر کلمه‌ای برای معنایی خاص بکار رفت، تا انتها همان معنا را حفظ کند. اما چنین توقعی از پولس ناامیدکننده است. بیشتر عبارت‌پردازیش آبکی است و نه با ثبات. می‌نویسد: 'شریعت مقدس است' یا 'من در باطن از شریعت خدا مسرورم' (رومیان ۷: ۱۲، ۲۲)، اما واضح است که جنبه دیگری از شریعت او را مجبور می‌کند در جای دیگری بگوید: 'مسیح ما را از لعنت شریعت آزاد کرد' (غلاطیان ۳: ۱۳)" (ص ۶).

◆**"اگر"** این جمله شرطی نوع سوم است که به معنای عمل بالقوه، اما محتمل است. شریعت موسی باید به روشی درست بکار برده شود و نه به عنوان دستورالعملی قانونی (رومیان ۲: ۲۹-۲۷؛ ۷: ۶؛ ۲ قرنتیان ۳: ۶).

۱: ۹ "بلکه برای قانون‌شکنان و سرکشان" پولس در نوشته‌های خود فهرستهای متعددی از گناهان را می‌آورد (رومیان ۱: ۲۹-۳۱؛ ۱۳: ۱۳؛ ۱ قرنتیان ۵: ۱۱؛ ۶: ۱۰-۹؛ افسسیان ۵: ۵؛ کولسیان ۳: ۵؛ ۱ تیموتائوس ۶: ۵-۴؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۴-۲؛ تیطوس ۳: ۳). اینها مشابه فهرست گناهان در قوانین اخلاقی یونانی (استویکها) هستند. اینها افرادی را توصیف می‌کنند که شریعت هنوز برایشان کارایی دارد (گناهکاران). در غلاطیان ۳ شریعت به عنوان مامور خدا برای محکوم کردن گناه کاملا توضیح داده شده است

مبحث ویژه: گناهان و پرهیزگاریها در عهد جدید
فهرست گناهان و پرهیزگاریها در عهد جدید متداول است. آنها اغلب فهرست‌های تعالیم یهودی و فرهنگی (هلنیستی) را تواما منعکس می‌کنند. فهرست‌های عهد جدیدی ویژگیهای متضاد را می‌توان در آیات زیر دید

	گناهان	پرهیزگاریها
۱. پولس	رومیان ۱: ۳۲-۲۸	------
	رومیان ۱۳: ۱۳	رومیان ۲: ۲۱-۹
	۱ قرنتیان ۵: ۱۱-۹	------
	۶: ۱۰	۱ قرنتیان ۶: ۶-۹
	۲ قرنتیان ۱۲: ۲۰	۲ قرنتیان ۶: ۱۰-۴
	غلاطیان ۵: ۲۱-۱۹	غلاطیان ۵: ۲۳-۲۲
	افسسیان ۴: ۳۲-۲۵	------
	۵: ۵-۳	------
	-----	فلیپیان ۴: ۹-۸
	کولسیان ۳: ۵، ۸	کولسیان ۳: ۱۲-۱۴
	۱ تیموتائوس ۱: ۱۰-۹	------
	۶: ۵-۴	------
	۲ تیموتائوس ۲: ۲۲- ۲۳	۲ تیموتائوس ۲: ۲۲، ۲۴
	تیطوس ۱: ۷؛ ۳: ۳	تیطوس ۱: ۹-۸، ۳: ۲-۱
۲. یعقوب	یعقوب ۳: ۱۶-۱۵	یعقوب ۳: ۱۷-۱۸
۳. پطرس	۱ پطرس ۴: ۳	۱ پطرس ۴: ۱۱-۷
	۲ پطرس ۱: ۹	۲ پطرس ۱: ۸-۵
۴. یوحنا	مکاشفه ۲۱: ۸	------
	۲۲: ۱۵	------

◆ **"قانون‌شکنان"** معنای این لغت "عدم وجود قدرت رسمی" است. این معلمین دروغین جنبه‌های اخلاقی شریعت موسی را رد کرده و در واقع خودشان قانون شده بودند (بدون وجدان ۴: ۲).

◆ **"سرکش"** به معنای "کسی که تابع هیچ قدرتی نیست" این افراد می‌خواستند خودشان قدرت باشند.

◆ **"بی‌دینان"** یعنی "کسی که آگاهانه غیرمذهبی است." آنها ابله نبودند، بلکه عمدا چشمهای خود را بسته بودند.

◆ **"ناپاک"** متضاد "باخدا" است. این افراد با هر چیزی که خدا انجام می‌دهد یا برایش مهم است ضدیت دارند.

◆"کافر" یعنی "کسی که مقدسات را لگدمال می‌کند." آنها ادعا می‌کنند که روحانی هستند، اما با صرز زندگیشان دنیاگرایی خود را نشان می‌دهند.

◆ **"قاتلان پدر و قاتلان مادر"** اگر این فهرستها منعکس‌کننده ده فرمان باشند، منظور از این بخش احتمالا بی‌احترامی به والدین باشد (خروج ۲۰: ۱۲ و تثنیه ۵: ۱۶).

◆ **"آدمکشان"** در ده فرمان این اشاره دارد به قتل غیرقانونی و عمدی (خروج ۲۰: ۱۳ و تثنیه ۵: ۱۷).

۱: ۱۰ "زناکاران" منظور "کسی است که مرتکب عمی غیر اخلاقی جنسی می‌شود" و احتمالا اشاره دارد به خروج ۲۰: ۱۴ و تثنیه ۵: ۱۸. رابطه جنسی خارج از ازدواج همواره مشخصه معلمین دروغین بوده است.

◆ **ان آ اس بی و ان ج بی "همجنس‌بازان"**
ان ک ج وی و ان آر اس وی "سدومی‌ها"
تی ای وی "منحرفین جنسی"

مبحث ویژه: همجنس‌بازی

امروزه فشار فرهنگی زیادی برای پذیرش همجنس‌بازی به عنوان یک سبک متفاوت زندگی وجود دارد. کتاب‌مقدس آنرا به عنوان سبک زندگی مخرب و خارج از اراده خدا برای خلقتش، محکوم می‌کند.

۱. این روش زندگی تخطی است از فرمان پیدایش باب ۱ که می‌گوید کثیر و بارور شوید
۲. مشخصه فرهنگ و پرستش بت‌پرستان است (لاویان ۱۸: ۲۲؛ ۲۰: ۱۳؛ رومیان ۱: ۲۷-۲۶؛ و یهودا ۷)
۳. مبین استقلال خودمحور از خداست (۱ قرنتیان ۶: ۱۰-۹)

با اینحال قبل از آنکه این مبحث را خاتمه دهم، میخواهم بر محبت و بخشش خدا نسبت به بشر عصیانگر تاکید کنم. مسیحیان حق ندارند با تنفر و غرور نسبت به این گناه خاص واکنش نشان دهند، بخصوص وقتی واضح است که همه ما گناه می‌کنیم. دعا، نگرانی، شهادت و مهربانی در این زمینه بسیار موثرتر است از محکوم کردن با شور و حرارت. اگر اجازه دهیم کلام خدا و روح او وظیفه محکوم کردن را انجام می‌دهند. تمام گناهان جنسی، و نه تنها این یکی، در نظر خدا کریه بوده و زمینه‌ساز داوری. نزدیکی جنسی هدیه‌ای است از سوی خدا برای سلامت و لذت انسان و ثبات جامعه. اما این ضرورت قوی و خدادادی اغلب تبدیل می‌شود به زندگی عصیانگر، خودمحور، شهوتران و "سهم بیشتر برای من به هر قیمت". (رومیان ۸: ۸-۱؛ غلاطیان ۶: ۸-۷)

◆ **"آدم‌ربایان"** این می‌تواند مدرک دیگری باشد مبنی بر اینکه این فهرست مشابه است با ده فرمان. این تفسیر یهودی است از "دزدی نکن" (خروج ۲۰: ۱۵ و تثنیه ۵: ۱۹). معلمین یهود ادعا می‌کنند که این اشاره دارد به ربودن برده‌ها (خروج ۲۰: ۱۶ و تثنیه ۲۴: ۷)؛ اما زمینه مستقیم متن به نظر می‌رسد به انحرافات جنسی مربوط باشد (یعنی استفاده جنسی از یک دختر برده، در عاموس ۲: ۷ یا بهره‌برداری از پسران جوان برای انحراف همجنس‌بازی).

◆**"دروغگویان و شهادت‌دهندگانِ به دروغ"** این احتمالا ربط دارد به فرمان "بر علیه همسایه خود شهادت دروغ ندهید" (خروج ۲۰: ۱۶ و تثنیه ۵: ۲۰).

◆**"و نیز برای هر عملی که خلاف تعلیم صحیح باشد"** اگر به مقایسه با ده فرمان ادامه دهیم، این باید به "طمع" اشاره کند (خروج ۲۰: ۱۷ و تثنیه ۵: ۲۱). اما به نظر میرسد پولس این فهرست گناهان را در رومیان ۱۳: ۹ و غلاطیان ۵: ۲۱ نیز با همین مفهوم عمومی پایان می‌دهد (یعنی بدون اشاره خاص به طمع).

◆**"تعلیم صحیح"** ما کلمه "بهداشت" را در انگلیسی از همین واژه یونانی می‌گیریم. این واژه در عهد جدید ۱۱ بار بکار رفته که ۹ بار آن در رسالات شبانی است. از تعلیمی می‌گوید که باعث سلامت روحانی ایمانداران می‌شود. این مفهوم (گرچه با راژه‌بندی متفاوت) در رسالات شبانی بارها تکرار می‌شود (۱ تیموتائوس ۱: ۱۰؛ ۴: ۶؛ ۶: ۳؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۱۳؛ ۴: ۳؛ تیطوس ۱: ۹؛ ۱۳؛ ۲: ۱، ۲، ۷). در این مفهوم معادل است با "انجیل جلال" در آیه ۱۱. مشکل کاربرد این متن در عصر حاضر مربوط است به توانایی ایمانداران جدید برای تعریف کردن "معلمین دروغین". چطور شخص می‌تواند بین ارجحیت شخصی و فرهنگ از یک سو و موضوعات اعتقادی اساسی تفاوت قائل شود.باید بتوان جواب را در تعالیم رسولان در مورد انجیل یافت، بویژه که این موبوط می‌شود به شخص و کار مسیح و اینکه انسان چطور می‌تواند از کار مسیح بهره برد و از طریق انجیل زندگی مسیح‌گونه داشته باشد.

"تعلیم صحیح" یکی از چندین واژه و عباراتی است که که حقیقت خدا را توصیف و برمی‌افرازند

۱. "کلام خدا" (۱ تیموتائوس ۴: ۵؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۲؛ تیطوس ۲: ۵)
۲. "کلام خداوند ما" (۱ تیموتائوس ۶: ۳؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۱۳) "کلام حقیقت" (۲ تیموتائوس ۲: ۱۵) "کلمات ایمان" (۱ تیموتائوس ۴: ۶) "تعلیم" (۱ تیموتائوس ۱: ۱۰؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۳؛ تیطوس ۱: ۹؛ ۲: ۱)
۳. "امانت" (۱ تیموتائوس ۶: ۲۰) "حقیقت" (۲ تیموتائوس ۱: ۱۴؛ ۲: ۱۸، ۲۵؛ ۳: ۷، ۸؛ ۴: ۴) "انجیل" (۱ تیموتائوس ۱۱:۱؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۸، ۱۰، ۱۱) "ایمان" (۱ تیموتائوس ۶:۲۱؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۷) "متون مقدس" (۲ تیموتائوس ۲: ۱۶-۱۵)

۱: ۱۱ "انجیلِ پرجلال" در واقع معنای آن این است "انجیل جلال خدای متبارک". این در موازات با "تعالیم صحیح" در آیه ۱۰ قرار دارد. خدا مکشوف کرده چطور می‌توان با او و سایر انسانها بدرستی (انجیل) یا نادرست (قانونگرایی یهودیت) رفتار کرد. عهد جدید در مسیح فصل‌الخطاب نهایی همه آن چیزی است که برای ایمانداران ضروری و مناسب است (اعمال ۱۵).
تعریف کردن کلمه جلال (دُکسا) دشوار است. در عهد عتیق معادل آن کلمه عبری *کاُبد*، که واژه‌ای تجاری است به معنای «سنگین بودن» و در نتیجه ارزشمند و قابل ستایش است. هنگامی که همراه با کلمه *شکینا-می‌توانست*- برای یهوه بکار می‌رفت دارای مفهوم خاص استنباطی بود (خروج ۱۶: ۷) که بیانگر حضورش بود. این «*می‌توانست*» ستونی از آتش بود. بنابراین *کابد* بار معنایی درخشان و تابان را با خود داشت (خروج ۲۴: ۱۷). در عهد عتیق این روشی بود برای اشاره به خود خدا (اشعیاء ۱۶: ۹). به این علت است که یوحنا ۱۴: ۱ اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. عیسی و انجیلش با یهوه، خدای متبارک عهد عتیق کاملا بازشناخته می‌شوند.

◆**"خدای متبارک"** کلمه متبارک برای خدا تنها در اینجا و در ۶: ۱۵ استفاده می‌شود. این همان کلمه ای است که در «خوش به حالها» در متی ۵ نیز بکار رفت. مفهوم ضمنی این اصطلاح این است که یهوه شایسته ستایش است.

◆ **"که به من سپرده شده است"** این فرم مجهول کلمه یونانی *پیستیو* است که فاعل آن در جمله آمده. *پیستیو* واژه متداول برای ایمان، توکل و باور در عهد جدید است. در اینجا به معنای "به امانت سپردن چیزی به دیگری" بکار رفته است (لوقا ۱۶: ۱۱؛ رومیان ۳: ۲؛ ۱ قرنتیان ۹: ۱۷؛ غلاطیان ۲: ۷؛ ۱ تسالونیکان ۲: ۴؛ ۱ تیموتائوس ۱: ۱۱؛ تیطوس ۱: ۳؛ ۱ پطرس ۴: ۱۰). پولس اعتقاد داشت خدا او را مامور مراقبت از انجیل قرار داده که باید برای این ماموریت حساب پس دهد (۱ قرنتیان ۹: ۱۷؛ غلاطیان ۲: ۷؛ ۱ تسالونیکان ۲: ۴؛ تیطوس ۱: ۳).

متن ان آ بی اس (بروز شده): ۱: ۱۷-۱۲

[12] خداوندمان مسیحْ عیسی را شکرگزارم که مرا توانایی بخشید و درخور اعتماد شمرد و به خدمت خویش برگماشت. [13] با آنکه در گذشته، کفرگو و ستمگر و زورگو بودم، بر من رحم شد، زیرا از ناآگاهی و بی‌ایمانی چنین می‌کردم. [14] آری، **فیض**

خداوند ما، همراه با ایمان و محبتی که در مسیحْ عیسی یافت می‌شود، مرا بفراوانی فروگرفت.
[15] این سخنی است درخور اعتماد و پذیرش کامل، که مسیحْ عیسی به جهان آمد تا گناهکاران را نجات بخشد، که من بزرگترین آنهایم. [16] از همین‌رو، بر من رحم شد تا مسیحْ عیسی صبر بی‌پایان خود را نسبت به من که بزرگترین گناهکاران بودم، نشان دهد، تا نمونه‌ای باشم برای جملهٔ آنان که از این پس به او ایمان آورده، حیات جاویدان خواهند یافت. [17] بر خدای یکتا، آن پادشاه سرمدی، نامیرا و نادیدنی، تا ابدالآباد حرمت و جلال باد؛ آمین!

۱: ۱۲"خداوندمان مسیحْ عیسی را شکرگزارم" این یکی از موارد نادری است که در آن پولس به جای پدر، خطاب به عیسی مسیح دعا می کند. احتمالا به این دلیل این کار را می کند که در راه دمشق صدای مسیح را شنید (اعمال ۹: ۵-۴؛ ۲۲: ۸-۷؛ ۲۶: ۱۶). پولس معتقد است که عیسی

۱. او را توانایی/قدرت/قوت می بخشد (فیلیپیان ۴: ۱۳؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۱۷)
۲. او را در خور اعتماد/وفادار می داند
۳. به خدمتی را واگذار می کند (اعمال ۹: ۱۵)

باقیمانده این پاراگراف اختصاص داده شده به حیرت پولس از اینکه خدا می تواند گناهکاری مانند او را دوست داشته باشد، ببخشد و بکار گیرد. اگر خدا قادر بود برای پولس این کار را بکند، پس میتواند برای همه، حتی برای معلمین دروغین و افراد تحت نفوذشان، چنین کند.

این نوع تمجید که بنظر می رسد متناسب با زمینه متن باشد، از ویژگیهای نوشته های پولس است. توصیف الهیاتش اغلب او را به حمد و شکرگزاری عمیق می کشاند. در اغلب موارد پولس از واژه های یونانی *ایکاریستیو* یا *ایوکاریستیا* برای شکرگذاری استفاده می کند، اما در اینجا کلمه *کـارین* را بکار میبرد، که از ریشه کلمه فیض (کاریس) می آید. این واژه در نوشته های پولس نادرتر است (۱ تیموتائوس ۱: ۱۲؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۳). با اینحال، در رسالات قرنتیان بطرزی بکار رفته اند که با هم قابل جایگزینی هستند، بنابراین، از نظر پولس احتمالا مترادفند، و اصلا تفاوتی ندارند یا تفاوتشان ناچیز است.

مبحث ویژه: شکرگذاری

۱. مقدمه
الف. این روش شایسته ایمانداران است نسبت به خدا
۱. این منبع ستایش ماست نسبت به خدا از طریق مسیح
الف. ۲ قرنتیان ۲: ۱۴
ب. ۲ قرنتیان ۹: ۱۵
ج. کولسیان ۳: ۱۷
۲. این انگیزه درستی است برای خدمت، ۱ قرنتیان ۱: ۴
۳. این روال همیشگی آسمان است
الف. مکاشفه ۴: ۹
ب. مکاشفه ۷: ۱۲
ج. مکاشفه ۱۱: ۱۷
۴. این روال همیشگی ایمانداران است
الف. کولسیان ۲: ۷
ب. کولسیان ۳: ۱۷
ج. کولسیان ۴: ۲
۲. منابع کتاب مقدسی
الف. عهد عتیق
۱. دو کلمه اساسی:
الف. *یَداه*، به معنای ستایش
ب. تُداه، به معنای شکرگذاری. معمولا برای قربانی های تقدیم شده بکار میرود (۲ تواریخ ۲۹: ۳۱؛ ۳۳: ۱۶)
۲. داود لاویان ویژه ای را منسوب کرد تا خدا را برای ستایش شکر کنند. سلیمان، حزقیال و نحمیا این شیوه را ادامه دادند. ۱ قرنتیان ۱: ۴
الف. ۱ تواریخ ۱۶: ۴، ۷، ۴۱
ب. ۱ تواریخ ۲۳: ۳۰
ج. ۱ تواریخ ۲۵: ۳
د. ۲ تواریخ ۵: ۱۳
ه. ۲ تواریخ ۷: ۶

و. ۲ تواریخ ۳۱: ۲
ز. نحمیا ۱۱: ۱۲
ح. نحمیا ۱۲: ۲۴، ۲۷، ۳۱، ۳۸، ۴۶
۳. مزامیر مجموعه ای است از ستایش ها و شکرگذاریهای اسراییل
الف. شکرکردن یهوه بخاطر وفاداریش به عهد
۱) مزمور ۱۰۷: ۸ (کلمه حِسِد)
۲) مزمور ۱۰۳: ۱
۳) مزمور ۱۳۸: ۲
ب. شکرگذاری بخشی از مراسم ورود جمعی به درون معبد بود
۱) مزمور ۹۲: ۲
۲) مزمور ۱۵۰: ۴
ج. مراسم قربانی همراه بود با شکرگذاری
۱) مزمور ۲۶: ۷
۲) مزمور ۱۲۲: ۴
د. شکرگذاری که بخاطر کارهای یهوه انجام میشد
۱) رهایی از دست دشمن
الف) مزمور ۷: ۱۷
ب) مزمور ۱۸: ۴۹
ج) مزمور ۲۸: ۷
د) مزمور ۳۵: ۱۴
ه) مزمور ۴۴: ۸
و) مزمور ۵۴: ۶
ز) مزمور ۷۹: ۱۳
ح) مزمور ۱۱۸: ۱، ۲۱، ۲۹
ط) مزمور ۱۳۸: ۱
۲) رهایی از زندان (استعاره)، مزمور ۱۴۲: ۷
۳) رهایی از مرگ
الف) مزمور ۳۰: ۴، ۱۲
ب) مزمور ۸۶: ۱۳-۱۲
ج) اشعیاء ۳۸: ۱۹-۱۸
۴) برای اینکه او شریران را مغلوب و پارسایان را سرافراز میکند
الف) مزمور ۵۲: ۹
ب) مزمور ۷۵: ۱
ج) مزمور ۹۲: ۱
د) مزمور ۱۴۰: ۱۳
۵) برای اینکه او می بخشد
الف) مزمور ۳۰: ۴
ب) اشعیاء ۱۲: ۱
۶) برای اینکه او نیازهای قومش را فراهم میکند
الف) مزمور ۱۰۶: ۱
ب) مزمور ۱۱۱: ۱
ج) مزمور ۱۳۶: ۱، ۲۶
د) مزمور ۱۴۵: ۱۰
ه) ارمیاء ۳۳: ۱۱

الف. عهد جدید
۱. کلمه اصلی بکار رفته برای شکر و شکرگذاری (بعضی از مراجع):
الف. *ایوکاریستیو* (۱ قرنتیان ۱: ۴، ۱۴؛ ۱۰: ۳۰؛ ۱۱: ۲۴؛ ۱۴: ۱۷، ۱۸؛ کولسیان ۱: ۳، ۱۲؛ ۳: ۱۷)
ب. *ایوکاریستوس* (کولسیان ۳: ۱۵)
ج. *ایوکاریستیا* (۱ قرنتیان ۱۴: ۱۶؛ ۲ قرنتیان ۴: ۱۵؛ ۹: ۱۱، ۱۲؛ کولسیان ۲: ۷؛ ۴: ۲)
د. *کاریس* (۱ قرنتیان ۱۵: ۵۷؛ ۲ قرنتیان ۲: ۱۴؛ ۸: ۱۶؛ ۹ : ۱۵؛ ۱ پطرس ۲: ۱۹)
۲. عیسی به عنوان الگو
الف. او برای غذا شکر میکرد

۱) لوقا ۲۲: ۱۷، ۱۹ (۱ قرنتیان ۱۱: ۲۴)
۲) یوحنا ۶: ۱۱، ۲۳
ب. برای جواب دعاها شکر میکرد، یوحنا ۱۱: ۴۱
۳. نمونه‌های دیگر سپاسگزاری
الف. برای مسیح که هدیه خدا است، ۲ قرنتیان ۹: ۱۵
ب. برای غذا
ج. اعمال رسولان ۲۷: ۳۵
۱) رومیان ۱۴: ۶
۲) ۱ قرنتیان ۱۰: ۳۰؛ ۱۱: ۲۴
۳) ۱ تیموتائوس ۴: ۴-۳
د. برای شفا، لوقا ۱۷: ۱۶
ه. برای آرامش، اعمال رسولان ۲۴: ۳-۲
و. برای رهایی از خطر
۱) اعمال رسولان ۲۷: ۳۵
۲) اعمال رسولان ۲۸: ۱۵
ز. برای تمام موقعیتها، فیلیپیان ۴: ۶
ح. برای همه انسانها، بویژه رهبران، ۱ تیموتائوس ۲: ۱
۴. جنبه‌های دیگر سپاسگزاری
الف. خواست خداست برای همه ایمانداران، ۱ تسالونیکیان ۵: ۱۸
ب. شاهدی است بر زندگی بنا شده توسط روح، افسسیان ۵: ۲۰
ج. انجام ندادن آن گناه است ۲۷: ۳۵
۱) لوقا ۱۷: ۱۶
۲) رومیان ۱: ۲۱
د. پادزهر گناه است، افسسیان ۵: ۴
۴. شکرگذاری پولس
الف. برکاتی که برای کلیسا داشت
۱) برای اعلام انجیل
الف) رومیان ۱: ۸
ب) کولسیان ۱: ۴-۳
ج) افسسیان ۱: ۱۶-۱۵
د) ۱ تسالونیکیان ۱: ۲
۲) برای جاری شدن فیض
الف) ۱ قرنتیان ۱: ۴
ب) ۲ قرنتیان ۱: ۱۱؛ ۴: ۱۵
۳) برای پذیرش انجیل، ۱ تسالونیکیان ۲: ۱۳
۴) برای مشارکت در انتشار انجیل، فیلیپیان ۱: ۳-۵
۵) برای رشد در فیض، ۲ تسالونیکیان ۱: ۳
۶) برای اطلاع از برگزیدگی خود، ۲ تسالونیکیان ۲: ۱۳
۷) برای برکات روحانی، کولسیان ۱: ۱۲؛ ۳: ۱۵
۸) برای سخاوت در بخشش، ۲ قرنتیان ۹: ۱۲-۱۱
۹) برای سرور بخاطر ایمانداران جدید، ۱ تسالونیکیان ۳: ۹
ب. شکرگزاری شخصی او
۱) برای ایمانش، کولسیان ۱: ۱۲
۲) برای رهایی از اسارت گناه، رومیان ۷: ۲۵؛ ۲ قرنتیان ۲: ۱۴
۳) برای زحمات فداکارانه سایر ایمانداران، رومیان ۱۶: ۴؛ ۲ قرنتیان ۶: ۱۸
۴) برای رخ ندادن برخی اعمال، ۱ قرنتیان ۱: ۱۴
۵) برای عطای روحانی شخصی، ۱ قرنتیان ۱۴: ۱۸
۶) برای رشد روحانی دوستان، فلیمون ۵-۴
۷) برای قوت جسمانی جهت خدمت، ۱ تیموتائوس ۱: ۱۲

۳. نتیجه‌گیری
الف. شکرگزاری عکس‌العمل اصلی ماست به خدا، زمانی که نجات می‌یابیم. نه تنها به شکل زبانی، بلکه با شیوه زندگی توام با قدرشناسی خود آنرا نشان می‌دهیم.
ب. شکرگزاری در همه چیز هدف یک زندگی بالغ است که تحت مراقب خدا قرار دارد (۱ تسالونیکیان ۵: ۱۸-۱۳)

ج. شکرگزاری موضوعی است که هم در عهد جدید و هم عهد عتیق مدام تکرار می‌شود. آیا موضوع شما هم هست؟

۱: ۱۳ "کفرگو" این بایستی اشاره داشته باشد به اعتقادات و آنچه پولس قبل از ایمانش در مورد عیسی مسیح گفته بود.

◆**"ستمگر و زورگو"** (اعمال ۸: ۳-۱؛ ۹: ۱، ۱۳، ۲۱؛ ۲۲: ۴، ۱۹؛ ۲۶: ۱۱-۱۰؛ ۱ قرنتیان ۱۵: ۱۵: ۹-۸؛ غلاطیان ۱: ۱۳؛ فیلیپیان ۳: ۶)

◆**"بر من رحم شد"** این هم فرم مجهولی است که فاعلش مشخص است. خدا یا عیسی مسیح بر پولس زورگو رحم کردند. اگر او قادر به دریافت رحمت بود، هر کس دیگری هم می‌تواند رحمت را دریافت کند. این بوضوح روشنگر شخصیت خداست و اینکه تا چه حد محبت و رحمتش شامل حال گناهکاران می‌شود.

◆**"زیرا از ناآگاهی و بی‌ایمانی چنین می‌کردم"** در عهد عتیق گناهان شخص ناآگاه در اثر قربانی بخشیده می‌شدند (لاویان ۱۶)، در حالیکه برای گناه عمدی، حتی در روز کفاره، امکان قربانی وجود نداشت. در رومیان پولس بوضوح ثابت می‌کند که خداوند ناسان را در مقابل نوری که دارند مسئول قرار داده است. نمونه‌ای از این حقیقت این است که پیش از شریعت موسی خدا انسان را بخاطر تخطی از این شریعت بازخواست نمی‌کرد (اعمال ۱۷: ۳۰؛ رومیان ۳: ۲۰، ۲۵؛ ۴: ۱۵؛ ۵: ۱۳، ۲۰؛ ۷: ۵، ۸-۷؛ ۱ قرنتیان ۱۵: ۵۶). این حقیقت در مورد کسانی که هرگز انجیل را نشنیده‌اند نیز صدق می‌کند (رومیان ۱: ۱۸- ۲: ۲۹). آنها در مقابل نوری که دارند مسئولند (آفرینش رومیان ۱: ۲۳-۱۸ و شاهد اخلاقی درونی، رومیان ۲: ۱۵-۱۴). به این "مکاشفه عام" می‌گویند در مقابل "مکاشفه خاص" (یعنی کتاب‌مقدس).

۱: ۱۴ "فیض خداوند ما" نکته کلیدی الهیات پولس در مورد نجات ماهیت خداست، نه عملکرد انسان. تنها امید انسان سقوط کرده در شخصیت ثابت، رحیم و فیاض خداست که در مسیح تجلی یافت (افسسیان ۱: ۱۴-۳؛ ۲: ۴، ۹-۸).

◆**"بفراوانی"** از لحاظ لغوی معنای آن "فراوانی خارق‌العاده" است (*هوپرپلیونازیو*). این را پولس از ترکیب ویژگی *هاپاکس لگومینون* با *هاپیر* خلق کرد. "هر جا گناه فزونی یابد، فیض نیز بسیار فراوانتر می‌شود" (رومیان ۵: ۲).

مبحث ویژه: استفاده پولس از کلمات ترکیبی *"هوپر"*

پولس علاقه خاصی به خلق واژه‌های جدید با استفاده از حرف اضافه *هوپر* داشت، که به معنای "بالاتر"، "فراتر" است. وقتی با اضافه ملکی بکار رود، معنای "از طرف" را می‌دهد. ممکن است مانند *"پری"* به معنای "در مورد" یا "در رابطه با" نیز باشد (۲ قرنتیان ۸: ۲۳؛ ۲ تسالونیکیان ۲: ۱). اگر با حالت مفعولی بکار رود معنای "بالا"، "روی" یا "فراتر" را می‌دهد (آ تی رابترسون، کتاب *گرامر عهد جدید یونانی بر اساس تحقیقات قانونی*، صفحات ۶۳۳-۶۲۵). هنگامی که پولس می‌خواست بر روی مفهومی تاکید کند از حرف اضافه در کلمه ترکیبی استفاده می‌کرد.
در زیر فهرستی از کاربردهای خاص این حرف اضافه در کلمات ترکیبی آمده است:
الف. *هاپوکس لگامنون* (کلمه‌ای که تنها یکبار در عهد جدید بکار رفته است)
۱. *هوپراکموس*، ازسن بلوغ گذشته، ۱ قرنتیان ۷: ۳۶
۲. *هوپراوکسانو*، افزایش شدید، ۲ تسالونیکیان ۱: ۳
۳. *هوپربیانو*، طمع یا تجاوز به حریم، ۱ تسالونیکیان ۴: ۶
۴. *هوپرکینا*، فراتر، ۲ قرنتیان ۱۰: ۱۶
۵. *هوپراکتینا*، پا فراتر گذاشتن، ۲ قرنتیان ۱۰: ۱۴
۶. *هوپرِانتگچانوا*، شفاعت، رومیان ۸: ۲۶
۷. *هوپرِ نیکانو*، پیروزی فراوان، رومیان ۸: ۳۷
۸. *هوپرپلیونازو*، برخورداری از فراوانی زیاد، ۱ تیموتائوس ۱: ۱۴
۹. *هوپربوپسوو*، شدیدا سرافراز کردن، فیلیپیان ۲: ۹
۱۰. *هوپرفرونیو*، داشتن افکار اغراق‌آمیز، رومیان ۱۲: ۳
ب. کلماتی که تنها در نوشته‌های پولس بکار رفته است
۱. *هوپرآیرومای*، بخود مغرور شدن، ۲ قرنتیان ۱۲: ۷، ۲ تسالونیکیان ۲: ۴
۲. *هوپربالونتوس*، بیش از اندازه، شدیدا، ۲ قرنتیان ۱۱: ۲۳ (قید فقط در اینجا، اما فعل در ۲ قرنتیان ۳: ۱۰؛ ۹: ۱۴، افسسیان ۱: ۱۹؛ ۲: ۷؛ ۳: ۱۹)
۳. *هوپربولی*، فراتر از حد، اغراق، رومیان ۷: ۱۳؛ ۱ قرنتیان ۱۲: ۳۱؛ ۲ قرنتیان ۱: ۸؛ ۴: ۷، ۱۷؛ ۲۲: ۷؛

غلاطیان ۱: ۱۳
۴. *هوپراکپریسوو*، فراتر از همه حدود، افسسیان ۳: ۲۰؛ ۱ تسالونیکیان ۳: ۱۰؛ ۵: ۱۳
۵. *هوپرلیان*، در بالاترین درجه یا والاترین، ۲ قرنتیان ۱۱: ۵؛ ۱۲: ۱۱
۶. *هوپراوکه*، برتری، والایی، ۱ قرنتیان ۲: ۱؛ ۱ تیموتائوس ۲: ۲
۷. *هوپر پریسئو*، فراوان کردن، رومیان ۵: ۲۰ (صدای میانه، بفراوانی پر شدن، لبریز شدن، ۲ قرنتیان ۷: ۴)
ج. کلماتی که در نوشته‌های پولس و ندرتا سایر نوشته‌های عهد جدید بکار رفته‌اند
۱. *هوپرانو*، بسیار بالاتر، افسسیان ۱: ۲۱؛ ۴: ۱۰؛ عبرانیان ۹: ۵
۲. *هوپراکو*، والا، برتر، رومیان ۱۳: ۱؛ فلیپیان ۲: ۳؛ ۳: ۸؛ ۴: ۷؛ ۱ پطرس ۲: ۱۳
۳. *هوپرافانوس*، خیالاتی یا مغرور، رومیان ۱: ۳۰؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۲ و لوقا ۱: ۵۱؛ یعقوب ۴: ۶؛ ۱ پطرس ۵: ۵
پولس مرد پر شور و حرارتی بود؛ وقتی کسی یا چیزی خوب بود، شدیدا خوب بود و اگر بد بود شدیدا بد. این حرف اضافه به او اجازه میداد احساسات شدید خود را در مورد گناه، خود، مسیح و انجیل بیان کند.

◆**"همراه با ایمان و محبتی که در مسیحْ عیسی یافت می‌شود"** در این آیه از لحاظ تفسیری نکات قابل بحث متعددی وجود دارد.
۱. آیا "خداوند" (آیه ۱۴) به مسیح اشاره دارد یا به یهوه (آیه ۱۷)؟ در این متن یهوه بهترین گزینه است.
۲. آیا عطیه فیض خدا به ایمان و محبت، که خود عطایا در مسیح هستند، ربط دارد (تی ای وی، ان ج بی)؟
مطمئنا ایمان آوردن پولس نتیجه فیض بود. پولس برگزیده و هدایت شد. واکنش او اراده آزاد متاثر نشده نبود. نیازهای او در اثر فیض خدا و کارهای مسیح تامین شد. پولس عطیه‌های آسمانی را دریافت و سپس در رابطه خود با دیگران بکار برد.
دقت کنید که تمهیدات خداوند جهت نجات تنها از طریق عیسی مسیح می‌آید. او پاسخ خداوند به نیاز بشر سقوط کرده در تمام دورانهاست (آیات ۱۷-۱۵).

۱: ۱۵ "این سخنی است درخور اعتماد و پذیرش کامل" این عبارت ۵ بار در رسالات شبانی تکرار شده است (۱: ۱۵؛ ۳: ۱؛ ۴: ۹؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۱۱؛ تیطوس ۳: ۸). کاربرد آن مانند کاربرد "آمین، آمین" توسط مسیح (ترجمه: "واقعا، واقعا" یا "براستی، براستی") برای معرفی بیانیه‌های مهم است.

◆**"که مسیح عیسی به جهان آمد"** این اشاره ضمنی دارد به وجود مسیح قبل از خلقت جهان (یوحنا ۱: ۱، ۱۵، ۸: ۵۸-۵۷، ۱۶: ۲۸، ۱۷: ۵: ۱ قرنتیان ۸: ۹؛ فیلیپیان ۲: ۷-۶؛ کولسیان ۱: ۱۷؛ عبرانیان ۱: ۳؛ ۱۰: ۸-۵)، که موضوع عقیدتی مهم و مرتبط با الوهیت اوست (او جسم پوشید، خلق نشد، امثال ۸: ۲۲). ممکن است این به باور گنوستیک معلمین دروغین پرداخته باشد. به مبحث ویژه: گنوستیسیزم در تیطوس ۱: ۱ مراجعه کنید.

مبحث ویژه: استفاده پولس از کوزموس

پولس از کلمه کوزموس به طرق مختلفی استفاده کرد
۱. تمام نظم مخلوق (رومیان ۱: ۲۰؛ افسسیان ۱: ۴؛ ۱ قرنتیان ۳: ۲۲؛ ۸: ۴، ۵)
۲. این کره (۲ قرنتیان ۱: ۱۷؛ افسسیان ۱: ۱۰؛ کولسیان ۱: ۲۰؛ ۱ تیموتائوس ۱: ۱۵؛ ۳: ۱۶؛ ۶: ۷)
۳. انسانها (۱: ۲۸-۲۷؛ ۴: ۹، ۱۳؛ رومیان ۳: ۶، ۱۹؛ ۱۱: ۱۵؛ ۲ قرنتیان ۵: ۱۹؛ کولسیان ۱: ۶)
۴. نظام و عملکرد انسان جدای از خدا (۱: ۲۱-۲۰؛ ۲: ۱۲؛ ۳: ۱۹؛ ۱۱: ۳۱؛ غلاطیان ۴: ۳، ۱۹؛ افسسیان ۲: ۲، ۱۲؛ فیلیپیان ۲: ۱۵؛ کولسیان ۲: ۸، ۲۴-۲۰). این مشابه است با کاربرد آن توسط یوحنا (یعنی ۱ یوحنا ۲: ۱۷-۱۵)
۵. ساختارهای جاری جهان (۷: ۳۱-۲۹؛ غلاطیان ۶: ۱۴، مشابه فیلیپیان ۳: ۹-۴، که پولس ساختارهای یهودیت را توصیف می‌کند.
از جهات مختلف اینها همپوشانی می‌کنند و دسته‌بندی تمام کاربردها مشکل است. این واژه، همانند بسیاری از اندیشه‌های پولس، می‌بایست با توجه به زمینه مستقیم متن تعریف شود، و نه تعریف از پیش تعیین شده. واژه‌گذاری پولس سیال است (کتاب *مردی در مسیح* اثر جیمز استوارت). او تلاش نداشت الهیات سیستماتیکی را بنا نهد، بلکه می خواست مسیح را اعلام کند. او همه چیز را تغییر داد!

◆**"تا گناهکاران را نجات بخشد"** این دلیل آمدن مسیح بود (مرقس ۱۰: ۴۵؛ لوقا ۱۹: ۱۰؛ ۱ یوحنا ۲: ۲). این همچنین اصل اعتقادی اساسی انجیل را نشان می‌دهد برای نیاز انسان سقوط کرده به فیض (رومیان ۳: ۱۸-۹، ۲۳؛ ۶: ۲۳).
◆**"که من بزرگترین آنهایم"** هر قدر نور بیشتر باشد، خودآگاهی نسبت به گناه هم بیشتر است (آیه ۱۶؛ ۱ قرنتیان ۱۵: ۶؛ افسسیان ۳: ۸). پولس از آینکه به کلیسا جفا کرده بود احساس تقصیر می‌کرد (اعمال ۷: ۵۸؛ ۸: ۱؛ ۹: ۲-۱؛ ۲۲: ۴ص، -۱۹

۲۰؛ ۲۶: ۱۱-۱۰)، اما به لحاظ فیض، محبت و تمهید خدا برای نجات گناهکاران از طریق کار تکمیل شده مسیح، خود را قدرتمند می‌یافت (آیه ۱۶).

۱: ۱۶

ان آ اس بی "صبر بی‌پایان"
ان ک ج وی "رنج بی‌پایان"
ان آر اس وی "منتهای صبر"
تی ای وی "صبر کامل"
ان ج بی "صبر پایان‌ناپذیر"

این واژه یونانی مرکب (*ماکروس و توموس*) به معنای "خشم مهار شده" است. کلمه ای در عهد عتیق یونانی، هفتادگان، اغلب برای خدا بکار میرود (اعداد ۱۴: ۱۸؛ مزامیر ۸۶: ۱۵؛ ۱۰۳: ۸؛ یوئیل ۲: ۱۳؛ نحمیا ۱: ۳). در عهد جدید هم برای توصیف خدا بکار رفته است (رومیان ۲: ۴؛ ۹: ۲۲؛ ۱ پطرس ۳: ۲۰؛ ۲ پطرس ۳: ۱۵). این واژه در واقع خصوصیت فرزندان خدا را نیز قرار است توصیف کند (۲ قرنتیان ۶: ۶؛ غلاطیان ۵: ۲۲؛ افسسیان ۴: ۲؛ کولسیان ۱: ۱۱؛ ۳: ۱۲؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۱۰؛ ۴: ۲).

◆ **"تا نمونه‌ای باشم"** شهادت نجات پولس از کسی که دشمن اصلی مسیحیت بود به کسی که رسول مورد اعتماد برای غیریهودیان شد، ژرفا و وسعت و بلندای فیض خدا را آشکار می‌کند. از جهتی پولس معلم دروغین صادقی بود که مورد رحمت خدا قرار گرفت.

◆ **"برای جملهٔ آنان که از این پس به او ایمان آورده"** عیسی در یوحنا ۱۷: ۱۶-۲۰ برای کسانی که به او ایمان خواهند آورد دعا می‌کند. انجیل یوحنا اغلب از حرف اضافه *ایس* برای بیان موضوع ایمان انسان استفاده می‌کند، در حالیکه پولس عموما *اپی* (رومیان ۴: ۵، ۲۴؛ ۹: ۳۳؛ ۱۰: ۱۱؛ ۱ تیموتائوس ۱: ۱۶؛ و اعمال ۹: ۴۲؛ ۱۱: ۱۷؛ ۱۶: ۳۱ را نیز ببینید) یا حالت مفعولی (غلاطیان ۳: ۶؛ اعمال ۱۸: ۸؛ ۲۷: ۲۵) را بکار می‌برد. به نظر می‌رسد از لحاظ الهیات بین عقیده به (*ایس*)؛ عقیده در (*ان*)؛ عقیده روی (*اپی*)؛ یا استفاده از حالت مفعولی بدون حرف اضافه (یوحنا ۵: ۱۰) تفاوتی نباشد.
پولس هم مثل یوحنا گاهی از *هوتی* (یعنی عقیده که) استفاده می‌کند، که بر محتوای ایمان تاکید دارد (رومیان ۶: ۸؛ ۱ تسالونیکیان ۴: ۱۴). انجیل یعنی (۱)شخصی برای پذیرش؛ (۲)حقایقی برای اعتقاد؛ (۳)زندگی برای زیستن.

مبحث ویژه: ایمان (پیستیس [اسم]، پیستیو [فعل]، پیستوس [صفت])

الف. این واژه بسیار مهمی در کتاب‌مقدس است (عبرانیان ۱۱: ۱، ۶). موضوع موعظه‌های اولیه عیسی است (مرقس ۱: ۱۵). برای عهد جدید حداقل دو الزام وجود دارد: توبه و ایمان (۱: ۱۵؛ اعمال ۳: ۱۶، ۱۹؛ ۲۰: ۲۱).
ب. ریشه لغوی آن
۱. واژه ایمان در عهد عتیق به معنای وفاداری، صداقت، یا قابل اعتماد بودن است و توصیفی است برای ذات خدا، نه ما.
۲. این واژه از لغت عبری (*ایمون، ایمونا*) آمده، به معنای "اطمینان یا ثبات داشتن." ایمان نجات بخش رضایت فکری (دسته ای از حقایق)، زندگی با پایبندی اخلاقی (روشی برای زندگی)، و ابتدائا تعهد منطقی (پذیرش یک شخص) و ارادی (یک تصمیم) نسبت به آن شخص است.
ج. کاربرد در عهد عتیق
لازم است بر این نکته تاکید شود که ایمان ابراهیم به به مسیح آینده نبود، بلکه به وعده خدا بود که او صاحب فرزند و نسلی خواهد شد (پیدایش ۱۲: ۲؛ ۱۵: ۵-۲؛ ۱۷: ۸-۴؛ ۱۸: ۱۴). واکنش ابراهیم به این وعده اعتماد به خدا بود. او نسبت به این وعده که تحققش سی سال طول کشید هنوز تردید و سوال داشت. با اینحال خدا ایمان ناقص او را پذیرفت. خداوند مایل است با انسان معیوبی که با ایمان به او و وعده اش را پاسخ دهد کار کند، حتی اگر این ایمان به بزرگی یک دانه خردل باشد (متی ۱۷: ۲۰).
د. کاربرد در عهد جدید
واژه "معتقد" از کلمه یونانی (*پیستیو*) می آید که ممکن است "اعتقاد"، "ایمان" یا "توکل" هم ترجمه شوند. برای مثال، در انجیل یوحنا این کلمه در فرم اسم دیده نمی شود، اما در فرم فعل اغلب بکار میرود. در یوحنا ۲: ۲۵-۲۳ در مورد صادقانه بودن تعهد جمعیت نسبت به عیسی ناصری به عنوان مسیح نوعی عدم اطمینان وجود دارد. موارد دیگر استفاده ظاهری از واژه "اعتقاد" در یوحنا ۸: ۵۹-۳۱ و اعمال ۸: ۱۳، ۲۴-۱۸ است. ایمان کتاب مقدسی واقعی بزرگتر از

ایمانی به اندازه یک دانه خردل است (متی ۱۷: ۲۰). چنین ایمانی باید با فرآیند شاگردی ادامه یابد (متی ۱۳: ۲۲-۲۰، ۳۲-۳۱).

ه. کاربرد آن همراه با حروف اضافه

۱. *ایس* یعنی "به". این ساختار منحصربفرد تاکید دارد بر اینکه ایمانداران توکل یا ایمانشان به عیسی

الف. به نام او (یوحنا ۱: ۱۲؛ ۲: ۲۳؛ ۳: ۱۸، ۱ یوحنا ۵: ۱۳)

ب. به او (یوحنا ۲: ۱۱؛ ۳: ۱۵،۱۸؛ ۴: ۳۹؛ ۶: ۴۰؛ ۷: ۵، ۳۱، ۳۹، ۴۸؛ ۸: ۳۰؛ ۹: ۳۹؛ ۱۰: ۴۲؛ ۱۱: ۴۵، ۴۸؛ ۱۷: ۳۷، ۴۲؛ متی ۱۸: ۶؛ اعمال ۱۰: ۴۳؛ فیلیپیان ۱: ۲۹؛ ۱ پطرس ۱: ۸)

ج. به من (یوحنا ۶: ۳۵؛ ۷: ۳۸؛ ۱۱: ۲۵، ۲۶؛ ۱۲: ۴۴، ۴۶؛ ۱۴: ۱۲،۱؛ ۱۶: ۹؛ ۱۷: ۲۰)

د. به پسر (یوحنا ۳: ۳۶؛ ۹: ۳۵، ۱ یوحنا ۵: ۱۰)

ه. به عیسی (یوحنا ۱۲: ۱۱؛ اعمال ۱۹: ۴؛ غلاطیان ۲: ۱۶)

و. به نور (یوحنا ۱۲: ۳۶)

ز. به خدا (یوحنا ۱۴: ۱)

۲. "*ان*" به معنای "در" مثلا در یوحنا ۳: ۱۵؛ مرقس ۱: ۱۵؛ اعمال ۵: ۱۴

۳. "*اپی*" به معنای "در" یا "بر"، مثلا در متی ۲۷: ۴۲؛ اعمال ۹: ۴۲؛ ۱۱: ۱۷؛ ۱۶: ۳۱؛ ۲۲: ۱۹؛ رومیان ۴: ۵، ۲۴؛ ۹: ۳۳؛ ۱۰: ۱۱؛ ۱ تیموتائوس ۱: ۱۶؛ ۱ پطرس ۲: ۶

۴. در حالت مفعولی بدون حرف اضافه مانند غلاطیان ۳: ۶؛ اعمال ۱۸: ۸؛ ۲۷: ۲۵؛ ۱ یوحنا ۳: ۲۳؛ ۵: ۱۰

۵. *هوتی*، به معنای "اعتقاد که"، که میگوید به چه باید اعتقاد داشت

الف. عیسی یگانه مقدس خداست (یوحنا ۶: ۶۹)

ب. عیسی من هستم است (یوحنا ۸: ۲۴)

ج: عیسی در پدر است و پدر در او (یوحنا ۱۰: ۳۸)

د. عیسی مسیح است (یوحنا ۱۱: ۲۷؛ ۲۰: ۳۱)

ه. عیسی پسر خداست (یوحنا ۱۱: ۲۷؛ ۲۰: ۳۱)

و: عیسی توسط پدر فرستاده شد (یوحنا ۱۱: ۴۲؛ ۱۷: ۸، ۲۱)

ز. عیسی با پدر یکی است (یوحنا ۱۴: ۱۱-۱۰)

ح. عیسی از جانب پدر آمد (یوحنا ۱۶: ۲۷، ۳۰)

ط. عیسی خود را با نام پدر در عهد، "من هستم"، یکی می داند (یوحنا ۸: ۲۴، ۱۳: ۱۹)

ی: ما با او زندگی خواهیم کرد (رومیان ۶: ۸)

ک: عیسی مرد و دوباره برخاست (۱ تسالونیکیان ۴: ۱۴)

◆**"حیات جاویدان"** حیات جاویدان (*زیون انیونیون*) موضوعی است که بارها در الهیات یوحنا تکرار می شود. این واقعیتی کنونی است (مثلا یوحنا ۳: ۱۶، ۳۶؛ ۵: ۲۴؛ ۶: ۴۷، ۵۴) و نیز امید آینده که به آنهایی که از طریق ایمان به پسر پدر را می شناسند داده میشود (مثلا یوحنا ۱۷: ۳-۲). پولس این واژه را بکار می برد تا به زندگیِ (۱) عصر جدید؛ (۲) پادشاهی خدا؛ یا زندگی پس از قیام (رومیان ۲: ۷؛ ۵: ۲۱؛ ۶: ۲۲، ۲۳؛ غلاطیان ۶: ۸؛ ۱ تیموتائوس ۱: ۱۶؛ تیطوس ۱: ۲؛ ۳: ۷) اشاره کند. تنها خدا غیرفانی است؛ فقط خدا می تواند زندگی عطا کند. او به کسانی که از طریق ایمان به پسرش توکل کند زندگی جاویدان عطا میکند.

۱: ۱۷ "پادشاه" این عبارت ستایشی مشابه است با ۶: ۱۶-۱۵. واژه زبان کنیسه دوره های آخر ("پادشاه عالم") و یهودیان در تبعید (فیلو و الکساندریا واژه "ابدی" را برای خدا بکار بردند) را منعکس میکند.

این احتمال کاملا وجود دارد که پولس سرود یا نیایش کلیسای اولیه را نقل کرده باشد، همانطورکه در ۳: ۱۶؛ ۶: ۱۶-۱۵ و ۲ تیموتائوس ۲: ۱۳-۱۱ چنین کرد.

◆**"جاویدان"** این اولین صفت از چهار صفت قدرتمند است و همان صفتی است که در عبارت "حیات جاویدان" در آیه ۱۶ بکار رفته است. از لحاظ لغوی "مربوط به دورانها" (ایچنیون) است، که ممکن است استعاره ای باشد برای ابدیت یا اشاره ای باشد به مفهوم یهودی دو دوران: (۱) عهد کنونی شریر که با استقلال و طغیان (فرشته و انسان) توصیف میشود و (۲) عهد پارسایی که وعده داده شده و در آینده خواهد آمد. روح این عهد را می آورد و مسیح نهال آن را محقق می کند. به مبحث ویژه در ۶: ۱۷ مراجعه کنید.

امتداد "پیشاپیش و نه هنوز" زندگی ابدی دوره جاری را توصیف می کند که در آن این دو دوره یهودی با هم همپوشانی می کنند. دلیل آن مکاشفه جدید مربوط به آمدن دوگانه مسیح است، یکی به عنوان نجات دهنده، و سپس به عنوان پادشاه، خداوند و داور.

◆**"نامیرا"** از لحاظ لغوی معنای آن "فسادناپذیر" است. بطور استعاره اشاره دارد به کسی که همیشه-زنده و تنها-زنده است (یهوه از فرم متعدی لغت عبری "بودن" می آید، به خروج ۳: ۱۴ رجوع کنید). فقط خدا در خود حیات دارد (رومیان ۱: ۲۳؛ ۱ تیموتائوس ۱: ۱۷؛ ۶: ۱۶). مابقی حیات عطای مشتق از حیات او و هدیه است. تنها از فیض پدر، کار مسیح (۲ تیموتائوس ۱: ۱۰) و عمل روح ناشی می شود.

◆**"نادیدنی"** این واژه برای قلمرو روحانی (کولسیان ۱: ۱۵) یا احتمالا یهوه به عنوان خدای نادیده (بدون تصویر، خروج ۳۳: ۲۰، تثنیه ۴: ۱۵؛ ۱ تیموتائوس ۶: ۱۶) بکار میرود. خدا روح ابدی است که در کل خلقت حضور دارد**!**

◆**"خدای یکتا"** این اشاره دارد به باور تک خدایی یهود (تثنیه ۶: ۶-۴؛ یهودا ۲۵). این پیشینه متنی جهان بینی منحصربفرد کتاب مقدس را منعکس می کند. کتاب مقدس منظر ایمانی فراتر از حواس پنجگانه را به بشر ارائه میدهد.

۱. تنها و تنها یک خدا وجود دارد (تثنیه پیدایش ۱: ۱؛ خروج ۸: ۱۰؛ ۹: ۱۴؛ تثنیه ۴: ۳۹-۳۵؛ ۱ ساموئیل ۲: ۲؛ ۲ سامونیل ۷: ۲۲؛ ۲۲: ۳۲؛ ۱ پادشاهان ۸: ۲۳؛ مزامیر ۸۶: ۸، ۱۰؛ اشعیا ۴۳: ۱۱؛ ۴۴: ۶، ۸؛ ۴۵: ۷-۶، ۱۴، ۱۸، ۲۲-۲۱؛ ۴۶: ۵، ۹؛ ارمیا ۲: ۱۱؛ ۵: ۷؛ ۱۰: ۶؛ ۱۶: ۲۰).

۲. او خدایی شخصی، خالق و نجات دهنده است (پیدایش ۲-۱؛ ۳: ۱۵؛ مزامیر ۱۰۴-۱۰۳).

۳. او وعده امید و تجدید حیات توسط مسیح را میدهد (اشعیا ۵۳)

۴. ایمان به مسیح خطای نافرمانی را جبران میکند (انجیل)

۵. هر کس به مسیح ایمان بیاورد صاحب حیات جاودان میشود (انجیل).

متن رسپتوس به تبعیت از دست نوشته یک دوازدهم یونانی، "حکیم" را اضافه میکند (ان ک ج وی، "به خدای یگانه حکیم"). این اضافه در دست نوشته های یونانی وجود ندارد ممکن است اضافه کتابتی از رومیان ۱۶: ۲۷ باشد.

"حرمت و جلال باد" این اساسا معنای واژه عهد عتیقی *کابد* (آیه ۱۱) است. در کتاب مکاشفه این عبارت همراه با سایر ستایش ها بارها بکار رفته است (۴: ۹، ۱۱؛ ۵: ۱۲، ۱۳؛ ۷: ۱۲).

در عهد عتیق رایج ترین واژه عبری برای "جلال" (کابد) ابتدائا لغتی تجاری بود که برای اشاره به کفه های ترازو و به معنای "سنگین بودن" بکار میرفت. هر چه سنگین بود ارزشمند بود یا بهای ذاتی داشت. اغلب برای توصیف شکوه خدا مفهوم درخشندگی به این لغت اضافه میشد (خروج ۱۵: ۱۶؛ ۲۴: ۱۷؛ اشعیا ۶۰: ۲-۱). تنها او ارزشمند و قابل احترام است. او برای انسان سقوط کرده بیش از حد نورانی است (خروج ۳۳: ۲۳-۱۷؛ اشعیا ۶: ۵). شناخت واقعی خدا فقط از طریق عیسی مسیح ممکن است (ارمیا ۱: ۱۴؛ متی ۱۷: ۲؛ عبرانیان ۱: ۳؛ یعقوب ۲: ۱).

واژه "جلال" تا حدی دوپهلو است: (۱) ممکن است همراستا با "نیکویی خدا" باشد؛ (۲) ممکن است به "قدوسیت" یا "کمال" خدا اشاره داشته باشد؛ (۳) میتواند به تصویر خدا اشاره نماید که انسان مطابق با آن خلق شد (پیدایش ۱: ۲۷-۲۶؛ ۵: ۱؛ ۹: ۶)، اما بعدا در اثر نافرمانی زنگار گرفت (پیدایش ۳: ۲۲-۱). این واژه اولین بار در مورد حضور یهوه در میان قومش استفاده میشود (خروج ۱۶: ۷، ۱۰؛ لاویان ۹: ۲۳؛ اعداد ۱۴: ۱۰).

◆**"تا ابدالآباد"** از نظر لغوی معنای آن "دورانهای دورانها" است، که اصطلاحی است برای ابدیت (غلاطیان ۱: ۵؛ فیلیپیان ۴: ۲۰؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۱۸). همین واژه در آیه ۱۶ برای "زندگی ابدی" و در آیه ۱۷ برای "پادشاه سرمدی" بکار میرود. مبحث ویژه در ۶: ۱۷ را ببینید.

"آمین" مبحث ویژه در ۶: ۱۶ را ببینید.

متن ان آ بی اس (بروز شده): ۱: ۲۰-۱۸

[۱۸] پسرم، تیموتائوس، این حکم را بنابر نبوّتهایی که پیشتر بر تو شد، به تو می‌سپارم تا به مدد آنها * در نبردِ نیکو پیکار کنی، [19] و به ایمان و وجدانی پاک متمسک باشی، چرا که کِشتی ایمان بعضی با زیر پا نهادن آنها در هم شکسته است. [20] هیمِنائوس و اسکندر از این دسته‌اند، که ایشان را به شیطان سپردم تا عبرت گرفته، دیگر کفر نگویند.

۱: ۱۸ "حکم" پولس از دو لغت نظامی در این باب استفاده می کند: (۱) "حکم" (آیات ۳، ۵، ۱۸) و (۲) "پیکار در نبرد نیکو" (آیه ۱۸؛ ۲ قرنتیان ۱۰: ۶-۳؛ افسسیان ۶: ۱۷-۱۰). این پاراگراف (یعنی آیات ۲۰-۱۸) به موضوع معلمین دروغین در آیات ۷-۳ برمیگردد.



ان آ اس بی، تی ای وی "سپردن"
ان ک ج وی "واگزار کردن"
ان آر اس وی، ان ج بی "دادن"

این فرم اخباری میانی حال از واژه پاراتیمی است. پولس کار انجیل را به تیموتائوس سپرد (۱ تیموتائوس ۶: ۲۰؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۱۴، همانطورکه عیسی آنرا به او سپرده بود، ۲ تیموتائوس ۱: ۱۲) تا آنرا به مردان امانتدار دیگر منتقل کند (۲ تیموتائوس ۲: ۲).

این واژه در چند مورد بکار میرود: (۱) وقتی که عیسی خود را در لوقا ۲۳: ۴۶ به خدا می سپارد؛ و (۲) زمانی که ایمانداران در اعمال ۱۴: ۲۳ خود را به خدا می سپارند؛ و (۳) هنگامی که پولس در اعمال ۲۰: ۳۲ ایمانداران را به خدا می سپارد.

**"بنابر نبوّتهایی که پیشتر بر تو شد"** زمانی که تیموتائوس در لیستره دستگذاری شد (۴: ۱۴) از سوی کلیسا همه عطای روحانی دریافت کرد و هم نبوتها او را تایید نمود. این عبارت ممکن است این معانی را داشته باشد (۱) "در مورد تو انجام شد" (ان آر اس وی) یا "مرا به سوی تو هدایت کرد" (آر اس وی).

**"در نبردِ نیکو پیکار کنی"** همانند اینجا، در اغلب موارد زندگی مسیحی با استفاده از وقایع ورزشی یا رزمی به تصویر کشیده می شود. نبوت مربوط به تیموتائوس او را قادر ساخت که مانند پولس در نبرد نیکو پیکار کند (شرطی میانی حال، ۶: ۱۲؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۴-۳؛ ۴: ۷؛ ۲ قرنتیان ۱۰: ۶-۳؛ افسسیان ۶: ۱۷-۱۰).

**"به ایمان و وجدانی پاک متمسک باشی"** لازمه نبرد نیکو این است که دو مورد زیر را داشته باشی و آنها را حفظ کنی (اسم مفعول کامل معلوم)

۱. ایمان
۲. وجدان پاک

هر دو اینها در ۱: ۵ ذکر شده اند. در اینجا دوباره به آنها اشاره میشود زیرا از دست دادنشان دلیل اصلی آن است که برخی از اعضا کلیسا کشتی ایمانشان در هم شکسته شده است. ایمان ممکن است اشاره داشته باشد به (۱) اصل عقیدتی مسیحی یا (۲) زندگی مسیحی. هر دو اینها اهمیت اساسی دارند.

۲ تیموتائوس ۲: ۱۷ به ما یاد میدهد که هیمنائوس در انحراف عقیدتی (ادعای اینکه قیام قبلا اتفاق افتاده بود) و خداگریزی (۲ تیموتائوس ۲: ۱۶) نقش داشت. فرد دیگری که نامش آمده، اسکندر، نمیتواند فرد نقره کاری باشد که در ۲ تیموتائوس ۲: ۱۴ و اعمال ۱۹ ذکر شده زیرا وی دشمن انجیل بود.

رد کردن حقیقت و بی خدایی آنها ناشی از فریب دیگران نبود، بلکه عدم پذیرش کاملا ارادی بود (زمان نامعین میانی [شاهد] اسم مفعول کلمه آپچتچ، اعمال ۷: ۳۹؛ ۱۳: ۴۶؛ رومیان ۱۱: ۱). یادداشت مربوط به وجدان را در ۱: ۱۵ ببینید.

**"چرا که کِشتی ایمان بعضی با زیر پا نهادن آنها در_هم شکسته است"** این موضوعی مشکل و بحث انگیز است. مبحث ویژه ارتداد در ۴: ۱ را ببینید. در ۱ تیموتائوس نمونه های زیادی از ارتداد یافت می شود (۱: ۱۹؛ ۴: ۲-۱؛ ۵: ۱۵-۱۴؛ ۶: ۱۰-۹، ۲۱؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۱۸-۱۶؛ ۳: ۸-۱؛ ۲ پطرس ۲: ۱، ۲۱-۲۰؛ یهودا ۴).

۱: ۲۰ "به شیطان سپردم" این عبارت بسیار مشکلی است. کاربردهای قبلی در کتاب مقدس عبارتند از (۱) استفاده خدا از شیطان برای وسوسه ایوب (ایوب ۲: ۶)؛ (۲) روح مسیح را برای آزمایش به شیطان حواله کرد (مرقس ۱: ۱۲)؛ و (۳) پولس ایمانداری را برای تذهیب بسوی شیطان میفرستد تا شاید نهاتیا به سوی خدا برگردد (۱ قرنتیان ۵: ۵). دقت کنید که هدف که در آیه ۲۰ بیان شده این است که آنها عبرت بگیرند، نه اینکه کفر بگویند. ممکن است اشاره داشته باشد به طرد آنها از جمع ایماندارن. تنبیه موقت خدا همیشه رهایی بخش است. خداوند از شیطان استفاده می کند تا انسانها را امتحان کند (پیدایش ۳؛ ایوب ۲-۱؛ زکریا ۳). در واقع، شیطان ابزاری است در دست خدا. این طغیان شیطان به ضد خدا و اشتیاقش برای استقلال است که او را شریر می کند، نه وسوسه هایش.

کاربرد این عبارت نشان بطور ضمنی اشاره میکند که برای این معلمان دروغین و پیروانشان هنوز امید هست. ولی، استعاره مشابه استفاده شده برای معلمین دروغین در ۴: ۲ بطور ضمنی نشان میدهد که برای معلمان دروغین امیدی وجود ندارد.

پرسشهای مربوط به بحث

آنچه در دست دارید تحقیق تفسیری است که نقش راهنمای مطالعه را ایفا می‌کند، به این معنای که شما شخصا مسئولیت تفسیر خود از کتاب‌مقدس را بر عهده دارید. ما همگی باید در نوری که داریم قدم برداریم. شما، کتاب‌مقدس و روح‌القدس مقدم بر تفسیر هستید. چنین نقشی را نباید به مفسر محول کنید.

پرسشهای مربوط به بحث نوشته شده اند تا به شما کنند موضوعات عمده این بخش از کتاب را مرور کنید. قرار است آنها شما را وادار به تفکر کنند، نه اینکه حرف آخر را بزنند.

۱. چرا پولس در نامه ای شخصی به تیموتائوس بر رسالت خود تاکید میکند؟
۲. ماهیت بدعت افسس چه بود؟
۳. ارتباط مسیحیان با شریعت موسی چگونه است؟
۴. دید پولس در مورد خدمتش چه بود؟ (آیه ۱۲)
۵. چرا شهادت خود را بارها تکرار میکند؟ (آیه ۱۶)
۶. به تیموتائوس چه حکمی داده شد؟ (آیه ۱۸)
۷. آیا هیمِنائوس و اسکندر فیض خدا را از دست دادند؟ (آیه ۱۹)
۸. "وجدان پاک" چیست؟ (آیه ۱۹)
۹. سپردن برخی به شیطان یعنی چه؟ (آیه ۱۹)

اول تیموتائوس ۲

تقسیم‌بندی پاراگرافها در ترجمه‌های جدید*

ان ج بی	تی ای وی	ان آر اس وی	ان ک ج وی	یو بی اس
آیین دعا	پرستش کلیسا	نظم در پرستش	دعا برای همه انسانها	دستورالعمل‌ها برای دعا (۲: ۱- ۳: ۱)
۲: ۷-۱	۲: ۷-۱	۲: ۷-۱	۲: ۷-۱	۲: ۷-۱
			زنان و مردان در کلیسا	
۲: ۸	۱۲: ۱۵-۸	۲: ۱۵-۸	۲: ۱۵-۸	۲: ۸- ۳: ۱
زنان در اجتماعات				
۲: ۱۵-۹				

دایره قرایت سه (از "راهنمای قرایت صحیح کتاب‌مقدس" صفحه ix)

تبعیت از انگیزه نویسنده اولیه در سطح پاراگراف

آنچه در دست دارید تحقیق تفسیری است که نقش راهنمای مطالعه را ایفا می‌کند، به این معنای که شما شخصا مسئولیت تفسیرتان از کتاب‌مقدس را بر عهده دارید. ما همگی باید در نوری که داریم قدم برداریم. شما، کتاب‌مقدس و روح‌القدس مقدم بر تفسیر هستید. چنین نقشی را نباید به مفسر محول کنید.

باب مورد نظر را یکجا بخوانید. موضوعات را شناسایی کنید. تقسیم‌بندی موضوعی خود را با تقسیم‌بندی پنج ترجمه امروزی مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی الهامی نیست، اما کلیدی است برای دنبال کردن انگیزه مولف اولیه، که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. و الی آخر

برداشتهای دقیق‌تر از متن:

الف) کل این بخش، ۲: ۱ تا ۳: ۱۳، به پرستش عمومی و سازماندهی می‌پردازد:
- ۱. پرستش عمومی (۲: ۱۵-۱)
  - الف. نقش مردان (۲: ۸-۱)
  - ب. نقش زنان (۲: ۱۵-۹)
- ۲. سازماندهی کلیسا (۳: ۱۳-۱)
  - الف. شبان (۳: ۷-۱)

ب. شماس (۳: ۱۰-۸، ۱۳-۱۲)
ج. زنان خادم (۳:۱۱)

ب) تمرکز دعای ایمانداران بر نجات "همه" است (۲: ۱). خدا مشتاق است "همه" را نجات دهد (یوحنا ۳: ۱۶؛ ۱ تیموتائوس ۲: ۴؛ تیطوس ۲: ۱۱؛ ۲ پطرس ۳: ۹). عیسی جزای گناه "همه" را پرداخت (رومیان ۵: ۱۹-۱۸). چه جهان شمولی فوق‌العاده‌ای)!

ج) این بخش احتمالا دستورالعمل اولیه کلیسا بود که برای کمک به سازماندهی و هدایت تلاشهای آنها طراحی شده بود (۳: ۱۵-۱۴).

د) مشکلترین قسمت این بخش جهت تفسیر ۲: ۱۵-۸ است. فهمیدن آن دشوار نیست، ولی مشکل درک این است که چطور باید آنرا در شرایط فرهنگی خود بکار برد. براحتی می‌توانیم بخشهایی از عهد جدید را که با آن موافق نیستم "فرهنگ" تلقی کرده و بیربط به خود در نظر بگیریم. بنا به دلایل زیر برچسب فرهنگی زدن به متنی کاملا الهامی مرا معذب می‌کند:

۱. من که هستم که بتوانم کتاب‌مقدس را نفی کنم؟
۲. از کجا بدانم که بیش از حد تحت تاثیر فرهنگ خود قرار نگرفته‌ام (تعصب شخصی در اثر شرطی شدن ناشی از تاریخ)؟
۳. آیا علامت، اصطلاح یا نشانه‌ای در متن وجود دارد که تعیین کند کدام آیات فرهنگی و کدام اراده خدا برای همه کلیساها در تمام دورانهاست؟

اولا، هیچگونه علایمی در متن وجود ندارد! دوما، برای پرداختن به موضوعی خاص باید از تمام کتاب‌مقدس کمک بگیرم. اگر کل کتاب در مورد موضوعی متفق است، آن موضوع باید حقیقتی عالمگیر باشد. چنانچه به نظر رسد کتاب‌مقدس گزینه‌ها یا موقعیت‌های متعددی را ارائه می‌دهد، باید در تفسیر انعطاف بیشتری را بکار برم (*چگونه کتاب‌مقدس را آن چنانکه شایسته آن است بخوانیم*، اثر فی و استوارت، ص ۷۶-۷۰).

مطالعه لغت و عبارت

متن ان آ بی اس (بروز شده): 2: ۷-۱
[1] بنابراین، پیش از هر چیز، سفارش می‌کنم که مؤمنان درخواستها، دعاها، شفاعتها و شکرگزاری‌ها را برای همهٔ مردم به‌جا آورند، [2] از آن‌جمله برای حاکمان و همهٔ صاحبمنصبان، تا بتوانیم زندگی آرام و آسوده‌ای را در کمال دینداری و وقار بگذرانیم. [3] چرا که این نیکو و پسندیدهٔ نجات‌دهندهٔ ما خداست [4] که می‌خواهد همگان نجات یابند و به معرفت حقیقت نایل گردند. [5] زیرا تنها یک خدا هست و بین خدا و آدمیان نیز تنها یک واسطه وجود دارد، یعنی آن انسان که مسیحْ عیسی است؛ [6] او که با دادن جان خود، بهای رهایی * جملهٔ آدمیان را پرداخت. بر این حقیقت در زمان مناسب شهادت داده شد، [7] و من به همین منظور برگماشته شدم تا واعظ و رسول و معلّم ایمان راستین برای غیریهودیان باشم – حقیقت را بیان می‌کنم و دروغ نمی‌گویم.

۲: ۱ "پیش از هر چیز" معنای این اصطلاح یونانی این است: "مهمتر نکته این است که". در واقع متن نشان می‌دهد که هدف این است که تاثیر معلمین دروغین کنترل و تقلیل داده شود.

◆**"درخواستها، دعاها، شفاعتها و شکرگزاری‌ها"** این فهرست چهار کلمه‌ای دعاهاست (فیلیپیان ۴: ۶ سه تا از آنها را دارد. افسسیان ۶: ۱۸ شامل دوتا از آنهاست). این روش پولس است برای تاکید بر اینکه تمام فرمهای دعا باید برای همه انسانها و بخصوص حاکمان انجام شود. در افسسیان ۶: ۱۸ تاکید بر دعا برای همه به ایمانداران محدود شده، حال آنکه در اینجا تاکید عمومی است. عبارت "درخواستها" (*انتیوکسیس*) تنها در اینجا و در آین ۴: ۵ آمده است.

◆ **"برای همه مردم"** واژه "همه" در آیات ۷-۱ پنج بار تکرار می‌شود، که نشانگر وسعت هم دعاهای ما و هم محبت خداست. برداشت برخی این است که تاکید بر همه انسانها واکنشی است به برخورد انحصاری معلمین دروغین.

مبحث ویژه: دعای شفاعت

۱- مقدمه
الف. عیسی به عنوان سرمشق نشان میدهد دعا اهمیت دارد
۱. دعای شخصی، مرقس ۱: ۳۵؛ لوقا ۳: ۲۱؛ ۶: ۱۲؛ ۹: ۲۹؛ ۲۲: ۴۶-۲۹
۲. پاکسازی معبد، متی ۲۱: ۱۳؛ مرقس ۱۱: ۱۷؛ لوقا ۱۹: ۴۶
۳. نمونه دعا، متی ۶: ۱۳-۵؛ لوقا ۱۱: ۴-۲
ب. دعا ایمان ما را را به مرحله عمل ملموس می‌رساند، ایمان به خدای شخصی و دلسوزی که حاضر، مایل و قادر است از طرف ما و دیگران عمل کند .
ج. خدا شخصا خود را ملزم کرده که به دعای فرزندانش در بسیاری زمینه‌ها پاسخ گوید (یعقوب ۴: ۲).
د. هدف اصلی از دعا مشارکت و وقت گذاشتن با خدای تثلیث است.
ه. گستره دعا هر چیز یا کسی که به ایمانداران مرتبط است را پوشش می‌دهد. ممکن است با ایمان یکبار دعا کنیم، و یا چنانچه مسئله تکرار شود، ما نیز دعا را تکرار کنیم.
و. دعا ممکن است عناصر مختلفی را دربر گیرد
۱. ستایش و تمجید از خدای تثلیث
۲. شکرگزاری از خدا برای حضور، رفاقت و نعمت‌هایش
۳. اعتراف گناهان گذشته و حال
۴. درخواست نیازها و تمایلات معقول
۵. شفاعت و آوردن نیازهای دیگران به حضور پدر
ز. دعای شفاعت نوعی راز است. خداوند کسانی را که برایشان دعا می کنیم بیش از ما دوست دارد، با اینوجود دعای ما نه تنها در زندگی خودمان بلکه اغلب در زندگی آنها نیز بر تغییر، عکس العمل یا نیازی اثر می گذارد.

۲- منابع کتاب مقدس
الف. عهد عتیق
۱. برخی نمونه های دعای شفاعت
الف. ابراهیم برای سدوم التماس میکند، پیدایش ۱۸: ۲۲
ب. موسی برای اسرائیل دعا میکند
(۱) خروج ۵: ۲۳-۲۲
(۲) خروج ۳۲: ۳۱
(۳) تثنیه ۵: ۵
(۴) تثنیه ۹: ۱۸، ۲۵
ج. سموئیل برای اسرائیل دعا میکند
(۱) ۱ سموئیل ۷: ۶-۵، ۹-۸
(۲)۱ سموئیل ۱۲: ۲۳-۱۶
(۳)۱ سموئیل ۱۵: ۱۱
د. داود برای فرزندانش دعا میکند، ۲ سموئیل ۱۲: ۱۸-۱۶
۲. خداوند مشتاق شفاعت کنندگان است
۳. گناه آگاهانه که اعتراف نشده یا رفتار مغایر با توبه بر دعای ما اثر دارد
الف. مزمور ۶۶: ۱
ب. امثال ۲۸: ۹
ج. اشعیاء ۵۹: ۲-۱؛ ۶۴: ۷
ب. عهد جدید
۱. خدمت شفاعت پسر و روح
الف. عیسی
(۱) رومیان ۸: ۳۴
(۲) عبرانیان ۷: ۲۵
(۳) ۱ یوحنا ۲: ۱
ب. روح القدس، رومیان ۸: ۲۷-۲۶
۲. خدمت شفاعت پولس
الف. دعا برای یهودیان
(۱) رومیان ۹: ۱
(۲) رومیان ۱۰: ۱
ب. دعا برای کلیساها
(۱) رومیان ۹: ۱

(۲) افسسیان ۱: ۱۶
(۳) فیلیپیان ۱: ۴-۳، ۹
(۴) کولسیان ۱: ۳، ۹
(۵) ۱ تسالونیکیان ۱: ۳-۲
(۶) ۲ تسالونیکیان ۱: ۱۱
(۷) ۲ تیموتائوس ۱: ۳
(۸) فلیمون آیه ۴
ج. پولس از کلیساها میخواهد برایش دعا کنند
(۱) رومیان ۱۵: ۳۰
(۲) ۲ قرنتیان ۱: ۱۱
(۳) افسسیان ۶: ۱۹
(۴) کولسیان ۴: ۳
(۵) ۱ تسالونیکیان ۵: ۲۵
(۶) ۲ تسالونیکیان ۳: ۱
۳. خدمت شفاعت کلیسا
الف. دعا برای یکدیگر
(۱) افسسیان ۶: ۱۸
(۲) ۱ تیموتائوس ۲: ۱
(۳) یعقوب ۵: ۱۶
ب. درخواست دعا برای گروههای خاص
(۱) دشمنانمان، متی ۵: ۴۴
(۲) خادمان مسیحی، عبرانیان ۱۳: ۱۸
(۳) حاکمان، ۱ تیموتائوس ۲: ۲
(۴) بیماران، یعقوب ۵: ۱۶-۱۳
(۵) کسانی که از ایمان برگشته اند، ۱ یوحنا ۵: ۱۶
ج. دعا برای همه انسانها، ۱ تیموتائوس ۲: ۱
۳- موانع دعا
الف. رابطه ما با مسیح و روح
۱. ماندن در خدا، یوحنا ۱۵: ۷
۲. در نام او، یوحنا ۱۴: ۱۳، ۱۴؛ ۱۵: ۱۶؛ ۱۶: ۲۴-۲۳
۳. در روح، افسسیان ۶: ۱۸؛ یهودا ۲۰
۴. در راستای اراده خدا، متی ۶: ۱۰؛ ۱ یوحنا ۳: ۲۲؛ ۵: ۱۵-۱۴
ب. انگیزه ها
۱. متزلزل نشدن، متی ۲۱: ۲۲؛ یعقوب ۱: ۷-۶
۲. فروتنی و توبه، لوقا ۱۸: ۱۴-۹
۳. درخوست با نیت بد؛ یعقوب ۴: ۳
۴. خودخواهی، یعقوب ۴: ۳-۲
ج. سایر جنبه‌ها
۱. مداومت
الف. لوقا ۱۸: ۸-۱
ب. کولسیان ۴: ۲
ج. یعقوب ۵: ۱۶
۲. مدام بخواهید
الف. متی ۷: ۸-۷
ب. لوقا ۱۱: ۱۳-۵
ج. یعقوب ۱: ۵
۳. منازعه در خانه، ۱ پطرس ۳: ۷
۴. دوری از گناه آگاهانه
الف. مزمور ۶۶: ۱۸
ب. امثال ۲۸: ۹
ج. اشعیاء ۵۹: ۲-۱
د. اشعیاء ۶۴: ۷
۴- نتیجه الهیاتی
الف. چه امتیازی. چه فرصتی. چه وظیفه و مسئولیتی

ب. عیسی مسیح الگوی ماست. روح راهنمایی‌مان می‌کند. پدر مشتاقانه منتظر است.
ج. دعا می‌تواند شما، خانواده تان، دوستانتان و دنیا را عوض کند

۲: ۲ "برای حاکمان و همهٔ صاحب‌منصبان" کتاب‌مقدس حق الهی برای پادشاهان قائل نمی‌شود، اما تعلیم می‌دهد که خداوند خواستار حکومت منسجم است (رومیان ۱۳: ۱، ۲). بحث الهیاتی این نیست که آیا ما با حکومت خود موافقیم یا حکومتمان منصف است. ایمانداران باید برای مقامات حکومتی دعا کنند زیرا آنها در اراده خدا در دنیای سقوط کرده قرار دارند. ایمانداران با توجه رومیان ۱۳: ۱۲ می‌دانند که قدرت را خدا عطا می‌کند؛ بنابراین، به عنوان پیروان مسیح به آن احترام می‌گذاریم. این گفته زمانی قدرتمندتر می‌شود که متوجه شویم پولس از ایمانداران می‌خواهد برای رهبران حکومتی از قبیل نرون دعا کنند**!**

◆**"صاحب‌منصبان"** این واژه معادل کلمه یونانی *هوپروک* است. به مبحث ویژه: استفاده پولس از کلمات ترکیبی "*هوپر*" در ۱: ۱۴ مراجعه کنید.

مبحث ویژه: حکومتهای انسانی

۱- مقدمه
الف. تعریف – حکومت سازماندهی است که انسان انجام می‌دهد تا نیازهای فیزیکی معقول خود را تامین کند.
ب. هدف – اراده خدا بر این بود است نظم بر خدا بی‌نظمی ارجحیت دارد.
۱. قوانین موسی، بویژه ده فرمان، اراده خداست برای بشر در جامعه. این قوانین بین پرستش و زندگی تعادل برقرار میکند.
۲. در کتاب‌مقدس از هیچ شکل یا ساختار حکومتی دفاع نمی‌شود، گرچه حکومت دینی اسرائیل در آسمان پیش‌بینی می‌شود. دموکراسی و سرمایه‌داری حقایق کتاب‌مقدسی نیستند. از مسیحیان انتظار می‌رود متناسب با سیستم حکومتی که تحت آن زندگی می‌کنند عمل کنند. هدف یک مسیحی در زندگی بشارت و خدمت است، نه انقلاب.
ج. مبدا حکومت انسانی
۱. دیدگاه کاتولیک ادعا کرده است که حکومت انسانی ضرورتی فطری است، حتی قبل از سقوط انسان. ظاهرا ارسطو با این وعده موافق است. او می‌گوید، "انسان حیوانی سیاسی است" و منظورش این بود که "وجود حکومت برای ارتقاء زندگی است".
۲. اعتقاد پروتستان، خصوصا مارتین لوتر"، این است که حکومت انسانی میراث سقوط است. او آنرا "پادشاهی دست چپ خدا" می‌خواند. وی می‌گوید "روش خدا برای کنترل انسان بد این است که کنترل را به دست انسان بد بسپارد."
۳. کارل مارکس مدعی است که حکومت وسیله‌ای است برای آنکه عده‌ای نخبه توده‌ها را تحت کنترل نگاه دارند. از دید او، حکومت و مذهب نقش مشابهی دارند.
۲- منابع کتاب‌مقدسی
الف. عهد عتیق
۱. اسرائیل الگویی است که در آسمان بکار خواهد رفت. در اسرائیل باستانی یهوه پادشاه بود. حکومت دینی واژه‌ای است که برای توصیف حاکمیت مستقیم خدا استفاده می‌شود (۱ سموئیل ۸: ۹-۴).
۲. حاکمیت خدا در حکومت انسانی بروشنی در موارد زیر دیده می‌شود:
الف. ارمیاء ۲۷: ۶؛ عزرا ۱: ۱
ب. ۲ تواریخ ۳۶: ۲۲
ج. اشعیاء ۴۴: ۲۸
د. دانیال ۲: ۲۱
ه. دانیال ۲: ۴۴
و. دانیال ۴: ۱۷، ۲۵
ز. دانیال ۵: ۲۸
۳. قوم خدا باید حتی در مقابل حکومتها مهاجم و اشغالگر هم مطیع و با احترام عمل کنند:
الف. دانیال ۴-۱، نبوکدنصر
ب. دانیال ۵، بلشصر
ج. دانیال ۶، داریوش
د. عزرا و نحمیاء
۴. قوم خدا باید برای حاکم دعا کنند:
الف. ارمیا ۲۸: ۷
ب. میشنا، آوت ۳: ۲
الف. عهد جدید

۱. عیسی مسیح به حکومتهای انسانی احترام می‌گذاشت
الف. متی ۱۷: ۲۷-۲۴، مالیات معبد را پرداخت
ب. متی ۲۲: ۲۲-۱۵، از پرداخت مالیات به دولت روم، و بنابراین حاکمیت دولت روم حمایت کرد
ج. یوحنا ۱۹: ۱۱، قدرت حاکمیت را خدا عطا می‌کند
۲. سخنان پولس درباره حکومتهای انسانی
الف. رومیان ۱۳: ۷-۱، ایمانداران باید مطیع حاکمان خود بوده و برای آنها دعا کنند
ب. ۱ تیموتائوس ۲: ۳-۱، ایمانداران باید برای حاکمان خود دعا کنند
ج. تیطوس ۳: ۱، ایمانداران باید مطیع حاکمان خود باشند
۳. سخنان پطرس درباره حکومتهای انسانی
الف. اعمال ۴: ۳۱-۱؛ ۵: ۲۹، پطرس و یوحنا در حضور شورای یهود (این نااطاعتی مدنی را نشان می‌دهد)
ب. ۱ پطرس ۲: ۱۳-۱۷، ایمانداران باید مطیع حاکمان خود باشند
۴. سخنان یوحنا درباره حکومتهای انسانی
الف. مکاشفه ۱۷، فاحشه بابل سمبل حکومتهای انسانی ضد خداست
۳- نتیجه‌گیری الهیاتی
الف. حکومتهای انسانی توسط خدا منسوب می‌شوند. این "حق الهی پادشاهان" نیست، بلکه جایگاه الهی حکومت است. هیچی فرمی بر دیگرای ارجحیت ندارد.
ب. وظیفه مذهبی همه ایمانداران است که با منش احترام آمیز مناسب از حکومت داخلی خود اطاعت کنند.
ج. برای ایمانداران مناسب است که با دادن مالیات و دعا کردن از حکومت انسانی حمایت کنند.
د. وظیفه حکومت انسانی برقراری نظم است. آنها خادم خدای برای تحقق این هدف هستند.
ح. حکومت انسانی غایت نیست، بلکه در اختیارات خود محدود است. اگر حکومت مرزهای الهی معین را زیر پا بگذارد، ایمانداران باید بخاطر وجدان خود در جهت رد آن اقدام کنند. چنانکه آگوستین در کتاب *شهر خدا* تاکید کرده، ما شهروندان دو قلمرو هستیم، یکی موقت و دیگری ابدی. ما در هر دو مسئولیت داریم، اما پادشاهی خدا غایت است! در مسئولیتمان نسبت به خدا تمرکز انفرادی و اشتراکی وجود دارد.
و. در یک سیستمی دموکراتیک باید ایمانداران را به مشارکت فعال در فرآیند حکومت و در حد امکان، اجرای تعالیم کتاب‌مقدس تشویق کنیم.
ز. تغییر اجتماعی نسبت به تبدیل فردی باید با در درجه دوم اهمیت باشد. به حکومتهای امید مانای ابدی نیست. همه حکومتهای انسانی، ولو مطابق اراده و کار خدا، تجلی گناه‌آلود سازماندهی انسان جدا از خدا هستند.
این مفهوم در فلسفه یوحنایی برای کاربرد "دنیا" بیان می‌شود.

◆ **"تا بتوانیم زندگی آرام و آسوده‌ای را بگذرانیم"** ظاهرا معنای این جمله "صلح‌آمیز" از لحاظ "رهایی از آزمایشات بیرونی" و "آسوده" از جهت آشفتگی‌های درونی" است. ایمانداران باید ایمان خود را از طریق زندگی آرام تمرین کنند، چیزی که در هنگام غمها و سردرگمی‌ها بسیار دشوار است. این معلمین دروغین آرامش و شادی کلیساهای خانگی افسس را بر هم زده بودند. پولس به کلیسای تسالونیکی، که توسط گروهی افراطی و آخرت‌گرا دچار آشوب شده بود هم همین نصیحت را می‌کند (۱ تسالونیکیان ۴: ۱۱؛ ۲ تسالونیکیان ۳: ۱۲). در صورت مواجهه با کلیسای آشوب‌زده، دعا کنید و زندگی آرام و خداپسندانه‌ای داشته باشید.

◆ **"در کمال دینداری و وقار"** مسیحیان از سوی بت‌پرستان مورد جفا و سوء برداشت قرار گرفتند. یک روش مواجهه با این مشکل طرز زندگی ایمانداران بود.
واژه "دینداری" ده بار در رسالات شبانی بکار رفته است (۲: ۲؛ ۳: ۱۶؛ ۴: ۷، ۸؛ ۶: ۳، ۵، ۶، ۱۱؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۵؛ تیطوس ۱: ۱). بار معنایی آن ترس توام با احترام نسبت به خداست که از طریق روش زندگی مبتنی بر ارزشهای اخلاقی ابراز می‌شود. دادداشت ۴: ۷ را ببینید.
واژه "وقار" نیز چندین بار در رسالات شبانی بکار رفته است (۱ تیموتائوس ۲: ۲؛ ۳: ۴، ۸، ۱۱؛ تیطوس ۲: ۲، ۷). در فرهنگ لغت باور، آرندت، گنگریچ و دانکر به "خوف توام با احترام، وقار، جدیت، احترام، تقدس و پاکدامنی" تعریف میشود (ص ۴۷).
مسیحیان باید از طریق مثبت توجهات را به سوی خود جلب کنند (یعنی "شایسته احترام باشند")، نه از طریق منفی (آیه ۳؛ ۱ پطرس ۴: ۱۶-۱۲).

۲: ۳ "این نیکو و پسندیدهٔ است" دینداری اراده خداست برای همه انسانهاست. این روشی است برای اشاره به احیا "تصویر معیوب خدا" در بشر از پیدایش ۱: ۲۷-۲۶. خدا همیشه خواهان قومی بوده که شخصیت او را منعکس کنند. پرسش همواره این بوده که "چطور"؟ عهد عتیق نشان داد که بشریت سقوط کرده با تلاش خود نمی‌تواند اطاعت و پارسایی را بوجود آورد. پس،

عهد جدید بر اساس اعمال و وفاداری خداست، نه انسان (ارمیاء ۳۱: ۳۴-۳۱؛ حزقیال ۳۶: ۳۸-۲۲). خداوند از طریق کتابش، پسرش و روحش ایمانداران را احیا و تشویق می‌کند. ما در حضور خدا بر اساس اعمال خود پارسا شمرده نمی‌شویم، اما به محض اینکه او را در نجات بشناسیم، قدوسیت هدف زندگیمان می‌شود (متی ۵: ۲۰، ۴۸؛ رومیان ۸: ۲۹؛ غلاطیان ۴: ۱۹؛ افسسیان ۱: ۴؛ ۲: ۱۰). مبحث ویژه: تقدیس در ۲ تیموتائوس ۲: ۲ را ببینید.

◆ **"نجات‌دهندهٔ ما خدا"** یادداشت ۱: ۱ را ببینید

۲: ۴ "که می‌خواهد همگان نجات یابند" ایمانداران باید برای همه مردم دعا کنند زیرا خواست خدا نجات همه است. این بیانیه برای معلمین دروغین انحصارگرا، چه گنوستیک و چه یهودی و یا به احتمال زیاد ترکیبی از این دو در رسالات شبانی، شوک آور بود. این حقیقتی عظیم است در مورد محبت خدا برای همه بشر (۴: ۱۰؛ حزقیال ۱۸: ۲۳، ۳۲؛ یوحنا ۳: ۱۶؛ تیطوس ۲: ۱۱؛ ۲ پطرس ۳: ۹؛ ۱ یوحنا ۲: ۱؛ ۴: ۱۴). این آیه عدم توازن تقدیر جزمی فوق ساقط دولبه را نشان می‌دهد که بر حاکمیت خدا بر مستثنی کردن عکس‌العمل انسانی نیازمند تاکید دارد. حقایق "پنجگانه" کالوینیسم، بویژه "فیض مقاومت ناپذیر" و "کفاره محدود" جنبه عهدی ایمان کتاب‌مقدس را نقض می‌کند. تنزل دادن خدا به عروسک خیمه شب‌بازی اراده آزاد انسان صحیح نیست، همانطور که تنزل دادن انسان به عروسک خیمه شب‌بازی اراده الهی درست نیست. خداوند در اقتدار خود تصمیم گرفت از طریق عهد با انسان سقوط کرده وارد معامله شود. او همیشه پیشقدم است و عهد را طراحی می‌کند (یوحنا ۶: ۴۴؛ ۶۵)، اما فرمان داده است که انسانها باید با توبه و ایمان پاسخگو باشند و پاسخگو بمانند (کرقس ۱: ۱۵؛ اعمال ۳: ۱۶، ۱۹؛ ۲۰: ۲۱).

اغلب بحث الهیاتی در مورد حاکمیت خدا (تقدیر) و اراده آزاد انسان به مشاجره با علم کردن بخشی از کتاب‌مقدس ختم می‌شود. کتاب‌مقدس بروشنی حاکمیت یهوه را مکشوف می‌کند. با اینحال، این را نیز آشکار می‌کند که به اشرف مخلوقاتش، انسان، که به صورت خود او خلق شده این کیفیت شخصیتی فوق‌العاده عطا شده که بتواند تصمیمات اخلاقی بگیرد. انسان باید در تمام بخشهای زندگی با خدا همکاری کند. واژه "بسیاری" بکار رفته تا تاکید شود خدا برخی را انتخاب کرده است (برگزیدگان)، اما نه همه را؛ عیسی برای عده‌ای مرد، نه همه. قرائت دقیق متنهای زیر نشان می‌دهد که معنای هم جهتی دارند!

اشعیاء ۵۳	**رومیان ۵**
۱. "همه" (آیه ۶)	۱. "همه" (آیه ۱۸)
۲. "بسیاری" (آیات ۱۲-۱۱)	۲. "بسیاری" (آیه ۱۹)

◆ **"نجات یابند"** این فرم مجهول مصدری کامل است و بطور ضمنی اشاره به این دارد که انسان سقوط کرده نمی‌تواند خود را نجات دهد (صدای مجهول) اما خدا آماده است، میخواهد و قادر است از طریق مسیح او را نجات دهد.

◆ **"و به معرفت حقیقت نایل گردند"** این فرم تاکید شده اپی+گنچسیس است، که به "معرفت کامل و تجربی؛؛ اشاره دارد." این جهان‌شمولی ضربه‌ای بود به تاکید معلمین دروغین بر نخبگی و معرفت خاص. رابطه دقیق بین عناصر یهودی و یونانی معلمین دروغین روشن نیست. آنها ظاهرا عنصر یهودی دارند که به "اساطیر" و "شجرنامه‌ها" و "شریعت" اهمیت می‌دهد (یادداشت ۱: ۷-۶ را ببینید). در مورد عنصر یونانی تردیدهای زیادی وجود داشته است. شکی نیست که عنصر غیر اخلاقی وجود داشت که بیشتر مشخصه معلمین دروغین یونانی است تا یهودیت. میزان تاثیر سیستم گنوستیک لایه‌های فرشتگان در بدعتهای رسالات شبانی مشخص نیست. در کتاب *تصاویر دنیا در عهد جدید*، جلد چهار، ص ۵۶۷، آ تی رابرتسون می‌گوید معلمین دروغین "گنوستیک" بودند.

کشف باستان‌شناسی در نگ همادی در مصراطلاعات بیشتری در مورد فرضیات و الهیات گنوستیک به ما می‌دهد. ترجمه انگلیسی این متون تحت عنوان *کتابخانه نگ همادی* وجود دارد که توسط جیمز ام رابینسون و ریچارد اسمیت تدوین شده است. در کتاب *مذهب گنوستیک* اثر هانس جوناس تفسیر جالبی از این متون ارائه شده است.

◆ **"حقیقت"** واژه "حقیقت" در عهد جدید به شیوه‌های گوناگونی استفاده شده است: (۱) برای شخص عیسی (یوحنا ۸: ۳۱، ۳۲، ۱۴: ۶)؛ (۲) برای توصیف روح (یوحنا ۱۶: ۱۳)؛ و (۳) برای توصیف "کلام" (یوحنا ۱۷: ۱۷). حقیقت خدا بطور کامل در عیسی مسیح ، کلام زنده، دیده می‌شود که در حد نیاز در کتاب مقدس، کلام مکتوب، ثبت شده؛ و هر دوی آنها توسط عمل روح القدس برای ما معنا پیدا می‌کنند. حقیقتی که در اینجا مد نظر است همسو است با "تعلیم صحیح" آیه ۱: ۹ و "انجیل پرجلال خدای متبارک" در آیه ۱: ۱۰. این حقیقت اشاره دارد به خبر خوش عیسی مسیح (۴: ۳؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۲۵؛ ۳: ۷؛ تیطوس ۱: ۱).

مبحث ویژه: "حقیقت" در نوشته‌های پولس

پولس این واژه و فرمهای مرتبط را مشابه معادل عهد عتیقی آن، اِمِت، بکار می‌برد که معنایش قابل اعتماد و وفادار است. شاید نزدیکترین معادل "سرود شکرگزاری" طومارهای دریای مرده باشد که در آن این واژه برای روشن کردن اعتقادات بکار می رود. اعضا جامعه اِسِن "شاهدان حقیقت" شدند.

پولس از این واژه به عنوان طریقی برای اشاره به انجیل عیسی مسیح استفاده می‌کند:

۱. رومیان ۱: ۱۸، ۲۵؛ ۲: ۸، ۲۰؛ ۳: ۷؛ ۱۵: ۸
۲. ۱ قرنتیان ۱۳: ۶
۳. ۲ قرنتیان ۴: ۲؛ ۶: ۷؛ ۱۱: ۱۰؛ ۱۳: ۸
۴. غلاطیان ۲: ۵، ۱۴؛ ۵: ۷
۵. افسسیان ۱: ۱۳؛ ۶: ۱۴
۶. کولسیان ۱: ۵، ۶
۷. ۲ تسالونیکیان ۲: ۱۰، ۱۲، ۱۳
۸. ۱ تیموتائوس ۲: ۴؛ ۳: ۱۵؛ ۴: ۳؛ ۶: ۵
۹. ۲ تیموتائوس ۲: ۱۵، ۱۶، ۲۵؛ ۳: ۷، ۸؛ ۴: ۴
۱۰. تیطوس ۱: ۱، ۱۴

پولس از این واژه به عنوان طریقی برای بیان دقیق حرفهایش نیز استفاده می‌کند:

۱. اعمال ۲۶: ۲۵
۲. رومیان ۹: ۱
۳. ۲ قرنتیان ۷: ۱۴؛ ۱۲: ۶
۴. افسسیان ۴: ۲۵
۵. فیلیپیان ۱: ۱۸
۶. ۱ تیموتائوس ۲: ۷

پولس برای توصیف انگیزه‌های خود در ۱ قرنتیان ۵: ۸ و سبک زندگیش (و برای همه مسیحیان) در افسسیان ۵: ۹؛ فیلیپیان ۴: ۸ از این واژه استفاده می‌کند. او گاهی آنرا برای مردم هم بکار می‌برد:

۱. خدا، رومیان ۳: ۴ (یوحنا ۳: ۳۳؛ ۱۷: ۱۷)
۲. عیسی، افسسیان ۴: ۲۱ (مشابه یوحنا ۱۴: ۶)
۳. شهادت رسولان، تیطوس ۱: ۱۳
۴. پولس، ۲ قرنتیان ۶: ۸

فقط پولس در غلاطیان ۴: ۱۶ و افسسیان ۴: ۱۵ از فرم فعلی (یعنی *التیوچ*) استفاده کرده و به انجیل اشاره می‌کند. برای اطلاعات بیشتر به کتاب کولین براون تحت عنوان *لغت‌نامه بین‌المللی جدید الهیات عهد جدید*، جلد ۳، صفحات ۷۸۴-۹۰۲ مراجعه کنید.

۲: ۵ "تنها یک خدا هست" تاکید اینچنینی بر خدای واحد (رومیان ۳: ۳۰؛ ۱ قرنتیان ۸: ۶؛ افسسیان ۴: ۶) را می‌توان در ۱ تیموتائوس ۱: ۱۷ یافت، که انعکاسی است از تثنیه ۶: ۶-۴. با اینحال در اینجا به نظر می‌رسد عیسی پسر و خدای پدر جدا باشند. مهم است بیاد داشته باشیم که عهد جدید بر الوهیت مسیح تاکید دارد (یوحنا ۱: ۱۶-۱۴؛ عبرانیان ۱: ۲،۳)، اما شخصیتی جدای از پدر برای او قائل است. اعتقاد به تثلیث (مبحث ویژه تیطوس ۳: ۶ را ببینید) یگانگی ذات واحد و در عین حال تمایز ابدی سه شخص را به رسمیت می‌شناسد. یک راه برای نشان دادن این تناقص کتاب‌مقدسی مقایسه بخشهایی از انجیل یوحناست

۱. عیسی با پدر یکی است (یوحنا ۱: ۱؛ ۵: ۱۸؛ ۱۰: ۳۰، ۳۸-۳۴؛ ۱۴: ۱۰-۹؛ ۲۰: ۲۸)
۲. عیسی جدای از پدر است (یوحنا ۱: ۲، ۱۴، ۱۸؛ ۵: ۲۳-۱۹؛ ۸: ۲۸؛ ۱۰: ۲۵، ۲۹؛ ۱۴: ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۶؛ ۱۷: ۲-۱
۳. عیسی خادم زیر دست پدر است (یوحنا ۵: ۲۰، ۳۰؛ ؛ ۸: ۲۸؛ ۱۲: ۴۹؛ ۱۴: ۲۸؛ ۱۵: ۱۱، ۲۴-۱۹؛ ۱۷: ۸).

مفهوم الوهیت پسر و شخصیت روح‌القدس در عهد جدید صراحتا بیان شده، اما تا قرون سوم و چهارم در الهیات ارتدکس کاملا نتیجه‌گیری نشده بود. واژه "تثلیث" کتاب‌مقدس نیست، اما مفهوم آن مطمئنا هست (متی ۳: ۱۷-۱۶؛ ۲۸: ۱۹؛ یوحنا ۱۴: ۲۶؛ اعمال ۲: ۳۳-۳۲، ۳۹-۳۸؛ رومیان ۱: ۵-۴؛ ۵: ۵-۱؛ ۸: ۴-۱، ۱۰-۸؛ ۱ قرنتیان ۱۲: ۶-۴؛ ۲ قرنتیان ۱: ۲۲-۲۱؛ ۱۳: ۱۴؛ ۴: ۶-۴؛ ۱ تسالونیکیان ۱: ۵-۲؛ ۲ تسالونیکیان ۲: ۱۳؛ تیطوس ۳: ۶-۴؛ ۱ پطرس ۱: ۲؛ یهودا ۲۱-۲۰). گرامر آیات ۶-۵ دلایل الهیاتی نجات فراگیر خدا را ارائه می‌دهد

۱. خدا یکی است. بر اساس پیدایش ۱: ۲۷-۲۶ میدانیم که همه انسانها شبیه خدا آفریده شدند.
۲. برای رسیدن به خدا فقط یک راه از طریق مسیح وجود دارد (یوحنا ۱۴: ۶)، که در پیدایش ۳: ۱۵ پیش‌بینی شد.
۳. تنها یک راه نجات وجود دارد، قربانی کامل بره بیگناه خدا، عیسی (یوحنا ۱: ۲۹؛ ۲ قرنتیان ۵: ۲۱).

خدای واحد راهی فراهم کرد که از طریق آن همه می‌توانند با خدا رفاقت داشته باشند (پیدایش ۲: ۱۵). همه می‌توانند بیایند، ولی باید از راه او بیایند، از طریقی که او فراهم کرد، از طریق ایمان به پسرش که امید آنها برای پذیرفته شدن است.

◆**"و بین خدا و آدمیان نیز تنها یک واسطه وجود دارد"** این نمونه‌ای است از تاکید عهد جدید بر اینکه ایمان به شخص و کار مسیح تنها راه مصالحه با خداست (یوحنا ۱۰: ۱۸-۱؛ ۱۴: ۶). معمولا به این به عنوان "رسوایی فراگیری انجیل" اشاره می شود. در روزگار تساهل ما (که در آن مطلق وجود ندارد) این حقیقت ظاهرا بیربط به نظر می‌رسد، اما اگر انجیل مکاشفه‌ای است که خدا از خود ارائه می‌دهد، پس ایمانداران باید این عدم فراگیری را به صراحت بیان کنند. ما نمی‌گوییم یک فرقه تنها راه است، بلکه منظورمان این است که ایمان به عیسی تنها راه رسیدن به خداست. کاربرد واژه "واسطه" مفهوم کهانتی دارد (عبرانیان ۸: ۶؛ ۹: ۱۵؛ ۱۲: ۲۴). کاهن بین انسان نیازمند و خدای قدوس می‌ایستاد. عیسی کاهن اعظم ماست (عبرانیان ۷-۹).

◆ **"یعنی آن انسان که مسیحْ عیسی است"** تاکید این آیه بر این است که عیسی انسان کامل و در عین حال تنها واسطه بین خدا و بشر است (یوحنا ۱۴: ۶). معلمین دروغین گنوستیک انسان بودن عیسی را انکار می‌کردند (یوحنا ۱: ۱۴؛ ۱ یوحنا ۱: ۳-۱). ممکن است پیشینه آن گنوستیک نباشد، بلکه گونه‌سازی آدم-مسیح توسط پولس باشد (رومیان ۵: ۲۱-۱۲؛ ۱ قرنتیان ۱۵: ۲۱-۲۲، ۴۹-۴۵؛ فیلیپیان ۲: ۶). عیسی آدم دوم در نظر گرفته می‌شد، منشا نژادی جدید، نه یهودی، نه یونانی، نه مذکر، نه مونث، نه برده، نه آزاد، بلکه مسیحی (۱ قرنتیان ۱۲: ۱۳؛ غلاطیان ۳: ۲۸؛ افسسیان ۲: ۳-۱۱: ۱۳؛ کولسیان ۳: ۱۱).
این احتمال وجود دارد که آیات ۵ و ۶ تعاریف الهیاتی واژه "حقیقت" باشند که در آیه ۴ آمده است.

۲: ۶ "که با دادن جان خود" گرچه پدر او را فرستاد، اما عیسی با میل خود آمد و جان خود را فدا کرد (متی ۲۰: ۲۸؛ مرقس ۱۰: ۴۵؛ یوحنا ۱۰: ۱۷، ۱۸).

◆**"بهای رهایی [برای] جمله آدمیان"** این منعکس کننده واقعیت بزرگ اشعیاء ۵۳ (بویژه آیه ۶) است. لغت "بهای آزادی" از بازار برده‌فروشی آمده و برای خریدن یک دوست یا فامیل جهت آزادی از بردگی یا اسارت نظامی بکار می‌رفت. گرامر این عبارت اهمیت زیادی دارد: (۱) فرم غیرمعمول و پیچیده‌ای از کلمه "بهای" با حرف اضافه *آنتی* (بجای) بکار رفته؛ (۲) حرف اضافه "برای" در واقع حرف اضافه یونانی *هوپر* است، به معنای "از طرف" (تیطوس ۲: ۱۴). تاکید الهیاتی بر کفاره نیابتی و کفالتی عیسی مسیح است به جای ما (۲ قرنتیان ۵: ۲۱).

مبحث ویژه: بهای رهایی/بازخرید

۱. عهد عتیق
الف. مقدمتا دو واژه حقوقی عبری وجود دارد که این مفهوم را منتقل می‌کنند.
۱. *گال*، که اساسا یعنی "آزاد کردن" از طریق پرداخت بها. فرمی از واژه *گوئل* وساطت شخصی، معمولا از سوی یکی از اعضای خانواده را به این مفهوم اضافه میکند (یعنی خویشاوند رهایی‌بخش). این جنبه فرهنگی حق خرید اشیاء، حیوانات، زمین (لاویان ۲۵، ۲۷)، یا بستگان (روت ۴: ۱۵؛ اشعیاء ۲۹: ۲۲) از لحاظ الهیاتی برای رهایی اسرائیل از مصر توسط یهوه استفاده می‌شود (خروج ۶: ۶؛ ۱۵: ۱۳؛ مزامیر ۷۴: ۲؛ ۷۷: ۱۵؛ ارمیاء ۳۱: ۱۱). او "رهایی‌بخش" شد (ایوب ۱۹: ۲۵؛ اشعیاء ۱۹: ۱۴؛ ۷۸: ۳۵؛ امثال ۲۳: ۱؛ اشعیاء ۴۱: ۱۴؛ ۴۳: ۱۴؛ ۴۴: ۶، ۲۴؛ ۴۷: ۴؛ ۴۸: ۱۷؛ ۴۹: ۷، ۲۶؛ ۵۴: ۵، ۸؛ ۵۹: ۲۰: ۶۰: ۱۶؛ ۶۳: ۱۶؛ ارمیاء ۵۰: ۳۴).
۲. *پاداه*،که اساسا یعنی "رستگار کردن" یا "نجات دادن"
الف. نجات نخست‌زاده، خروج ۱۳: ۱۳، ۱۴ و اعداد ۱۸: ۱۷-۱۵
ب. نجات جسمانی با نجات روحانی مقایسه می‌شود، مزمور ۴۹: ۷، ۸، ۱۵
ج. یهوه اسرائیل را از گناه و نافرمانی‌شان نجات می‌دهد، مزمور ۱۳۰: ۸-۷
ب. مفهوم الهیاتی سه مسئله مرتبط را دربر می‌گیرد
۱. نیاز، اسارت، فقدان و بستگی وجود دارد
الف. فیزیکی
ب. نجات اجتماعی
ج. روحانی (مزمور ۱۳۰: ۸)
۲. برای آزادی، رهایی و احیا بهایی باید پرداخت شود
الف. برای یک ملت، اسرائیل (تثنیه ۷: ۸)
ب. برای شخص (ایوب ۱۹: ۲۷-۲۵؛ ۳۳: ۲۸)

۳. یک نفر باید نقش واسطه و خیّر را بازی کند. در *گائل* این شخص یکی از اعضاء خانواده یا نزدیکان است (یعنی *گائل*).
۴. یهوه اغلب خود را با استفاده از واژه‌های خانودگی توصیف می‌کند
الف. پدر
ب. شوهر
ج. خویشاوند
نجات از طریق عمل شخصی خود یهوه تضمین شد؛ بهایی پرداخت شد و رستگاری بدست آمد!

۲. عهد جدید
الف. برای بیان این مفهوم الهیاتی واژه‌های متعددی بکار رفته است
۱. *آگورازچ* (۱ قرنتیان ۶: ۲۰؛ ۷: ۲۳؛ ۲ پطرس ۲: ۱؛ مکاشفه ۵: ۹؛ ۱۴: ۳۴). این واژه‌ای تجاری است که نشانگر بهایی است کی برای چیزی پرداخت شده است. ما افراد خریده شده با خون هستیم که بر زندگی خود کنترلی نداریم. ما متعلق به مسیح هستیم.
۲. *اگزاگورازچ* (غلاطیان ۳: ۱۳؛ ۴: ۵؛ افسسیان ۵: ۱۶؛ کولسیان ۴: ۵). این نیز لغتی تجاری است که منعکس‌کننده مرگ کفالتی مسیح به جای ماست. عیسی "لعنت" شریعتی مبتنی بر اعمال را بر خود گرفت (شریعت موسی)، که انسان قادر به انجامش نبود. ار لعنت را بر خود گرفت (تثنیه ۲۱: ۲۳) برای همه ما! در عیسی، عدالت و محبت خدا با هم آمیختند تا بخشش، مقبولیت و دسترسی حاصل شود!
۳. *لوچ*، "آزاد کردن"
الف. *لوترون*، "بهایی پرداخت شد" (متی ۲۰: ۲۸؛ مرقس ۱۰: ۴۵). اینها کلماتی قدرتمند از زبان خود عیسی هستند درباره علت آمدنش، برای اینکه با پرداختن کفاره گناهی که خود مدیون نبود منجی جهان شود (یوحنا ۱: ۲۹)
ب. *لوتروچ*، "آزاد کردن
۱. برای آزاد کردن اسرائیل، لوقا ۲۴: ۲۱
۲. تا خود را برای آزاد و تهذیب قومش فدا کند، تیطوس ۲: ۱۴
۳. تا جایگزین بیگناهی شود، ۱ پطرس ۱: ۱۹-۱۸
ج. *لوترچسیس*، "رستگاری، رهایی، یا آزادی"
۱. نبوت زکریا در مورد عیسی، لوقا ۱: ۶۸
۲. شکرگزاری آنا بدرگاه خدا برای وجود عیسی، لوقا ۲: ۳۸
۳. قربانی برتر و یکباره عیسی، عبرانیان ۹: ۱۲
۴. *آپولیترچسیس*
الف. رستگاری به هنگام آمدن ثانویه (اعمال ۳: ۲۱-۱۹)
۱. لوقا ۲۱: ۲۸
۲. رومیان ۸: ۲۳
۳. افسسیان ۱: ۱۴؛ ۴: ۳۰
۴. عبرانیان ۹: ۱۵
ب. رستگاری در مرگ مسیح
۱. رومیان ۳: ۲۴
۲. ۱ قرنتیان ۱: ۳۰
۳. افسسیان ۱: ۷
۴. کولسیان ۱: ۱۴
۵. *آپولیترچسیس* (۱ تیموتائوس ۲: ۶). این متن بسیار مهمی است (مانند تیطوس ۲: ۱۴)، که آزادی را به مرگ کفالتی مسیح بر روی صلیب ربط می‌دهد. او قربانی یگانه و منحصربفرد است، کسی که برای "همه" جان داد (یوحنا ۱: ۲۹؛ ۳: ۱۷-۱۶؛ ۴: ۴۲؛ ۱ تیموتائوس ۲: ۴؛ ۴: ۱۰؛ تیطوس ۲: ۱۰؛ ۲ پطرس ۳: ۹؛ ۱ یوحنا ۲: ۲؛ ۴: ۱۴).

ب. مفهوم الهیاتی در عهد جدید اشاره ضمنی دارد به اینکه
۱. نسل بشر به بندگی گناه در آمده است (یوحنا ۸: ۳۴؛ رومیان ۳: ۱۸-۱۰؛ ۶: ۲۳).
۲. اسارت نسل بشر توسط گناه در شریعت موسی (غلاطیان ۳) و موعظه سر کوه عیسی (متی ۷-۵) مکشوف شده است. اعمال انسان مانند مجازات مرگ شده است (کولسیان ۲: ۱۴).
۳. عیسی، بره بیگناه خده، آمد و بجای ما مرد (یوحنا ۱: ۲۹؛ ۲ قرنتیان ۵: ۲۱). ما از گناه بازخرید شدیم تا بتوانیم خدا را خدمت کنیم (رومیان ۶).
۴. از لحاظ استدلالی یهوه و عیسی "خویشاوندان نزدیکی" هستند که به جای ما عمل می‌کنند. این استعاره‌های خانوادگی ادامی پیدا می‌کنند (یعنی پدر، شوهر، پسر، برادر، خویشاوند نزدیک).
۵. رستگاری بهایی نبود که به شیطان پرداخته شد (الهیات قرون وسطی)، بلکه آشتی کلام خدا و عدالت خدا بود با محبت خدا و تمهید کامل در مسیح. روی صلیب آشتی دوباره برقرار شد، نافرمانی بشر بخشیده شد، و اکنون تصویر خدا در بشر دوباره در رفاقت صمیمانه تجلی کامل دارد!

۶. هنوز جنبه‌های دیگری از رستگاری هست که باید تحقق یابد (رومیان ۸: ۲۳؛ افسسیان ۱: ۱۴؛ ۴: ۳۰). این جنبه ها عبارتند از قیام بدنهای ما و صمیمیت فیزیکی ما با خدای تثلیث.

◆**"جمله آدمیان"** خدا را شکر برای لغت "جمله [همه]" که پنج بار در آیات ۷-۱ بکار رفته است! درک اینکه مرگ عیسی گناهان تمام جهان را پوشاند اهمیت زیادی دارد (یوحنا ۱: ۲۹؛ ۳: ۱۶، ۱۷؛ ۱ تیموتائوس ۴: ۱۰؛ تیطوس ۲: ۱۱؛ عبرانیان ۲: ۹؛ ۲ پطرس ۳: ۹؛ ۱ یوحنا ۲: ۲؛ ۴: ۱۴). تنها چیزی که انسان را از دریافت نجات باز می‌دارد گناه نیست، بلکه اعتقاد نداشتن به کاری است که عیسی مسیح تکمیل کرد (یوحنا ۱: ۱۲؛ اعمال ۱۷: ۳۰؛ ۱ تیموتئوس ۴: ۱۰؛ ۱ یوحنا ۵: ۱۳-۱۰).



ان آ اس بی "در زمان مناسب شهادت داده شد"
ان ک ج وی "شهادتی در زمان معین"
ان آر اس وی "در زمان درست شهادت داده شد"
تی ای وی "اثبات در زمان درست"
ان ج بی "در زمان معین شهادت داده شد"

این عبارت با ۱ تیموتائوس ۶: ۱۵ و تیطوس ۱: ۳ همراستاست. خداوند کنترک کننده وقایع تاریخی است. مسیح در زمان معین آمد تا به همه انسانها رستگاری عطا کند (رومیان ۵: ۱۹-۱۸).

احتمال دیگر این است که شاید این مرتبط باشد با رومیان ۵: ۶؛ غلاطیان ۴: ۴؛ افسسیان ۱: ۱۰، که در آن شرایط تاریخی خاص قرن اون جهان یونانی-رومی زمان ایده‌آلی را فراهم کرد.

۱. *پاکس روماندا*، یا صلح روم، که به مردم اجازه داد آزادانه از کشوری به کشور دیگر بروند
۲. زبان مشترک واحد (*کوین* یونانی) به مردم مدیترانه این امکان را داد که همدیگر را بفهمند.
۳. ورشکستگی واضح مذاهب رومی و یونانی باعث شد مردم به دنبال معنایی برای زندگی بگردند. آنها جنبه شخصی‌تر برای معنویتشان می‌خواستند (این در ظهور مذاهب مرموز نیز دیده می‌شود).

۲: ۷ "من به همین منظور برگماشته شدم" مانند ۱: ۱، این نیز تاکیدی است بر گزینش و دعوت پولس از سوی خدا (ملاقات در راه دمشق). خدا می‌خواهد غیر یهودیان انجیل فراگیر او را درک کنند.

◆**"واعظ و رسول و معلّم"** گاهی اینها به عنوان عطایای مجزای روح فهرست می‌شوند، مثلا در ۱ قرنتیان ۱۲: ۲۸ یا افسسیان ۴: ۱۱. در این فهرستها واژه "پیامبر" ممکن است به واعظ اشاره داشته باشد (بویژه ۱ قرنتیان). از جهاتی همه این عطایای رهبری یک انجیل را اعلام می‌کنند، اما با تاکیدی متفاوت. پولس همین سه واژه را مجددا در ۲ تیموتائوس ۱: ۱۱ بکار می‌برد تا خدمت خود را توصیف کند.

◆**"حقیقت را بیان می‌کنم و دروغ نمی‌گویم"** بسیاری از مفسرین گفته‌اند که بیان چنین چیزی در نامه شخصی پولس به همکار محبوبش، تیموتائوس نامناسب است. اما باید بخاطر داشته باشیم که این رسالات قرار بود در حضور همه در کلیسا خوانده شوند (۶: ۲۱؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۲۲؛ تیطوس ۳: ۱۵). این نامه، توصیه نامه و تفویض اختیار پولس به نماینده رسالتی جوانش بود. او آنرا به کلیساهای خانگی افسس می‌فرستاد، که با معلمین دروغین دست و پنجه نرم می‌کرد.

◆**"معلّم برای غیریهودیان"** پولس احساس می‌کرد که خدا او را مخصوصا خوانده تا انجیل عیسی مسیح را به غیریهودیان اعلام کند (اعمال ۹: ۱۵؛ ۲۲: ۲۱؛ ۲۶: ۱۷؛ رومیان ۱: ۵؛ ۱۱: ۱۳؛ ۱۵: ۱۶؛ غلاطیان ۱: ۱۶؛ ۲: ۷؛ افسسیان ۳: ۲-۱، ۸؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۱۷). این تاکید دیگری است بر جهان‌شمول بودن محبت خدا و رستگاری مسیح.

◆**"ایمان راستین"** این ممکن است اشاره داشته باشد به (۱) منش اعلام کننده یا (۲) محتوای پیام. در ۱: ۱۴ "ایمان" با "محبت" مرتبط می‌شود. هر دو این واژه‌ها عیسی را توصیف می‌کنند و قرار است در پیروانش نیز دیده شوند.

متن ان آ بی اس (بروز شده): 2: ۱۵-۸

[8] پس آرزویم این است که مردان در همه_جا، بی‌خشم و جدال، دستهایی مقدّس را به دعا برافرازند. [9] نیز خواهانم که زنان

پوششی شایسته بر تن کنند و خویشتن را به نجابت و متانت بیارایند، نه به گیسوان بافته، یا طلا و مروارید، یا جامه‌های فاخر، [10] بلکه به زیور اعمال نیکو آراسته باشند، چنانکه شایستهٔ زنانی است که مدّعی خداپرستی‌اند.
[11] زن باید در آرامی * و تسلیم کامل، تعلیم گیرد. [12] زن را اجازه نمی‌دهم که تعلیم دهد یا بر مرد * مسلط شود؛ بلکه باید آرام باشد. [13] زیرا نخست آدم سرشته شد و بعد حوا. [14] و آدم فریب نخورد، بلکه زن بود که فریب خورد و نافرمان شد. [15] امّا زنان با زادن فرزندان، رستگار خواهند شد، اگر در ایمان و محبت و تقدس، نجیبانه ثابت بمانند.

۲: ۸ "پس آرزویم این است که مردان در همه جا ... دعا کنند" پولس نه تنها در زندگی اجتماعی (آیات ۷-۱) بلکه در پرستش نیز بر وقار و تناسب تاکید دارد (۱ قرنتیان ۱۴-۱۱). عبارت "در هر جا" احتمالا به کلیساهای خانگی در یا نزدیک افسس اشاره دارد. در آیه ۸ دعای قابل قبول به سه طریق تعریف می‌شود

۱. دستهای مقدس برافراشته
۲. بی خشم
۳. بی جدال

این ویژگیها بروشنی نشان می‌دهد که پولس با ایمانداران وفادار صحبت می‌کند و معلمین دروغین، سخنگویان آنها (احتمالا زنان جوان بیوه) و پیروانشان را کنار می‌گذارد. پولس از عبارت "در هر جا" بارها استفاده می‌کند (۱ قرنتیان ۱: ۲؛ ۲ قرنتیان ۲: ۱۴؛ ۱ تسالونیکیان ۱: ۸؛ ۱ تیموتائوس ۲: ۸). این ممکن است گریزی باشد به ملاکی ۱: ۱۱، که پرستش مسیح در کل دنیا را نبوت می‌کند. چنین فرضی با تکرار کاربرد "جمله [همه]" در ۷-۱ همخوانی دارد.

◆**"دستهایی مقدّس را برافرازند"** یهودیان بطور معمول اینطور دعا می‌کردند. در واقع می‌گوید لازم است کلام و زندگی ایمانداران با هم تناسب داشته باشد (یعقوب ۴: ۸).

◆ **"بی خشم"** این واژه یونانی *اُرگ* است، به معنای "وضعیت آرام" (متی ۵: ۲۴-۲۳؛ ۶: ۱۵). خشم نسبت به دیگران بر رابطه ما با خدا اثر می‌گذارد (متی ۵: ۲۴-۲۱؛ مرقس ۱۱: ۲۵؛ ۱ یوحنا ۲: ۹، ۱۱؛ ۴: ۲۱-۲۰).



ان آ اس بی	**"جدال"**
ان کـ ج وی	**"شبهه"**
ان آر اس وی، تی ای وی، ان ج بی	**"بحث و جدل"**

فیلسوفان یونانی این واژه را برای یک جلسه تعلیم یا گفتگو بکار می‌بردند. در عهد جدید بار معنایی منفی دارد (متی ۱۵: ۱۹؛ مرقس ۷: ۲۱). در اینجا به پیشینه تعالیم یا منش نامناسب، خشمگین، و نفاق‌افکنانه معلمین دروغین اشاره دارد.

۲: ۹

ان آ اس بی	**"نیز"**
ان کـ ج وی	**"به همین صورت"**
ان آر اس وی، تی ای وی	**"همچنین"**
ان ج بی	**"بطور مشابه"**

این نشان می‌دهد که پیشینه متن این است که "زنان و مردان چگونه باید در پرستش شرکت کنند" (یعنی در کلیساهای خانگی، ۱ قرنتیان ۱۴-۱۱).

◆**"نیز خواهانم که زنان پوششی شایسته بر تن کنند"** پوشش قلب و فکر را آشکار می‌کنند. ایمانداران باید لباس مناسب بپوشند، نه تنها در کلیسا بلکه همه وقت و همه جا، زیرا مسیحی هستند. تاکید این بخش تنها بر ظاهر بیرونی نیست، بلکه بر دینداری نیز هست (آیه ۱۰؛ ۱ پطرس ۳: ۳، ۴). ایمانداران در تمام نواحی زندگی نور جهان و نمک زمین هستند (متی ۵: ۱۶-۱۳). باید بیاد داشته باشیم معرف چه کسی هستیم! اما این به این معنا نیست که باید لباس ژولیده بپوشیم. پوشش ما نباید ما را در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم انگشت‌نما کند. مرتب، تمیز و مطابق مد لباس بپوشید، اما بالاتر از همه مسیحی باشید.

◆**"نه به گیسوان بافته، یا طلا و مروارید، یا جامه‌های فاخر"** این روشن می‌کند که حداقل درصدی از ایمانداران نسبتا متمول بودند. آرایش موی یهودیان و رومیان آن روز بسیار ماهرانه، عجیب و گران بود. ظاهرا به زنان مسیحی در مورد گرایشات

دنیوی و آزادی شخصی تعلیم داده می‌شد (احتمالا در جنبش آزادیخواهی زنان که در فرهنگ روم شروع شده بود گیر افتاده بودند، ۱ قرنتیان ۱۱: ۱۶-۲). شاید این انعکاسی باشد از خاصگرایی معلمین دروغین که تنها به سراغ ثروتمندان، افراد بانفوذ و روشنفکران می‌رفتند.

۲: ۱۰"به زیورِ اعمال نیکو" ایمانداران باید به یاد داشته باشند که آنها در اثر اعمال نیک نجات نمی‌یابند، اما باید آنها را بجا آورند (افسسیان ۲: ۱۰-۸؛ تیطوس ۳: ۸؛ یعقوب ۲: ۲۶-۱۴). طرز زندگی ما به اقرار ایمانمان اعتبار می‌بخشد، و این آنچیزی است که در سرتاسر کتابهای یعقوب و ۱ یوحنا مورد تاکید قرار می‌گیرد. در این زمینه متنی "اعمال نیکو" به توقعات فرهنگی معمول داخلی ربط پیدا می‌کند (۵: ۱۰؛ تیطوس ۲: ۵).

◆**"چنانکه شایستهٔ زنانی است که مدّعی خداپرستی‌اند"** این بوضوح زمینه متن را به زنان نجات‌یافته محدودو می‌کند. این خط و مشی عمومی برای جامعه نیست. جامه شایسته فرزندان خدا، خداپرستی است. زیبایی در نوع خاص از آرایش نیست، بلکه در قلب تغییر یافته است. زنان واقعا زیبا و جذاب زنان خداپرست هستند (در تمام نواحی زندگیشان).

۲: ۱۱ "زن" این ممکن است به تمام زنان یا همسران مسیحی اطلاق شود (ترجمه چارلز بی ویلیام، "یک زن شوهردار" در آیات ۱۱ و ۱۲).

◆**"تعلیم گیرد"** این فرام حال معلوم امری است. ابتدائا ممکن است به نظر خیلی منفی بیاید، اما (۱) زنان مجاز نبودند در یهودیت شریعت را فرا گیرند یا در دنیای یونانی-رومی به مدرسه بروند. بنابراین، از جهاتی این قدم مثبتی است به سوی تعلیم کلام خدا به زنان؛ (۲) این متن باید با توجه به مسئله معلمین دروغین دیده شود که زنان را هدف قرار داده بودند (۵: ۱۳؛ اعمال ۲۰: ۳۰؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۹-۵؛ تیطوس ۱: ۱۱). ممکن است بعضی زنان در پرستشهای عمومی کلیساهای خانگی از طرف معلمین دروغین سخن گفته باشند (گوردن فی، *کتاب‌مقدس بین‌المللی جدید معاصر*، جلد ۱۳).

◆**"با تسلیم کامل"** این نیز برای روزگار ما منفی به نظر می‌رسد، اما باید بخاطر داشته باشیم

۱. واژه "تسلیم" برای عیسی بکار رفت. او تسلیم پدر بود (۱ قرنتیان ۱۵: ۲۸)؛ و تسلیم والدین زمینی‌اش بود (۱ تسالونیکیان ۵: ۲۱). بعبارتی او با منش مناسب به توقعات اجتماعی و مذهبی عمل کرد
۲. "تسلیم بودن" خواست خداست برای همه ایمانداران (افسسیان ۵: ۲۱). این یکی از پنج اسم مفعول زمان حال است که منظور از "پری روح" را توصیف می‌کند (افسسیان ۵: ۱۸)
۳. در همان بخش از افسسیان پولس از سه مثال خانگی برای نشان دادن تسلیم متقابل در خانه بهر می‌برد (۱) زنان نسبت به شوهران؛ (۲) فرزندان نسبت به والدین؛ و (۳) برده‌های خانگی نسبت به ارباب. بخش شدیدا مثبت این زمینه متن (یعنی افسسیان ۵: ۶-۱۸: ۹) این است که پولس قدرت کسانی که در آن جامعه اختیارات مطلق داشتند را محدود می‌کند (یعنی شوهران، والدین و اربابان). برای آن روزگار نوشته پولس در مورد زنان، کودکان و برده‌ها بطرز رادیکالی مثبت بود
۴. پولس به برده‌داری به عنوان یک مسئله نتازید زیرا می‌دانست که چنان موضوعی تاثیر کلیسا و شهادتش در آن برهه از تاریخ را نابود می‌کند. تصور من این است که همین امر در مورد موقعیت اجتماعی زنان نیز صدق می‌کند. پولس بر تساوی روحانی (غلاطیان ۳: ۲۸؛ کولسیان ۳: ۱۱)، استعداد (۱ قرنتیان ۱۲: ۱۳-۷)، و نقش‌شان در انتشار انجیل (رومیان ۱۶) تاکید دارد. در عین حال می‌داند که حضور زنان در عرصه رهبری (۱) بخاطر پرستش زایندگی اشتباه فهمیده می‌شود و (۲) جامعه مردسالار و پدرسالار انحصارگرا آنرا رد می‌کند.

۲: ۱۲ "بر مرد مسلط شود" این تنهای جایی در عهد جدید است که فعل *اوتنتیچ* استفاده می‌شود. معنای آن "کسی است که به اختیار خود عمل می‌کند" (*اوتنتس*، ارباب) یا "کسی که سلطه‌جو است." به بحث در کتاب مولتن و میلیگان، تحت عنوان *واژگان عهد جدید یونانی*، ص ۹۱ مراجعه کنید. آیا این بدین معناست که زنان اگر سلطه‌جو نباشند می‌توانند در رهبری باشند؟ زمینه متن که اضافه می‌کند "در آرامی" از چنین چیزی حمایت نمی‌کند (۱قرنتیان ۱۴: ۳۴). بیانیه پولس در مورد زنان در نقشهای تسلیمی با کاربرد این *هاپاکس لوگومنون* قابل توضیح نیست. باید از منظر فرهنگی به آن نگریست. خداوند تصمیم گرفت خود را در چارچوب فرهنگی خاصی مکشوف کند. همه چیز آن فرهنگ خواست خدا برای همه ایمانداران در تمام فرهنگها و اعصار نیست. حقیقت و قدرت انجیل فرهنگ انسانی را از اساس تغییر می‌دهد (یعنی برده‌داری، مردسالاری). سلطه‌جویی نخوت آمیز و بهره‌جو چه از طرف زن و چه مرد شر است. از دو افراط باید پرهیز کرد: (۱) زن هیچکاری نمی‌تواند بکند (فرهنگ باستانی خاور نزدیک) و (۲) زن همه کاری می‌تواند بکند (فردگرایی غرب مدرن). ایمانداران (زن و مرد) در فرهنگ خود خدمت می کنند تا بشارت و شاگردسازی به حداکثر برسد نه برنامه‌های شخصی!

مبحث ویژه: زنان در کتاب‌مقدس

۱. عهد عتیق

الف. از لحاظ فرهنگی زنان ملک محسوب می‌شدند

۱. در فهرست دارایی ثبت می‌شدند (خروج ۲۰: ۱۷)
۲. رفتار با زنان برده (خروج ۲۱: ۱۱-۷)
۳. نذر زنان را مردانی که مسئولیت اجتماعی داشتند می‌توانستند باطل کنند (اعداد ۳۰)
۴. زن به عنوان غیمت جنگی (تثنیه ۲۰: ۱۴-۱۱؛ ۲۱: ۱۴-۱۰)

ب. در عمل نوعی تقابل وجود داشت

۱. زن و مرد به ضورت خدا خلق شدند (پیدایش ۱: ۲۷-۲۶)
۲. پدر و مادر را احترام کن (خروج ۲۰: ۱۲ [تثنیه ۵: ۱۶])
۳. احترام توام با ترس نسبت به پدر و مادر (لاویان ۱۹: ۳؛ ۲۰: ۹)
۴. زن و مرد هر دو می‌توانند خود را وقف کنند (اعداد ۶: ۲-۱)
۵. دختران از ارث سهم دارند (اعداد ۲۷: ۱۱-۱)
۶. بخشی از قوم عهد (تثنیه ۲۹: ۱۰-۱۲)
۷. تعالیم پدر و مادر را فراگیرید (امثال ۱: ۸؛ ۶: ۲۰)
۸. پسران و دختران هیمان در معبد سردسته سرایندگان بودند (۱ تواریخ ۲۵: ۶-۵)
۹. در عصر جدید پسران و دختران نبوت می‌کنند (یوئیل ۱۲: ۲۹-۲۸)

ج. زنان نقشهای رهبری بر عهده داشتند

۱. مریم خواهر موسی نبیه خوانده می‌شد (خروج ۱۵: ۲۰-۲۱)
۲. خداوند این استعداد را به زنان بخشید که برای خیمه عبادت پارچه بریسند (خروج ۳۵: ۲۶-۲۵)
۳. زنی بنام دبورا، که نبیه نیز بود (داوران ۴: ۴)، قوم را رهبری کرد (داوران ۴: ۵-۴؛ ۵: ۷)
۴. حلده نبیه‌ای بود که یوشیا از او خواست "کتاب شریعت" را که به تازگی پیدا شده بود قرائت و تفسیر کند (۲ پادشاهان ۲۲: ۱۴؛ ۲ تواریخ ۳۴: ۲۷-۲۲)
۵. ملکه استر، که زن باخدایی بود در سرتاسر امپراطوری پارس یهودان را از مرگ نجات داد (اعداد ۲۷: ۱۱-۱)

۲. عهد جدید

الف. از لحاظ فرهنگی زنان در دنیای یهود و یونانی-رومی شهروند درجه دو با حقوق یا امتیازاتی محدود محسوب می‌شدند (مقدونیه استثنا بود)

ب. زنان در نقشهای رهبری

۱. الیزابت و مریم، زنان خداشناسی که مطیع خدا بودند (لوقا ۲-۱)
۲. آنا، زن خداشناسی که در معبد خدمت می‌کرد (لوقا ۲: ۳۶)
۳. لیدیه، ایماندار و رهبر یک کلیسای خانگی (اعمال ۱۶: ۱۴، ۴۰)
۴. چهار دختر باکره فیلیپ نبیه بودند (اعمال ۲۱: ۹-۸)
۵. فیبی، در کلیسای کنخریا شماس بود (رومیان ۱۶: ۱)
۶. پریسکیلا، همکار و معلم آپولس بود (اعمال ۱۸: ۲۶؛ رومیان ۱۶: ۳)
۷. مریم، تریفوسا، پرسیس، جولیا، خواهر نیریاس و زنان متعدد دیگران همکاران پولس بودند (رومیان ۱۶: ۱۶-۶)
۸. یونیاس، احتمالا رسول زن بود (رومیان ۱۶: ۷)
۹. افودیه و سینتیخی همکاران پولس بودند (فیلیپیان ۴: ۳-۲)

۳. ایماندار امروزی چطور می‌تواند بین پیچیدگیهای واگرای کتاب‌مقدس توازن برقرار کند؟

الف. شخص چطور می‌تواند حقایق تاریخی یا فرهنگی که تنها برای زمان اولیه کاربرد داشت را از حقایق ابدی که برای همه کلیساها، همه ایمانداران در همه اعصار معتبر است تشخیص دهد؟

۱. باید انگیزه نویسنده تحت الهام اولیه را بسیار جدی بگیریم. کتاب‌مقدس کلام خدا و تنها منبع ایمان و عمل ماست
۲. لازم است با متونی که آشکارا برای شرایط تاریخی خاص الهام شدند مواجه شویم

الف. آیینهای (تشریفات مذهبی و مناجات) اسرائیل (اعمال ۱۵؛ غلاطیان ۳)

ب. یهودیت قرن اول

ج. بیانه‌های پولس در ۱ قرنتیان که آشکارا متناسب با شرایط تاریخی بودند

(۱) سیستم حقوقی روم بت‌پرست (۱ قرنتیان ۶)
(۲) برده باقیماندن (۱ قرنتیان ۷: ۲۴-۲۰)
(۳) تجرد (۱ قرنتیان ۷: ۳۵-۱)
(۴) دختران باکره (۱ قرنتیان ۷: ۳۸-۳۶)
(۵) قربانی خوراکی تقدیم شده به بت (۱ قرنتیان ۸: ۱ و ۱۰: ۳۳-۲۳)
(۶) رفتار ناشایسته هنگام شام خداوند (۱ قرنتیان ۱۱)

۳. خدا کاملا و آشکارا خود را به فرهنگی خاص، در زمانی خاص مکشوف می‌کند. باید مکاشفه را جدی بگیریم، اما نه با تمام جنبه‌های محیطی تاریخی آن. کلام خدا با استفاده از واژه‌های انسانی، خطاب به فرهنگی خاص و در

زمانی خاص نوشته شد.

ب. تفسیر تفسیر کتاب‌مقدس باید بدنبال انگیزه مولف اولیه باشد. او به دوره خود چه می‌گفت؟ این برای تفسیر مناسب بنیادین و بسیار مهم است. اما ما باید آن را به زمانه خود ربط دهیم. حال، مشکل حضور زنان در جایگاه رهبری است (شاید مشکل تفسیری واقعی تعریف "رهبری" باشد. آیا شماسان و نبیه‌ها رهبر تلقی می‌شدند؟) کاملا واضح است که پولس در ۱ قرنتیان ۱۴: ۳۵-۳۴ و ۱ تیموتائوس ۲: ۱۵-۹ تاکید دارد که زنان نباید رهبری پرستش در جمع را بر عهده گیرند! اما من این را چطور به دوره خود ربط دهم؟ نمی‌خواهم فرهنگ پولس یا فرهنگ من کلام و اراده خدا را مسکوت بگذارد. احتمالا زمان پولس محدودیت زیادی وجود داشت، و ممکن است دوره من بیش از حد آزاد باشد. چندان احساس راحتی نمی‌کنم که بگویم گفته‌ها و تعالیم پولس مشروط، برای قرن اول و حقایق محلی محدود به موقعیت بودند. من که هستم که بخواهم به اندیشه یا فرهنگم اجازه دهم مولفی تحت الهام را نفی کنند؟

با اینوجود، وقتی نمونه‌هایی از رهبری زنان در کتاب‌مقدس وجود دارد عکس‌العمل من چه باید باشد (حتی در نوشته‌های پولس، رومیان ۱۶)؟ مثال خوبی از این مورد بحث پولس است در مورد پرستش جمعی در ۱ قرنتیان ۱۱-۱۴. به نظر می‌رسد در ۱۱: ۱۵ موعظه و دعای زنان با سر پوشیده در پرستش جمعی را مجاز می‌کند، ولی در ۱۴: ۳۵-۳۴ از آنها می‌خواهد ساکت باشند! شماسان (رومیان ۱۶: ۱) و نبیه‌هایی (اعمال ۲۱: ۹) وجود دارند. این تنوع است که به من آزادی عمل می‌دهد تا تشخیص دهم نظرات پولس (در مورد محدودیتهای زنان) به قرنتس و افسس قرن اول محدود می‌شوند. در هر دوی این کلیساها زنانی که آزادیهای جدید خود را تمرین می‌کردند مشکلاتی ایجاد کرده بودند (بروس وینتر، *قرنتس بعد از رفتن پولس*)، و این کار رساندن پیام انجیل به جامعه را برای کلیسا دشوار کرده بود. لازم بود آزادی آنها محدود شود تا خبر خوش موثرتر عمل کند.

دوره من درست برعکس دوره پولس است. در روزگار من اگر زنان تعلیم دیده و سخنور اجازه بشارت انجیل و رهبری را نداشته باشند ممکن است انجیل دچار محدودیت شود. هدف نهایی پرستش جمعی چیست؟ آیا بشارت و شاگردسازی نیست؟ آیا رهبران زن می‌توانند خداوند را خوشنود و تجلیل کنند؟ به نظر می‌رسد کتاب‌مقدس به صورت کلیت آن می‌گوید "بله"!

می‌خواهم به پولس تسلیم شوم؛ الهیات مب اساسا الهیات پولسی است. نمی‌خواهم بیش از حد تحت تاثیر زنگرایی امروزی باشم! ولی، احساس می‌کنم واکنش کلیسا به حقایق واضح کتاب‌مقدس، از قبیل نامناسب بودن برده‌داری، تبعیض نژادی، تعصب و تبعیض جنسی کند بوده است. کلیسا برای ارائه عکس‌العمل مناسب در مورد سوءاستفاده از زنان در جامعه مدرن آهسته عمل کرده است. خداوند در مسیح زنان و بردگان را آزاد کرد. من جرات ندارم اجازه دهم متن محدود به فرهنگ دوباره آنها را دربند کند.

یک نکته دیگر: بعنوان یک مفسر می‌دانم قرنتس کلیسای بسیار آشفته‌ای بود. به عطایای روحانی فخر و مباهات می شد. ممکن است است زنان نیز در این تله افتاده باشند. همچنین معتقدم که افسس نیز تحت تاثیر معلمین دروغین قرار داشت که از زنان استفاده می‌کردند و حرف خود را از زبان آنها می‌زدند (۱ و ۲ تیموتائوس).

ج. منبع بیشتر جهت مطالعه

طرز مطالعه شایسته کتاب‌مقدس، اثر گوردون فی و داگ استوارت (ص ۷۷-۶۱)

انجیل و روح، مسائل بحث‌انگیز در عهد جدید هرمنیوتیکس، اثر گوردون فی

گفته‌های غامض در کتاب‌مقدس، اثر والتر سی کیسر، پیتر اچ دیویدس، اف اف بروس و منفرد تی برانچ (ص ۶۱۳-۶۱۶؛ ۶۶۷-۶۶۵)

۲ :۱۳-۱۵ بحث پولس در این متن از لحاظ الهیاتی با غلاطیان ۳ مرتبط است. به افراطهای معلمین دروغین نیز ربط دارد (۱ تیموتائوس ۱: ۱۱-۳؛ ۴: ۵-۱؛ ۵: ۱۳-۱۱). پولس از غلاطیان برای قیاس استفاده می‌کند تا نشان دهد همانطور که مار حوا را با فریب به گناه، نافرمانی و خودرایی کشاند، معلمین دروغین نیز برخی از زنان را فریفتند (۵: ۱۳؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۹-۶). عواقب سقوط مستقیما به تابعیت زن از شوهرش و اشتیاقش برای او ربط دارد (پیدایش ۳: ۱۶). عمل مستقل او مسئله الهیاتی بود و هست. آین این مورد امروز نیز موضوعیت دارد؟ آیا انجیل تمام جنبه‌های سقوط در پیدایش ۳ را زدوده است؟ آیا فرهنگ امروزین ما با رهبرای زن تعلیم دید و سخنور بیانیه صریح پولس را نقض می‌کند؟ به مبحث ویژه در ابتدای آیه ۱۲ مراجعه کنید.

۲: ۱۴ "نافرمان شد" نافرمانی حوا دو پیامد برایش داشت: (۱) درد زایمان، و (۲) تابعیت از شوهر. زمان فعل حال است، یعنی این مسائل هنوز هم مصداق دارند. عیسی مسیح عصر جدید را برقرار کرد، اما ایمانداران هنوز در عصر قدیم زندگی می کنند.

۲: ۱۵ "امّا زنان با زادن فرزندان، رستگار خواهند شد" این مطلب بسیار دشوار و پیچیده‌ایست. احتمالا مشکلترین بخش در همه نوشته‌های پولس است. باید بیاد داشته باشیم (۱) ارتباط آن با ۳: ۱۳، ۱۶ را؛ (۲) تعالیم معلمین دروغین را؛ (۳) و مقایسه (یعنی "اما") را، که به فریبکاری معلمین دروغین ربط پیدا می‌کند. واژه "رستگار" یا "نجات" ممکن است به رهایی جسمانی

از تجربه زایش (نسخه استاندارد آمریکایی نوین)، که ظاهرا کاربرد کلمه در ۱ تیموتائوس ۴: ۱۶ برای سوءاستفاده معلمین دروغین آنرا تقویت می‌کند (از قرار معلوم برخی از آنها تجرد را وضعیت روحانی برتر معرفی می‌کردند، ۴: ۳). احتمال دیگر این است که این واژه معنای روحانی اخروی داشته باشد که در بیشتر عهد جدید نیز بکار رفته است.
تفسیر جدید ارائه شده از این بخش بر دستور زبان یونانی مبتنی است که در آن حرف تعریف معین در عباری "با زادن فرزندان،" احتمالا به تجسم عیسی مسیح اشاره دارد: (۱) این متن به پیدایش ۳: ۱۵ مرتبط است؛ (۲) حرف اضافه *دیا* را می‌توان "از طریق" ترجمه کرد؛ (۳) همراه "با زادن فرزندان" حرف تعریف معین وجود دارد؛ و (۴)برای "زن ...آنها" هر دو فرم مفرد و جمع بکار می‌رود. پس حوا نماینده همه زنانی است که از طریق وعده خدا برای تولدی خاص نجات می‌یابند (یعنی عیسی، که از لحاظ الهیاتی مشابه است با گونه‌سازی آدم-مسیح در رومیان ۵: ۲۱-۱۲؛ ۱ قرنتیان ۱۵: ۲۲-۲۱، ۴۸-۴۴؛ فیلیپیان ۲: ۷-۶).
به نظر می‌رسد زمینه مستقیم متن بر این نکته تاکید داشته باشد که در عصر پولس و نیز در بسیاری از جوامع باستانی و مدرن از زن انتظار می‌رود نقش بناکننده خانه را ایفا کند. نجات زن از رهبری پرستش جمعی یا آزادی فرهنگی غیرمنتظره نشات نمی‌گیرد.
در حقیقت از نقشهای اجتماعی برجسته نیز نمی‌آید، بلکه از طریق ایمان و ثمرات آن زن نجات می‌یابد (آیه ۱۵). رستگاری در و از طریق مسیح است. زنان دیندار به او توکل دارند و بدنبال این نیستند که بیمورد توجهات را به خود جلب کنند. با اینحال، در فرهنگ ما "جلب توجه بیمورد" زمانی اتفاق می‌افتد که زنان محدودند. همانطوریکه زنان بیش از حد فعال در قرن اول انسانهای گمشده را دلزده می‌کردند، امروز تبعیض جنسیتی و قانونگرایی مفرط باعث زدگی افراد گمشده می‌شود. هدف همیشه بشارت و شاگردسازی است، نه آزادی شخصی یا سلیقه‌های شخصی (۱قرنتیان ۹: ۲۳-۱۹).

◆**"اگر در ایمان و محبت و تقدس، نجیبانه ثابت بمانند"** این یک جمله شرطی نوع سوم است که عمل بالقوه محتمل‌الوقوع را نشان می‌دهد. محتمل‌الوقوع بودن ثبات زنان مومن در ایمان و محبت و تقدس است

پرسشهای مربوط به بحث
آنچه در دست دارید تحقیق تفسیری است که نقش راهنمای مطالعه را ایفا می‌کند، به این معنای که شما شخصا مسئولیت تفسیر خود از کتاب‌مقدس را بر عهده دارید. ما همگی باید در نوری که داریم قدم برداریم. شما، کتاب‌مقدس و روح‌القدس مقدم بر تفسیر هستید. چنین نقشی را نباید به مفسر محول کنید.

پرسشهای مربوط به بحث نوشته شده اند تا به شما کنند موضوعات عمده این بخش از کتاب را مرور کنید. قرار است آنها شما را وادار به تفکر کنند، نه اینکه حرف آخر را بزنند.

۱- حقایق این بخش چگونه به معلمین دروغین ربط پیدا می‌کنند؟
۲- آیا باید برای مقامات غیرمسیحی که به روشهای غیرمنصفانه و غیر الهی عمل می‌کنند دعا کنیم؟
۳- آیا خدا واقعا می‌خواهد همه انسانها نجات یابند؟
۴- کلمه "فدیه" را تعریف کنید.
۵- چرا در جهان مدرن بحث در مورد پوشش مسیحی موضوع مناسبی است؟
۶- اعمال نیک چگونه با ایمان نجات‌بخش ربط دارند؟
۷- با توجه به آیات ۱۴-۱۱جایگاه زن در کلیسای نوین کجاست؟
۸- با توجه به بقیه تعالیم عهد جدید معنی آیه ۱۵ چیست؟

اول تیموتائوس ۳

تقسیم‌بندی پاراگرافها در ترجمه‌های جدید

ان ج بی	تی ای وی	ان آر اس وی	ان ک ج وی	یو بی اس[۴]
شیخ مسئول	رهبران در کلیسا	مشکل مدیریتی	ویژگیهای ناظران	ویژگیهای اسقف‌ها
۳: ۷-۱	۳: ۷-۱	۳: ۷-۱	۳: ۷-۱	۳: ۷-۱
شماسان	خادمان کلیسا		ویژگیهای شماسان	ویژگیهای شماسان
۳: ۱۳-۸	۳: ۱۳-۸	۳: ۱۳-۸	۳: ۱۳-۸	۳: ۱۳-۸
کلیسا و راز زندگی روحانی	سرّ بزرگ		راز بزرگ	راز مذهب ما
۳: ۱۶-۱۴	۳: ۱۶-۱۴	۳: ۱۶-۱۴	۳: ۱۶-۱۴	۳: ۱۶-۱۴

دایره قرایت سه (از "راهنمای قرایت صحیح کتاب‌مقدس" صفحه ix)

تبعیت از انگیزه نویسنده اولیه در سطح پاراگراف

آنچه در دست دارید تحقیق تفسیری است که نقش راهنمای مطالعه را ایفا می‌کند، به این معنای که شما شخصا مسئولیت تفسیرتان از کتاب‌مقدس را بر عهده دارید. ما همگی باید در نوری که داریم قدم برداریم. شما، کتاب‌مقدس و روح‌القدس مقدم بر تفسیر هستید. چنین نقشی را نباید به مفسر محول کنید.

باب مورد نظر را یکجا بخوانید. موضوعات را شناسایی کنید. تقسیم‌بندی موضوعی خود را با تقسیم‌بندی پنج ترجمه امروزی مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی الهامی نیست، اما کلیدی است برای دنبال کردن انگیزه مولف اولیه، که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. و الی آخر

برداشتهای دقیق‌تر از متن:

الف) این فهرست شامل سه نوع مختلف خادمان است:
۱. شبانان (۳: ۷-۱)
۲. شماسان (۳: ۱۰-۸، ۱۳-۱۲)
۳. نقش بیوه‌زنان (۳: ۱۱؛ ۵: ۱۶-۹) و شماسان زن (رومیان ۱۶: ۱)

ب) این ویژگیها ممکن است در تقابل کامل با شیوه زندگی و تعالیم معلمین دروغین باشد.

ج) آیه ۱۶ آشکارا بیانیه عقیدتی یا سرود روحانی است. پولس اغلب اینگونه موضوعات را با هم ادغام می‌کند (افسسیان ۵: ۱۹؛ فیلیپیان ۲: ۱۱-۶؛ کولسیان ۱: ۱۶-۱۵؛ ۳: ۲۰-۱۵؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۱۳-۱۱). ساختار آهنگین بوضوح در شش فعل اخباری مجهول گذشته همراه با پنج عبارت دستوری مکانی یا ابزاری.

مطالعه لغت و عبارت

متن ان آ بی اس (بروز شده): ۳: ۷-۱
[1] این سخنی است درخور اعتماد که اگر کسی در آرزوی کار نظارت بر کلیسا باشد، در پی شغلی والاست. [2] از این‌رو، ناظر کلیسا باید به‌دور از ملامت، شوهر وفادارِ تنها یک زن، معتدل، خویشتندار، آبرومند، میهمان‌نواز و قادر به تعلیم باشد؛ [3] نه میخواره، یا خشن، بلکه ملایم؛ صلحجو، و بری از پولدوستی. [4] نیز باید از عهدهٔ ادارهٔ خانوادهٔ خویش نیک برآید و فرزندانش را چنان تربیت کند که با احترام کامل، اطاعتش کنند. [5] (زیرا اگر کسی نداند چگونه خانوادهٔ خویش را اداره کند، چگونه می‌تواند کلیسای خدا را مراقبت نماید؟) [6] و نوایمان نیز نباشد، مبادا مغرور گردد و به محکومیت ابلیس دچار شود. [7]

و باید در میان مردمان بیرون *کلیسا* نیز نیکنام باشد تا به رسوایی و دام ابلیس گرفتار نیاید .

۲: ۱ "این سخنی است درخور اعتماد" این اصطلاح می‌تواند هم نقش بیانیه پایانی و هم بیانیه افتتاحی را ایفا کند (۱ تیموتائوس ۱: ۱۵؛ ۳: ۱؛ ۴: ۹؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۱۱؛ تیطوس ۳: ۸). این دومین مورد از پنج مورد سخنهای "شایسته" در رسالات شبانی است. از لحاظ ترکیب دستوری اینها مانند کاربرد "آمین، آمین" در مقدمه سخنان عیسی عمل می‌کرده ("براستی، براستی" یا "هرآینه، هرآینه" ترجمه شده است)، توجه را بطور ویژه به بیانیه جلب می‌کنند.

◆ **"اگر کسی"** این جمله شرطی نوع اول است که از دیدگاه مولف یا برای هدف ظاهری او حقیقت را بیان می‌کند.

◆ **"در آرزوی ... در پی"** اینها دو واژه قدرتمند یونانی هستند: (۱) "مشتاق" (۶: ۱۰؛ عبرانیان ۱۱: ۱۶) و (۲) "آرزومند است" (متی ۱۳: ۱۷؛ لوقا ۱۵: ۱۶). این به من می‌گوید که تاکید ما در عصر حاضر بر خوانده‌شدگی به سبک عهد قدیم ممکن است خیلی محدودکننده باشد. اشتیاق برای بودن در رهبری کلیسا کافی است. اشتیاق دل مومن از جانب خداست (مزمور ۳۷: ۴).

◆

ان آ اس بی	**"کار نظارت بر کلیسا"**
ان ک ج وی	**"منصب اسقفی"**
ان آر اس وی	**"کار اسقف"**
تی ای وی	**"رهبر کلیسا"**
ان ج بی	**"شیخ ارشد"**

این واژه *اپیس‌کوپوس* است، و در انگلیسی معمولا "اسقف" یا "ناظر" ترجمه می‌شود. نه نظر می‌رسد مترادف دو لغت عهد جدیدی دیگر برای کار رهبری در کلیسای محلی باشد. واژه‌های "شبان"، "ناظر" و "شیخ" همه به یک سمت اشاره دارند (اعمال ۲۰: ۱۷، ۲۸؛ تیطوس ۱: ۵، ۷). کلیسای عهد جدید تنها دو سمت داشت: شبان و شماس (فیلیپیان ۱: ۱). به نظر می‌رسد کلمه "شیخ" پیشینه یهودی داشت ، در حالی که واژه "ناظر" از زمینه واژه‌های حکومتی یونانی آمده بود.

۳: ۲ "به‌دور از ملامت" این ویژگی کلیدی در تمام متن زمینه مربوط به رهبری یک کلیسای محلی است. این عبارت در جمع ایماندار (آیات ۶-۲) و یا غیرایماندار (آیه ۷) جایی برای انتقاد باقی نمی‌گذارد. همین مسئله به‌دور از ملامت بودن در آیات ۷، ۱۰؛ ۵: ۷ و ۶: ۱۴ تکرار می‌شود. رهبران بی‌عیب وجود ندارد، ولی ایمانداران دیندار، آبرومند، و قابل قبول وجود دارند. به یادداشت در تیطوس ۱: ۶ مراجعه کنید.



ان آ اس بی، ان ک ج وی، ان ج بی	**" شوهر تنها یک زن"**
ان آر اس وی	**"تنها یکبار ازدواج کرده باشد"**
تی ای وی	**"تنها باید یک زن داشته باشد"**

این واژه بحث زیادی پیش آورده است. روشن است چنین چیزی برای کلیساهای خانگی قرن اول در افسس مسئله‌ساز بود (۳: ۱، ۱۲؛ ۵: ۷؛ و در کریت، تیطوس ۱: ۶). تئوریهای تفسیری اساسی به قرار زیرند:

۱. به چندهمسری اشاره دارد
۲. به ازدواج مجدد بعد از طلاق اشاره می‌کند
۳. به ازدواج دوم پس از مرگ همسر اول اشاره دارد
۴. منظور این است که مرد نسبت به همسرش وفادار و باتوجه باشد (راه دیگری برای تاکید بر روابط خانوادگی خوب)

واضح است که این به روابط خانوادگی اشاره دارد، و هر مشکلی در ناحیه روابط خانوادگی صلاحیت شخص برای رهبری کلیسای محلی را زائل می‌کند. مورد اول در امپراتوری روم مشکل‌ساز نبود، ولی در یهودیت مشکلی بالقوه به حساب می‌آمد (گرچه در قرن اول نادر بود)؛ مورد دوم در امپراتوری روم بسیار مسئله‌ساز بود، و در یهودیت نیز مسئله بود؛ مورد سوم در کلیسای اولیه، بخصوص در ترتولیان موجب نگرانی شدید بود و هنوز هم در کلیساهای تعمیدی اروپا مشکل‌آفرین است. با اینحال، ۱ تیموتائوس ۵: ۱۴ مطلبی همسو است که در آن بیوه‌های جوانتر بدون احساس شرمندگی می‌توانند مجددا ازدواج کنند (رومیان ۷: ۳-۲؛ ۱ قرنتیان ۷).

یک گزینه دیگر هم وجود دارد، که این ویژگی به ازدواج در مقابل تجرد می‌پردازد (۴: ۳). ممکن است این منع مستقیم گرایش به تجرد و ریاضت باشد. منظور تاکید بر این نیست که شخص مجرد نباید رهبر کلیسا باشد، بلکه منظور این است که تجرد نباید شرط قرار داده شود. از نظر من این بهترین گزینه است و جوابی است برای دیگر مشکلات تفسیری مرتبط با (۱) "میخواره نبودن" و (۲) مسئله زنان در ۲: ۱۵-۸. این بخش باید با توجه به موضوع معلمین دروغین تفسیر شود.

این مسئله خانواده دیندار و محکم است، پس طلاق تنها موضوع بحرانی نیست. حتی در عهد عتیق گاهی طلاق گزینه مناسب بود: (۱) یهوه اسرائیل بیوفا را طلاق می‌دهد و (۲) به کاهنان فرمان داده شد زنان بیوفای خود را طلاق دهند (به "دیدگاه عهد عتیق در مورد طلاق و ازدواج مجدد" در *مجله انجمن بشارتی الهیاتی* جلد ۴۰ شماره ۴، دسامبر ۱۹۹۷ مراجعه کنید). همه انسانها در قسمتهایی از زندگی خانودگی خود آشفتگی‌هایی را تجربه می‌کنند. نگرانی عمده من از برداشت تحت‌اللفظی از این ویژگی عدم پیوستگی در برداشت تحت‌اللفظی سایر قسمتهاست. اگر طلاق صلاحیت را از بین می‌برد، پس (الف) میخواره نبودن ("میخواره نبودن" در آیه ۷ که لزوما فرمان جهت پرهیز کامل از مشروبات نیست) و (ب) "فرزندانش را چنان تربیت کند" در آیه ۴ که بسیاری از شبانان و شماسان امروزی را حذف می‌کنند نیز همین حکم را دارند.

واقعیت این است که من رهبران مسیحی زیادی را سراغ ندارم که در همه عمر بتوانند این الزامات را پیوسته برآورده سازند. پس قبل از آنکه بیش از حد از معایب رهبران ایراد بگیریم، باید بیاد داشته باشیم که این ویژگیها خواست خدا برای تمام فرزندانش هستند. قصد من دفاع از پایین آوردن معیارها نیست، بلکه منظورم این است که نباید آنها را به شکلی قانونگرایانه و از روی قضاوت بکار برد. کلیسا محتاج رهبران دیندار و مورد قبول اجتماع است. با اینحال ما مجبوریم آنها را از میان گناهکاران نجات‌یافته انتخاب کنیم! کلیساهای امروزی باید به دنبال رهبرانی باشند که به مرور وفاداری خود را نشان داده‌اند، نه به دنبال رهبران بی‌نقص.

نکته دیگر اینکه، اگر این فهرست تحت‌الفظی بکار رود، عیسی (چون مجرد بود) و پولس (چون احتمالا طلاق گرفته یا همسرش فوت کرده بود) نیز صلاحیت رهبری کلیسا را نداشتند. این مسئله قابل تامل است، اینطور نیست؟

◆**"معتدل"** معنی لغوی آن "هوشیار بودن" است. چون به زیاده‌روی در مصرف الکل مخصوصا در آیه ۳ اشاره می شود، احتمالا این به کاربرد استعاره‌ای این لغت به معنای "معقول بودن" اشاره دارد (آیه ۱۱؛ تیطوس ۲: ۲).



ان آ اس بی   **"خویشتندار"**

ان کے ج وی "هوشیار"
ان آر اس وی "معقول"
تی ای وی "خوددار"
ان ج بی "محتاط"

این واژه *اسچفرچن* به معنای تعادل در فیلسوفان یونانی بود. کلمه یونانی بسیار معروفی بود که پرهیز از افراط را نشان می‌داد (یعنی "ابزار طلایی". برای کسی بکار می‌رفت که اندیشه منسجمی داشت (۱ تیموتائوس ۳: ۲؛ تیطوس ۱: ۸؛ ۲: ۲، ۵). کلمات مرتبط در ۱ تیموتائوس ۲: ۹، ۱۵؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۷؛ تیطوس ۲: ۴، ۶، ۹، ۱۲، ۱۵ یافت می‌شوند.



ان آ اس بی، ان آر اس وی "آبرومند"
ان کے ج وی "خوش‌رفتار"
تی ای وی "منظم"
ان ج بی "بانزاکت"

این فرمی است از کلمه یونانی کوسمکوس. در تیطوس هم از این واژه با دو بار احساسی مختلف استفاده شده است: (۱) منفی برای اجتناب از شهوت دنیوی (۲: ۱۲) و (۲) مثبت برای نظم مناسب (۲: ۱۰). در ۱ تیموتائوس زمینه متن بطور ضمنی به نظم مناسب یا آداب‌دانی اشاره دارد. این آن چیزی است که از سوی جامعه محلی مناسب، مورد قبول و انتظار است. بنابراین، این جنبه‌ای است از آیه ۷ که می‌گوید: "و باید در میان مردمان بیرون *کلیسا* نیز نیکنام باشد".

◆"مهمان‌نواز" مسافرخانه‌های زمان پولس خانه‌های بدنام فاحشه‌های بودند. بنابراین، مسیحیان و بخصوص رهبران مسیحی، می بایست در خانه‌هایشان را بروی خادمان سیار و نیازمندان جامعه باز می‌گذاشتند (۱ تیموتائوس ۵: ۱۰؛ تیطوس ۱: ۸؛ رومیان ۱۲: ۱۳؛ عبرانیان ۱۳: ۲؛ ۱ پطرس ۴: ۹؛ ۲ یوحنا ۵؛ و ۳ یوحنا).

◆**"قادر به تعلیم"** رهبراه باید معلمانی توانا باشند (۲ تیموتائوس ۲: ۲۴). جالب است که در ۱ قرنتیان ۱۲: ۲۸ "تعلیم" به عنوان عطایی مجزا در فهرست قرار می‌گیرد، ولی در افسسیان ۴: ۱۱ به عطای شبان ربط داده شده است. ظاهرا معلمانی وجود داشتند، ولی همه شبانان نیز لازم بود در این ناحیه فعال باشند. از جهتی همه افراد صاحب عطا در افسسیان مبشران انجیل بودند، اما با اشکال و شدت‌های گوناگون. برخی از محققین کتاب‌مقدس این ویژگی را به عنوان معرفی برای اشخاص خوب تعلیم دیده یا تحصیل‌کرده و یا احتمالا "تعلیم‌پذیر" تفسیر می‌کنند. نهایت اینکه، احتمال دارد توانایی تعلیم دادن ربط داشته باشد به موضوع معلمین دروغین که فکر می‌کردند شریعت را تعلیم می‌دهند (۱: ۷)، ولی در واقع خود را فریب می‌دادند.

۳:۳

ان آ اس بی "نه میخواره"
ان آر اس وی "نه خمار"
ان کے ج وی "نه میگسار"
تی ای وی "نباید میگسار باشند"
ان ج بی "نه شدیدا میخواره"

این ترکیبی است از حرف اضافه *پارا ("فراتر") و اونیوس* ("شراب"). به نظر می‌رسد این گریزی باشد به امثال ۲۳: ۳۵-۲۹ در متون اولیه هفتادگان. لازم است دوباره تاکید شود که کتاب‌مقدس با میگساری مخالف است، اما اجتناب کامل از نوشیدن را تعلیم نمی‌دهد (۳: ۸؛ ۵: ۲۳؛ تیطوس ۱: ۷؛ ۲: ۳). اجتناب کامل از نوشیدن تعهد فردی برخی از افراد است به عیسای خداوند برای محدود کردن آزادی شخصی‌شان به لحاظ فرهنگی که در آن خدمت می‌کنند (رومیان ۱۴: ۱- ۱۵: ۱۳ و ۱ قرنتیان ۸- ۱۰). در این زمینه کیسر، بروس و برانچ مقاله خوبی را در *گفتارهای غامض کتاب‌مقدس*، ص ۶۷۳-۶۷۳ نوشته اند.

مبحث ویژه: نگرش کتاب‌مقدس در مورد الکل (مشروبات الکلی) و میخوارگی (اعتیاد به الکل)
۱. واژه‌های کتاب‌مقدس
الف. عهد عتیق

۱. *یایین*- این لغت عمومی است برای شراب، که ۱۴۱ بار مورد استفاده قرار گرفت است. مبدا لغوی آن معلوم نیست زیرا از ریشه عبری نیست. معنای آن همیشه عصاره میوه تخمیرشده، و معمولا انگور است. بخشهای نمونه در پیدایش ۹: ۲۱؛ خروج ۲۹: ۴۰؛ اعداد ۱۵: ۵، ۱۰ یافت می‌شوند.
۲. *تیروش* – این "شراب تازه" است. بدلیل شرایط آب و هوایی خاور نزدیک، تخمیر شش ساعت پس از استخراج عصاره شروع می‌شود. این واژه اشاره دارد به شراب در حال تخمیر. برای بخشهای نمونه به تثنیه ۱۲: ۱۷؛ ۱۸: ۴؛ اشعیاء ۶۲: ۹-۸؛ هوشع ۴:۱۱ مراجعه کنید.
۳. *آسِس* – این به معنای نوشیدنی‌های الکلی است (یوئیل ۱: ۵؛ اشعیاء ۴۹: ۲۶).
۴. *سِکَر* – منظور "نوشیدنیهای قوی" است. ریشه یونانی در واژه "مست" یا "میگسار" بکار رفته است. ماده‌ای به آن اضافه میشد تا قدرت مست‌کنندگی‌اش بیشتر شود. این واژه موازی *یایین* است (امثال ۲۰: ۱؛ ۳۱: ۶؛ اشعیاء ۲۸: ۷).

ب. عهد جدید
۱. *أینوس* – معادل یونانی *یایی*
۲. *نیوس اینوس* (شراب تازه) – معادل یونانی *تیروش* (مرقس ۲: ۲۲)
۳. *گلیوچوس وینوس* (شراب شیرین، *آسیس*) – شراب در مراحل اولیه تخمیر (اعمال ۲: ۱۳)

۲. کاربردهای کتاب‌مقدسی
الف. عهد عتیق
۱. شراب هدیه خداست (پیدایش ۲۷: ۲۸؛ مزامیر ۱۰۴: ۱۵-۱۴؛ جامعه ۹: ۷؛ هوشع ۲: ۹-۸؛ یوئیل ۲: ۱۹، ۲۴؛ عاموس ۹: ۱۳؛ زکریا ۱۰: ۷).
۲. شراب بخشی از آیین تقدیم قربانی است. (خروج ۲۹: ۴۰؛ لاویان ۲۳: ۱۳؛ اعداد ۱۵: ۷، ۱۰؛ ۲۸: ۱۴؛ تثنیه ۱۴:۲۶؛ داوران ۹: ۱۳).
۳. شراب به عنوان دارو استفاده می‌شود (۲ سموئیل ۱۶: ۲؛ امثال ۳۱: ۷-۶).
۴. شراب می‌تواند مشکلی جدی باشد (نوح- پیدایش ۹: ۲۱؛ لوط – خروج ۱۹: ۳۳، ۳۵، سامسون – داوران ۱۶: ۱۹؛ نابال – ۱ سموئیل ۲۵: ۳۶؛ اوریاه- ۲ سموئیل ۱۱: ۱۳؛ آمون - ۲ سموئیل ۱۳: ۲۸؛ الاه – ۱ پادشاهان ۱۶: ۷؛ بنهداد - ۱ پادشاهان ۲۰: ۱۲؛ حاکمان - عاموس ۶: ۶؛ و زنان - عاموس ۴).
۵. در مصرف شراب ممکن است زیاده‌روی شود (امثال ۲۰: ۱؛ ۲۳: ۳۵-۲۹؛ ۳۱: ۵-۴؛ اشعیاء ۵: ۱۱، ۲۲؛ ۱۹: ۱۴؛ ۲۸: ۸-۷؛ هوشع ۴: ۱۱).
۶. برخی گروه‌ها از مصرف شراب منع می‌شدند (کاهنان در حال انجام وظیفه، لاویان ۱۰: ۹؛ حزقیال ۴۴: ۲۱؛ اهل ناصره، اعداد ۶؛ و حاکمان، امثال ۳۱: ۵-۴؛ اشعیاء ۵۶: ۱۲-۱۱؛ هوشع ۷: ۵).
۷. شراب در تصویرهای مربوط به آخرت استفاده می‌شود. (عاموس ۹: ۱۳؛ یوئیل ۳: ۱۸؛ زکریا ۹: ۱۷).

ب. بین‌العهدین
۱. مصرف متعادل شراب مفید است (کتاب حکمت بن سیراخ۳۱: ۳۰-۲۷).
۲. معلمین یهودی می‌گویند، "شراب بهترین داروهاست، جایی که شراب نیست، وجود مواد مخدر ضرورت پیدا می‌کند." (بی بی ۵۸ ب)

ج. عهد جدید
۱. عیسی مقدار زیادی آب را به شراب تبدیل کرد (یوحنا ۲: ۱۱-۱).
۲. عیسی شراب نوشید (متی ۱۱: ۱۹-۱۸؛ لوقا ۷: ۳۴-۳۳؛ ۲۲: ۱۷).
۳. در پنطیکاست پطرس متهم شده به مستی در اثر نوشیدن "شراب تازه" (اعمال ۲: ۱۳).
۴. شراب می‌تواند مصرف دارویی داشته باشد (مرقس ۱۵: ۲۳؛ لوقا ۱۰: ۳۴؛ ۱ تیموتائوس ۵: ۲۳).
۵. رهبران نباید در مصرف نوشیدنی‌های الکلی زیاده‌روی کنند. این به این معنا نیست که باید از مصرف آن مطلقا خودداری کنند (۱ تیموتائوس ۳: ۳، ۸؛ تیطوس ۱: ۷؛ ۲: ۳؛ ۱ پطرس ۴: ۳).
۶. در مباحث مربوط به آخرت شراب ذکر می‌شود (متی ۲۲: ۱؛ مکاشفه ۱۹: ۹).
۷. میگساری تقبیح می‌شود (متی ۲۴: ۴۹؛ لوقا ۱۱: ۴۵؛ ۲۱: ۳۴؛ ۱ قرنتیان ۵: ۱۳-۱۱؛ ۶: ۱۰؛ غلاطیان ۵: ۲۱؛ ۱ پطرس ۴: ۳؛ رومیان ۱۳: ۱۴-۱۳).

۳. برداشتهای الهیاتی
الف. تنشهای منطقی
۱. شراب هدیه خداست
۲. میگساری مشکلی اساسی است
۳. در برخی فرهنگها ایمانداران لازم است بخاطر انجیل آزادی خود را محدود کنند (متی ۱۵: ۲۰-۱؛ مرقس ۷: ۱-۲۳؛ ۱ قرنتیان ۱۰-۸؛ رومیان ۱۴: ۱ - ۱۵: ۱۳).

ب. گرایش به زیر پا گذاشتن مرزهای تعیین شده
۱. خداوند منشاء تمام نیکی‌هاست (خلقت "بسیار نیکو" است، پیدایش ۱: ۳۱).
۲. انسان سقوط کرده با زیر پا گذاشتن مرزهایی که خدا تعیین نموده، از تمام هدایای خدا بهره‌برداری سوء کرده است.
۳. اشکال در ماست، نه در چیزها. در خلقت مادی شر وجود ندارد (مرقس ۷: ۱۸- ۲۳؛ رومیان ۱۴: ۱۴، ۲۰؛ ۱

قرنتیان ۱۰: ۲۶-۲۵؛ ۱ تیموتائوس ۴: ۴؛ تیطوس ۱: ۱۵).
۴. فرهنگ قرن اول یهودی و تخمیر
الف. در آب و هوای گرم و شرایط غیر بهداشتی تخمیر به سرعت و تقریبا ۶ ساعت پس از له کردن انگور شروع می‌شود.
ب. سنت یهود می‌گوید که وقتی مقدار ناچیزی کف روی سطح ظاهر می‌شود (علامی تخمیر)، پرداخت ده یک شراب واجب می‌شود (*ما آسِروت ۱: ۷*). به این "شراب تازه" یا "شراب شیرین" می‌گفتند. تخمیر سریع اولیه بعد از یک هفته تکمیل می‌شد.
ج. تخمیر ثانویه چهل روز طول می‌کشید. در این مرحله به آن "شراب کهنه" می‌گفتند و می‌توانستند آن را در قربانگاه تقدیم کنند (ادهویوت ۶: ۱).
د. شرابی که ذخیره می‌شد (شراب کهنه) مطلوب بود ولی قبل از مصرف لازم بود خوب تصفیه شود.
ه. شرابی که یک سال از تخمیرش می‌گذشت شراب کهنه محسوب می‌شد. سه سال طولانی‌ترین زمانی بود که شراب را می‌شد بدون مشکل نگهداری کرد. به این "شراب کهن" می‌گفتند و لازم بود آن را با آب رقیق کنند.
و. تنها در ۱۵۰ گذشته در محیط استریل و افزودنی‌های شیمیایی تخمیر به تعویق افتاده است. دنیای باستان نمی‌توانست فرآیند طبیعی را متوقف کند.
۵. بیانیه‌های اختتامی
الف. مطمئن شوید در تجربه، الهیات و تفسیرتان از کتاب مقدس به عیسی و فرهنگ یهودی و یا مسیحی قرن اول بهای لازم را می‌دهید.
ب. قصد من ترویج استفاده از الکل در جامعه نیست. با اینحال، بسیاری از افراد در مورد نظر کتاب‌مقدس درباره این موضوع غلو کرده‌ان و حال براساس تعصب فرهنگ یا فرقه‌ای خاص مدعی پارسایی برتر هستند.
ج. از نظر من، رومیان ۱۴: ۱ – ۱۵: ۱۳ و ۱ قرنتیان ۱۰-۸ دیدگاه و خط و مشی را تعیین کرده‌اند که بر محبت و احترام به همه ایمانداران و اشاعه انجیل در میان همه فرهنگها مبتنی است، و نه آزادی شخصی یا انتقاد داورانه. اگر کتاب‌مقدس تنها منبع ایمان و عمل است، پس شاید لازم باشد این موضوعات را دوباره به هم ربط دهیم.
د. اگر اجتناب کامل از نوشیدنی‌های الکلی را بزور به عنوان اراده خدا بقبولانیم، در اینصورت، آیا باید آن را در مورد عیسی و فرهنگهای امروزی که مرتب شراب مصرف می‌کنند نیز بکار بریم (مثلا اروپا، اسرائیل، آرژانتین)؟

◆**"نه خشن"** معنای لغوی آن "نه جنگجو" است (تیطوس ۱:۷). ممکن است این به زیاده‌روی در مصرف الکل ربط داشته باشد که بر روابط داخلی تاثیر می‌گذارد (یعنی خانواده، کلیسای خانگی، معلمین دروغین).

◆ **"ملایم"** این به شخص منطقی با محبت اشاره دارد، که شاره دارد که آماده است تسلیم دیگران شود. شخصی مهربان و آرام را توصیف می‌کند (تیطوس ۳: ۲؛ یعقوب ۳: ۱۷؛ ۱ پطرس ۲: ۱۸).

"صلح‌جو" این کلمه یونانی جنگ، نبرد و درگیری است، اما با الف سلبی معنای متضاد اینها را پیدا می‌کند.بنابراین، به معنای کسی است که جنگ نمی‌کند و سبب مجادله نمی‌شود (تیطوس ۳: ۲). براحتی می‌توان دید چطور معلمین دروغین برعکس باب ۳ هستند.



ان آ اس بی	**"بری از پولدوستی"**
ان ک ج وی	**"نه طماع"**
ان آر اس وی	**"نه عاشق پول"**
تی ای وی	**"نباید شیفته پول باشد"**
ان ج بی	**"نه آزمند"**

این واژه‌ای ترکیبی است از کلمه "نقره" و کلمه "محبت برادرانه" همراه با الف سلبی که معادل است با "نه عاشق پول" (۶: ۶-۱۰؛ تیطوس ۱: ۷؛ عبرانیان ۱۳: ۵؛ ۱ پطرس ۵:۲). این یکی دیگر از ویژگیهای معلمین دروغین بود.

۳: ۵-۴ "باید از عهده ادارهٔ خانواده خویش نیک برآید" باید رهبری در محیط خانه دیده شود. هر گونه مشکل بین زن و شوهر یا بچه‌ها و نوه‌ها یا خانواده همسر در کلیساهای اولیه سبب سلب صلاحیت فرد می‌شد. نگرانی عمده "عدم توانایی برای مواجهه با انتقاد" است. کیفیت مدیریت شخص در خانه گرایشات وی برای رهبری کلیسا را روشن می‌کند (آیه ۵، که پرسش معترضه است و جواب مورد انتظار آن "نه" است). عجبا که اگر برداشت از این تحت‌اللفظی باشد چه بسا که بسیاری از خادمان امروزی رد صلاحیت شوند. ویژگی‌های متعدد مثبت و منفی ذکر شده در آیات ۳-۲ در محیط خانه آشکار می‌شوند. "اول خانه را بررسی کن" اندرز خوبی است برای کمیته‌های پرسنلی!

۳: ۵ "اگر" این جمله شرطی نوع اول است که فرض می‌شود از دید مولف یا برای مقاصد کلامی او حقیقت داشته باشد.

۳: ۶ "و نوایمان نیز نباشد" این در تیطوس نیامده است. ۱ تیموتائوس به افسس نوشته شد که کلیسایی تثبیت‌شده بود، درحالیکه تیطوس به کریت نوشته شد که کاری جدید بود. آنها همگی نوایمان بودند. معنای ریشه لغوی واژه بکار رفته در اینجا "جوانه گیاه" است. بااینوجود، فاکتور زمانی دقیق مشخص نیست.

◆**"مبادا مغرور گردد و به محکومیت ابلیس دچار شود"** غرور مشکل عمده‌ای برای فرشتگان و انسانها است (۶: ۴؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۴). معنای فعل (اسم مفعول مجهول کامل) "کور شدن در اثر دود" است. حالت اضافی قبل از "ابلیس" می‌تواند اشاره داشته باشد به (۱) داوری که مسببش شیطان است (آیه ۷) یا (۲) همان داوری که شیطان دریافت می‌کند (ان کی ج وی، تی ای وی، ان ج بی).

پولس در ۱ تیموتائوس بارها به دشمن روحانی بشریت اشاره می‌کند (اما نه در ۲ تیموتائوس یا تیطوس): (۱) شریر (*دیابولوس*، ۳: ۶، ۷)؛ (۲) شیطان (*ساتاناس*، ۱: ۲۰؛ ۵: ۲۰)؛ و (۳) ارواح پلید (*دایمونیون*، ۴: ۱). جهان‌بینی کتاب‌مقدس که انسان دشمنی روحانی دارد (افسسیان ۲: ۲؛ ۶: ۱۹-۱۰) در عهد عتیق و جدید هر دو آمده است.

مبحث ویژه: شیطان

بدلایل متعددی این بحث بسیار دشواری است:

۱. عهد عتیق از دشمن بزرگ خوبی‌ها سخن نمی‌گوید، بلکه اشاره دارد به خادم یهوه که گزینه دیگری در اختیار انسان قرار می‌دهد و بشر را متهم به عدم پارسایی می‌کند. در عهد عتیق تنها یک خدا (وحدانیت)، یک قدرت، و تک مسبب وجود دارد- یهوه.

۲. مفهوم دشمن شخصی ناقلای خدا در ادبیات بین‌العهدین (غیر استاندارد) تحت تاثیر مذهب دوقدرتی پارسیان (زرتشت) توسعه یافت. این نیز به نوبه خود شدیدا بر یهودیت کنترل‌شده توسط روحانیون یهود و جامعه اسن‌ها تاثیر گذاشت (طومارهای دریای مرده) .

۳. عهد جدید مباحث عهد عتیق را بطرز حیرت‌آوری دقیق، اما گزینشی و طبقه‌بندی‌شده بسط می‌دهد.

اگر کسی مسئله شیطان را از دیدگاه کتاب‌مقدسی مطالعه کند (هر کتاب یا مولف و سبک ادبی مطالعه و جداگانه خلاصه شود) دیدگاههای بسیار متفاوتی در مورد شیطان آشکار می‌شود.

اما اگر شخص از مسیر غیر کتاب‌مقدسی یا خیلی کتاب‌مقدسی مذاهب جهان یا ادیان شرقی به بحث شیطان بپردازد، در آنصورت بیشتر گستره عهد جدید برمی‌گردد به مذهب دوقدرتی ایرانی و روحانیت یونانی-رومی.

چنانچه شخص از قبل به منشا الهی کتاب‌مقدس اعتقاد داشته باشد، پس گسترش عهد جدید باید مکاشفه‌ای پیش‌رونده در نظر گرفته شود. مسیحیان باید برای پیشگیری از تاثیر بیشتر فرهنگ عامیانه یهودی یا ادبیات غربی (دانته، میلتون) بر این موضوع خود را تجهیز کنند. شکی نیست که در این بخش از مکاشفه رموز و ابهاماتی وجود دارد. اراده خدا این است که همه جنبه‌های شیطان، مبداش، گسترش نفوذش و مقصودش را آشکار نکند، اما شکستش را مکشوف کرده است!

در عهد عتیق واژه "شیطان" یا "اتهام زننده" ممکن است به سه دست جداگانه زیر مرتبط شوند:

۱. بشر اتهام‌زننده- ۱ سموئیل ۲۹: ۴؛ ۲ سموئیل ۱۹: ۲۲؛ ۱ پادشاهان ۱۱: ۱۴، ۲۰، ۲۹؛ مزمور ۱۰۹: ۶
۲. فرشتگان اتهام‌زننده- اعداد ۲۲: ۲۳-۲۲؛ ایوب ۲-۱؛ زکریا ۳: ۱۱
۳. ارواح شریر اتهام‌زننده- ۱ تواریخ ۲۱: ۲؛ ۱ پادشاهان ۲۲: ۲۱؛ زکریا ۱۳: ۲

تنها در دوره بین‌العهدین است که مار در پیدایش ۳ ماهیت شیطان پیدا می‌کند (کتاب حکمت ۲: ۲۴-۲۳؛ ۲ خنوخ ۳۱: ۳)، و حتی بعد از آن به گزینه‌ای در تعلیم یهودیان تبدیل می‌شود (سات ۹ب و سنه ۲۹ الف). "پسران خدا" در پیدایش ۶ در ۱ خنوخ ۵۴: ۶ فرشتگان می‌شوند. هدف از ذکر اینها در اینجا صحه گذاشتن به الهیات آن نیست، بلکه تنها نشان دادن چگونگی بسط این ایده‌هاست. در عهد جدید این فعالیتهای عهد عتیقی به فرشتگان، یا همان شریران شخص‌نما نسبت داده می‌شوند (۱ قرنتیان ۱۱: ۳؛ مکاشفه ۱۲: ۹).

تعیین منشا شریران شخص‌نما بر اساس عهد عتیق مشکل یا غیرممکن است (بسته به دیدگاه شما). یک دلیل این دشواری گرایش بی چون و چرای یهودیان به وحدانیت است (۱ پادشاهان ۲۲: ۲۲-۲۰؛ جامعه ۷: ۱۴؛ اشعیاء ۴۵: ۷؛ عاموس ۳: ۶). می‌گفتند یهوه مسبب همه چیز است تا از این طریق یکتایی و مبدا بودنش بروز دهد (اشعیاء ۴۳: ۱۱؛ ۴۴: ۶، ۸، ۲۴؛ ۴۵: ۵-۶، ۱۴، ۱۸، ۲۱، ۲۲).

منابع موجود برای کسب اطلاعات عبارتند از (۱) ایوب ۲-۱، که در آن شیطان یکی از "پسران خدا" است (یعنی فرشتگان) یا (۲) اشعیاء ۱۴؛ حزقیال ۲۸، که پادشاهان مغرور خاور نزدیک (بابل و تیره) احتمالا بکار رفته‌اند تا غرور شیطان به تصویر کشیده شود (۱ تیموتائوس ۳: ۶). من در مورد این روش بررسی احساسات متضادی دارم. حزقیال نه تنها استعاره باغ عدن را برای پادشاه تیره به عنوان شیطان (حزقیال ۲۸: ۱۶-۱۲) بکار می‌برد، بلکه از آن برای پادشاه مصر به عنوان درخت معرفت خوب و بد نیز استفاده می‌کند (حزقیال ۳۱). با اینحال اشعیاء ۱۴، بویژه آیات ۱۴-۱۲، ظاهرا طغیان یک فرشته در اثر غرور را توصیف می‌کنند. اگر خدا می‌خواست ماهیت و مبدا ویژه شیطان را بر ما آشکار کند، این مسیر منحرفی برای این منظور بود. باید خود را در مقابل گرایش به الهیات سیستماتیکی تجهیز کنیم که بخش کوچکی از عهدهای مختلف، مولفان، کتابها و سبکهای نوشتاری را گرفته و آنها را ترکیب و به عنوان قطعاتی از معمای الهی ارائه می‌دهد.

من با آلفرد ادرشیم موافقم (*زندگی و دوران عیسی مسیح*، جلد ۲، ضمیمه‌ها iiix [صفحات ۷۶۳-۷۴۸] و ivx [صفحات ۷۷۶-۷۷۰] که یهودیت تحت کنترل علمای یهود شدیدا تحت تاثیر ایده‌های قدرت دوگانه و فرضیات ارواح پلید ایرانیها قرار گرفته است. در این زمینه علمای یهود مرجع خوبی برای حقیقت نیستند. عیسی مسیح در این زمینه شدیدا از تعالیم کنیسه فاصله می‌گیرد. فکر می‌کنم تعلیم علمای یهود در مورد وساطت و مخالفت فرشتگان نسبت به عطای شریعت به موسی روی کوه سینا، باب را برای مفهوم فرشته ارشدی که دشمن یهوه و انسان است گشود. دو خدای برتر تفکر دوخدایی یهودی، یعنی *اهریمن* و *اهورامزدا*، خوب و بد، به تفکر دوگانه کتاب‌مقدسی یهوه و شیطان بسط یافت.

قطعا در عهد جدید مکاشفه پیش‌رونده‌ای در مورد تجسم شخصیتی شریر وجود دارد، اما به اندازه تعلیم علمای یهود با شرح و تفصیل همراه نیست. نمونه خوبی از این تفاوت "جنگ در آسمان" است. سقوط ابلیس ضرورتی منطقی است، اما جزئیات آن ارائه نشده است. حتی اطلاعات داده شده نیز در سبک نگارش مکاشفه‌ای مستور شده است (مکاشفه ۱۲: ۴، ۷، ۱۳-۱۲).

درست است که در عیسی مسیح شیطان شکست خورد و به زمین تبعید شد، ولی او هنوز به عنوان خادم یهوه ایفای نقش می‌کند (متی ۴: ۱؛ لوقا ۲۲: ۳۲-۳۱؛ ۱ قرنتیان ۵: ۵؛ ۱ تیموتائوس ۱: ۲۰).

ما باید کنجکاوی خود در این زمینه را کنترل کنیم. نیروی شخصی وسوسه و شریر وجود دارد، ولی هنوز یک خدا وجود دارد و ما هنوز در مقابل انتخابهایمان مسئولیم. نبردی روحانی در جریان است، هم قبل و هم بعد از نجات. پیروزی تنها از طریق خدای تثلیث کسب و برقرار می‌ماند. شریر شکست خورده و حذف خواهد شد.

۳: ۷ "باید در میان مردمان بیرون *کلیسا* نیز نیکنام باشد" در نظر جامعه غیرایمانداری که کلیسا تلاش دارد به سوی ایمان به مسیح هدایت کند رهبری باید صادق و بی‌ریا باشد. (۵: ۱۴؛ ۶: ۱؛ تیطوس ۲: ۵، ۶، ۱۰؛ ۱ قرنتیان ۱۰: ۳۲؛ کولسیان ۴: ۵؛ ۱ تسالونیکیان ۴: ۱۲).

◆ **"تا به رسوایی و دام ابلیس گرفتار نیاید"** پولس نگران نبرد روحانی بود (۶: ۱۰-۹؛ افسسیان ۲: ۳-۱؛ ۴: ۱۴؛ ۶: ۱۰-۱۹). دینداری سپری است در مقابل شریر، درحالیکه خودخواهی در بازی است که راه را برای سوءاستفاده شیطان می‌گشاید!

متن ان آ بی اس (بروز شده): ۳: ۱۳-۸

[8] همچنین خادمان کلیسا باید باوقار باشند؛ نه دورو، یا معتاد به شراب زیاد و یا در پی منافع نامشروع. [9] باید راز ایمان را با وجدانی پاک پاس بدارند. [10] و باید نخست آزموده شوند و اگر بَری از ملامت یافت شدند، در مقام خادم کلیسا خدمت کنند. [11] به همین‌سان، زنان نیز باید باوقار باشند، و نه غیبت‌گو، بلکه معتدل و درخور اعتماد در همه چیز. [12] هر خادم باید شوهر وفادار تنها یک زن باشد و نیز باید از عهده ادارهٔ فرزندان و خانوادهٔ خویش نیک برآید. [13] خادمانی که نیکو خدمت کرده باشند، به مرتبه‌ای والا خواهند رسید و در ایمان خود به مسیح عیسی از شهامتی عظیم برخوردار خواهند شد.

۳: ۸ "خادمان" در ۲ تیموتائوس و تیطوس هیچ اشاره‌ای به خادمان –شماسان- نشده است. جایگاه و عملکرد خادم در عهد جدید تعریف شده نیست. برخی تصور می‌کنند اعمال ۶ آغازی است بر این شغل ویژه هدفدار، اما این غیرمحتمل به نظر می‌رسد. در اینجا شماسان در کنار شبانان، به عنوان دو منصب در کلیسای محلی ذکر می‌شوند (فیلیپیان ۱: ۱). واژه "شماس" یعنی "ایجاد گرد و غبار"، که استعاره‌ای است برای خدمت نوکری. این سپس تبدیل شد به کلمه عمومی "خدمت" در عهد جدید (۱: ۱۲؛ ۴: ۶؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۱۸؛ ۴: ۵، ۱۱). شماسان خادم هستند نه مدیر!

◆ **"همچنین"** ویژگیهای رهبران کلیسا به گروهی جدید بسط داده شده است، و نیز به زنان در آیه ۱۱.

◆ **"باید باوقار باشند"** یادداشت ۲: ۲ را ببینید

◆ **"نه دورو"** این یعنی شخص چیزهای مختلفی را به افراد مختلف بگوید تا به دلایل ساختگی مورد قبول واقع شود. این نوعی دروغ یا کذب‌گویی است.



ان آ اس بی "نه ... معتاد به شراب زیاد"

ان ک ج وی	**"نه تسلیم شراب زیاد"**
ان آر اس وی	**"نه افراط کننده در شراب زیاد"**
تی ای وی	**"متعادل در مصرف شراب"**
ان ج بی	**"نباید بیش از حد شراب بنوشد"**

این ترکیبی است از *پروس و اکچ*، به معنای "زیادی داشتن" یا "چیزی را محکم گرفتن". در این زمینه متنی ممکن است "دست از خود شستن" معنا دهد (هارولد ک مولتون، *لغت‌نامه یونانی تحلیلی بازنگری‌شده*، ص ۳۴۹) . این عبارت، مانند آیه ۳، به پرهیز کامل از الکل نمی‌پردازد، بلکه به زیاده‌روی در مصرف آن. در برخی فرهنگها، حتی در روزگار ما، مسیحیان با این بیانیه مشکلی ندارند. در امریکا زیاده‌روی در مصرف الکل منجر به جنبش طرفداری از منع مصرف نوشابه‌های الکلی شد که در آن بر بخش‌هایی از کتاب‌مقدس تاکید بیش از حد شد. اگر، به هر دلیلی، عمدا در مورد موضع‌گیری کتاب‌مقدس اغراق کنیم، ما معیار می‌شویم، نه کتاب‌مقدس. افزودن به کتاب‌مقدس، به اندازه کاستن از آن مشکل‌زاست (حتی اگر با خالصانه انگیزه‌ها و برای صمیمانه‌ترین دلایل باشد) . آیا کتاب‌مقدس تنها منبع برای ایمان و عمال است؟ اگر چنین است، باید همه فرهنگها را داوری کند! به مبحث ویژه در ۳: ۳ مراجعه کنید.

◆**"یا در پی منافع نامشروع"** این جمله به صداقت در کار رهبران پاره‌وقت کلیسا اشاره دارد. اگر اولویت با پول باشد (۶: ۹-۱۰)، با عیسی نمی‌تواند باشد! در عهد جدید معلمین دروغین اغلب با گرایش‌شان به طمع و سوءاستفاده جنسی توصیف می‌شوند. بخاطر داشته باشید که کل این زمینه متنی سوءاستفاده بدعت‌گذاران را منعکس می‌کند.

◆***"بلکه باید* راز ایمان را با وجدانی پاک پاس بدارند"** به نظر می‌رسد این راز اشاره دارد به پذیرفته هر دو یونانیان و یهودیان در خانواده الهی (افسسیان ۲: ۱۱- ۳: ۱۳؛ کولسیان ۱: ۲۶، ۲۷). واژه "ایمان" دارای حرف تعریف است، به این معنی که اشاره دارد به بدنه اصول اعتقادی مسیحیت.

مبحث ویژه: نقشه خدا برای نجات، "راز"

خداوند برای نجات بشر نقشه منسجمی دارد که به قبل سقوط انسان برمی‌گردد (پیدایش ۳). اشاراتی به این نقشه در عهد عتیق مکشوف شده‌اند (پیدایش ۳: ۱۵؛ ۱۲: ۳؛ خروج ۱۹: ۶-۵؛ و بخشهای عالمگیر در کتب پیامبران). با اینحال این برنامه فراگیر روشن نبود (۱ قرنتیان ۲: ۸-۶). با آمدن عیسی و روح‌القدس این نقشه روشن‌تر شد. برای توصیف این نقشه نجات کلی که زمانی پنهان و اکنون کاملا آشکار است پولس کلمه "راز" را بکار برد (۱ قرنتیان ۴: ۱؛ افسسیان ۶: ۱۹؛ کولسیان ۴: ۳؛ ۱ تیموتائوس ۱: ۹). بااینحال او آن را به چندین مفهوم مختلف بکار برد:

۱. سختی کردن جزئی دل قوم اسرائیل تا نقشه شامل حال غیریهودیان هم بشود. ورود غیریهودیان به عنوان راهبردی (حسادت) عمل خواهد کرد برای اینکه یهودیان عیسی به عنوان مسیحی که در نبوتها آمده بپذیرند (رومیان ۱۱: ۲۵-۳۲).
۲. انجیل به ملتها معرفی شد، همه آنها بالقوه در مسیح و از طریق مسیح مشمول این نقشه شدند (رومیان ۱۶: ۲۷-۲۵؛ کولسیان ۲: ۲).
۳. ایمانداران هنگام آمدن ثانویه مسیح صاحب بدنهای جدید می‌شوند (۱ قرنتیان ۱۵: ۵۷-۵؛ ۱ تسالونیکیان ۴: ۱۸-۱۳).
۴. همه چیز در مسیح خلاصه می‌شود (افسسیان ۱: ۸- ۱۱).
۵. یهودیان و غیریهودیان هم‌ارث هستند (افسسیان ۲: ۳-۱۱: ۱۳).
۶. صمیمیت رابطه بین مسیح و کلیسا که با واژه‌های ازدواج توصیف شده (افسسیان ۵: ۳۳-۲۲).
۷. غیریهودیان در قوم عهد پذیرفته و روح مسیح در آنان ساکت شد تا به بلوغ مسیح‌گونه برسند، یعنی، تصویر احیاشده خدا در بشریت سقوط کرده (پیدایش ۱: ۲۷-۲۶؛ ۵: ۱؛ ۶: ۵، ۱۳-۱۱؛ ۹: ۶؛ ۱: ۲۸-۲۶).
۸. ضد مسیح (دجال) در آخر زمان (۲ تسالونیکیان ۲: ص۱۱-۱).
۹. خلاصه ارایه شده توسط کلیسای اولیه در مورد "راز" در ۱ تیموتائوس ۳: ۱۶یافت می‌شود.

◆**"با وجدانی پاک"** واژه وجدان ظاهرا اشاره دارد به اینکه این رهبران کردار و گفتارشان در راستای حقیقت انجیل است. یادداشت مفصل‌تر را در ۱: ۵ ببینید.

۳: ۱۰ "و [این مردان] باید نخست آزموده شوند" این فرم امری مجهول حال است. واژه یونانی آن *دوکیمازج* است، که مفهوم "آزموده شدن به منظور تایید" بکار می‌رود (رومیان ۲: ۱۸؛ ۱۲: ۲؛ ۱۴: ۲۲؛ ۱ قرنتیان ۳: ۱۳؛ ۱۶: ۳؛ ۲ قرنتیان ۸: ۲۲؛

۱ تسالونیکیان ۲: ۴). این کلمه با *پیزارزچ* مقایسه می‌شود، که مفهومش "آزمودن به منظور نابودی است" (۱ قرنتیان ۲: ۵؛ ۱۰: ۹، ۱۳؛ غلاطیان ۶: ۱؛ فیلیپیان ۱: ۱۰؛ ۱ تسالونیکیان ۶: ۹). مبحث ویژه در ۶: ۹ را ببینید.

◆**"[پس بگذار] در مقام خادم کلیسا خدمت کنند"** این جمله امری معلوم زمان حال است.

◆**"اگر"** مانند آیه ۵ این جمله نیز شرطی نوع اول است.

◆**"اگر"بَری از ملامت یافت شدند"** یادداشت ۳: ۲ را ببینید.

۳: ۱۱ "به همین‌سان، زنان نیز باید باوقار باشند" این به همسران خادمان اشاره ندارد (ک ج وی و ان آی وی)، بلکه منظور زنانی است که در کلیساهای خانگی مشغول خدمت هستند. علم نحو یونانی دسته دیگری از خادمان کلیسا را نیز متمایز می‌کند (یعنی "همچنین" در آیه ۸). زنان خادم در رومیان ۱۶: ۱ (ترجمه چارلز بی ویلیامز) و احتمالا فیلیپیان ۴: ۳ ذکر شده‌اند. ویژگیهای لازم برای این زنان خادم مشابه است به رهبران مرد. در جایی که حضور خادمان مرد مناسب نبود، از آنها انتظار می‌رفت کمک کنند (مراقبت از زنان بیمار، کمک به آماده کردن زنان قبل و بعد از تعمید، سرکشی مرتب به زنان پیر، و غیره). با توجه به نوشته‌های پدران اولیه کلیسا می‌دانیم جایگاه خادم زن به سرعت گسترش یافت و در سراسر قرون اول بکار گرفته شد. مشکل دوره ما این است که ما خادمان مرد را به تیم اجرایی تبدیل کرده‌ایم، زیرا ظاهرا بخش‌های دیگر در تیموتائوس نقش زنان را نفی می‌کند. بااینحال، انتظار می‌رود شماسان خادم باشند، و بنابراین، زنان نیز نقش مهمهی دارند. احتمالا خادمان زن در ردیف "نقش بیوه‌زنان" (۵: ۹) بودند، یعنی بیوه‌زنهای بالای شصت سال که خانواده نداشتند و کلیسا آنها را جهت خدمت بکار گماشته بود.

◆ **"نه غیبتگو"** این نمونه کاملی است از مشکلی که معلمین دروغین بوجود آورده بودند (۵: ۱۵-۱۳؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۷-۱). ممکن است این اشاره داشته باشد به گفتگوهای مربوط به تعالیم معلمین دروغین واژه‌ای که "غیبت" ترجمه شده اغلب برای شیطان بکار می‌رفت (یوحنا ۶: ۷۰). معنای لغوی آن "افترا" است (ان ک ج وی، ان آر اس وی، ان آی وی، ۱ تیموتائوس ۳: ۱۱؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۳؛ تیطوس ۲: ۳)، نه غیبت (ان آ اس بی، تی ای وی، ان ج بی).

◆ **"معتدل"** یادداشت ۳: ۳ را ببینید.

◆ **" درخور اعتماد در همه چیز"** مجددا این ممکن است اشاره داشته باشد به استفاده معلمین دروغین از زنان در کلیساهای خانگی. این رهبران/خادمان باید در ایمان (در آیه ۱۳ هم حرف اضافه نیامده) و طرز زندگیشان قابل اعتماد باشند.

۳: ۱۲ بسیاری از ترجمه‌های جدید آیات ۱۳-۸ را بهم ربط داده، در یک پاراگراف می‌آورند. خادمان بحث را شروع (آیه ۸) و تمام می‌کنند (آیه ۱۳)، ولی در آیه ۱۱ در مورد زنان خادم صحبت می‌شود. برای همین ترجمه‌ها آنان را همسران خادمان می‌نامند. با اینوجود، تصور من این است که، وجود کمک خادمها، یا زنان شماس، ممکن است از لحاظ فرهنگی مناسب باشد. خادمان زن (یعنی "بیوه‌زنان") بطور ویژه در ۵: ۱۰-۹ ذکر می‌شوند. آیه ۱۲ بسیار شبیه ویژگیها لازم برای ناظران و اسقف‌ها (یعنی شبانان) در آیات ۵-۲ است.

مبحث ویژه: ویژگیهای لازم برای خادمان زن در کلیسا

الف. باوقار (۳: ۱۱)
ب. نه غیبتگو (۳: ۱۱)
ج. معتدل (۳: ۱۱)
د. درخور اعتماد در همه چیز (۳: ۱۱)
ه. نه تحت حمایت بستگان (۳: ۱۱)
و. امیدش یکسره بر خداست (۵: ۵)
ز. شب و روز دعا می‌کند (۵: ۵)
ح. از ملامت بدور باشد (۵: ۷)
ط. بالای شصت سال باشد (۵: ۹)
ی. همسر یک مرد (۵: ۹)
ک. به نیکوکاری شهره باشد (۵: ۱۰)
  ۱. فرزندان خویش را نیکو تربیت کرده (۵: ۱۰)
  ۲. غریب‌نواز باشد (۵: ۱۰)
  ۳. پاهای مقدّسان را شسته باشد (۵: ۱۰)
  ۴. به یاری دردمندان شتافته باشد (۵: ۱۰)
  ۵. خود را وقف هر نوع کار نیکو کرده باشد (۵: ۱۰)

ام آر وینسنت، *مطالعات کلام*، جلد ۲، ص ۷۵۲ و ۱۱۹۶، می‌گوید *اساسنامه‌های رسالتی* بازمانده از اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم بین وظایف و دستگذاری خادمان زن کلیسا فرق قائل می‌شود.
۱. شماسان زن
۲. بیوه زنان (۱ تیموتائوس ۳: ۱۱؛ ۵: ۱۰-۹)
۳. دختران باکره (اعمال ۲۱: ۹ و احتمالا ۱ قرنتیان ۷: ۳۴)
این وظایف عبارت بودند از:
۱. مراقبت از بیماران
۲. مراقبت از کسانی که مورد جفای جسمی قرار گرفته بود
۳. سرکشی به کسانی که به خاطر ایمانشان در زندان بودند
۴. تعلیم دادن به نوایمانان
۵. کمک به تعمید زنان
۶. نظارت بر زنان عضو کلیسا

۳: ۱۳ "خدمت کرده باشند" این فرم فعلی کلمه "شماس" بوده و در عهد جدید واژه‌ای عمومی برای "شبان/خادم" است. در متن یونانی لغت "شماس" در این آین نیست.

◆**"به مرتبه‌ای والا خواهند رسید"** منظور ضرورتا موقعیت رهبری بالاتر (یعنی شبانی) نیست، بلکه احتمالا منظور احترام در جامعه است که به آنها اجازه می‌دهد با شهامت پیام انجیل را برسانند.

متن ان آ بی اس (بروز شده): ۳: ۱۴-۱۶
[14] گرچه امید آن دارم که بزودی نزدت آیم، ولی اینها را به تو می‌نویسم، [15] تا اگر تأخیری شد، بدانی که در خانه خدا که کلیسای خدای زنده و ستون و بنیان حقیقت است، چگونه باید رفتار کرد. [16] بالاجماع که راز دینداری بس عظیم است: او در جسم ظاهر شد، به‌واسطه روح تصدیق گردید، فرشتگان دیدندش، بر قومها موعظه شد، جهانیان به او ایمان آوردند، و با جلال، بالا برده شد.

۳: ۱۵-۱۴ پولس برنامه دارد از تیموتائوس در افسس بازدید کند. روح او را هدایت کرد که بنویسد تا اراده خدا که در ۱ تیموتائوس بیان شده کلیسایش را در تمامی اعصار برکت داده و هدایت کند. این آیات تایید می‌کند که زمینه تفسیری متن بابهای ۱-۳ به پرستش عمومی ربط دارد. تصور من این است که این آیات پاسخی به معلمین دروغین و صلاحیتهای تعیین شده توسط آنها نیز هستند. این چارچوبی بیطرفانه نیست!
همین وضعیت الهیاتی در لاویان هم دیده می‌شود. این کتاب بیش از آنک مجموعه‌ای از مقرارت بهداشتی یا رسومات باشد واکنشی است به فرهنگ کنعانی. درست همانطور که قوانینی ویژه نوشته شدند تا کنعانی‌ها و یهودیان را تا آخرین حد ممکن از هم جدا نگهدارند، این بخش‌ها نیز رسالات شبانی را از معلمین دروغین یهودی/گنوستیک مجزا می‌کنند.

۳: ۱۵ "تا اگر تأخیری شد" این جمله شرطی نوع سوم است که اقدامی محتمل را نشان می‌دهد.

◆**"در خانه خدا"** پولس از استعارات شخصیتی متعددی، نظیر "بدن" برای توصیف کلیسا استفاده می‌کند، اما خانواده/اهل خانه عمیق‌ترین آنهاست (خدا به عنوان پدر، عیسی به عنوان پسر، ایمانداران به عنوان فرزندان).

◆**"کلیسا"** *اِکلِسیا* کلمه ترکیبی یونانی است از "خارج از" و "خواندن". در کواین یونان از این اصطلاح بر توصیف هر نوع گردهمایی، از قبیل شورای شهر استفاده می‌شد (اعمال ۱۹: ۳۲). کلیسای یهودی اولیه این واژه را از این جهت برگزید که در هفتادگان، یعنی ترجمه یونانی عهد عتیق بکار رفته بود. این ترجمه ۲۵۰ سال قبل از میلاد برای کتابخانه اسکندریه مصر تحریر شد. این کلمه ترجمه واژه عبری *قاهال* است، که در عبارت "شورای اسرائیل" (خروج؛ اعداد ۲۰: ۴) بکار رفت.
نویسندگان عهد جدید تاکید داشتند که این افراد "برگزیدگان خدا" و قوم خدا در روزگار خودشان بودند. ایمانداران یهودی اولیه بین قوم عهد عتیق و خودشان که قوم عهد جدید بودند، شکافی نمی‌دیدند. پس ایمانداران معتقدند که کلیسای عیسی مسیح وارث متون عهد عتیق هستند، نه یهودیت امروزی تحت نفوذ علمای یهود.

◆**"کلیسای خدای زنده"** عهد عتیق تاکید دارد بر اینکه تنها و تنها یک خدای وجود دارد (خروج ۸: ۱۰؛ ۹: ۱۴؛ تثنیه ۴: ۳۵، ۳۹؛ ۶: ۴؛ ۳۲؛ ۳۹؛ ۱ سموئیل ۲: ۲؛ اشعیاء ۴۰: ۱۳-۱۰؛ ۴۴: ۸-۶؛ ۴۵: ۷-۵). صفت زنده از اسم عهد (۴: ۱۰) برای خدا، یعنی یهوه، می‌آید، که فرم متعدی فعل عبری "بودن" است (خروج ۳: ۱۴).

◆**"ستون و بنیان حقیقت"** ممکن است این گریزی باشد به اشعیاء ۲۸: ۱۶، بنیان خدا عیسی است که سنگ زاویه است، که به نوبه خود اشاره دارد به ۲ تیموتائوس ۲: ۱۹. این سومین از یک رشته عبارات توصیفی است که خدا را به کلیسا ربط می‌دهند.
۱. "خانه خدا" (آیه ۱۵)
۲. "کلیسای خدای زنده" (آیه ۱۵)
۳. "ستون و بنیان حقیقت" (آیه ۱۵)
واژه حقیقت (*الثئیا*) در نوشته‌های پولس (و یوحنا) زیاد دیده می‌شود. اغلب این کلمه به محتوای انجیل اشاره دارد (رومیان ۱: ۱۸، ۲۵؛ ۲: ۲، ۸؛ ۳: ۷؛ ۱۵: ۸؛ ۱ قرنتیان ۱۳: ۶؛ ۲ قرنتیان ۴: ۲؛ ۶: ۷؛ ۷: ۱۴؛ ۱۳: ۸؛ غلاطیان ۲: ۵، ۱۴؛ ۵: ۷؛ افسسیان ۱: ۱۳؛ ۴: ۲۱؛ ۵: ۹؛ فیلیپیان ۱: ۱۸؛ کولسیان ۱: ۵، ۶؛ ۲ تسالونیکیان ۲: ۱۰، ۱۲، ۱۳؛ ۱ تیموتائوس ۳: ۱۵؛ ۴: ۳؛ ۶: ۵؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۱۵، ۱۸، ۲۵؛ ۳: ۷، ۸؛ ۴: ۴؛ تیطوس ۱: ۱، ۱۴). مبحث ویژه مربوط به حقیقت را در ۲: ۴ ببینید.

۳: ۱۶

ان آ اس بی	**"بالاجماع"**
ان ک ج وی	**"بدون جر و بحث"**
ان آر اس وی، ان ج بی	**"بی تردید"**
تی ای وی	**"هیچ کس نمی‌تواند انکار کند"**

این واژه یونانی اغلب اقرار یا اعتراف ایمان شخص بکار می‌رود (مبحث ویژه: اعتراف در ۶: ۲). کلمه فوق مشخص می‌کند که سطور بعدی تاکید عقیدتی اولیه هستند.

◆**"راز دینداری بس عظیم است"** "راز" در نوشته‌های پولس اغلب اشاره دارد به ماموریت غیریهودیان (افسسیان ۲: ۳-۱۱: ۱۳)، که ممکن است کلید آیه ۱۶ باشد. یادداشت ۳: ۹ را ببینید. این بیانیه اقراری یا سرود پرستشی مسیحی اولیه را معرفی می کند. یکی دیگر از اینها در ۲ تیموتائوس ۲: ۱۳-۱۱ یافت می‌شود. الگوی ضربی ممکن است یکی از اینها باشد: (۱) الف ب پ ت ث ح (حقایق مکشوف در مورد مسیح)؛ (۲) الف‑ب، ب‑الف، الف‑ب (مقایسه بین زمین و آسمان یا تحقیر و سرافرازی)؛ یا (۳) الف‑ب‑پ، الف‑ب‑پ (حقایق آشکار شده در مورد مسیح و کلیسایش).
الگوی ضربی در کتاب‌مقدس برای محققین بمرور روشن‌تر می‌شوند. کتاب‌مقدس همراه چاپ کرِگل در سال ۱۹۹۰ و کتاب *شاعر و دهاتی* اثر کنت ای بایلی وسیعا از این روش استفاده کرده‌اند.
به نظر می‌رسد پولس آیه‌ای از یک سرود پرستشی اولیه یا سطری از مناجات کلیسایی را نقل می‌کند. این آیه بر انسانیت مسیح و خدمت جهان شمولش تاکید دارد. سه تاکید الهیاتی عمده پولس در آن نیامده‌اند : (۱) صلیب؛ (۲) قیام؛ و (۳) بازگشت ثانویه.
پولس در ۱، ۲ تیموتائوس و تیطوس از مراجع متعددی نقل قول می‌کند که تفاوت دایره لغت منحصربفرد و کاربرد متمایز واژه های الهیاتی نسبت به سایر نامه‌های پولس را توجیه می‌کند.

◆

ان آ اس بی	**"او که در جسم ظاهر شد"**
ان ک ج وی	**"خدا در جسم تجلی یافت"**
ان آر اس وی	**"او در جسم ظاهر شد"**
تی ای وی	**"او بصورت انسان ظاهر شد".**
ان ج بی	**"او در جسم قابل رویت شد"**

این عبارت در مورد تجسم (تولد) عیسی مسیح در بیت‌لحم صحبت می‌کند: زندگیش، تعالیمش، مرگش، و قیامش، که کاملا پدر را مکشوف می‌کنند (یوحنا ۱: ۱۸-۱۴). استنتاج بسیار قدرتمندی در مورد وجود او قبل از خلقت نیز وجود دارد (یوحنا ۱: ۵-۱؛ ۸: ۵۸-۵۷؛ ۲قرنتیان ۸: ۴؛ فیلیپیان ۲: ۶؛ کولسیان ۱: ۱۷). این حقیقت مرکزی انجیل در مورد عیسی مسیح است، که او خدای کامل و انسان کامل بود (یوحنا ۱: ۱۴؛ فیلیپیان ۲: ۸-۶؛ کولسیان ۱: ۱۶-۱۴؛ ۱ یوحنا ۴: ۶-۱).

دست‌نوشته یونانی متفاوت متاخرتری وجود دارد که در آن ضمیر نسبی *هوس* به *تیوس* تغییر داده شده است. این تغییر جدیدتر ممکن است در اثر یکی از اینها ایجاد شده باشد (۱) سردرگمی در مورد عهد عتیق (مخفف در یونانی یونشیال برای چه کسی) که اچ سی خوانده می‌شود (مخفف در یونانی یونشیال برای "خدا") یا (۲) به عنوان تغییر الهیاتی هدفمند توسط کاتبان بعدی (MSS !c, Ac, Cc, D2) به منظور روشنتر کردن متن در مقابل تغییرات بدعتی (بارت دی اهرمان، *تحریف بنیادی کتاب‌مقدس*، ص ۷۸-۷۷).

◆

ان آ اس بی **"به‌واسطة روح تصدیق گردید"**
ان ک ج وی، ان ج بی **"در روح تایید شد"**
ان آر اس وی **"در روح تصدیق گردید"**
تی ای وی **"روح حقانیتش را نشان داد"**

درکهای مختلفی از این عبارت وجود دارد. آیا به معنی تصدیق یا تایید است؟ آیا منظور این است که روح‌القدس در خدمت مسیح فعال بود (ان آ اس بی) یا اینکه روح عیسی توسط پدر تایید می‌شد (متی ۳: ۱۷؛ ۱۷: ۵)، در حالیکه عیسی مانند موجودی انسانی زندگی می‌کرد (ان آر اس وی)؟ برخی از الهیات‌دانان باور دارند روح به الوهیت عیسی اشاره دارد، که در اثر قیامش تصدیق شد (رومیان ۱: ۴).

◆**"فرشتگان دیدندش"** فرشتگان مشتاق بودند بدانند خدا با انسان سقوط کرده چه می‌کند (۱ قرنتیان ۴: ۹؛ افسسیان ۲: ۷؛ ۳: ۱۰؛ ۱ پطرس ۱: ۱۲). ولی امکان دارد به مراقبت فرشتگان از عیسی، در تجربه وسوسه شدنش (متی ۴: ۱۱؛ مرقس ۱: ۱۳)، در باغ جتسیمانی (لوقا ۲۲: ۴۳، که متن سوال‌برانگیزی است)، یا درست بعد از قیامش (لوقا ۲۴: ۴، ۲۳؛ یوحنا ۲۰: ۱۲) اشاره داشته باشد. این عبارت آنقدر کوتاه و مبهم است که مفسران نظریات متعددی پیشنهاد کردند که هم حدس محض هستند:

۱. خدمت فرشتگان به عیسی (بالا)
۲. فرشتگانی که صعود او را اعلام می‌کردند (فرشتگان الهی/یا فرشتگان سقوط کرده، ۱ پطرس ۳: ۲۰-۱۹، ۲۲)
۳. فرشتگانی که نشستنش به تخت در آسمان را اعلام می‌کردند

◆**"بر قومها موعظه شد"** این موعظه انجیل در سطح جهانی است که برای یهودیان قرن اول شدیدا شوک‌آور می‌بود، اما در واقع نکته اساسی است (متی ۲۸: ۲۰-۱۸). این راز دینداری است (افسس ۲: ۳-۱۱: ۱۳).



ان آ اس بی، ان ک ج وی **"جهانیان به او ایمان آوردند"**
ان آر اس وی، تی ای وی، ان ج بی **"سراسر جها به او ایمان آوردند "**

نه تنها این پیام، بلکه پاسخ نیز جهانی بود، و اکنون متشکل هم یهودیان و غیریهودیان بود (افسس ۲: ۳-۱۱: ۱۳). این نقشه همیشگی خدا بوده است. خدای واحد حقیقی به وعده خود در ۳: ۱۵ عمل کرد. توبه شخصی و ایمان به انجیل در زمان حاضر، در این دنیا، در بهشت را برای "هرکسی" باز می‌کند (یوحنا ۱: ۱۲؛ ۳: ۱۶؛ رومیان ۱۰: ۱۳-۹). مبحث ویژه: استفاده پولس از *کوزموس* در ۱: ۱۶ را ببینید.

◆**"با جلال بالا برده شد"** ظاهرا این به صعود مسیح اشاره دارد. جای تعجب است که مرگ، قیام و بازگشت عیسی ذکر نشده اند، اما اگر این سرودی مسیحی بود، احتمالا تنها بخشی از آن آمده، که قابل درک است. همچنین، تفسیر شخص بستگی دارد به اینکه کدام الگوی وزنی (ضربی) را دنبال کند (آیه ۱۶). این سرود یا مناجات مرتبط با بیانیه افتتاحی قویا گنوستیسیزم را نفی می‌کند. عیسی در فرم انسان به جلال رسید (الگوی ضربی شماره ۲)! با اینحال مطابق با ترجمه ان آر اس وی سه خط آخر ممکن است به کلیسا اشاره داشته باشند (الگوی ضربی شماره ۳). برای یادداشت کاملتر در مورد "جلال" ۱: ۱۷ را ببینید.

پرسشهای مربوط به بحث

آنچه در دست دارید تحقیق تفسیری است که نقش راهنمای مطالعه را ایفا می‌کند، به این معنای که شما شخصا مسئولیت تفسیر خود از کتاب‌مقدس را بر عهده دارید. ما همگی باید در نوری که داریم قدم برداریم. شما، کتاب‌مقدس و روح‌القدس مقدم بر تفسیر هستید. چنین نقشی را نباید به مفسر محول کنید.

پرسشهای مربوط به بحث نوشته شده اند تا به شما کنند موضوعات عمده این بخش از کتاب را مرور کنید. قرار است آنها شما را وادار به تفکر کنند، نه اینکه حرف آخر را بزنند.

۱. چند نمونه خادم وجود دارد؟
۲. چرا شبانان، اسقف‌ها و مشایخ در عهد جدید به نامهای متفاوت خوانده می‌شوند؟
۳. آیا عهد جدید شماس زن دارد؟ اگر دارد وظیفه آنها چیست؟
۴. چرا تصور می‌شود آیه ۱۶ سرود مسیحی در مورد عیسی مسیح باشد؟
۵. ضرب چیست؟ اهمیتش در چیست؟

اول تیموتائوس ۴

تقسیم‌بندی پاراگرافها در ترجمه‌های جدید

ان ج بی	تی ای وی	ان آر اس وی	ان ک ج وی	یو بی اس[۴]
معلمین دروغین	معلمین دروغین	معلمین دروغین	ارتداد بزرگ	پیش‌بینی ارتداد
۴: ۱۱-۱	۴: ۵-۱	۴: ۵-۱	۴: ۵-۱	۴: ۵-۱
	خادم خوب عیسی مسیح		خادم خوب عیسی مسیح	خادم خوب عیسی مسیح
	۴: ۱۰-۶	۴: ۱۰-۶	۴: ۱۰-۶	۴: ۱۰-۶
			در خدمت خود دقت کن	
۴: ۱۲-۱۶	۴: ۱۱-۱۶	۴: ۱۱-۱۶	۴: ۱۱-۱۶	۴: ۱۱-۱۶

دایره قرایت سه (از "راهنمای قرایت صحیح کتاب‌مقدس" صفحه ix)

تبعیت از انگیزه نویسنده اولیه در سطح پاراگراف

آنچه در دست دارید تحقیق تفسیری است که نقش راهنمای مطالعه را ایفا می‌کند، به این معنای که شما شخصا مسئولیت تفسیرتان از کتاب‌مقدس را بر عهده دارید. ما همگی باید در نوری که داریم قدم برداریم. شما، کتاب‌مقدس و روح‌القدس مقدم بر تفسیر هستید. چنین نقشی را نباید به مفسر محول کنید.

باب مورد نظر را یکجا بخوانید. موضوعات را شناسایی کنید. تقسیم‌بندی موضوعی خود را با تقسیم‌بندی پنج ترجمه امروزی مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی الهامی نیست، اما کلیدی است برای دنبال کردن انگیزه مولف اولیه، که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. و الی آخر

برداشتهای دقیق‌تر از متن ۴: ۱۶-۱

الف) مانند بابهای ۳-۱، بابهای ۶-۴ را نیز می‌توان با توجه به مسئله معلمین دروغین تفسیر کرد.
ب) باب ۴ رهبری منفی (آیات ۵-۱) و مثبت (آیات ۱۰-۶) را منعکس می‌کند.
ج) آیات ۱۶-۱۱ پیام شخصی پولس به تیموتائوس هستند که تا ۶:۲ ادامه می‌یابد.

مطالعه لغت و عبارت

متن ان آ بی اس (بروز شده): ۴: ۱-۵
[1] امّا روح، آشکارا می‌گوید که در زمانهای آخر، برخی از ایمان رویگردان شده، از ارواح گمراه‌کننده و تعالیم دیوها پیروی خواهند کرد. [2] این از طریق تعالیم دروغگویان ریاکاری است که وجدانشان بی‌حس شده است. [3] ایشان ازدواج را منع می‌کنند و به پرهیز از خوراکهایی فرمان می‌دهند که خدا آفریده است تا مؤمنان که از حقیقت آگاهند، با شکرگزاری از آن بهره‌مند شوند. [4] زیرا هرآنچه خدا آفریده است، نیکوست و هیچ چیز را نباید رد کرد، هرگاه با شکرگزاری پذیرفته شود، [5] چرا که به‌وسیلهٔ کلام خدا و دعا تقدیس می‌گردد.

۴: ۱ "امّا روح، آشکارا می‌گوید" این ممکن است اشاره داشته باشد به (۱)نبوت عهد عتیق؛ (۲) پولس به عنوان کسی که مستقیما از رو الهام دریافت می‌کند (اعمال ۲۰: ۳۳)؛ یا پیامهای الهامی از سایر رهبران هم عصر صاحب عطا (اعمال ۲۱: ۱۱).



ان آ اس بی، ان آر اس وی، تی ای وی	**"زمانهای بعد از آن"**
ان ک ج وی	**"زمانهای بعدی"**
ان ج بی	**"زمانهای آخر"**

پولس، همانند پیامبران عهد عتیق، از زمان خودش می‌گفت، اما آن را به روزهای آخر پیش از بازگشت ثانویه مسیح ربط می‌داد. پولس در ۲ تسالونیکیان ۲ در مورد تاخیر در بازگشت ثانویه مسیح تعلیم می‌دهد. بنابراین، این توصیف نافرمانی و تعالیم انحرافی زمان خود او (۲ تیموتائوس ۳: ۱) و نیز زمان بین آمدن اول و دوم مسیح (۲ پطرس ۳: ۳؛ یهودا ۱۸) را تشریح می کند. عهد جدید اغلب این روزهای آخر یا آخر زمان را همانند انبیاء عهد عتیق توصیف می‌کند که بحران دوره خود را گرفته و آن را به زمینه‌های آخرتی ربط می‌دادند (متی ۲۴: ۱۲-۱۰؛ اعمال ۲۰: ۳۰-۲۹؛ ۲ تسالونیکیان ۲: ۱۲-۳؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۱-۹؛ ۴: ۴-۳؛ ۱ یوحنا ۲: ۱۹-۱۸؛ ۴: ۳-۱).



ان آ اس بی	**"رویگردان شدن"**
ان ک ج وی	**"فاصله گرفتن"**
ان آر اس وی	**"انکار کردن"**
تی ای وی	**"واگذاردن"**
ان ج بی	**"رها کردن"**

یکی از نشانهای نجات واقعی این است که شخص در کلیسا بماند (یوحنا ۲: ۱۸). مبحث ویژه: نیاز به مداومت در ۴: ۱۶ را مرور کنید.

مبحث ویژه: ارتداد (*آفیستسمی*)

واژه یونانی *آفیستمی* زمینه معنایی گسترده‌ای را پوشش می‌دهد. با اینحال واژه "ارتداد" در انگلیسی "آپاستسی" از این واژه مشتق شده است و کاربرد آن برای خواننده امروزی را از پیش تعیین می‌کند. مثل همیشه زمینه متن، کلید است، نه تعریف از پیش تعیین شده. این واژه‌ای مرکب است از حرف اضافه *آپو*، به معنای "از" یا "بدور از" و *هیستمی*، "نشستن"، یا ،،ایستادن"، یا "تثبیت کردن". به کاربردهای زیر (غیر الهیاتی) توجه کنید:

۱. حذف فیزیکی
- الف. از معبد، لوقا ۲: ۳۷
- ب. از یک خانه ، مرقس ۱۳: ۳۴
- ج. از یک شخص، مرقس ۱۲: ۱۲؛ ۱۴: ۵۰؛ اعمال ۵: ۳۸
- د. از همه چیز، متی ۱۹: ۲۷، ۲۹

۲. حذف سیاسی، اعمال ۵: ۳۷
۳. حذف ارتباطی، اعمال ۵: ۳۸؛ ۱۵: ۳۸؛ ۱۹: ۹؛ ۲۲: ۲۹
۴. حذف قانونی (طلاق)، تثنیه ۲۴: ۱، ۳ و عهد جدید، متی ۵: ۳۱؛ ۱۹: ۷؛ مرقس ۱۰: ۴؛ ۱ قرنتیان ۷: ۱۱
۵. حذف یک بدهی، متی ۱۸: ۲۴

۶. اظهار بی اعتنایی از طریق ترک کردن، متی ۴: ۲۰؛ ۲۲: ۲۷؛ یوحنا ۴: ۲۸؛ ۱۶: ۳۲
۷. اظهار نگرانی از طریق ترک نکردن، یوحنا ۸: ۲۹؛ ۱۴: ۱۸
۸. مجاز کردن یا اجازه دادن ۱۳: ۳۰؛ ۱۹: ۱۴؛ مرقس ۱۴: ۶؛ لوقا ۱۳: ۸
از لحاظ الهیاتی هم فعل کاربردهای گستردهای دارد:
۱. کنسل کردن، بخشیده، پاک کردن تقصیر گناه، هفتادگان خروج ۳۲: ۳۲؛ اعداد ۱۴: ۱۹؛ ایوب ۴۲: ۱۰ و عهد جدید، متی ۶: ۱۲، ۱۵-۱۴؛ مرقس ۱۱: ۲۶-۲۵
۲. برای بازداشتن از گناه، ۲ تیموتائوس ۲: ۱۹
۳. برای نادیده گرفتن از طریق دور شدن از چیزی
الف. شریعت، متی ۲۳: ۲۳؛ اعمال ۲۱: ۲۱
ب. ایمان، حزقیال ۲۰: ۸؛ لوقا ۸: ۱۳؛ ۲ تسالونیکیان ۲: ۳؛ ۱ تیموتائوس ۴: ۱؛ عبرانیان ۳: ۱۲
ایمانداران امروزی سولات الهیاتی زیادی میپرسند که هرگز به فکر نویسندگان عهد جدید خطور نمیکرد. یکی از آنها مربوط است به گرایش جدید به جدا کردن ایمان است از ایمانداری.

افرادی در کتابمقدس وجود دارند که با قوم خدا و آنچه رخ میدهد ارتباط دارند.
۱. عهد عتیق
الف. قورح، اعداد ۱۶
ب. پسران عیلی، ۱ سموئیل ۲، ۴
ج. شائول، ۱ سموئیل ۱۳-۱۱
د. پیامبران دروغین (مثالها)
۱. تثنیه ۱۳: ۵-۱؛ ۱۸: ۲۲-۱۹
۲. ارمیاء ۲۸
۳. حزقیال ۱۳: ۷-۱
ه. پیامبران زن دروغین
۱. حزقیال ۱۳: ۱۷
۲. نحمیاء ۶: ۱۴
و. رهبران شرور یهودی (مثالها)
۱. ارمیاء ۵: ۳۱-۳۰؛ ۸: ۲-۱؛ ۲۳: ۴-۱
۲. حزقیال ۲۲: ۳۱-۲۳
۳. میکاه ۳: ۱۲-۵
۲. عهد جدید
الف. این واژه یونانی از لحاظ لغوی *مرتد کردن* است. عهد قدیم و جدید هر دو بر تشدید شرارت و تعلیم غلط پیش از آمدن ثانویه مسیح تاکید دارند (متی ۲۴: ۲۴؛ مرقس ۱۳: ۲۲؛ اعمال ۲۰: ۲۹، ۳۰؛ ۲ تسالونیکیان ۲: ۳، -۹ ۱۲؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۴). این کلمه یونانی احتمال دارد گفتههای عیسی در مثل خاکها در لوقا ۸: ۱۳ را منعکس کند. معلمین دروغین احتمالا مسیحی نیستند، ولی از میان آنها آمدهاند (اعمال ۲۰: ۳۰-۲۹؛ ۱ یوحنا ۲: ۱۹)؛ با اینحال آنها قادرند ایمانداران واقعی، اما نابالغ را فریب داده و اسیر کنند (عبرانیان ۳: ۱۲). سوال الهیاتی این است که آیا معلمین دروغین هرگز ایماندار بودند یا خیر؟ جواب دادن به این سوال دشوار است، زیرا در کلیساهای محلی نیز معلمین دروغین وجود داشتند (۱ یوحنا ۲: ۱۹-۱۸). غالبا سنتهای الهیاتی و فرقهای ما بدون اشاره به متن کتابمقدسی خاص به این سوال پاسخ میدهند (بجز روشی که در آن شخص برای اثبات نظرش یک آیه نقل را نقل میکند، بدون آنکه به زمینه متن توجه کند)
ب. ایمان ظاهری
۱. یهودا، یوحنا ۱۷: ۱۲
۲. شمعون جادوگر، اعمال ۸
۳. کسانی که در متی ۷: ۲۳-۲۱ ذکر شدهاند
۴. کسانی که در متی ۱۳: ۲۳-۱، مرقس ۴: ۱۲-۱؛ لوقا ۸: ۱۰-۴ ذکر شدهاند
۵. یهودیان در یوحنا ۸: ۵۹-۳۱
۶. اسکندر و هیمانئوس، ۱ تیموتائوس ۱: ۲۰-۱۹
۷. کسانی که در ۱ تیموتائوس ۶: ۲۱ ذکر شدهاند
۸. هیمانئوس و فیلاتئوس، ۲ تیموتائوس ۲: ۱۸-۱۶
۹. دماس، ۲ تیموتائوس ۴: ۱۰
۱۰. ایمانداران ظاهری در عبرانیان ۳: ۱۶-۱۰
۱۱. معلمین دروغین، ۲ پطرس ۲: ۲۱-۱۹؛ یهودا ۱۹-۱۲
۱۲. ضد مسیح (دجال)، ۱ یوحنا ۲: ۱۹-۱۸
ج. ایمان ثمربخش
۱. متی ۷: ۲۳-۱۳

۲. ۱ قرنتیان ۳: ۱۵-۱۰
۳. ۲ پطرس ۱: ۱۱-۸
ما ندرتا در مورد این متون فکر می‌کنیم زیرا الهیات سازمان‌بندی شده (کالوینیسم، ارمنی‌گرایی، غیره) پاسخ ما را از قبل دیکته می‌کند. لطفا بخاطر پیش کشیدن این موضوع در مورد من پیشداوری نکنید. نگرانی من در مورد روش تفسیر مناسب است. باید اجازه دهیم کتاب‌مقدس با ما سخن بگوید و سعی نکنیم آنرا در الهیات جدید حل کنیم. این اغلب دردناک و شوک‌آور است زیرا بیشتر الهیات ما فرقه‌ای، فرهنگی یا رابطه‌ای (والدین، دوستان، شبان) است، نه کتاب‌مقدسی. برخی از کسانی که در میان قوم خدا هستند معلوم می‌شود از قوم خدا نیستند (رومیان ۹: ۶).

◆ **"ایمان"** این واژه (معمولا با حرف تعریف) در رساله‌های شبانی برای بدنه حقیقت مسیحی مکشوف شده بکار می‌رود (۳: ۹؛ ۴: ۶؛ ۵: ۸؛ ۶: ۱۰، ۱۲، ۲۱؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۱۸؛ ۳: ۸، ۱۰؛ ۴: ۷؛ تیطوس ۱: ۵، ۱۳، ۲: ۲). در اینجا آنقدر که به تعالیم غلطشان اشاره دارد لزوما به نجات آنها اشاره ندارد.

◆ **"پیروی خواهند کرد"** این اسم مفعوم زمان حال معلوم است که تاکید می‌کند بر اینکه عمل دنباله‌دار است. این مرتدان به اعتقاد و باور به تعالیم در مورد ارواح ناپاک ادامه دادند.

۴: ۲

ان آ اس بی	**"از طریق ... دروغگویان ریاکاری است"**
ان ک ج وی	**"با ریاکاری دروغ می‌گویند"**
ان آر اس وی	**"از طریق ریاکاری دروغگویان"**
تی ای وی	**"انتشار یافته از طریق دروغگویان فریبکار"**
ان ج بی	**"فریب‌خورده توسط ریاکاری دروغگویان"**

اینها مدعی هستند که "معلم شریعتند" (۱: ۷). در ۱: ۷-۳؛ ۴: ۳-۲، ۷ و ۶: ۱۰-۳، ۲۱-۲۰ این افراد توصیف می‌شوند.
۱. نظریات اعتقادی عجیب را تعلیم می‌دهند (۱: ۳؛ ۶: ۳)
۲. به اسطوره‌ها و شجره‌نامه‌ها توجه می‌کنند (۱: ۴)
۳. به بحث‌های بی‌ثمر کشیده شده‌اند (۱: ۶)
۴. در مورد چیزهایی که نمی‌فهمند با اعتماد به نفس نظر می‌دهند (۱: ۷؛ ۶: ۴)
۵. دروغگوهای ریاکاری هستند (۴: ۲)
۶. وجدان خاموشی دارند (۴: ۲)
۷. ازدواج را منع می‌کنند (۴: ۳)
۸. دوری از برخی از غذاها را ترویج می‌کنند (۴: ۳)
۹. افسانه‌ها را پیش می‌کشند (۴: ۷)
۱۰. از خود راضی هستند (۶: ۴)
۱۱. علاقه ناسالمی به پرسشهای بحث‌انگیز و مشاجرات در مورد کلام دارند (۶: ۴)
۱۲. مرتب در حال ایجاد تنش هستند (۶: ۵)
۱۳. اطلاعات غلط دارند (۶: ۲۱-۲۰)
۱۴. از ایمان منحرف شده‌اند (۴: ۱؛ ۶: ۲۱)



ان آ اس بی	**"ارواح گمراه‌کننده و تعالیم دیوها"**
ان ک ج وی	**"ارواح فریبنده و تعالیم دیوها "**
ان آر اس وی	**"ارواح گمراه‌کننده و تعالیم دیوها"**
تی ای وی	**"ارواح دروغگو و تعالیم دیوها "**
ان ج بی	**"ارواح گمراه‌کننده و تعالیمی که از شریران می‌آید"**

نظر پولس در مورد این معلمین دروغین خیلی منفی است. او تعالیمشان را به کار شیطان (مبحث ویژه در ۳: ۶، را ببینید و به ۲: ۱۴؛ ۳: ۷-۶ رجوع کنید) و دیوها ربط می‌دهد. از بسیاری جهات نظر پولس در مورد این بدعتها با نظر عهد

عتیق در مورد پرستش کنعانی‌ها برای باروری همسو است. خدا به اسرائیلی‌ها فرمود این افراد را بکلی نابود کنند زیرا ایمان را فاسد می‌کنند. همین هشدار در اینجا نیز یافت می‌شود (۲تسالونیکیان ۲: ۱۰-۹؛ یعقوب ۳: ۱۵؛ یوحنا ۲: ۱۸-۱۹).



ان آ اس بی	**"وجدانشان بی‌حس شده است"**
ان ک ج وی	**"وجدانشان را با داغ آهن بی حس کردند"**
ان آر اس وی	**" وجدانشان با داغ آهن بی حس شده"**
تی ای وی	**"وجدانشان مرده، چنانکه گویی با داغ آهن سوخته"**
ان ج بی	**" گویی وجدانشان با آهن گداخته داغ شده"**

این به یکی از دو چیز اشاره دارد. اول، معلمین دروغین کارشان از توبه گذشته بود (افسسیان ۴: ۱۹؛ تیطوس ۱: ۱۵). واژه انگلیسی به معنای "داغ کردن" از لغت یونانی گرفته شده است. دوم، این واژه اشاره دارد به داغ شیطان که نشان مالکیت اوست (مکاشفه ۱۳: ۱۶، ۱۷؛ ۱۴: ۱۱؛ ۱۶: ۲؛ ۱۹: ۲۰؛ ۲۰: ۴). از آنجایی که این افراد از مشاهده حقیقت امتناع کردند، اکنون دیگر قادر به دیدن آن نیستند (۲ قرنتیان ۴: ۴). این گناهی نابخشودنی در اناجیل است و گناهی که در ۱ یوحنا ۵ منجر به مرگ می‌شود. یادداشت مربوط به وجدان در ۱: ۵ را ببینید.

۴: ۳ "ایشان ازدواج را منع می‌کنند و به پرهیز از خوراکهایی *فرمان می‌دهند*" در اینجا به دو تعلیم ریاضتی معلمین دروغین آورده شده است. اول، منع ازدواج، که با پیشینه یونانی (گنوستیک) یا احتمالا نفوذ اسن یهودی (جامعه طومار دریای مرده) ربط دارد. ازدواج هدیه‌ای از سوی خدا (پیدایش ۲: ۲۴) و اراده خداست (پیدایش ۱: ۲۸؛ ۹: ۱، ۷). ازدواج روندی طبیعی است، تجرد دعوت خاص و عطاست (متی ۱۹: ۱۲-۱۱؛ ۱ قرنتیان ۷).
دوم، اجتناب از خوراکیها، ظاهرا به زمینه یهودی مربوط است (لاویان ۱۱). از لحاظ الهیاتی در پیدایش ۱: ۳۱-۲۸ به هر دو موضوع پرداخته شده است. در میان افراد مذهبی همیشه به بی اعتنایی به دنیای مادی، تجرد به عنوان شرایطی روحانی‌تر و اجتناب از غذا و نوشیدنی و ریاضت به عنوان وضعیت روحانی برتر گرایش وجود داشته است (متی ۱۵: ۱۱؛ مرقس ۷: ۱۷-۲۳؛ رومیان ۱۴: ۱۵-۱: ۱۳؛ ۱ قرنتیان ۸: ۸؛ ۱۰: ۳۳-۲۳؛ کولسیان ۲: ۲۳-۸). فهرست ویژگیهای رهبران در باب ۳ احتمالا با این معلمین دروغین مرتبط است. توجه داشته باشید که ازدواج و شراب هردو مجاز هستند (۳: ۲، ۱۲؛ ۵: ۹ و ۳: ۳، ۸؛ ۵: ۲۳).

◆**"حقیقت"** مبحث ویژه در ۲: ۴ را ببینید.

۴: ۴ "زیرا هرآنچه خدا آفریده است، نیکوست و هیچ چیز را نباید رد کرد" برای مطالعه در مورد حقیقت عظیم نیکویی آنچه خدا آفریده به پیدایش ۱: ۳۱؛ رومیان ۱۴: ۱۴، ۲۰؛ ۱ قرنتیان ۶: ۱۲؛ ۱۰: ۲۶؛ تیطوس ۱: ۱۵ مراجعه کنید. با این همه ما باید اینرا با این حقیقت موازنه کنیم که گرچه ممکن است همه چیز برای کسانی که می‌دانند مبداشان خداست نیکو و پاک باشد، اما همه آنها کلیسا را تذهیب نمی‌کنند (۱ قرنتیان ۶: ۱۲ و ۱۰: ۲۳). بنابراین، ما به عنوان مسیحیان بخاطر دیگران و به احترام مسیح آزادی خود را محدود می‌کنیم (رومیان ۱۴: ۱۵-۱؛ ۱ قرنتیان ۱۰-۸). کلمه "رد کردن" از لحاظ لغوی به معنای "دور انداختن" است. موفات آنرا "ممنوع" ترجمه می‌کند. به سنتهای فرهنگی و فرقه‌ای توجه کنید (اشعیاء ۲۹: ۱۳؛ کولسیان ۲: ۸-۲۳).

۴: ۵ کلام بیان شده خدا باعث خلقت شد (پیدایش ۱: ۳، ۶، ۷، ۱۴، ۲۰، ۲۴) و نیکویی اولیه همه چیز را تایید می‌کند (پیدایش ۱: ۳۱). ایمانداران خدا را برای خلقت و تمهیدش (رومیان ۱۴: ۶؛ ۱ قرنتیان ۱۰: ۳۰۳۱) شکر می‌کنند (آین ۴ب).

◆ **"دعا"** این واژه (*انتیوکسس*) در عهد جدید تنها دوبار بکار رفته است، و هر دو در ۱ تیموتائوس هستند (۲: ۱ و ۴: ۵). این دلالت دارد بر ملاقات یک نفر به منظور بازدید از او. اغلب "شفاعت" ترجمه شده (۲: ۱)؛ اما در اینجا "شکرگذاری" مناسبتر به نظر می‌رسد. به یاد داشته باشید که این زمینه متن است و نه فرهنگ لغت، که معنای کلمات را تعیین می‌کند!

متن ان آ بی اس (بروز شده): ۴: ۶-۱۰

[6] اگر این امور را به برادران گوشزد کنی، خادم نیکوی مسیح عیسی خواهی بود، پیوسته پرورش یافته در کلام ایمان و تعلیمی نیکو که پیروی آن کرده‌ای. [7] تو را با افسانه‌های کفرآمیز و حکایتهای پیرزنان کاری نباشد، بلکه خود را در دینداری تربیت کن. [8] زیرا گرچه تربیت بدن را اندک فایده‌ای است، امّا دینداری برای همه چیز فایده دارد، و هم زندگی حال را وعده می‌دهد، هم حیات آینده را.
[9] این سخنی است درخور اعتماد و پذیرش کامل [10] که ما امید خویش را بر خدای زنده نهاده‌ایم که نجات‌دهنده جمله آدمیان، بخصوص مؤمنان است؛ و برای همین نیز زحمت می‌کشیم و جدّ و جهد می‌کنیم.

۴: ۶ "اگر این امور را به برادران گوشزد کنی" *هوپُتیتمی*، دوم شخص است و به معنای "پیشنهاد". دقت کنید که پولس برای تشویق تیموتائوس را به اصلاح اعضاء کلیسا چه ملایمتی را بکار می‌برد (باب ۵). در مقایسه به آیه ۱۱ توجه کنید که در آن اکیدا دستور می‌دهد به مشکلات مربوط به آن کلیسا رسیدگی شود. هر دوی اینها در جای خود مناسب هستند.

◆**"*پیوسته* پرورش یافته در کلامِ ایمان و تعلیمی نیکو"** این اسم مفعول مجهول زمان حال است (گرچه از لحاظ فرمی دوم شخص است، که ایمانداران را تشویق می‌کند خود حقیقت ایمان را مطالعه کنند). خادمان از طریق باورهای حقیقی مسیحیت تغذیه می‌شوند (از نظر من این دو عبارت توصیفی مترادف هستند). در ۲ تیموتائوس ۳: ۱۷-۱۵ اهداف کتاب‌مقدس بوضوح بیان می‌شود، درست مانند مسئولیت ایمانداران در ۲ تیموتائوس ۲: ۱۵، بخصوص با توجه به تعالیم غلط (۲ تیموتائوس ۲: ۱۴-۱۸).

◆**"که پیروی آن کرده‌ای"** این فعل اخباری معلوم کامل است. تیموتائوس سابقه وفاداری مشخصی دارد. معنی این واژه ممکن است (۱) پیروی کردن (۲ تیموتائوس ۳: ۱۰) یا (۲) دقیقا بررسی شده (لوقا ۱: ۳) باشد.

۴: ۷ "تو را با افسانه‌های کفرآمیز و حکایتهای پیرزنان کاری نباشد" نامه‌های شبانی (فعل امری دوم شخص حاضر) بحثهای نظری با معلمین دروغین خودسر را منع می‌کند (۱ تیموتائوس ۱: ۴؛ ۴: ۷؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۱۸-۱۴، ۲۳؛ تیطوس ۱: ۱۴؛ ۳: ۹). همین فعل (*پاراایتئومای*) در ۱ تیموتائوس ۴: ۷؛ ۵: ۱۱؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۲۳ و تیطوس ۳: ۱۰ بکار رفته است.
واژه "پیرزنان" (*گارچِس*) در عهد جدید تنها اینجا استفاده شده است. هارولد ک مولتون، *لغت‌نامه یونانی تحلیلی بازنگری شده*، ص ۸۲، بطور ضمنی می‌گوید معنای آن "بی‌معنی" و "مزخرف" است.
از آنجایی که من با گوردون فی هم‌عقیده هستم که معلمین دروغین این زنان را به بازی گرفته و آنها را بکار بردند تا نظرات خود را در کلیساهای خانگی بیان کنند، پس سوال اینجا است که

۱. آیا این پیرزنان معلمین دروغین بودند (۵: ۶)؟
۲. آیا راهی است برای تاکید بر مشکلات زنان؟
۳. آیا این تنها اصطلاح فرهنگی پدران کلیسا بود؟

◆**"خود را در دینداری تربیت کن"** این فعل امری معلوم زمان حال است. "تربیت" یا "در حال تعلیم"، استعاره ورزشی است که واژه انگلیسی "ژیمناسیم" از آن گرفته شده است. تعلیم ورزشی مثال خوبی است از تلاش طاقت‌فرسا، متعهدانه و فداکارانه برای ما تا مسیحیان را در قلمرو روحانی آشنا کند که اهمیت فوق‌العاده‌تری دارد(۱ قرنتیان ۹: ۲۷-۲۴؛ ۲تیموتائوس ۲: ۵؛ ۴: ۷؛ عبرانیان ۱۲: ۳-۱).

◆**"دینداری"** این واژه‌ای اساسی در رسالات شبانی است که به کاربردهای روزانه و اعتقادی انجیل در سبک زندگی اشاره دارد (۳: ۱۶). در واقع این کلمه چیزی را توصیف می‌کند که مورد انتظار است نه استثناء. این لغت ترکیبی است از "خوب" (*یو*) و "پرستش" (*سِبومای*). پرستش واقعی زیستن روزانه همراه با تفکر مناسب است(۴: ۱۶). به تعداد دفعاتی که این واژه در رسالات شبانی بکار رفته دقت کنید:

۱. اسم (*یوسِبیا*)، ۱ تیموتائوس ۲: ۲؛ ۳: ۱۶؛ ۴: ۷، ۸؛ ۶: ۳، ۵، ۶، ۱۱؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۵؛ تیطوس ۱: ۱
۲. قید (*یوسِبس*)، ۲ تیموتائوس، تیطوس ۲: ۱۲
۳. فعل (*یوسِبچ*)، ۱ تیموتائوس ۵: ۴
۴. واژه مربوطه تئوسِ*بیا*، ۱ تیموتائوس ۲: ۱۰
۵. واژه منفی شده (یعنی، آسِبیا)، ۲ تیموتائوس ۲: ۱۶؛ تیطوس ۲: ۱۲

۴: ۸ بدن جسمانی بخشی از سهم حیات ماست، اما اولویت نیست. اولویت با دینداری است.

۴: ۹ "این سخنی است درخور اعتماد" این عبارت ممکن است به آیه ۸ یا ۱۰ ربط داشته باشد. پولس اغلب این عبارت را برای برجسته کردن سخنان مهم در رسالات شبانی بکار می‌برد (۱: ۱۵؛ ۳: ۱؛ ۴: ۹؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۱۱؛ تیطوس ۳: ۸)، درست همانطوریکه عیسی "آمین، آمین" می‌گوید یا پولس در نوشته‌های قدیمی‌ترش می‌گوید "ای برادران نمی‌خواهم بی‌خبر باشید".

۴: ۱۰ "زحمت می‌کشیم و جدّ و جهد می‌کنیم" اینها هر دو استعاره‌های ورزشی هستند. دومی، که ریشه کلمه انگلیسی "اگونی" یا "اگونایز" است در فیلیپیان ۲: ۱۶؛ ۱ تیموتائوس ۶: ۱۲؛ و ۲ تیموتائوس ۴: ۷ نیز بکار رفته است. در دست‌نوشته‌های یونانی تفاوتهایی در این عبارت هست: (۱) MSS !c, D, L, P, O241، و ترجمه‌های ولگیت، پشیتا، و قِبطی عبارت "رنج از سرزنش" است (ان ک ج و ی)، در حالیکه (۲) A, C, F, G, K, !* و ۰۷۵ کلمه "جهد" را دارند (ان آ اس بی، ان آر اس وی، تی ای وی، ان ج بی، ان آی وی). یو بی اس به "جهد" رتبه اعتباری C می‌دهد، به این معنا که کمیته تصمیم‌گیری در مورد نسخه‌های مختلف را دشوار یافتند.



ان آ اس بی	**"که ما امید خویش را بر ... نهاده‌ایم"**
ان ک ج و ی	**"که توکل داریم بر "**
ان آر اس و ی	**"زیر که ما امید خویش را بر ... بسته‌ایم"**
تی ای و ی	**"زیرا ما امید خویش را بر ... قرار داده‌ایم"**
ان ج بی	**"است که توکل خود را بر ... قرار دادیم"**

این فرم اخباری معلوم کامل است. ایمانداران به وجود ثابت، اطمینان‌بخش و تغییرناپذیر خدا به عنوان تنها امیدشان توکل دارند (مزمور ۱۰۲: ۲۷-۲۶؛ ملاکی ۳: ۶؛ عبرانیان ۱: ۱۲-۱۱؛ ۱۳: ۸؛ یعقوب ۱: ۱۷). قطعیت نجات ما بر پایه ماهیت یهوه بنا شده است (رومیان ۶: ۱۷؛ رومیان ۱۵: ۱۲؛ ۲ قرنتیان ۱: ۱۰).

 **"بر خدای زنده"** برداشت من این است که این واژه یونانی نام خدای بانی عهد در عهد عتیق را منعکس می‌کنند. در واقع این کلمه ریشه معنایی واژه "یهوه" است، که فرم سببی کلمه عبری "بودن" است (خروج ۳: ۱۴). یهوه تنها خدای زنده و همیشگی است.

**"که نجات‌دهنده جمله آدمیان، بخصوص مؤمنان است"** این عنوان بارها در رسالات شبانی بکار رفته است (۱: ۱؛ ۲: ۳؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۱۰؛ تیطوس ۱: ۴-۳؛ ۲: ۱۳-۱۰؛ ۳: ۴، ۶). در بابهای قبلی ۱ تیموتائوس این عبارت برای خدا به عنوان نجات‌بخش بالقوه کل نسل بشر استفاده شده است (۲: ۴، ۶؛ لوقا ۲: ۱۱؛ یوحنا ۱: ۲۹؛ ۴: ۴۲؛ رومیان ۵: ۱۹-۱۸؛ ۱ پطرس ۳: ۹). احتمالا به دلیل عبارت کوتاه "بخصوص مومنان" (که از لحاظ الهیاتی انتظار می‌رود "تنها" باشد) این عنوان ممکن است مانند الوهیم در عهد عتیق بکار رود، به معنای "محافظ"، "فراهم کننده" تمام حیات روی زمین (متی ۵: ۴۵؛ اعمال ۱۷: ۲۸).

متن ان آ بی اس (بروز شده): ۴: ۱۱-۱۶
[11] این چیزها را حکم فرما و تعلیم ده. [12] مگذار هیچ‌کس تو را به‌سبب جوانی حقیر شمارد، بلکه در گفتار و کردار و محبت و ایمان و پاکی، همه مؤمنان را سرمشق باش. [13] تا آمدنم، به قرائت کلام خدا و اندرز و تعلیم مشغول باش. [14] به آن عطای روحانی که در توست بی‌اعتنایی مکن، عطایی که به‌واسطهٔ نبوّت یافتی، آنگاه که هیئت مشایخ بر تو دست گذاشتند. [15] در این امور بکوش و خود را به‌تمامی وقف آن کن تا پیشرفت تو بر همه آشکار شود. [16] بدقّت، مراقب شیوه زندگی و تعلیم خود باش. در آنها پایداری کن، که اگر چنین کنی خویشتن و شنوندگانت را نجات خواهی داد.

۴: ۱۱ "حکم فرما" این فرم امری معلوم حال واژه‌ای به معنای "فرمانهای نظامی اکید" است (۱: ۳، ۱۸).

**"این چیزها را ... تعلیم ده"** این نمونه دیگری است از فرم امری معلوم زمان حال. پولس تیموتائوس را تشویق می‌کند که کنترل را در دست گیرد. این معلمین دروغین و اقمارشان (احتمالا زنان بیوه جوان، ۲ تیموتائوس ۳: ۷-۶) در کلیسا باعث آشفتگی شده بودند.

۴: ۲ "مگذار هیچ‌کس تو را به‌سبب جوانی حقیر شمارد" این فرم امری معلوم زمان حال است همراه با حرف نفی که معمولا معنایش متوقف کردن عملی است که قبلا شروع شده است. واژه "جوان" در فرهنگ رومی و یونانی به مردی اشاره دارد که سنش کمتر از ۴۰ سال است. احتمالا معلمین دروغین از سن تیموتائوس ایراد می‌گرفتند تا از این طریق از تعالیم او ایراد بگیرند و آنها را بی ارزش جلوه دهند (۱ قرنتیان ۱۶: ۱۱). تیموتائوس نماینده رسالتی پولس بود. پولس در تیطوس ۲: ۱۵ تیطوس را تقریبا به همین روش تشویق می‌کنند.

**"بلکه در گفتار و کردار و محبت و ایمان و پاکی"** تیموتائوس لازم بود با استفاده از روش زندگیش نشان دهد (امری دوم شخص زمان حال) برای رهبری مجهز است (آیات ۶ و ۷). ضرورت داشت روش زندگیش دقیقا متضاد با روش زندگی معلمین دروغین باشد. در دست‌نوشته‌های یونانی این عبارت تفاوت وجود دارد. در تکستوس رسپتوس بعد از "در محبت"، "در روح" را اضافه می‌کند. این در دست‌نوشته‌های یونیکال K, L و P و نیز دست‌نوشته‌های جدیدتر دیده می‌شود. با اینحال،

این در ,A, C, D, F, G ,! و والگیت، سیریان و ترجمه‌های قبطی وجود ندارد، که نشان می‌دهد این کلمه توسط کاتبان بعدها اضافه شد.

۴: ۱۳ "تا آمدنم" (۳: ۱۴)

◆**"مشغول باش"** این نمانه دیگری از فعل امری معلوم زمان حال است. پولس به تیموتائوس به عنوان رهبر رسمی در پرستش جمعی سه وظیفه عمومی را گوشزد می‌کند: (۱) قرائت عمومی کتاب‌مقدس؛ (۲) موعظه؛ و (۳) تعلیم. کلیساهای اولیه فرم ابتدایی پرستش را از کنیسه آموختند (اعمال ۱۳: ۱۵؛ ۱۵: ۲۱).

۴: ۱۴ "بی‌اعتنایی مکن" این فعل امری زمان حال است همراه با حرف تعریف منفی که معمولا معنایش توقف عملی در حال انجام است. آیا این آیه اشاره ضمنی دارد به اینکه تیموتائوس به عطای خود بی‌اعتنا بود یا اینکه نباید نسبت به عطایش بی‌توجه باشد؟ من فکر می‌کنم دومی درست است.

◆**"عطای روحانی که در توست"** به هر ایمانداری هنگام ایمان آوردنش عطای روحانی داده می‌شود (۱ قرنتیان ۱۲: ۷، ۱۱، ۱۸). در این مورد خاص، رهبران کلیسای محلی لیستره عطای تیموتائوس را تشخیص دادند (اعمال ۱۶: ۲) و در برنامه تعهدسپاری خاص تایید کردند (۱: ۱۸). عطای روحانی را خدای تثلیث به ایمانداران می‌بخشد (۱ قرنتیان ۱۲: ۶-۴) تا برای پیشبرد بدن مسیح بکار رود (۱ قرنتیان ۱۲: ۷، ۱۱). زمان دقیق عطای آن بوضوح ذکر نمی‌شود، تعداد دقیق عطایا روشن نیست، و مکانیزم دقیق مکشوف نمی‌شود. آنچه روشن است این است که به همه ایمانداران برای خدمت عطا داده می‌شود (افسسیان ۴: ۱۲).

◆**"بر تو دست گذاشتند"** ظاهرا این فرآیند وقف در کلیسای عهد جدید است (اعمال ۶: ۶؛ ۱۳: ۳؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۶)، که از عهد عتیق گرفته شده بود (اعداد ۸: ۱۰؛ تثنیه ۳۴: ۹).

مبحث ویژه: دستگذاری

این نشانه مسئولیت‌پذیری شخصی بطرق مختلف در کتاب‌مقدس بکار رفته است.

۱. انتقال رهبری در خانواده (پیدایش ۴۸: ۱۸)
۲. ارتباط با مرگ یک قربانی به عنوان جایگزین
   الف. کاهنان (خروج ۲۹: ۱۰، ۱۵، ۱۹؛ لاویان ۱۶: ۲۱؛ اعداد ۸: ۱۲)
   الف. افراد عادی (لاویان ۱: ۴؛ ۳: ۲، ۸؛ ۴: ۴، ۵، ۲۴؛ ۲ قرنتیان ۲۹: ۲۳)
۳. جدا کردن شخص برای خدمت خدا در کاری خاص یا خدمتی (اعداد ۸: ۱۰؛ ۲۷: ۱۸، ۲۳؛ تثنیه ۳۴: ۹؛ اعمال ۶: ۶؛ ۱۳: ۳؛ ۱ تیموتائوس ۴: ۱۴؛ ۵: ۲۲؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۶)
۴. مشارکت در سنگسار یک گناهکار (لاویان ۲۴: ۱۴)
۵. دریافت برکتی جهت سلامتی، شادی، و دینداری (متی ۱۹: ۱۳، ۱۵؛ مرقس ۱۰: ۱۶)
۶. ارتباط با شفای جسمانی (متی ۹: ۱۸؛ مرقس ۵: ۲۳؛ ۶: ۵؛ ۷:۳۲؛ ۸: ۲۳؛ ۱۶: ۱۸؛ لوقا ۴: ۴۰؛ ۱۳: ۱۳؛ اعمال ۹: ۱۷؛ ۲۸: ۸)
۷. دریافت روح‌القدس (اعمال ۸: ۱۹-۱۷؛ ۹: ۱۷؛ ۱۹: ۶)

در مورد بخشهایی که بطور تاریخی برای حمایت از انتصاب کلیسایی رهبران (دستگذاری) مورد استفاده قرار گرفته‌اند ناهمگونی خیره‌کننده‌ای وجود دارد.

۱. در اعمال ۶: ۶ رسولان هفت خادم محلی را دستگذاری می‌کنند.
۲. در اعمال ۱۳: ۳ انبیاء و معلمین برای خدمت بشارتی بر برناباس و پولس دست می‌گذارند.
۳. در ۱ تیموتائوس ۴: ۱۴ رهبران محلی که در دعوت اولیه و انتساب تیموتائوس دخیل بودند اینکار را می‌کنند.
۴. در ۲ تیموتائوس ۶: ۱ پولس تیموتائوس را دستگذاری می‌کند.

این گوناگونی و ابهام نشانگر عدم سازماندهی در کلیسای قرن اول است. کلیسای اولیه پویاتر بود و مرتبا عطایای روحانی ایمانداران را بکار می‌گرفت (۱ قرنتیان ۱۴). عهد جدید نوشته نشده تا الگوی مدیریتی یا روش دستگذاری را اشاعه یا مشخص کند.

◆**"عطایی که به‌واسطهٔ نبوّت یافتی"** آیا این بدین معناست که عطای روحانی تیموتائوس زمانی به او داده شد (۱) که برای خدمت جدا شد (۱: ۱۴) یا (۲) انبیاء بر او دست گذاشتند (۲ تیموتائوس ۱: ۶)؛ یا (۳) پیامبران صاحب عطا بودن او را تایید و رهبران وی را وقت خدمت کردند (۱: ۱۸)؟ من شماره ۳ را ترجیح می‌دهم.



ان آ اس بی، ان ک ج و ی	**"شیخان کلیسا"**
ان آر اس و ی	**" توسط هیئت مشایخ"**
تی ای و ی	**"مشایخ"**
ان ج بی	**"مجموعه مشایخ"**

ناچارم بپذیرم که تا حدی استیصال وارد این متن می‌کنم. من دارای تعصبی الیهاتی بر علیه انشعاب "روحانی/غیرروحانی" هستم که در مسیحیت گسترش یافته است. باور من این است که همه ایمانداران برای بلوغ و خدمت خوانده شده‌اند و دارای عطا هستند (۱ قرنتیان ۱۲؛ افسسیان ۴: ۱۲-۱۱). همه ایمانداران مقدس و مبشر هستند**!**

مفهوم اصلاح‌طلبانه "کهانت ایماندار" که ابتدا توسط مارتین لوتر بیان شد از یک نکته کتاب‌مقدسی غافل می‌شود- همه ایمانداران باید مانند کاهن عمل کنند (خروج ۱۹: ۶-۵؛ اعداد ۱۶: ۳). از لحاظ کتاب‌مقدس این باید "کهانت ایمانداران" باشد**!**

حال که این گفته شد متوجه می‌شوم خدا ایمانداران را فرامی‌خواند تا ایمانداران را رهبری کنند. جای بحث نیست که برخی برای هدایت، راهنمایی، تشویق، بلند کردن و سازماندهی قوم خدا فراخوانده و تجهیز شده‌اند. بااینحال، این رهبران ایمانداران خاص، یا ایماندران ممتاز نیستند، بلکه رهبران خادمند (متی ۱۸: ۴-۱؛ ۲۰: ۲۸-۲۰؛ ۲۳: ۱۱). دستگذاری امروزی گرایش دارد به اینکه برخی حقایق کتاب‌مقدس را کم‌بها جلوه دهد:

۱. همه ایمانداران مبشران خادمند
۲. همه ایمانداران دارای عطا جهت خدمت هستند

دستگذاری از تایید غیر رسمی عطا و تعهد سپردن همراه با دعا برای کار خدمتی خاص تبدیل شد به نخبه‌گرایی پرجزئیات و پر طمطراق. این مفهوم باید عوض شود؛ این الگو باید مجددا ارزشگذاری گردد، این تغییر غیر کتاب‌مقدسی باید مورد چالش قرار گیرد. مسیحیت امروزی سنت و نخبی‌گرایی زیادی را تنها بر مبنای پایه‌های کتاب‌مقدسی ناچیز بنا کرده است. پس اعتبار اینها از کجا می‌آید، از بخشهای روشن عهد جدید یا از سنتهای فرقه‌ای؟

۴: ۱۵

ان آ اس بی	**"در این امور بکوش"**
ان ک ج و ی	**"در این امور دقت کن"**
ان آر اس و ی	**"این امور را اجرا کن"**
تی ای و ی	**"به این امور عمل کن"**
ان ج بی	**"بگذار توجهت معطوف این باشد"**

این نیز فعل امری معلوم زمان حال است. در ترجمه یونانی متون عبری (متن هفتادگان) این واژه برای تعمق بکار رفته است (اشعیاء ۱۳: ۱۸؛ اعمال ۴: ۲۵). در عهد جدید ظاهرا مفهوم فعالیت شدید را دارد.



ان آ اس بی	**"خود را به‌تمامی وقف آن کن"**
ان ک ج و ی	**"خود را در آن غرق کن"**
ان آر اس و ی، تی ای و ی	**"خود را وقف آن کن"**
ان ج بی	**"مشغله تو باشد"**

این نمونه دیگری از فعل امری زمان حال است، به معنای "خود را وقف این تعالیم کن". بگذار اولویت اول زندگیت باشند. لازم است حقیقت خدا چنان واضح و روشن در زندگی ما عجین شود که دیگران آشکارا مسیح را در ما ببینند**!**

◆**"تا پیشرفت تو بر همه آشکار شود"** بیاد داشته باشید که تیموتائوس قرار بود در حضور ایمانداران و غیرایمانداران زندگی کند تا آنها بهانه‌ای برای انتقاد از انجیل و خدمت او نداشته باشند (۳: ۲، ۷، ۱۰؛ ۵: ۷، ۸، ۱۴؛ ۶: ۱۴). متضاد دقیق این پیشرفت در دینداری در معلمین دروغین دیده می‌شود (۲ تیموتائوس ۲: ۱۶ و ۳: ۹).

۴: ۱۶ "بدقّت، مراقب شیوه زندگی و تعلیم خود باش" این نمونه دیگری از فعل امری معلوم زمان حال است. تیموتائوس لازم بود به رشد و تغذیه روحانی خود زمان بدهد. این برای شبانان زمان ما کلام مفیدی است (آیات ۶، ۷، ۱۲).

◆ **"در آنها پایداری کن"** این نیز فرم امری معلوم زمان حال است. تیموتائوس می‌بایست نمونه‌ای از پایداری باشد زیرا معلمین دروغین و پیروانشان ظاهرا مداومت نشان ندادند. نجات تنها به اعتراف اولیه و دینداری ربط ندارد، بلکه به مداومت در این

امور هم مربوط است. پایداری نشانه نجات راستین است! در مسیحیت واقعی مبتنی بر کتاب‌مقدس، شیوه زیستن شخص و شیوه اتمام کار شخص همگی اهمیت حیاتی دارند!

مبحث ویژه: ضرورت پایداری

نظریات مسیحی مربوط به زندگی مسیحی را دشوار می‌توان توضیح داد زیرا در چارچوب زوجهای منطقی شرقی ارائه شده‌اند. این زوجها به نظر متناقض می‌آیند، بااینحال هردو کتاب‌مقدسی هستند. مسیحیت غربی گرایش دارد به اینکه یک حقیقت را انتخاب و دیگری را نادیده گرفته و یا وارونه جلوه دهد. بگذارید توضیح دهم.

۱. آیا نجات تصمیم اولیه برای ایمان به مسیح است یا تعهد برای شاگرد ماندن در همه عمر؟
۲. آیا نجات گزینش از طریق فیض خدای حاکم است یا اعتقاد انسان و تصمیم همراه با توبه برای پذیرش هدیه الهی؟
۳. آیا وقتی نجات دریافت شد، از دست دادنش غیرممکن می‌شود، یا شخص باید پیوسته هشیار باشد؟

بحث مداومت در تمام طول تاریخ ایجاد منازعه کرده است. ظاهرا مشکل با بخشهای متناقض در عهد جدید شروع می‌شود.

۱. متون اطمینان‌بخش
الف. بیانات عیسی (یوحنا ۶: ۳۷؛ ۱۰: ۲۹-۲۸)
ب. بیانات پولس (رومیان ۸: ۳۹-۳۵؛ افسسیان ۱: ۱۳؛ ۲: ۵، ۹-۸؛ فیلیپیان ۱: ۶؛ ۲: ۱۳؛ ۲ تسالونیکیان ۳: ۳؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۱۲؛ ۴: ۱۸)
ج. بیانات پطرس (۱ پطرس ۱: ۵-۴)

۲. متون در مورد لزوم پایداری
الف. بیانات عیسی (متی ۱۰: ۲۲؛ ۱۳: ۹-۱، ۳۰-۲۴؛ ۲۴: ۱۳؛ مرقس ۱۳: ۱۳؛ یوحنا ۸: ۳۱؛ ۱۵: ۱۰-۴؛ مکاشفه ۲: ۷، ۱۷، ۲۰؛ ۳: ۵، ۱۲، ۲۱)
ب. بیانات پولس (رومیان ۱۱: ۲۲؛ ۱ قرنتیان ۱۵: ۲؛ ۲ قرنتیان ۱۳: ۵؛ غلاطیان ۱: ۶؛ ۳: ۴؛ ۵: ۴؛ ۶: ۹؛ فیلیپیان ۲: ۱۲؛ ۳: ۲۰-۱۸؛ کولسیان ۱: ۲۳)
ج. بیانات نویسنده عبرانیان (۲: ۱؛ ۳: ۶، ۱۴؛ ۴: ۱۴؛ ۶: ۱۱)
ج. بیانات یوحنا (۱ یوحنا ۲: ۶؛ ۲ یوحنا ۹)
ج. بیانات پدر (مکاشفه ۲۱: ۷)

نجات در کتاب‌مقدس از محبت، رحمت و فیض خدای حاکم تثلیث نشات می‌گیرد. بدون ابتکار عمل روح هیچ انسانی نمی‌تواند نجات پیدا کند (یوحنا ۶: ۴۴، ۶۵). الوهیت اول وارد صحنه می‌شود و زمینه را فراهم می‌کند، اما لازمه آن این است که انسان هم در همان ابتدا و هم بعد از آن در ایمان بپذیرد و توبه کند. خدا با انسان در رابطه مبتنی بر عهد کار می‌کند. امتیازات و مسئولیتهایی وجود دارد! نجات نوعی فرآیند، عهد، و رابطه شخصی پویا است.

نجات در اختیار همه انسانها قرار گرفته است. مرگ مسیح مشکل گناه خلقت سقوط کرده را حل کرد. خداوند راهی فراهم کرد و می‌خواهد همه آنها که بصورت او آفریده شدند محبتش و تمهیدش را در مسیح بپذیرند و در آن بمانند.

اگر مایلید در این مورد از منظر غیرکالوینیستی بیشتر بدانید به منابع زیر مراجعه کنید:

۱. دَیل وودی، *کلام حقیقت*، اردمنز، ۱۹۸۱ (صفحات ۳۶۵-۳۴۸)
۲. هوارد مارشال، *محفوظ به قدرت خدا، مشارکت* بیتانی، ۱۹۶۹
۳. رابرت شانک، *زندگی در پسر*، وستکات، ۱۹۶۱

کتاب‌مقدس به دو مشکل مختلف در این زمینه می‌پردازد: (۱) خاطرجمعی به عنوان مجوزی برای زندگی بی‌ثمر و خودخواهانه (۲) تشویق کسانی که با خدمت و گناه شخصی دست و پنجه نرم می‌کنند. مشکل این است که گروه‌های غلط پیام غلطی را گرفته و بر مبنای بخش محدودی از کتاب‌مقدس سیستم الهیاتی بنا می‌کنند. برخی مسیحیان شدیدا محتاج پیام اطمینان‌بخش هستند، در حالیکه برخی دیگر نیاز به هشدارهای جدی دارند. شما جزوء کدام گروه هستید؟

◆**"که اگر چنین کنی خویشتن و شنوندگانت را نجات خواهی داد"** این ممکن است به آیه ۱۰ یا مبحث معلمین دروغین ربط داشته باشد (۲: ۱۵). پولس همیشه نگران این بود که خود را هشیار نگهدارد تا مبادا صلاحیتش را از دست دهد (۱ قرنتیان ۹: ۲۷).

عهد جدید از زمانهای فعلی متعددی برای توصیف نجات استفاده می‌کند: (۱) گذشته کامل (عمل کامل شده)، اعمال ۱۵: ۱۱؛ رومیان ۸: ۲۴؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۹؛ تیطوس ۳: ۵ (رومیان ۱۳: ۱۱ گذشته کامل را با آینده پیوند می‌دهد)؛ (۲) کامل (یعنی حالت موجود بودن)، افسسیان ۲: ۵، ۸: (۳) حال (در عمل در حال اجرا)، ۱ قرنتیان ۱: ۱۸؛ ۱۵: ۲؛ ۲ قرنتیان ۲: ۱۵؛ ۱ پطرس ۳: ۲۱؛ ۴: ۱۸؛ و (۴) آینده (با توجه به زمان فعل یا اشارات متنی)، رومیان ۵: ۹، ۱۰؛ ۱۰: ۹؛ ۱۱: ۲۶؛ ۱۳: ۱۱؛ ۱ قرنتیان ۳: ۱۵؛ ۵: ۵: فیلیپیان ۱: ۲۸؛ ۱ تسالونیکیان ۵: ۹-۸؛ ۱ تیموتائوس ۴: ۱۶؛ عبرانیان ۱: ۱۴؛ ۹: ۲۸؛ ۱ پطرس ۱: ۵. بنابراین، نجات با تصمیم اولیه از روی ایمان آغاز و با فرآیند زندگی مبتنی بر ایمان که روزی به کمال می‌رسد ادامه می‌یابد (۱ یوحنا ۳: ۲).

پرسشهای مربوط به بحث

آنچه در دست دارید تحقیق تفسیری است که نقش راهنمای مطالعه را ایفا می‌کند، به این معنای که شما شخصا مسئولیت تفسیر خود از کتاب‌مقدس را بر عهده دارید. ما همگی باید در نوری که داریم قدم برداریم. شما، کتاب‌مقدس و روح‌القدس مقدم بر تفسیر هستید. چنین نقشی را نباید به مفسر محول کنید.

پرسشهای مربوط به بحث نوشته شده اند تا به شما کنند موضوعات عمده این بخش از کتاب را مرور کنید. قرار است آنها شما را وادار به تفکر کنند، نه اینکه حرف آخر را بزنند.

۱. آیا معلمین دروغین مسیحی هستند؟ آیا هرگز مسیحی بوده‌اند؟
۲. چرا اجتناب کامل از مشروبات الکی و ریاضت برای کلیسا خطرآفرین است؟
۳. معنای آیه ۱۰ چیست؟ آیا همه در آخر نجات می‌یابند؟
۴. تیموتائوس چگونه می‌توانست بر مسئله جوان بودنش غلبه کند؟

اول تیموتائوس ۵

تقسیم‌بندی پاراگرافها در ترجمه‌های جدید

ان جی بی	تی ای وی	ان آر اس وی	ان کی جی وی	یو بی اس[۴]
کار شبانی	مسئولیت نسبت به ایمانداران	شبان و اعضا	طرز برخورد با اعضای کلیسا	وظایف نسبت به دیگران
۵: ۲-۱	۵: ۲-۱	۵: ۲-۱	۵: ۲-۱	۵: ۱-۲
زنان‌بیوه			احترام به بیوه‌زنان واقعی	
۵: ۸-۳ ۵: ۱۶-۹	۵: ۸-۳ ۵: ۹-۱۰ ۵: ۱۱-۱۶	۵: ۸-۳ ۵: ۱۶-۹	۵: ۱۶-۳	۵: ۱۶-۳
افراد مسن			احترام به افراد مسن	
۵: ۱۷-۲۲ ۵: ۲۳ ۵: ۲۵-۲۴	۵: ۱۷-۲۲ ۵: ۲۳ ۵: ۲۵-۲۴	۵: ۱۷-۲۲ ۵: ۲۳ ۵: ۲۴ -۶: ۲	۵: ۱۷-۲۵	۵: ۱۷-۲۳ ۵: ۲۴ -۶: ۲

دایره قرایت سه (از "راهنمای قرایت صحیح کتاب‌مقدس" صفحه ix)

تبعیت از انگیزه نویسنده اولیه در سطح پاراگراف

آنچه در دست دارید تحقیق تفسیری است که نقش راهنمای مطالعه را ایفا می‌کند، به این معنای که شما شخصا مسئولیت تفسیرتان از کتاب‌مقدس را بر عهده دارید. ما همگی باید در نوری که داریم قدم برداریم. شما، کتاب‌مقدس و روح‌القدس مقدم بر تفسیر هستید. چنین نقشی را نباید به مفسر محول کنید.

باب مورد نظر را یکجا بخوانید. موضوعات را شناسایی کنید. تقسیم‌بندی موضوعی خود را با تقسیم‌بندی پنج ترجمه امروزی مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی الهامی نیست، اما کلیدی است برای دنبال کردن انگیزه مولف اولیه، که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. و الی آخر

برداشتهای دقیق‌تر

الف) با توجه به زمینه تاریخی وسیعتر کتاب، این سخنان نصیحت‌آمیز شبانی نیز احتمالا به نوعی با اعمال معلمین دروغین مرتبط هستند

۱. مشکلات با بیوه‌زنان (۵: ۱۶-۳)
۲. مشکلات با افراد مسن (۵: ۲۵-۱۷)
۳. مشکلات با برده‌ها (۶: ۲-۱)
۴. مشکلات معلمین دروغین (۶: ۱۰-۲)
   الف. اصول عقیدتی
   ب. ثروت

ب) سه واژه در این قسمت وجود دارد که به دو معنای مختلف بکار رفته‌اند

۱. شیخ
  الف. مردان مسن (آیه ۱)
  ب. رهبران کلیسای خانگی (آیه ۱۷)

۲. بیوه
  الف. بازمانده مونث یک ازدواج که کلیسا یاریش می‌کرد (آیات ۸-۳)
  ب. گروه خاصی از خادمان زن کلیسا که کلیسا آنها را بکار می‌گرفت (آیات ۱۶-۹)

۳. عزت
  الف. احترام (آیات ۳ و ۱۷)
  ب. حقوق (آیات ۳ و ۱۷)
  ج. هر دو

ج) از جهاتی باب ۵ به باب ۳ ربط دارد. در آیه ۵: ۱۷ "مشایخ" به ناظران در ۳: ۱ اشاره دارد و "فهرست" بیوه‌ها (ثبت نام) به "زنان" در ۳: ۱۱ مربوط است. من فکر می‌کنم متمایز دانستن بیوه‌زنانی که کلیسا کمکشان می‌کرد (آیات ۸-۳) و بیوه زنانی که در کلیسا خدمت می‌کردند تا حدی اشتباه است، و دلیل برای این نظر عبارت است از:

۱. در مورد صلاحیت بیوه‌زنان سختگیری وجود دارد (آیات ۵، ۱۰-۹). آیا این بدان معناست که کلیسا تنها از بیوه زنانی خاص حمایت می‌کرد؟
۲. "ثبت‌نام" در آیه ۹ ظاهرا فهرست خاصی است از بیوه‌زنان.
۳. "فهرست" (آیه ۵:۹) یا تعهد (در واقع "ایمان ابتدایی") در آیه ۱۲ معنای فراتر از تعهد برای خودداری از ازدواج مجدد است. چرا باید ازدواج مجدد ایجاد مشکل کند؟ اینکار بیوه‌زن را از نیاز به حمایت کلیسا خارج می‌کرد، ولی چه پیش می‌آمد اگر این قراردادی بود جهت استخدام در کلیسا؟ در اینصورت کلیسا به افراد نیازمند کمک می‌کرد (یعنی حقوق)، و نیز از خدمت آنها (یعنی برای خدمت به زنان دیگر) بهره می‌برد.
۴. بحث "مشایخ" که در آیه ۱۷ شروع می‌شود، شامل کمک مالی کلیساست.

مطالعه لغت و عبارت

متن ان آ بی اس (بروز شده): ۵: ۱-۲ **[1] مرد سالخورده را توبیخ مکن، بلکه او را همچون پدر خود اندرز ده، و جوانان را همانند برادران خود، [2] و زنان سالخورده را همچون مادران، و زنان جوانتر را همانند خواهران خویش، در کمال پاکی.**

۵: ۱ "توبیخ مکن" این جمله وجه شرطی معلوم خبری است با حرف نفی، به این معنا که عملی را آغاز نکن. این واژه یونانی عجیبی است، که از لحاظ لغوی معنایش "زدن" است (۳:۱۳). مسیحیان باید رفتار متفاوتی داشته باشند، آنها باید همیشه در محبت و در جهت صلح عمل کنند. این نصیحت احتمالا منعکس‌کننده تذکر برای احترام به افراد مسن در لاویان ۱۹: ۳۲ باشد.

◆**"مرد سالخورده"** این از لحاظ لغوی همان واژه "شیخ" است (*پرزبتروس*). در این زمینه متنی این لغت به دو معنا بکار می رود: (۱) برای شخص مسن (آیه ۱) و (۲) برای موقعیت رهبری در کلیساهای خانگی محلی (آیه ۱۷ و ۱ پطرس ۵: ۱، ۵).

مبحث ویژه: سن ۱. مقدمه الف. نقل قولی از ماموریت زندگی مسیحی در "آینده‌ای برای خانواده،" ۱۹۷۳، ص ۱۶، اثر ال دی جانسون، تحت عنوان "افراد مسن عبری-مسیحی".: "نگرش ما نسبت به بالا رفتن سن، که برعکس حرفهای قشنگمان در رفتارمان انعکاس می‌یابد، نشان می‌دهد که ما بیشتر احساسی کتاب‌مقدس را توصیه می‌کنیم تا از روی اطاعت. احتمالا در میان جوامع متمدن هیچ جامعه‌ای به اندازه جامعه ما به افراد مسن بی‌توجهی نمی‌کند. ما جوانان را پرستش می‌کنیم. از جوانان مراقبت می‌کنیم، آنها را تر و خشک می‌کنیم، بیش از حد مراقبشان هستیم، سعی می‌کنیم دلشان را بدست آوریم، به آنها رشک می‌بریم، و وقتی سعی می‌کنیم ادای آنها را درآوریم در واقع خودمان را سبک می‌کنیم. بالاترین ارزش ما جوانی است و پایین‌ترین سن.

با اینحال پوچی چنان سیستم ارزشی سروتهی ناچارا آشکار است. در دنیای غرب از هر شش نفر ما یکی بالای شصت سال دارد، و این نسبت در حال بالا رفتن است."

ب. نحوه برخورد فرهنگها با افراد مسن شدیدا تغییر کرده است.

۱. فرهنگهای شرقی احترام و توجه زیادی به افراد مسنشان نشان میدهند.

۲. در فرهنگ سرخپوستان امریکا افراد مسن را به حال خود رها میکنند تا بمیرند.

ج. کتابمقدس برای کمک به ما در این زمینه خط و مشیهایی را ارائه میدهد.

۲. مطالب کتابمقدس

الف. عهد عتیق

۱. سن برکتی الهی برای گام برداشتن در مسیر عهد است

الف. امثال ۱۶: ۳۱

ب. پیدایش ۱۵: ۱۵

ج. خروج ۲۰: ۱۲؛ تثنیه ۶: ۲؛ ۲۲: ۷-۶؛ ۲۵: ۱۵

د. ایوب ۵: ۲۶-۱۷ (بخصوص آیه ۲۶)

ه. مزمور ۹۱: ۱۶-۱۴

و. مزمور ۹۲: ۱۵-۱ (بخصوص ۱۵-۱۴)

۲. حتی زندگی پربرکت هم مشکلات خودش را دارد

الف. توصیف تصویری کهنسالی در جامعه ۱۲: ۵-۱ یافت میشود

ب. اسحاق دید ضعیفی دارد، پیدایش ۲۷: ۱

ج. ایوب دید ضعیفی دارد، پیدایش ۴۸: ۱۰

د. ایلی دید ضعیفی دارد، ۱ سموئیل ۳: ۲

ه. برزلائی حس شنوایی و چشایی ضعیفی دارد. ۲ سموئیل ۱۹: ۳۵-۳۱

و. داود گردش خون ضعیفی دارد، ۱ پادشاهان ۱: ۱-۴

ز. اهیجاح دید ضعیفی دارد، ۱ پادشاهان ۱: ۱۴

۳. خدا هرگز ما را ترک نمیکند، حتی در زمان پیری

الف. مزمور۳۷: ۲۶-۲۳

ب. مزمور۷۱: ۹، ۱۸

ج. مزمور۷۳: ۲۴

۴. سن، چون علامتی از برکت خداست باید مورد احترام قرار گیرد

الف. لاویان ۱۹: ۳۲

ب. روت ۴: ۱۵

ج. امثال ۲۳: ۲۲

د. بیاحترامی داوری شده و خواهد شد

۱. تثنیه ۲۸: ۵۰

۲.۱ سموئیل ۲: ۳۲-۳۱

۳. اشعیاء ۳: ۵

۴. مراثی ۴: ۱۶؛ ۵: ۱۲

ه. حکمت سلیمان ۲: ۱۰

و. حکمت بن سیراه (جامعه) ۸: ۶

۵. عمر پربرکت حکمت و بصیرت ببار میآورد

الف. ۱ پادشاهان ۱۲: ۸

ب. ایوب ۱۲: ۱۲، ۲۰

ج. ایوب ۱۵: ۱۰

د. جامعه ۲۵: ۶

ه. استثنائاتی وجود دارد

۱. ایوب ۳۲: ۶

۲.جامعه ۴: ۱۳

۳. اشعیاء ۳: ۵

۶. سن بالا چه سنی است؟

الف. لاویان ۲۷: ۸-۱، ۶۰ سالگی

ب. مزمور ۹۰: ۱۰، معمولی-۷۰، کاملا-۸۰

ج. اشعیاء ۶۵: ۲۰، ۱۰۰ سالگی

د. جامعه ۱۸: ۹، ۱۰۰ سالگی

ب. عهد جدید

۱. ۱ول تیموتائوس

الف. نقش بیوه‌زنان ۵: ۳
ب. طرز برخورد با افراد مسن‌تر ۳: ۲-۱
ج. ایمانداران نسبت به خانواده خود مسئولیت دارند ۳: ۸

۳. چند پیشنهاد عملی

الف. به کودکان خود یاد دهید به افراد سالخورده احترام بگذارند (خود شما روزی به این محتاج خواهید شد!)
ب. سرکشی به اعضاء مسن خانواده را به پروژه‌ای خانوادگی تبدیل کنید. در صورت امکان بخصوص در ایام تعطیل به بستگان مسن سر بزنید و اگر امکانش نیست به آنها زنگ زده یا نامه بنویسید.
ج. از همسایه‌ای مسن یا سرای سالمندان بازدید کنید. کلیسای خود را تشویق کنید خانه‌ای را پذیرفته و مرتبا از بیماران دیدن کند.
د. زمانی را به بچه‌هایتان اختصاص دهید تا در کنار پدربزرگ و مادربزرگشان باشند، چه واقعی و چه غیرواقعی.
ه. کلیساهای خود را تشویق کنیم که خدمات بزرگسالان ارشد را توسعه دهد. عضوی را منسوب کنید تا هماهنگی لازم را انجام دهد
و. خود نیز شخصا برای بازنشستگی برنامه‌ریزی و کسب آمادگی کن.

◆**"بلکه او را همچون پدر خود اندرز ده"** این فعل امری معلوم زمان حال است. تاکید پولس بر این است که تیموتائوس با اعضای کلیسای خانگی مانند خانواده خود رفتار کند (مرقس ۳: ۳۵-۳۱). عزت و احترام به "پدر و مادر" احتمالا به ده فرمان برمی‌گردد (آیه ۴).

۵:۲ "زنان جوانتر را همانند خواهران خویش، در کمال پاکی" بدلیل (۱) سن تیموتائوس و (۲) سوءاستفاده جنسی معلمین دروغین (۲) تیموتائوس، پولس مخصوصا پاکی روابط با زنان را بدقت گوشزد می‌کند.

متن ان آ بی اس (بروز شده): ۵: ۳-۸
[3] بیوه‌زنانی را که براستی بی‌کس‌اند، حرمت گذار. [4] امّا اگر بیوه‌زنی فرزندان و نوه‌ها دارد، آنان باید نخست بیاموزند که با نگاهداری از خانواده خویش، دینداری خود را در عمل نشان دهند و این‌گونه دِین خود را به والدین و اجدادشان اَدا کنند، چرا که این خدا را خشنود می‌سازد. [5] امّا آن که براستی بیوه است و بی‌کس، امیدش یکسره بر خداست و شب و روز را به دعا و طلب کمک از خدا می‌گذراند. [6] حال آنکه بیوه‌زنی که زندگی را به لذتجویی می‌گذراند، در حالِ حیات، مرده است. [7] این چیزها را توصیه کن تا از ملامت بِدور باشند. [8] اگر کسی در پی تأمین معاش خویشان و بخصوص خانواده خود نباشد، منکر ایمان است و پست‌تر از بی‌ایمان.

۳:۵ "بیوه‌زنانی را ... حرمت گذار" واژه "حرمت" در آیه ۳ و ۱۷ ممکن است به حقوق یا مواجبی اشاره داشته باشد که کلیسا (۱) به زنان بیوه (آیات ۸-۳)؛ (۲) زنان خادم خاص (آیات ۱۶-۹)؛ و (۳) مشایخ می‌پرداخت (آیات ۲۲-۱۷). به نظر می‌رسد که کلیسا به تبعیت از عهد عتیق و کنیسه (تثنیه ۲۴: ۲۲-۱۷؛ خروج ۲۲: ۲۴-۲۲؛ اشعیاء ۱: ۱۷؛ اعمال ۶: ۱؛ ۹: ۳۹، ۴۱)، از بیوه‌زنان مراقبت می‌کرد. نگرانی پولس این بود که کسانی که کلیسا کمکشان می‌کرد واقعا نیازمند بودند و خانواده‌ای نداشتند که از آنها نگهداری کنند (آیات ۴، ۱۶). معلمین دروغین از بیوه‌زنان نهره‌برداری می‌کردند (آیات ۶، ۱۵). پولس کلیسا را نصیحت می‌کند که به بیوه‌زنان واقعی کمک کند.

۵: ۴ "اگر" این جمله شرطی نوع اول است (مانند آیه ۸). بیوه‌زنانی بودند که خانواده‌هایشان آنها را نادیده می‌گرفتند (آیه ۸، ۱۶).

◆**"چرا که این خدا را خشنود می‌سازد"** این احتمالا به ده فرمان در مورد احترام به پدر و مادر اشاره دارد (خروج ۲۰: ۱۲)، در اینجا مادر بیوه. در عهد عتیق خدا از ضعیفان، افراد محروم از حقوق مدنی و فاقد قدرت دفاع می‌کند. دعوت برای دفاع از "بیوه‌زنان، یتیمان و بیگانگان" در اینجا همانقدر نهادین است که در عبارت تثنیه‌ای بود (در ارمیاء تکرار شده). ایمانداران محبت و احترام خود نسبت به یهوه را از طریق احترام به کلام و اراده‌اش جهت حفظ وابستگی‌ها و مسئولیتهای محکم خانوادگی نشان می‌دهند.

۵: ۵ "امّا آن که براستی بیوه است و بی‌کس" پولس برای زمان خودش در زمینه صلاحیت برای دریافت کمک از کلیسا راهبرد دقیق می‌دهد (اما نه در "فهرست" آیه ۹): (۱) فعل زمان کامل به این معنا که تنهاست و تنها خواهد بود؛ (۲) فعل زمان کامل به این معنا که زنی دیندار است و دیندار خواهد بود؛ (۳) فعل زمان کامل به این معنا که از طریق دعای پیوسته از لذات دنیوی وارسته است و وارسته خواهد بود. آنا (لوقا ۲: ۳۷) و دورکاس (اعمال ۹: ۳۶) (گرچه در مورد او گفته نشده که بیوه است)، چنین صلاحیتی دارند.

۵:۶

ان آ اس بی	**"حال آنکه بیوه‌زنی که زندگی را به لذتجویی می‌گذراند"**
ان ک ج وی	**"اما اگر خوشگذرانی می‌کند"**
ان آر اس وی	**"کسی که زندگیش را به خوشگذرانی سپری می‌گذراند"**
تی ای وی	**"که خود را وقف لذتجویی می‌کند"**
ان ج بی	**"که تنها به فکر لذتجویی است"**

بدلیل موقعیت فرهنگی این ممکن است به (۱) بیوه‌زنانی که برای امرار معاش به فحشا رو می‌آورند یا (۲) توسط معلمین دروغین مورد سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرند (۲ تیموتائوس ۳: ۷-۵) اشاره داشته باشد. این ظاهرا هشداری بسیار جدی است (آیه ۱۵).

◆**"در حالِ حیات، مرده است"** این به حالتی از مرگ روحانی اشاره دارد (فرم اخباری معلوم کامل). آیه بیوه‌زنان در کلیساهای خانگی افسس را توصیف می‌کند! معلمین دروغین نه تنها سبب مرگ خود شده بودند، بلکه از لحاظ روحانی مسئول مرگ دیگران هم بودند.

۵:۶

ان آ اس بی	**"این چیزها را توصیه کن"**
ان ک ج وی	**"بدین چیزها نیز حکم فرما"**
ان آر اس وی	**اینها را حکم فرما"**
تی ای وی	**"به آنها این دستورالعمل‌ها را بده"**
ان ج بی	**"در این زمینه آنها را راهنمایی کن"**

این واژه به "فرمان نظامی اکید" اشاره دارد (۱: ۳، ۱۸، ۴: ۱۱). اینها پیشنهاد نیستند! مواردی برای ترجیحات شخصی هم نیستند.

◆**"تا از ملامت بِدور باشند"** این خواندگی شایسته‌ای برا ایمانداران بوده و هست. هر کس نتواند نیاز بستگانش را تامین کند، بخصوص خانواده درجه اول را، ایمان مسیحی را انکار کرده، و از دیدگاه جامعه از بی‌ایمان بدتر است (آیات ۷ و ۸). این منعکس‌کننده تعالیم مسیح در مرقس ۷: ۱۳-۹ است. ظاهرا بر تاکید مکرر بر بهانه ندادن بدست ایمانداران و غیرایمانداران جهت انتقاد تاکید دارد (۳: ۲، ۷، ۱۰؛ ۵: ۷؛ ۶: ۱۴). مسیحیان باید همیشه طوری زندگی کنند که دیگران را به ایمان به مسیح جذب نمایند. جنبه مثبت این در آیه ۴ دیده می‌شود، در حالیکه اینجا تاکید منفی است. مبحث ویژه: ویژگیهای زنان خادم کلیسا در ۳: ۱۲ را ببینید.

۵: ۸ "اگر" این جمله شرطی نوع اول است به معنای اینکه ایمانداران خانواده خود را نادیده گرفته‌اند (آیات ۴، ۱۶)

◆**"منکر ایمان است و پست‌تر از بی‌ایمان"** به اعتقاد من این به شهادت فرد در جامعه اشاره دارد (آیه ۷؛ ۳: ۵-۴)، نه به نجاتشان. حتی غیرایمانداران هم به خانواده خود کمک می‌کنند. با اینحال، متون دیگری هست که دقیقا از همین کلمه "انکار" استفاده کرده‌اند و منظورشان انکار کامل خداست (۲ تیموتائوس ۲: ۱۲؛ تیطوس ۱: ۱۶؛ ۲ پطرس ۲: ۱؛ یهودا ۴). در زمینه متن ممکن است این تا حدی به رفتارها و تعالیم معلمین دروغین "که از ایمان خارج شدند" (۱: ۲۰-۱۹؛ ۴: ۲-۱؛ ۶: ۱۰-۹، ۲۱-۲۰) یا پیروانشان (آیات ۶، ۱۵) ربط داشته باشد.

متن ان آ بی اس (بروز شده): ۵: ۹-۱۶

[9] فقط کسانی را در شمار بیوه‌زنان نامنویسی کن که بیش از شصت سال داشته و به شوهر خود وفادار بوده باشند. [10] نیز باید به نیکوکاری شهره باشند، یعنی فرزندان خویش را نیکو تربیت کرده، غریب‌نواز بوده، پاهای مقدّسان را شسته، به یاری دردمندان شتافته، و خود را وقف هر نوع کار نیکو کرده باشند.
[11] امّا بیوه‌زنان جوانتر را نامنویسی مکن، چرا که چون امیال شهوانی از مسیح دورشان کند، خواهان ازدواج می‌شوند. [12] بدین‌گونه، چون تعهد نخستین خود را زیر پا می‌گذارند، محکومیت بر خود می‌آورند. [13] افزون بر این، به بی‌کارگی و سرکشیدن از خانه‌ای به خانهٔ دیگر خو می‌کنند؛ و نه‌تنها روزگار به بی‌کارگی می‌گذرانند بلکه سخن‌چین و فضول هم می‌شوند، و سخنان ناشایست بر زبان می‌آورند. [14] پس رأی من بر این است که بیوه‌های جوانتر شوهر کرده، فرزند بیاورند و کدبانو باشند و دشمن را مجال بدگویی ندهند. [15] زیرا هم‌اکنون نیز بعضی در پی شیطان منحرف گشته‌اند.

[16] اگر زنی از مؤمنان، خویشاوندان بیوه داشته باشد، باید که خود یاری‌شان دهد تا باری بر کلیسا نباشند و کلیسا بتواند به بیوه‌زنانی کمک کند که براستی بی‌کس‌اند.

۵: ۹ "فقط کسانی را در شمار بیوه‌زنان نامنویسی کن که بیش از شصت سال داشته" این فعل امری مجهول زمان حال است با حرف اضافه نفی، که به معنای متوقف کردن عمل در حال انجام است. این یکی دیگر از ویژگیهای زنان بیوه‌ای بود که عضو تیم خدمتی بودند. واژه "نامنویسی" کلمه یونانی است برای "ثبت رسمی." فهرست بیوه‌زنان احتمالا مترادف است با مفهوم "شماسان" (۳: ۱۱، رومیان ۱۶: ۱). "اساسنامه رسالتی" کل در اوایل قرن دوم نوشته شد، سه دسته از خادمان زن رس فهرست می‌کند: باکره‌ها، شماسان و بیوه‌زنان.



ان آ اس بی	**"به شوهر خود وفادار بوده باشند"**
ان ک ج وی	**"تنها در صورتی که همسر یک مرد بوده باشد"**
ان آر اس وی	**"و تنها یکبار ازدواج کرده است"**
تی ای وی	**"بعلاوه تنها یکبار باید ازدواج کرده باشد"**
ان ج بی	**"که تنها یک شوهر داشته است"**

در مورد معنی این بخش بحثهای زیادی صورت گرفته است (۳: ۱، ۱۲). اما صرف نظر از اینکه چه معنایی داشته باشد، روشن است که موضوع در کلیساهای خانگی افسس و کریت بود (۳: ۱، ۱۲؛ ۵: ۹؛ تیطوس ۱: ۶). خانوادگی مستحکم و دیندار برای دنیای سردرگم و پریشان شاهد قویی بوده و هستند.
برای بحث کاملتری در این زمینه به ۳: ۲ مراجعه کنید. در آیه ۱۴ بیوه‌زنان جوان تشویق به ازدواج مجدد می‌شوند. این نشان می‌دهد که ازدواج دوم گناه محسوب نمی‌شد (رومیان ۷: ۳-۲؛ ۱ قرنتیان ۷). در کلیساهای تعمیدی (باپتیست) در اروپا "شوهر یک زن" یا "زن یک شوهر" بخصوص برای شبانان به عنوان نفی کتاب‌مقدسی ازدواج دوم تفسیر شده است. با اینحال، این در فرهنگ خاورمیانه مصداق نداشت. این تئوری منعکس کننده ریاضت در حال رشد در کلیسای اولیه بود، نه در عهد جدید. تفکر یونانی تاثیر منفی بر کلیساهای اولیه غیریهودی داشت. ایمان واقعی کتاب‌مقدسی هرگز خود را از دنیا کنار نمی‌کشد، بلکه شاده فعالی است در دنیا.

۵: ۱۰ "باید به نیکوکاری شهره باشند" در بقیه آیه ده پنج کار نیکوی بخصوص فهرست شده‌اند (همگی جمله شرطی نوع اول). مبحث ویژه: ویژگیهای زنان خادم کلیسا در ۳: ۱۲ را ببینید. این اعمال نیکو نقش مورد انتظار زن در جامعه محلی را منعکس می‌کند.

◆**"اگر"** این یکی از سری پنجگانه جملات شرطی نوع اول در آیه ده است، که هرکدام ویژگی‌ای از زنان بیوه جهت استخدام در کلیسا را مشخص می‌کند.

◆**"فرزندان خویش را نیکو تربیت کرده"** این به این معنا نیست که زن بدون فرزند نباید بکار گرفته شود، بلکه منظور این است که اگر بچه دارد، آن بچه‌ها باید دیندار باشند. این تکرار تاکید بر داشتن زندگی خانوادگی مستحکم، دینمدار و همراه با ایمان است (باب ۳).

◆**"غریب‌نواز بوده"** این به معنای راه دادن همه و هر کسی به خانه نیست، بلکه منظور پذیرفتن رهبران مسیحی سیار است.

◆**"پاهای مقدّسان را شسته"** این وظیفه‌ای بود که خادم خانه هنگام آمدن مهمان بر عهده داشت. عیسی خودش اینکار را برای شاگرادنش انجام داد تا فروتنی را به آنها بیاموزد (یوحنا ۱۳). بنظر می‌رسد در اینجا به عنوان استعاره‌ای برای خدمت فروتنانه بکار رفته باشد (و احتمالا مهمان‌نوازی که در یک فرهنگ توقع انجامش می‌رود).

مبحث ویژه: مقدسان
این معادل یونانی کلمه عبری *قَدَس* است، که معنای اولیه آن جدا کردن، کسی، چیزی یا جایی برای استفاده منحصربفرد یهوه است. در واقع معادل مفهوم انگلیسی "وقف شده یا مقدس" است. یهوه بدلیل ذاتش (روح ابدی غیرمخلوق) و هویتش (اوج اخلاق) از انسان مجزاست. او معیاری است که همه چیز با آن میزان و داوری می‌شود. او افضل، و مقدس‌ترین است.

خدا انسان را برای مشارکت با خود آفرید، اما سقوط (پیدایش ۳) بین انسان گناهکار و خدای قدوس از لحاظ رابطه و اخلاقمانعی بوجود آورد. خداوند تصمیم گرفت خلقت هشیار خود را احیاء کند؛ بنابراین از قوم خود می‌خواهد "پاک" باشند (لاویان ۱۱: ۴۴؛ ۱۹: ۲؛ ۲۰: ۷، ۲۶؛ ۲۱: ۸). از طریق رابطه مبتنی بر ایمان به یهوه قوم او در اثر موقعیت عهدی در او مقدس می‌شوند اما آنها همچنین فراخوانده شده‌اند که زندگی مقدسی نیز داشته باشند(متی ۵: ۴۸). این زندگی مقدس به این دلیل امکانپذیر است که ایمانداران از طریق زندگی و کار عیسی و حضور روح‌القدس در فکر و قلبشان کاملا پذیرفته و بخشیده می‌شوند. این موقعیت متناقض زیر را بوجود می‌آورد:

۱. مقدس بودن در اثر عدالت مسیح

۲. دعوت به زندگی مقدس از طریق حضقر روح‌القدس

ایمانداران "مقدسین" (*هاگیوی*) هستند زیر اینها در زندگی‌مان حاضرند (۱) اراده یگانه مقدس (پدر)، (۲) کار پسر مقدس (عیسی)؛ و (۳) حضور روح‌القدس. در عهد جدید همیشه حالت جمع برای مقدسین بکار می‌رود (جز در یک مورد در فیلیپیان ۴: ۱۲، ولی در آنجا هم زمینه متن آن را جمع می‌کند). نجات یافتن یعنی عضو شدن در یک خانواده، بدن و بنا! ایمان کتاب‌مقدسی با پذیرش شخصی شروع می‌شود، اما باعث ورود به مشارکت متقابل می‌شود. هر کدام از ما عطایی داریم (۱ قرنتیان ۱۲: ۱۱) برای سلامتی، رشد و صحت بدن مسیح یعنی کلیسا (۱ قرنتیان ۱۲: ۷). ما نجات یافتین تا خدمت کنیم! تقدس یکی از ویژگیهای خانواده است!

◆**"به یاری دردمندان شتافته"** در اینجا نیز احتمالا این اشاره دارد به خدمت مراقب از ایمانداران، اما ممکن است نیازمندان، دردمندان و همسایگان گمراه را نیز دربر گیرد. هر کدام از این ویژگیها دل خدمت این زنان بیوه مسن را آشکار می‌کنند.

۵: ۱۱ "امّا بیوه‌زنان جوانتر را نامنویسی مکن، چرا که چون امیال شهوانی از مسیح دورشان کند، خواهان ازدواج می‌شوند" باید الهیات مثبتی را که راجع به ازدواج در کتاب‌مقدس وجود دارد به خاطر داشته باشیم (پیدایش ۱ و ۲). ظاهرا این عبارت به قولی اشاره دارد که این بیوه‌زنان، هنگامی که خادم کلیسای خانگی شدند، دادند (آیه ۱۲). هدف از این بی‌ارزش کردن گفته‌ها در مورد ازدواج نیست، بلکه مقصود بی‌ازرش کردن نظراتی است که در مورد پیمان بستن در نام مسیح و نگه نداشتن آن داده می‌شد (طلاق نیز در این رده است).

۵: ۱۲ "بدین گونه ... محکومیت بر خود می‌آورند" نسخه کینگ جیمز این را "لعنت شدگی" ترجمه کرده است. این ترجمه برای کلمه یونانی *کرینو* بیش از حد تند است. قول به خدا قول جدی بوده و هست (لاویان ۲۷ و اعداد ۳۰) اما نجات به آن وابسته نیست.



ان آ اس بی	**"تعهد نخستین خود را زیر پا می‌گذارند"**
ان ک ج وی	**"از ایمان اولیه خود خارج شدند"**
ان آر اس وی	**"چون از پیمان نخستین خود تخطی کردند"**
تی ای وی	**"عهد پیشین خود با او را شکستند"**
ان ج بی	**"چون نسبت به پیمان اولیه خود وفادار نبودند"**

واژه یونانی *پیستیس،* که معمولا "ایمان"، "توکل"، یا "باور"، ترجمه می‌شود، در عهد عتیق مفهوم وفاداری و قابل اعتماد بودن را دارد. در اینجا نیز همین کاربرد را دارد، به معنای وعده اولویتمند مربوط به خدمتشان به مسیح (از لحاظ لغوی، "ایمان نخستین").

۵: ۱۳ "به ... سرکشیدن از خانه‌ای به خانه دیگر خو می‌کنند" احتمالا بیوه‌زنان در مراقبت روزانه و توزیع هفتگی غذا (کاری که در کنیسه نیز انجام می‌شد) بین اعضا همه کلیساهای خانگی مختلف کمک می‌کردند. شاید تک به تک به خانه‌های سرکشی می‌کردند تا از حال ایمانداران خبردار شوند.

◆**"سخن‌چین و فضول"** عبارت اول در ۳ یوحنا ۱۰ برای اتهامات دروغین مطرح شده علیه یکی از رهبران کلیسا بکار رفت. مشکل بوضوح در تیطوس ۱: ۱۱ توصیف می‌شود. مشکل سخن‌چینی از سر بیکاری نبود، بلکه بدعت بود!
کلمه دوم در اعمال ۱۹: ۱۹ برای سحر و جادو بکار می‌رود. با اینحال، در این زمینه متنی برای زنی استفاده می‌شود که کارشان سرکشی در امور دیگران است (ان ج بی "فضول")

◆**"سخنان ناشایست بر زبان می‌آورند"** در زمینه متنی رسالات شبانی معلمین دروغین زنان جوان را فریب داده (۲ تیموتائوس ۳: ۷-۵)، احتمالا آنها هم تعالیم غلط را در میان کلیساهای خانگی یا کدبانوهای مسیحی انتشار می‌دادند (تیطوس ۱: ۱۱). به این دلیل است که پولس اجازه نمی‌دهد در جمع کلیساهای خانگی صحبت کنند (۲: ۱۵-۹) و یا خادم کلیسا شوند.

۵: ۱۴ "پس رأی من بر این است که بیوه‌های جوانتر شوهر کرده" ازدواج (در اینجا ازدواج دوم) بد و غیر روحانی نیست (۱ قرنتیان ۷: ۸، ۳۹). بنای خانه دعوتی الهی است (۲: ۱۵).

◆**"دشمن را مجال بدگویی ندهند"** "دشمن" در اینجا مفرد است؛ ممکن است اشاره داشته باشد به (۱) شیطان (آیه ۱۵) یا (۲) یک معلم دروغین (۲ تیموتائوس ۳: ۷-۵). این بیوه‌زنان که از لحاظ جنسی فعال شده بودند زمینه را برای حمله شیطان و انتقاد از سوی کل جامعه (ایماندار یا غیرایماندار) فراهم کردند.
واژه "مجال" واژه‌ای نظامی است برای یک "اراضی ساحلی تسخیر شده" یا پایگاه عملیاتی" (رومیان ۷: ۸، ۱۱). بدن جسمانی شر نیست، بلکه میدانی رزمی است برای وسوسه. مشکل تمایل جنسی انسان نیست. مشکل انسان سقوط کرده است که ودیعه‌های خوب خدادادی را به مرزهای فراتر از آنچه خدا تعیین کرده می‌برد.

۵: ۱۵ "زیرا هم‌اکنون نیز بعضی در پی شیطان منحرف گشته‌اند" احتمالا تیموتائوس مورد خاصی مانند بیوه‌زن ذکر شده در آیه ۶ یا ۱۳ را با پولس مطرح کرده بود. معلمین دروغین این بیوه‌زنان را هدف قرار داده بودند تا از آنها به عنوان سخنگوی خود استفاده کنند (چنانکه از تعدادی رهبر مرد نیز بهره بردند، آیه ۱: ۲۰). در ورای معلمین دروغین فعالیت شریر قرار داشت.

۵: ۱۶ "اگر" این جمله شرطی نوع اول است. پولس از خانواده‌های مسیحی می‌خواهد وظیفه خود را بجا آورند (امری معلوم زمان حال). او همچنین می‌خواهد به کسانی که خانواده‌ای ندارند کمک کند (آیات ۴، ۸).

متن ان آ بی اس (بروز شده): ۵: ۱۷-۲۲
[17] مشایخی که نیکو رهبری کرده باشند، شایسته حرمتی دوچندانند، بخصوص آنان که در کار موعظه و تعلیم زحمت می‌کشند. [18] زیرا کتاب می‌گوید: «گاوی را که خرمن می‌کوبد، دهان مَبَند» و «کارگر مستحق دستمزد خویش است.» [19] اتهامی بر یکی از مشایخ مپذیر، مگر به شهادت دو یا سه گواه. [20] امّا آنان را که به گناه ادامه می‌دهند، در برابر همه توبیخ کن تا دیگران از گناه کردن بترسند.
[21] در پیشگاه خدا و مسیحْ عیسی و فرشتگان برگزیده، تو را سوگند می‌دهم که این دستورها را بدون پیشداوری رعایت کنی و هیچ_کاری را از سر جانبداری انجام ندهی.
[22] در دست‌گذاشتن بر کسی شتاب مکن و در گناهان دیگران شریک مشو، بلکه خود را از گناه بری نگاه دار.

۵: ۱۷ "مشایخ" واژه "شیخ" (*پریزبِتروس*) انتساب عهد عتیقی رهبران بود، در حالیکه واژه "ناظر" (*اپیسکوپوس*، ۳: ۱) واژه یونانی برای انتساب رهبران شهری-حکومتی است. این دو کلمه در عهد جدید به صورت مترادف بکار برده می‌شوند (اعمال ۲۰: ۱۷، ۲۸، که کلمه شیخ برای شبان بکار می‌رود و نیز ۱: ۵، ۷، که شیخ و ناظر برای اشاره به یک رهبر استفاده می شوند).
از عهد جدید نمی‌توان برای بنای سیستم اداری الهی کلیسا استفاده کرد. در عهد جدید تمامی سه فرم توسعه یافته ثبت شده است: (۱) شیوه اسقفی (یعقوب به عنوان رهبر صاحب اختیار)، (۲) مشایخی (گروهی از مشایخ که مرتبا مورد نظارت قرار می گیرند)؛ و (۳) جماعتی (جماعت کلیسایی رای می‌دهند).
فرم جمع در اینجا و در اعمال ۲۰: ۱۷ و تیطوس ۱: ۵ احتمالا به کلیساهای خانگی اشاره دارد. کلیسای اولیه تا قرن سوم ساختمانهای مجزا نداشتند. خانه هیچکس آنقدر بزرگ نبود که بتواند همه ایمانداران را در خود جا دهد؛ بنابراین، خانه‌های مسیحیان مختلف در اطراف شهرهای بزرگ درهای خود را به روی گردهمایی‌های معمول جماعت مسیحی می‌گشودند. این روش کلیسا را در مقابل دستگیری یکجا نیز حفاظت می‌کرد.
اینکه رهبری یک شهر با چندین کلیسای خانگی سازماندهی می‌شد دقیقا روشن نیست. همچنان که کلیسا رشد می‌کرد، برنامه ریزی ضرورت می‌یافت. ساختار آن سازماندهی به اندازه دینداری رهبران اهمیت حیاتی ندارد.

◆**"شایسته حرمتی دوچندانند"** این فرم امری مجهول زمان حال است. ممکن است به حقوق (غلاطیان ۶: ۶) یا قدردانی (۱ تسالونیکیان ۵: ۱۳-۱۲) اشاره داشته باشد. زمینه متن در آیه ۱۸ مبین این است که حقوق مد نظر است.

◆**"بخصوص آنان که در کار موعظه و تعلیم زحمت می‌کشند"** مشایخ در عهد جدید همیشه به حالت جمع ذکر می‌شوند، که ظاهرا نشانگر وجود کلیساهای خانگی محلی متعدد در شهرهای بزرگ از قبیل افسس است (اعمال ۲۰: ۱۷). شبانان لازم بود بتوان تعلیم و نیز موعظه را داشته باشند (۳: ۲؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۲۴؛ افسس ۴: ۱۱).
برخی رهبران یک نوع عطای روحانی دارند و سایر رهبران عطاهای دیگر. رهبران باید بر روی عطای خود تمرکز کنند و اجازه دهند دیگر مسیحیان صاحب عطا مسئولیت بپذیرند. بعضی ایمانداران دارای عطای فوق‌العاده رهبری هستند، و بعضا به طرق مختلف. کسانی که در چندین ناحیه فعال هستند باید برای تلاششان مورد قدردانی قرار گیرند و در زمینه‌هایی که چندان موثر نیستند از سوی کلیسا محافظت شوند. ما به عنوان بدن مسیح بخاطر عطایای اعضا خود شادی می‌کنیم، اما باید بخاطر داشته باشیم که شدیدا به یکدیگر نیازمند نیز هستیم (۱ قرنتیان ۱۲: ۷)!
۵: ۱۸ "زیرا کتاب می‌گوید" این نقل قولی است از تثنیه ۲۵: ۴. این گفته در ۱ قرنتیان ۹: ۷-۶، ۱۴ نیز نقل شده است. منحصربفرد بودن آیه ۱۸ در این است که عهد عتیق همانند نقلی قولی از عهد جدید که در لوقا ۱۰: ۷ یافت می‌شود در اینجا نقل می‌شود ("کارگر مستحق دستمزد خویش است"). این نشان می‌دهد که نگرش پولس نه تنها به الهامی بودن عهد عتیق است، بلکه عهد جدید که در حال ظهور است نیز چنین کیفیتی دارد (۲ پطرس ۳: ۱۶-۱۵). تاکید پولس بر مفهوم رهبری حقوق‌بگیر بسیار جالب است.

۱. به تبع زمینه یهودیش، وی معمولا از کسانی که تعلیمشان میداد پول دریافت نمی‌کرد (فیلیپی و تسالونیکی استثنا بودند).
۲. معلمین دروغین از همین موضوع برای حمله به پولس استفاده کردند (مثلا در قرنتس، ۲ قرنتیان ۱۱: ۷-۹؛ ۱۲: ۱۳).
۳. احتمالا بین این بیانیه کوتاه و تعالیم معلمین دروغین رابطه هست، اما بوضوح بیان نشده است.

۵: ۱۹ "اتهامی بر یکی از مشایخ مپذیر، مگر به شهادت دو یا سه گواه" این جمله امری نوع دوم زمان حال است همراه با حرف اضافه منفی به معنای "متوقف کردن عمل در حال انجام". این گفته منعکس‌کننده آشفتگی و اتهاماتی است که معلمین دروغین مسببشان بودند.
خود مفهوم از نوشته‌های موسی می‌آید)اعداد ۳۵: ۳۰؛ تثنیه ۱۷: ۶؛ ۱۹: ۱۵).

۵: ۲۰ "آنان را که به گناه ادامه می‌دهند" به اسم مفعول معلوم زمان حال دقت کنید. در این زمینه متنی این به رهبرانی اشاره دارد که به گناه ادامه می‌دهند (۱ قرنتیان ۳: ۱۵-۱۰). این لزوما کاری نیست که تنها یکبار انجام شده باشد. پولس دستورالعمل مناسب برای برخورد با ایمانداران گناهکار در رومیان ۱۶: ۱۸-۱۷؛ ۱ قرنتیان ۵؛ غلاطیان ۶: ۵-۱؛ ۱ تسالونیکیان ۵: ۱۴؛ ۲ تسالونیکیان ۳: ۱۵-۶؛ ۱ تیموتائوس ۱: ۲۰؛ ۵: ۲۰-۱۹؛ و تیطوس ۳: ۱۱-۱۰ ذکر می‌کند.

◆**"در برابر همه توبیخ کن تا دیگران از گناه کردن بترسند"** ظاهرا این بخش از آیه از توبیخ در ملا عام سخن می‌گوید (غلاطیان ۲: ۱۴؛ یعقوب ۵: ۱۶) که برخی مشایخ در مقابل این افراد اتخاذ می‌کردند
۱. کسانی که از حدود اختیارات خود فراتر می‌رفتند
۲. کسانی که تعالیم غلط را ترویج می‌کردند
۳. کسانی که در کارهای نادرست شرکت می‌کردند
"توبیخ" واژه مشترک در رسالات شبانی است (۲ تیموتائوس ۴: ۲؛ تیطوس ۱: ۹، ۱۳؛ ۲: ۱۵). "دیگران" ممکن است به افراد زیر اشاره داشته باشد
۱. سایر کلیساهای خانگی
۲. سایر رهبران محلی
۳. سایر ایمانداران

۵: ۲۱ "در پیشگاه خدا و مسیحْ عیسی و فرشتگان برگزیده، تو را سوگند می‌دهم" این سوگند محکمی است که چندین بار در رسالات شبانی تکرار می‌شود (۵: ۲۱؛ ۶: ۱۳؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۱؛ و با معنی مشابه در ۲ تیموتائوس ۲: ۱۴). پولس تعالیم خود را جدی می‌گرفت.

◆**"فرشتگان برگزیده"** عجیب است که بجای روح‌القدس فرشتگان برگزیده ذکر می‌شوند. کاربرد آن این معنا را دارد (۱) کسانی که برگزیده‌گان خدا را خدمت می‌کنند و همراهشان هستند (مزمور ۱۳۸: ۱؛ ۱ قرنتیان ۴: ۹؛ متی ۱۸: ۱۰؛ لوقا ۹: ۲۶؛ و عبرانیان ۱: ۱۴) یا (۲) فرشتگان خاص نزدیک تخت خدا که در حضور خاص او هستند (ادبیات یهود، هفت فرشته مقرب).

◆**"این دستورها را بدون پیشداوری رعایت کنی و هیچ کاری را از سر جانبداری انجام ندهی"** تیموتائوس قرار است عزیزدردانه یا افراد منفور نداشته باشد! واژه "رعایت کردن" در واقع کلمه یونانی برای مفهوم "محافظ". همچنان که خدا از ما

(۲ تسالونیکیان ۳: ۲؛ یهودا ۲۴) و میراثمان (۱ پطرس ۱: ۵-۴) محافظت می‌کند، ما نیز باید از حقیقت او محافظت کنیم! باید از خود نیز در مقابل تعالیم دروغین حفاظت کنیم (۲ تیموتائوس ۴: ۱۵؛ ۲ پطرس ۳: ۱۷؛ ۱ یوحنا ۵: ۲۱).
به معامله متقابل عهد دقت کنید: خدا از ما نگهداری/مراقبت می‌کند؛ ایمانداران از حقیقت او و خودشان نگهداری/مراقبت می کنند! ممکن است این وظیفه که بر عهده تیموتائوس گذاشته شده مرتبط باشد با تبعیض و جانبداری معلمین دروغین که مدعی بودند گروهی برگزیده دانش خاص و آزادی خاص دارند.

۵: ۲۲ "در دست‌گذاشتن بر کسی شتاب مکن" این آیه سه فعل امری معلوم زمان حال دیگر هم دارد. به دو طریق تفسیر شده است: (۱) برای اشاره به انتصاب (۳: ۱۰؛ ۴: ۱۴) یا (۲) پذیرفتن و بکار گماشتن مجدد یک شیخ تواب که در حضور جمع پذیرفته شده است (آیه ۲۰). شماره دو با زمینه متن آیات ۲۴ و ۲۵ و زمینه تاریخی معلمین دروغین بهتر جور در می‌آید.

◆**"در گناهان دیگران شریک مشو"** این احتمالا اشاره دارد به (۱) انتصاب شتابزده (۳: ۶) یا (۲) برگرداندن شتابزده مشایخ به رهبری. بخاطر داشته باشید که زمینه متن فعالیتهای معلمین دروغین است که در کلیساها رخنه کرده بودند. برخی ممکن است اعمال ما را تصدیق یا تایید اشتباهات دیگران تلقی کنند (۲ یوحنا ۱۱).

◆**"خود را از گناه بری نگاه دار"** معنای لغوی آن "خود را پاگ نگاه دار" است (۴: ۱۲، ۵: ۲). گناه نوعی روش، عمل و همبستگی است.

متن ان آ بی اس (بروز شده): ۵: ۲۳
[23] و از این پس فقط آب ننوش بلکه کمی هم شراب بخور تا شکم تو را تقویت کند زیرا اغلب مریض حال هستي.

۵: ۲۳ "از این پس فقط آب ننوش" تیموتائوس کاملا از شراب پرهیز می‌کرد. پولس اشاره می‌کند که مصرف مقادیر کم شراب جهت مصارف دارویی برای رهبر کلیسا اشکالی ندارد. ممکن است این دو معنی داشته باشد (۱) کمی شراب تخمیر شده به آب خالص خود اضافه کن یا (۲) هر از چند گاهی وقتی معده‌ات ایجاد مشکل می‌کند کمی شراب بنوش. مشکل شراب نیست؛ استفاده غلط یا زیاده روی در مصرف توسط انسان سقوط کرده ایجاد اشکال می‌کند. کتاب‌مقدس میخوارگی را تقبیح می‌کند (امثال ۲۳: ۳۵-۲۹؛ اشعیاء ۵: ۱۱، ۲۲؛ ۲۸: ۸-۱)، اما پرهیز کامل از شراب را تعلیم نمی‌دهد (۳: ۳، ۸). در روزگار و جامعه ما پرهیز کامل از الکل باید به مفاهیم روحانی یافته شده در رومیان ۱۴: ۱۵-۱: ۱۳؛ ۱ قرنتیان ۸ و ۱۰: ۳۳-۲۳) ربط داشته باشد. به بحث نگرش نسبت به الکل و میخوارگی در ۳: ۳ مراجعه کنید.

◆**"کمی هم شراب بخور تا شکم تو را تقویت کند زیرا اغلب مریض حال هستی"** آیا اینها دو عبارت توصیفی متفاوت هستند یا به یک مشکل اشاره دارند؟ آیا این آیه اشاره ضمنی دارد به اینکه تیموتائوس از لحاظ جسمانی فرد ضعیفی بود، کار تیموتائوس پرچالش و سخت بود. اگر از لحاظ جسمانی نیز فرد ضعیفی بود، این همه از او الگویی فوق‌العاده و فردی شایسته می‌سازد.

متن ان آ بی اس (بروز شده): ۵: ۲۵-۲۴
[24] گناهان بعضی‌ها اکنون آشکار است و آنها را به سوی کیفر می‌کشاند، امّا گناهان دیگران بعدها معلوم خواهد شد. [25] همچنین کارهای نیک نیز آشکار می‌باشند و حتّی اگر اکنون آشکار نباشند نمی‌توان آنها را تا به آخر پنهان نگاه داشت.

۵: ۲۵-۲۴ این آیات احتمالا به هشدار آیه ۲۲ ربط دارند. آنها را نهایتا از ثمرشان خواهی شناخت (متی ۷). در این زمینه متنی منظور پولس معلمین دروغین و معلمین حقیقی است. در روز قیامت این از تعالیم و طرز زندگی (گناهان آشکار) و سایر گناهان (یعنی پنهان یا منش و انگیزه‌ها) آنها آشکار می‌شود.

پرسشهای مربوط به بحث

آنچه در دست دارید تحقیق تفسیری است که نقش راهنمای مطالعه را ایفا می‌کند، به این معنای که شما شخصا مسئولیت تفسیر خود از کتاب‌مقدس را بر عهده دارید. ما همگی باید در نوری که داریم قدم برداریم. شما، کتاب‌مقدس و روح‌القدس مقدم بر تفسیر هستید. چنین نقشی را نباید به مفسر محول کنید.

پرسشهای مربوط به بحث نوشته شده اند تا به شما کنند موضوعات عمده این بخش از کتاب را مرور کنید. قرار است آنها شما را وادار به تفکر کنند، نه اینکه حرف آخر را بزنند.

۱. سمتهای کلیساهای محلی ذکر شده در باب ۵ را که حقوق دریافت می‌کردند فهرست کنید؟
۲. ویژگیهایی زنان بیوه حقیقی را که از کلیسا پول دریافت می‌کردند فهرست کنید ؟
۳. آیات ۷، ۸ و ۱۴ چگونه با ۱ تیموتائوس ۳ مرتبط است؟
۴. آیه ۲۰ چگونه با آیات ۲۴ و ۲۵ مرتبط است؟
۵. آیه کتاب‌مقدس پرهیز کامل از مصرف الکل را تعلیم می‌دهد؟

اول تیموتائوس ۶

تقسیم‌بندی پاراگرافها در ترجمه‌های جدید*

یو بی اس	ان ک ج وی	ان آر اس وی	تی ای وی	ان ج بی
وظایف نسبت به دیگران	احترام به ارباب	نظم در پرستش	وظایف نسبت به ایمانداران	برده‌ها

۶: ۱-۲	(۵: ۱- ۶: ۲)	(۵: ۱- ۶: ۲)	۶: ۱-۲	(۵: ۱- ۶: ۲)
معلمین دروغین و معلمین حقیقی	تعالیم غلط و ثروتهای حقیقی	دستورالعملهای نهایی	اشتباه و طمع	تعالیم غلط و ثروت حقیقی
۶: ۲-۱۰	۶: ۲-۵	۶: ۲-۱۰	۶: ۳-۱۰	۶: ۲-۱۰
تکرار وظایف تیموتائوس	دستورالعملهای شخصی		اعتراف نیکو	نبرد نیکوی ایمان
۶: ۱۱-۱۶	۶: ۱۱-۱۶	۶: ۱۱-۱۶	۶: ۱۱-۱۶	۶: ۱۱-۱۶
مسیحیان ثروتمند			دستورالعمل برای ثروتمندان	
۶: ۱۱-۱۶	۶: ۱۱-۱۶	۶: ۱۱-۱۶	۶: ۱۱-۱۶	۶: ۱۱-۱۶
هشدار نهایی و اختتام			مراقبت از ایمان	
۶: ۲۰-۲۱	۶: ۲۰-۲۱	۶: ۲۰-۲۱	۶: ۲۰-۲۱	۶: ۲۰-۲۱
	۶: ۲۰	۶: ۲۱		۶: ۲۱

دایره قرایت سه (از "راهنمای قرایت صحیح کتاب‌مقدس" صفحه ix)

تبعیت از انگیزه نویسنده اولیه در سطح پاراگراف

آنچه در دست دارید تحقیق تفسیری است که نقش راهنمای مطالعه را ایفا می‌کند، به این معنای که شما شخصا مسئولیت تفسیرتان از کتاب‌مقدس را بر عهده دارید. ما همگی باید در نوری که داریم قدم برداریم. شما، کتاب‌مقدس و روح‌القدس مقدم بر تفسیر هستید. چنین نقشی را نباید به مفسر محول کنید.

باب مورد نظر را یکجا بخوانید. موضوعات را شناسایی کنید. تقسیم‌بندی موضوعی خود را با تقسیم‌بندی پنج ترجمه امروزی مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی الهامی نیست، اما کلیدی است برای دنبال کردن انگیزه مولف اولیه، که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. و الی آخر

برداشتهای دقیق‌تر از متن:

الف) مبحث معلمین دروغین تکرار می‌شود (۱: ۱۱-۳، ۲۰-۱۹؛ ۴: ۵-۱؛ ۶: ۱۱-۳، ۱۹-۱۷). کل این نامه مشکلاتی را مورد بحث قرار می‌دهد که در اثر نظرات و مسایل اخلاقی بدعت‌گذاران بوجود آمده بودند.

ب) آیات ۲-۱ بی‌ربط بنظر می‌رسند، اما احتمالا آنها هم به پیامهای معلمین دروغین در مورد برده‌های مسیحی و حقوق و آزادیهایشان مرتبط هستند. از دید TEV۴UBS ساختار این بخش از کتاب تشویق پولس به تیموتائوس است برای برخورد مناسب با گروههای مختلف در کلیسا:

۱. مردان و زنان مسن (۵: ۲-۱)

۲. بیوه‌زنان (۵: ۳-۱۱)
۳. مشایخ (۵: ۲۵-۱۷)
۴. برده‌ها (۶: ۲-۱)

ج) عجیب این است که اول تیموتائوس با زنجیره‌ای از سلام و تعارفات شخصی ختم نمی‌شود. پولس در افسس بیشتر از هر شهر دیگری ماند و نتایج بشارتی فوق‌العاده‌ای کسب کرد. وی ایمانداران وفادار زیادی را در این شهر می‌شناخت. چرا تنها با تیموتائوس سلام و احوالپرسی می‌کند؟
روشن است که این نامه قرار بود در گردهمایی کلیسایی یا در کلیساهای خانگی قرائت شود ("شما" در آیه ۲۱ فرم جمع دارد). بااینحال، این نامه نامه‌ای شخصی نیز بود و دربرگیرنده نصیحت و دستورالعملهای خاص برای نماینده رسالتی‌اش تیموتائوس نیز بود.

مطالعه لغت و عبارت

متن ان آ بی اس (بروز شده): ۶: ۱-۲
[1] آنان که زیر یوغ بندگی به‌سر می‌برند، باید که اربابان خود را درخور کمال احترام بدانند تا مردم نام خدا و تعلیم را بد نگویند. [2] آنان که اربابانشان ایماندارند، نباید به دلیل رابطهٔ برادری، ایشان را کمتر حرمت بگذارند. بلکه برعکس، باید حتی نیکوتر خدمت کنند، زیرا سود خدمتشان به کسانی می‌رسد که ایماندارند و عزیز ایشان. این اصول را تعلیم ده و به انجامش ترغیبشان کن.

۶: ۱ "آنان که زیر یوغ بندگی به‌سر می‌برند" از لحاظ برده‌داری مسیحیت خودش را با فرهنگ زمان خود تطبیق داد. دو سوم دنیای روم برده بودند. این حقیقت، عدالت و محبت خدا در انجیل بود که نهایتا برده‌داری را پایان داد. پولس تصمیم گرفت با منشهای انسانی در چارچوب فرهنگی آن مواجه شود، نه آنکه با خشونت آن موقعیت فرهنگی را بهم بزند (مثل کاری که در رابطه با موقعیت اجتماعی زنان کرد).

مبحث ویژه: تذکرات پولس به برده‌ها
۱. صبور باشید، اما اگر موقعیتی برای آزادی فراهم شد از آن استفاده کنید (۱ قرنتیان ۷: ۲۴-۲۱).
۲. در مسیح برده یا آزاد وجود ندارد (غلاطیان ۳: ۲۸؛ کولسیان ۳: ۱۱؛ ۱ قرنتیان ۱۲: ۱۳).
۳. چنان کار کنید که گویی برای خداوند کار می‌کنید، او عوضش را خواهد پرداخت (افسسیان ۶: ۹-۵؛ کولسیان ۳: -۲۲ ۲۵؛ ۱ پطرس ۲: ۲۰-۱۸).
۴. در مسیح برده‌ها با هم برادر می‌شوند (۱ تیموتائوس ۶: ۲؛ فلیمون آیات ۱۷-۱۶).
۵. برده‌های دیندار خدا را جلال می‌دهند (۱ تیموتائوس ۶: ۱؛ تیطوس ۲: ۹).
تذکر پولس به برده‌داران:
برده‌ها و برده‌داران مسیحی یک ارباب دارند، بنابراین باید با احترام برخورد کنند (افسسیان ۶: ۹؛ کولسیان ۴: ۱).

◆ **" که اربابان خود را درخور کمال احترام بدانند"** ظاهرا آیه ۱ به مسیحیان برده‌ای که اربابان غیرمسیحی را خدمت می‌کردند اشاره دارد، در حالیکه آیه ۲ در مورد برده‌هایی مسیحی است که در خدمت اربابان مسیحی هستند. برده مسیحی باید رفتارش با ایماندار و غیرایماندار بگونه‌ای باشد که سبب احترام به خدا و انجیل عیسی مسیح شود (افسسیان ۶: ۷-۶). آیه ۱ حاوی راهنمایی مشابه ۳: ۲، ۷؛ ۱۰؛ ۵: ۷، ۸، ۱۴ و تیطوس ۲: ۵ است، به معنای "بهانه انتقاد بدست دیگران ندادن". آیه ۱۴ این باب را نیز ببینید.
۶: ۲ "آنان که اربابانشان ایماندارند، نباید به دلیل رابطه برادری، ایشان را کمتر حرمت بگذارند" معنای لغوی این "تحقیر کردن" است، که فرم امری معلوم زمان حال با حرف تعریف منفی است، با مفهوم ضمنی متوقف کردن عمل در حال انجام. این عبارت با این مفهوم عقیدتی ربط دارد که هرچه ما ایمانداران انجام می‌دهیم باید بخاطر مسیح با بالاترین کیفیت ممکن باشد (۱ قرنتیان ۱۰: ۳۱؛ افسسیان ۶: ۷-۶؛ کولسیان ۳: ۱۷؛ ۱ پطرس ۴: ۱۱).
واژه "اربابان" عبارت معمول برای برده‌دار، یعنی *کوریوس*، نیست (افسسیان ۶: ۵، ۹۸؛ کولسیان ۳: ۲۲؛ ۴: ۱)، بلکه *دسپوتس* است. این لغت معمولا برای خدای پدر و پسر بکار می‌رود، اما در رسالات شبانی بدفعات برای اربابان برده‌های زمینی استفاده شده است (۶: ۱، ۲؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۲۱؛ تیطوس ۲: ۹).

◆**"این اصول را تعلیم ده و به انجامش ترغیبشان کن"** اینها دو فعل امری معلوم زمان حال هستند، که مفهوم ضمنی‌اش تعهدی پیوسته است (۴: ۱۱). این عبارت ممکن است نتیجه‌گیری تذکر قبلی (ان آ اس بی، ان ک ج وی) یا مقدمه‌ای بر مطلب بعدی باشد (ان آر اس وی، تی ای وی، ان ج بی).

متن ان آ بی اس (بروز شده): ۶: ۳-۱۰
[3] اگر کسی به‌گونه‌ای دیگر تعلیم دهد و با گفتار صحیح خداوند ما عیسی مسیح و تعلیم دیندارانه موافق نباشد، [4] مستِ غرور شده است و هیچ نمی‌فهمد. چنین کس عطشی بیمارگونه به جرّ و بحث و مجادله بر سر کلمات دارد، که از آن حسد و نزاع و ناسزاگویی و بدگمانی برمی‌خیزد [5] و موجب کشمکش دائمی میان افرادی می‌شود که فکرشان فاسد شده است و از حقیقت منحرف گشته‌اند و گمان می‌کنند دینداری، وسیله‌ای است برای سودجویی.
[6] امّا دینداری با قناعت، سودی عظیم است. [7] چرا که به این جهان هیچ نیاورده‌ایم و از آن نیز هیچ نخواهیم برد. [8] پس اگر خوراک و پوشاک و سرپناهی داشته باشیم، قانع خواهیم بود. [9] امّا آنان که سودای ثروتمند شدن دارند، دچار وسوسه می‌شوند و به دام امیال پوچ و زیانباری گرفتار می‌آیند که موجب تباهی و نابودی انسان می‌گردد. [10] زیرا پولدوستی ریشه‌ای است که همه‌گونه بدی از آن به‌بار می‌آید، و بعضی در آرزوی ثروت، از ایمان منحرف گشته، خود را به دردهای بسیار مجروح ساخته‌اند.

6: 3 "اگر" این جمله شرطی نوع اول (که تصور می‌شود حقیقت داشته باشد) و ادامه زمینه متنی آیه ۳ از طریق آیه ۵ است. معلمین دروغینی بودند که تعالیم پولس را رد می‌کردند (۱: ۷-۳؛ ۴: ۳-۱).

◆**"کسی به‌گونه‌ای دیگر تعلیم دهد"** این واژه یونانی *هتروس* است، به معنای "نمونه‌ای از گونه‌ای متفاوت". تعلیم غلط ترکیبی ترکیبی بود از قوانین یهودی و فلسفه یونانی که مشابه است با آنچیزی که در کولسیان و افسسیان یافت می‌شود.

◆ **"با گفتار صحیح ... موافق نباشد"** یادداشت ۱: ۱۰ را ببینید.

◆ **"گفتار صحیح خداوند ما عیسی مسیح"** پولس تاکید می‌کند که منشا "گفتار صحیح" تعالیم مسیح است که به پولس داده شد. این معلمین دروغین هم تعالیم مسیح و هم تعالیم رسولانش را رد کردند.

◆**"و تعلیم دیندارانه"** یادداشت ۲: ۲ را ببینید. تعالیم مسیح همیشه اهداف دیندارانه داشتند (۳: ۱۶). این معلمین دروغین تلاش داشتند حقیقت را از زندگی، پارسایی را از تقدس، و خبر (انجیل حقیقت) را از الزام (انجیل دینداری) جدا کنند. به مبحث ویژه: تقدس در ۲ تیموتائوس ۲: ۲۱ مراجعه کنید.

۶: ۴

ان آ اس بی، ان آر اس وی	**"مستِ غرور شده است"**
ان ک ج وی، ان ج بی	**"مغرور است"**
تی ای وی	**"غرق در غرور است"**

این جمله خبری مجهول کامل است. معنای لغوی این واژه "کور شده در اثر دود" از طریق غرور است (۳: ۶؛ ۶: ۴؛ ۲ تیموتائوس ۳؛ ۴). به مبحث ویژه: گناهان و پرهیزگاریها در عهد جدید در ۱: ۹ مراجعه کنید.

◆**"چنین کس عطشی بیمارگونه به جرّ و بحث و مجادله بر سر کلمات دارد"** به تیموتائوس تاکیدی پیوسته شده که از بحثهای بیهوده معلمین دروغین دوری کند (۱ تیموتائوس ۱: ۳، ۴؛ ۴: ۷؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۱۴؛ ۴: ۴؛ تیطوس۱: ۱۴). سوال من این است که این چطور با شرایط روز ما ربط پیدا می‌کند؟
واژه "بیمارگونه" از لحاظ لغوی یعنی بیمار. در واقع استعاره‌ای است برای اشتیاق شدید نسبت به چیزی. این معلمین دروغین بدنبال دینداری نبودند، بلکه خواهان دانش محرمانه در مورد بخشهای نامکشوف جانبی حقیقت بودند. می‌خواستند در مورد موضوعات عقیدتی انحرافی مجادله کنند که تنها سبب ایجاد بحثها و دودستگیهای خودخواهانه می‌شد.
هرچه مسنتر می‌شوم بیشتر می‌فهمم که نمی‌فهمم و از اینکه فهمم کم است خوشحالتر می‌شوم. حقایق اصلی مسیحیت روشن و تکراری هستند. با اینحال، ما مشتاقیم "همه" جزئیات و پیچیدگیها را بدانیم و شبکه‌های الهیاتی به هم ببافیم که شامل تمام

استنتاجهای بخشهای مشکل، غیرمستقیم، مکاشفه‌ای و نبوتی باشد. بجای ارتباط با مسیح ما به سیستمهای پیچیده خود افتخار می‌کنیم. برای یک الهیاتدان متعصب پیرو اصول گذشتن از سوراخ سوزن سختتر است تا برای یک شخص ثروتمند. **!!** حقایق واضح را موعظه کنید**!** در مورد مسائل جانبی با محبت بحث کنید**!** نسبت به همه با فیض رفتار کنید**!** بلوغ باعث می‌شود رفتار ما بدور از داوری و بیشتر مسیح‌گونه باشد.

۶: ۵ "افرادی ... که فکرشان فاسد شده است" یا (۱) کل زمینه متن به معلمین دروغین اشاره دارد و یا (۲) چند آیه اول به آنها اشاره می‌کند و مابقی آیات در مورد تبعات ناشی از تعلیمشان در کلیساهای محلی است (آرچیا و هاتون، *هندبوکی در مورد رسالات پولس به تیموتائوس و تیطوس*، یو بی اس). من فکر می‌کنم زنان بیوه جوان، و احتمالا برخی از برده‌ها (۲-۱:۶)، سخنان این معلمین دروغین را منتقل می‌کردند (گوردون فی، *اول و دوم تیموتائوس و تیطوس* در تفسیر تحقیقی بین‌المللی جدید کتاب‌مقدس جلد ۱۳).

◆**"از حقیقت منحرف گشته‌اند"** هر دو این دو عبارت آخر اسم مفعول مجهول کامل هستند، که بطور ضمنی اشاره دارد به وضعیت فکری و درونی تثبیت شده‌ای که توسط عاملی خارجی، احتمالا شریر، ایجاد شده است. او نه تنها پدر همه دروغها، بلکه بانی تمامی تردیدهای مذهبی و روشنفکری الهیاتی است. مبحث ویژه: حقیقت در ۲: ۴ را ببینید.

◆

ان آ اس بی	**"گمان می‌کنند دینداری، وسیله‌ای است برای سودجویی"**
ان ک ج وی	**"گمان می‌کنند دینداری، *وسیله‌ای است برای* سودجویی"**
ان آر اس وی	**"به این تصور که دینداری، وسیله‌ای است برای سودجویی"**
تی ای وی	**"آنها گمان می‌کنند دین طریقی است برای کسب ثروت"**
ان ج بی	**"تصور می‌کنند دین طریقی *است برای* کسب منفعت"**

یکی از این دو مورد به نظر می‌رسد در اینجا دخیل باشد: (۱) معلمین دروغین الهیات موفقیت و کسب را تعلیم می‌دادند یا (۲) بابت تعلیمشان پول دریافت می‌گرفتند (تیطوس ۱: ۱۱؛ ۲ پطرس ۲: ۳). شماره ۲ احتمالا امکانپذیرتر است. نسخه کینگ جیمز عبارتی را به انتهای آیه ۵ اضافه می‌کند، "از چنین اشخاص دوری نما"، اما این عبارت در تصحیح نسخه خطی قرن پنجم D یافت می‌شود. چنین عبارتی در نسخهای خطی א، A یا D دیده نمی‌شود.

۶: ۶ "با قناعت" این واژه در واقع خودکفایی مغرورانه نیست، بلکه خودکفایی است که روح‌القدس آن را القا می‌کند و از شرایط یا توانهای شخصی ناشی نمی‌شود، بلکه به خدا وابسته است در مسیح (فیلیپیان ۴: ۱۳-۱۱).

۶: ۷ "چرا که به این جهان هیچ نیاورده‌ایم" این ممکن است اشاره‌ای باشد به بخشهای متعددی از عهد عتیق (ایوب ۱: ۲۱؛ مزمور ۴۹: ۱۷؛ جامعه ۵: ۱۵). در واقع منطقی را برای سخن گفته شده در آیه ۶ ارائه می‌دهد. آیات ۶ و ۸ مشابه بیانات فیلسوفان رواقی یونانی هستند. پولس با این فیلسوفان اخلاقی آشنایی داشت. بسیاری از فهرست گناهان و خطایای او مشابه این نوشته‌های یونانی هستند. به مبحث ویژه: استفاده پولس از *کازموس* در ۱: ۶ مراجعه کنید.

۶: ۸ ایمانداران باید به تمهید خدا برای نیازهای روزانه قانع باشند (امثال ۳۰: ۸؛ متی ۶: ۱۱). استفاده پولس از کلمه "سودجویی" در آیه ۵ باعث شد با جزییات به طمع معلمین دروغین بپردازد (آیات ۱۰-۶ و ۱۹-۱۷).

مبحث ویژه: ثروت

۱. دیدگاه کلی عهد عتیق
  الف. خداوند صاحب همه چیز است
    ۱. پیدایش ۲-۱
    ۲. ۱ تورایخ ۲۹: ۱۱
    ۳. مزامیر ۲۴: ۱؛ ۵۰: ۱۲؛ ۸۹: ۱۱
    ۴. اشعیاء ۶۶: ۲
  ب. انسانها بخاطر اهداف خدا از ثروت مراقبت می‌کنند
    ۱. تثنیه ۸: ۱۲-۱۱
    ۲. لاویان ۱۹: ۱۸-۹

۳. ایوب ۳۱: ۳۳-۱۶
۴. اشعیاء ۵۸: ۱۰-۶
ج. ثروت بخشی از عبادت است
۱. دی ده یک ۸: ۱۲-۱۱
الف. اعداد ۱۸: ۲۹-۲۱؛ تثنیه ۱۲: ۷-۶؛ ۱۴: ۲۷-۲۲
ب. تثنیه ۱۴: ۲۹-۲۸؛ ۲۶: ۱۵-۱۲
۲. امثال ۳: ۹
د. ثروت هدیه‌ای از طرف خدا جهت وفاداری در عهد در نظر گرفته می‌شود.
۱. تثنیه ۲۸-۲۷
۲. امثال ۳: ۱۰؛ ۸: ۲۱-۲۰؛ ۱۰: ۲۲؛ ۱۵: ۶
ه. هشدار در مورد کسب ثروت به قیمت زیر پا گذاشتن دیگران
۱. امثال ۲۱: ۶
۲. ارمیاء ۵: ۲۹-۲۶
۳. هوشع ۱۲: ۸-۶
۴. میکاء ۶: ۱۲-۹
و. داشتن ثروت به خودی خود گناه نیست، مگر اینکه اولویت اول باشد
۱. مزمور ۵۲: ۷؛ ۶۲: ۱۰؛ ۷۳: ۹-۳
۲. امثال ۱۱: ۲۸؛ ۲۳: ۵-۴؛ ۲۷: ۲۴؛ ۲۸: ۲۲-۲۰
۳. ایوب ۳۱: ۲۸-۲۴
۲. دیدگاه منحصربفرد امثال
الف. ثروت در حیطه تلاش شخصی قرار دارد
۱. سستی و تنبلی نکوهش شده است- امثال ۶: ۱۱-۶؛ ۱۰: ۵-۴، ۲۶؛ ۱۲: ۲۴، ۲۷؛ ۱۳: ۴؛ ۱۵: ۱۹؛ ۱۸: ۹: ۱۹: ۱۵، ۲۴؛ ۲۰: ۴، ۱۳؛ ۲۱: ۲۵؛ ۲۲: ۱۳؛ ۲۴: ۳۴-۳۰؛ ۲۶: ۱۶-۱۳
۲. سختکوشی تشویق می‌شود - امثال ۱۲: ۱۱، ۱۴؛ ۱۳: ۱۱
ب. از فقر در مقابل ثروت برای به تصویر کشیدن نیکویی در مقابل شرارت استفاده می‌شد – امثال ۱۰: ۱؛ ۱۱: ۲۸-۲۷؛ ۱۳: ۷؛ ۱۵: ۱۷-۱۶؛ ۲۸: ۶، ۲۰-۱۹
ج. حکمت (شناخت خدا و کلامش و زیستن مطابق با این حکمت) بهتر از ثروت است– امثال ۳: ۱۵-۱۳؛ ۸: ۱۱-۹، -۱۸ ۲۱؛ ۱۳: ۱۸
د. هشدارها و توصیه‌ها
۱. هشدارها
الف. هنگام تضمین وام همسایه هشیار باشید (ضامن) - امثال ۶: ۵-۱؛ ۱۱: ۱۵؛ ۱۷: ۱۸؛ ۲۰: ۱۶؛ ۲۲: -۲۶ ۲۷؛ ۲۷: ۱۳
ب. مراقب باشید از طرق شریرانه ثروت کسب نکنید – امثال ۱: ۱۹؛ ۱۰: ۲، ۱۵؛ ۱۱: ۱؛ ۱۳: ۱۱؛ ۱۶: ۱۱؛ ۲۰: ۱۰، ۲۳؛ ۲۱: ۶؛ ۲۲: ۱۶، ۲۲؛ ۲۸: ۸
ج. هشدار در مورد قرض گرفتن - امثال ۲۲: ۷
د. هشدار در مورد گذرا بودن ثروت – امثال ۲۳: ۵-۴
ه. در روز داوری ثروت کمکی به شخص نمی‌کند - امثال ۱۱: ۴
و. ثروت "دوستان" فراوان دارد – امثال ۱۴: ۲۰؛ ۱۹: ۴
۲. توصیه‌ها
الف. سخاوت تشویق می‌شود - امثال ۱۱: ۲۶-۲۴؛ ۱۴: ۳۱؛ ۱۷: ۵؛ ۱۹: ۱۷؛ ۲۲: ۹، ۲۳-۲۲؛ ۲۳: ۱۱-۱۰؛ ۲۸: ۲۷
ب. پارسایی بهتر از ثروت است – امثال ۱۶: ۸؛ ۲۸: ۶، ۸، ۲۲-۲۰
ج. دعا برای احتیاجات نه برای زیادی - امثال ۳۰: ۹-۷
د. دادن به فقرا مانند دادن به خداست – امثال ۱۴: ۳۱
۳. دیدگاه عهد جدید
الف. عیسی مسیح
۱. ثروت باعث می‌شود این وسوسه منحصربفرد در ما ایجاد شود که بجای اتکا به خدا و منابعش به نفس و منابع خود متکی شویم:
الف. متی ۶: ۴؛ ۱۳: ۲۲؛ ۱۹: ۲۳
ب. مرقس ۱۰: ۳۱-۲۳
ج. لوقا ۱۲: ۲۱-۱۵، ۳۴-۳۳
د. مکاشفه ۳: ۱۹-۱۷
۲. خدا نیازهای مادی ما را فراهم می‌کند
الف. متی ۶: ۳۴-۱۹

ب. لوقا ۱۲: ۳۲-۲۹
۳. کاشتن بذر با برداشت مرتبط است (هم مادی و هم معنوی)
الف. مرقس ۴: ۲۴
ب. لوقا ۶: ۳۸-۳۶
الف. متی ۶: ۱۴؛ ۱۸: ۳۵
۴. توبه بر ثروت اثر می‌گذارد
الف. لوقا ۱۹: ۲- ۱۰
ب. لاویان ۵: ۱۶
۵. استثمار اقتصادی محکوم می‌شود
الف. متی ۲۳: ۲۵
ب. مرقس ۱۲: ۴۰-۳۸
۶. داوری زمان آخر با طرز استفاده ما از ثروت ربط دارد – متی ۲۵: ۴۶-۳۱
ب. پولس
۱. دیدگاه عملی همانند امثال (کار کردن)
الف. افسسیان ۴: ۲۸
ب. ۱ تسالونیکیان ۴: ۱۲-۱۱
ج. ۲ تسالونیکیان ۳: ۸، ۱۲-۱۱
د. ۱ تیموتائوس ۵: ۸
۲. دیدگاه روحانی همانند عیسی (اینها گذرا هستند، قانع باشید)
الف. ۱ تیموتائوس ۶: ۱۰-۶ (قناعت)
ب. فیلیپیان ۴: ۱۲-۱۱ (قناعت)
ج. عبرانیان ۱۳: ۵ (قناعت)
د. ۱ تیموتائوس ۶: ۱۹-۱۷ (سخاوت و اعتماد به خدا، نه به ثروت)
ه. ۱ قرنتیان ۷: ۳۱-۳۰ (تبدیل چیزها)
۴. نتیجه‌گیری
الف. در کتاب‌مقدس الهیات قاعده‌مندی در مورد ثروت وجود ندارد
ب. یک بخش مشخص که به این موضوع پرداخته باشد وجود ندارد، بنابراین برداشتها گلچینی است از بخشهای مختلف. مراقب باشید تنها با توجه به متون مجزا نتیجه‌گیری نکنید.
ج. امثال، که توسط مردان حکیم نوشته شدند (عقلا)، دیدگاهی متفاوت از سایر بخشهای کتاب‌مقدس دارد. امثال عملی و داردی تمرکز انفرادی است. باید آنرا با استفاده از سایر قسمتهای کتاب متوازن کرد (ارمیا ۱۸: ۱۸).
د. روزگار ما نیازمند است دیدگاه و عملکرد خود در مورد ثروت را با توجه به کتاب‌مقدس تجزیه و تحلیل کند. اگر کاپیتالیزم و کمونیزم تنها راهنمای ما باشند اولویتهایمان در جای نادرست قرار می‌گیرند. اینکه چرا و چطور یک شخص موفق می‌شود سوالات مهمتری هستند از اینکه چقدر اندوخته دارد.
د. اندوختن ثروت باید با پرستش و مراقبت مسئولانه متعادل شود (۲ قرنتیان ۹-۸).

۶:۹ "امّا آنان که سودای ثروتمند شدن دارند، دچار وسوسه می‌شوند و به دام ... گرفتار می‌آیند" ایمانداران در اثر ولع برای چیزهای دنیوی، قدرت، و محبوبیت بلاهای زیادی بر سر خود می‌آورند (امثال ۲۳: ۴؛ ۲۸: ۲۰؛ متی ۶: ۳۴-۱۹). "وسوسه" معادل کلمه یونانی *پیراسموس* است.

مبحث ویژه: واژه‌های یونانی برای "آزمایش کردن" و مفاهیم ضمنی آنها
دو لغت یونانی با مفهوم امتحان کردن شخص برای هدفی خاص وجود دارد.
۱. *دوکیمازچ، دوکیمیون، دوکماسیا*
این واژه، واژه فلزشناسی برای امتحان کردن خلوص چیزی (یا بطور استعاره، شخصی) با استفاده از آتش است. آتش مواد زائد را می‌سوزاند (خالص کردن) و فلز واقعی را آشکار می‌کند. این فرآیند مادی اصطلاح قدرتمندی شد برای توصیف امتحان اشیا یا افراد توسط خدا و یا انسان. این لغت تنها به حالت مثبت امتحان کردن با نظر پذیرش بکار می‌رود. در عهد جدید برای امتحان کردن موارد زیر استفاده شده:
الف. گاو، لوقا ۱۴: ۱۹
ب. خود ما، ۱ قرنتیان ۱۱: ۲۸
ج. ایمان ما، یعقوب ۱: ۳
الف. حتی خدا، عبرانیان ۳: ۹
نتایج این امتحانات قرار بود مثبت باشد (رومیان ۱: ۲۸؛ ۱۴: ۲۲؛ ۱۶: ۱۰؛ ۲ قرنتیان ۱۰: ۱۸؛ ۱۳: ۳؛ فیلیپیان ۲: ۲۷؛ ۱

پطرس ۱: ۷). بنابراین، واژه این ایده را منتقل می‌کند که شخص امتحان می‌شود تا ثابت شود ارزشمند است.
الف. خوب
ب. خالص
ج. گرانبها
د. ارزنده
۲. *پیرازچ، پیرازموس*
این واژه دارای مفهوم ضمنی امتحان کردن امتحان به منظور یافتن عیب یا رد کردن است. اغلب در ارتباط با وسوسه عیسی در بیابان بکار می‌رود.
الف. بیانگر تلاش برای بدام انداختن عیسی است (متی ۴: ۱؛ ۱۶: ۱؛ ۱۹: ۳؛ ۲۲: ۱۸، ۳۵؛ مرقس ۱: ۱۳؛ لوقا ۴: ۲؛ ۱۰: ۲۵؛ عبرانیان ۲: ۱۸).
ب. این واژه (*پیرازچ*) در متی ۴: ۳ و ۱ تسالونیکیان ۳: ۵ به صورت عنوانی برای شیطان بکار می‌رود.
ج. عیسی (در فرم ترکیبی، *اکپیرازچ*) آن را برای امتحان نکردن خدا بکار می‌برد (متی ۴: ۷؛ لوقا ۴: ۱۲؛ و نیز ۱ قرنتیان ۱۰: ۹ را ببینید).
د. این واژه در رابطه با وسوسه و آزمایشهای ایمانداران استفاده می‌شود (۱ قرنتیان ۷: ۵؛ ۱۰: ۹، ۱۳؛ غلاطیان ۶: ۱؛ ۱ تسالونیکیان ۳: ۵؛ عبرانیان ۲: ۱۸؛ یعقوب ۱: ۲، ۱۳، ۱۴، ۱ پطرس ۴: ۱۲؛ ۲ پطرس ۲: ۹).

◆**"تباهی و نابودی"** این مفهوم بارها در عهد جدید بکار رفته است (متی ۷: ۱۳؛ رومیان ۹: ۲۲؛ فیلیپیان ۱: ۲۸؛ ۳: ۱۹؛ ۲ تسالونیکیان ۲: ۳؛ ۲ پطرس ۲: ۱؛ ۳: ۷؛ مکاشفه ۱۷: ۱۱-۸). این استعاره‌ای است برای توقف خشونت‌آمیز حیات جسمانی.
این واژه ربطی به مفهوم الهیاتی نابودی ندارد (برای بحثی متقاعدکننده در مورد نابودی به اثر فیوج، تحت عنوان *آتشی که نابود می‌کند* مراجعه کنید)، که تاکید می‌کند گمشدگان روحانی نه از جدایی بلکه از فقدان وجود رنج می‌برند. آنها از این تفسیری لغوی دارند. تاکید بر این است که این بیشتر به معنای "شفقت" خداست تا جهنم ابدی. با اینحال، درست همان واژه‌ای که بهشت ابدی را در متی ۲۵: ۴۶ توصیف می‌کند، جهنم ابدی را هم وصف می‌کند.

۶: ۱۰ "زیرا پولدوستی ریشه‌ای است که همه‌گونه بدی از آن به‌بار می‌آید" این ممکن است مثل شناخته شده‌ای بوده باشد. مشکل پول نیست؛ پولدوستی است که مشکل‌ساز است! در اصل یونانی در کنار "ریشه" حرف تعریف معین وجود ندارد، که نشان می‌دهد این یکی از مشکلات متعدد است (۲ تیموتائوس ۲: ۲۶-۲۵؛ ۳: ۵-۲، ۹-۷). پول ابزار است، نه هدف.

◆**"بعضی در آرزوی ثروت، از ایمان منحرف گشته"** آیا در اینجا منظور از "ایمان" نجات است یا زندگی توام با دینداری؟ در این زمینه متنی معلمین دروغین از ایمان خارج شده و تلاش می‌کنند دیگران را نیز تحت تاثیر قرار دهند (مرقس ۱۳: ۲۲).
طمع و بهره‌برداری مالی (بهمراه سوءاستفاده جنسی، و ادعای داشتن دانش یا معرفت خاص) ویژگی همیشگی معلمین دروغین است. اگر پول هدف غایی شود، خدای شخص می‌گردد. "ثروت" در متی ۶: ۲۴ در ان آر اس بی سرمایه‌داری ترجمه می‌شود زیرا ظاهرا منعکس‌کننده عنوان الهه پولس در سوریه بود. پولدوستی ممکن است به بت‌پرستی تبدیل شود. می‌تواند در حیات این دنیا و دنیای آینده نتایج فاجعه‌آمیز ببار آورد (۴: ۱؛ ۵: ۸؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۲۶-۲۵؛ تیطوس ۱: ۱۶).
تمیز دادن تفاوت بین معلم دروغین گمراه و ایماندار ساده‌لوح دشوار است. اغلب مانند هم بنظر می‌رسند، و فکر و عمل می‌کنند. تنها خدا از دلها آگاه است. او تصمیم نهایی را می‌گیرد. کلمات عیسی در متی ۷ ("از طریق ثمراتشان آنها را خواهی شناخت") و ۱۳ ("مثل زمینها") برای نظامهای الهیاتی خاطرجمع ما مضطرب‌کننده هستند.

متن ان آ بی اس (بروز شده): ۶: ۱۱-۱۶
[11] امّا تو ای مرد خدا، از اینها همه بگریز، و در پی پارسایی و دینداری و ایمان و محبت و پایداری و ملایمت باش. [12] در نبرد نیکوی ایمان پیکار کن و به‌دست آور آن حیات جاویدان را که بدان فرا خوانده شدی، آن هنگام که در برابر شهود بسیار، اعتراف نیکو را کردی. [13] در برابر خدایی که به همه چیز زندگی می‌بخشد، و در حضور مسیح عیسی که در شهادت خود نزد پُنتیوس پیلاتُس اعتراف نیکو را کرد، تو را سفارش می‌کنم [14] که این حکم را تا زمان ظهور خداوندمان عیسی مسیح، بی‌لکه و به‌دور از ملامت نگاه داری، [15] که خدا این را در وقت خود به انجام خواهد رسانید، همان خدای متبارک که حاکم یکتا و شاه شاهان و ربِ ارباب است. [16] او را که تنها وجود فناناپذیر است و در نوری سکونت دارد که نتوان به آن نزدیک شد، او را که هیچ‌کس ندیده و نتواند دید، تا ابد حرمت و توانایی باد. آمین.

۶: ۱۱ "از اینها همه بگریز" به تیموتائوس امر شده (فرم امری معلوم زمان حال، ۲ تیموتائوس) که از چیزهای مورد بحث در آیات ۱۰-۳ بگریزد. این در مقایسه با مواردی است که می‌بایست موعظه کند و تعلیم دهد (آیه ۲)، که در ۵: ۱- ۶: ۲ فهرست شده‌اند. مسیحیت شامل انتخاب اولیه و نیز انتخابهای متعاقب دائمی است.



ان آ اس بی، ان آر اس وی، تی ای وی	**"تو ای مرد خدا"**
ان کی ج وی	**"ای مرد خدا"**
ان ج بی	**"به عنوان کسی که خود را وقف خدا کرده"**

این عنوانی افتخارآمیز در عهد عتیق بود که برای موسی، ایلیا، الیاس، سموئیل و داود بکار رفت. در ۲ تیموتائوس ۳: ۱۶، ۱۷ برای همه ایماندارانی بکار می‌رود که به کلام خدا مجهزند. معلمین دروغین مردان خدا یا مجهز به کلام خدا نیستند.

◆**"در پی ... باش"** این نیز فعل امری معلوم زمان حال است، برای حکم در حال انجام. فعل امری اول ("بگریز") منفی، و فعل امری دوم ("در پی ... باش) مثبت است. هر دو برای تعلیم درست و پارسایی شخصی اهمیت حیاتی دارند.

◆**"پارسایی"** منظور از این باید زندگی مقدس باشد (یعقوب ۳: ۱۸-۱۳)، نه پارسایی کسب شده (قانونی) مانند آنچه در رومیان آمده (باب ۴). مبحث ویژه تیطوس ۲: ۱۳ را ببینید. رومیان ۸-۱ (خلاصه اصول اعتقادی) از موقعیت ما در مسیح می‌گوید (یعنی عادل‌شمردگی). رسالات شبانی (رسالات بر ضد تعالیم غلط) از مالکیت دارایی‌مان صحبت می‌کند (یعنی تقدیس). به مبحث ویژه: پارساشمردگی در تیطوس ۲: ۱۲ مراجعه کنید. این فهرست ویژگیهای مسیح‌گونه درست برعکس سبک زندگی معلمین دروغین است. آنها را از ثمراتشان خواهید شناخت (متی ۷).

◆**"دینداری"** این موضوعی است که مرتبا تکرار می‌شود (۳: ۱۰؛ ۴: ۸-۷؛ ۶: ۳، ۶-۵؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۵). زندگی ابدی ویژگیهای دارد که باید رعایت شوند. شناختن خدا لازمه‌اش (اشتیاق برای) مانند خدا بودن است (متی ۵: ۴۸).



ان آ اس بی، ان ج بی	**"پایداری"**
ان کی ج وی	**"صبر"**
ان آر اس وی، تی ای وی	**"تحمل"**

کلمه یونانی *هوپومون* ترجمه‌های ممکن متعددی دارد. در کتاب *واژه‌نامه یونانی-انگلیسی عهد جدید*، اثر باور، آرندت، جینگریچ و دانکر می‌گویند این کلمه به تحمل رنج و سختی اشاره دارد (صفحه ۸۴۶). تیموتائوس لازم بود با تحملی مداوم با (۱) مشکلات؛ (۲) کسانی که سبب مشکلات می‌شدند؛ و (۳) کسانی که تحت تاثیر مشکلات قرار داشتند، مواجه شود. مبحث ویژه در ۴: ۱۶ را ببینید.

◆**"ملایمت"** تیموتائوس نه تنها لازم بود تحمل و بردباری داشته باشد، بلکه می‌بایست وفادار، بامحبت و آرام نیز باشد (۳:۳؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۲۵؛ تیطوس ۳: ۳؛ غلاطیان ۶: ۱؛ یعقوب ۱: ۲۱؛ ۳: ۱۳؛ ۱۷؛ ۱ پطرس ۲: ۱۸؛ ۳: ۴).

۶: ۱۲ "در نبرد نیکوی ایمان پیکار کن" این فعل امری دوم شخص زمان حال است. در اینجا برای تاکید بر استعاره (پولس "جنگیدن نبرد نیکو" را نیز بکار می‌برد، ۲ تیموتائوس ۴: ۷) ورزشی فعل و اسم همریشه با هم بکار رفته‌اند (۱: ۱۸؛ عبری ۱۲: ۳-۱ یا نظامی، افسس ۶: ۱۸-۱۰). کلمه انگلیسی "اَگِنی" از این استعاره ورزشی گرفته شده است.

◆**"و به‌دست آور آن حیات جاویدان را"** این یک فرم دوم شخص امری خبری است (آیه ۱۹). استعاره‌ای است برای ورزشکار برنده‌ای که مدال یا تاج را از آن خود می‌کند. این نشانگر نیاز انسان به عکس‌العمل اولیه (آیه ۱۲) و مداومت در پاسخگویی در ایمان است، چنانکه عبارت بعدی قدرت نگهدارنده خدا را نشان می‌دهد (آیه ۱۲). اینها جنبه‌های میثاقی حقیقی و معتبرنجات هستند؛ متناقضند، اما حقیقی! زندگی ابدی راهی است برای اشاره به غایت امید انجیل (یعنی جلال یافتن، رومیان ۸: ۳۰).

◆**"که بدان فرا خوانده شدی"** این تاکید دارد بر اینکه قدرت نگهدارنده و گزینشی خدا (۱ قرنتیان ۱: ۹) باید با همراهی ایمان روزانه ترکیب شود. تقدیر و مداومت به عنوان دو روی یک سکه باید با هم نگاه داشته شوند.

مبحث ویژه: گزینش/تقدیر و نیاز به الهیاتی متعادل

گزینش اصل عقیدتی فوق‌العاده‌ای است. با اینحال، نباید استثناء قائل شدن در نظر گرفته شود، بلکه دعوتی است برای مجرا،

ابزار یا وسیله‌ای بودن جهت نجات دیگران! در عهد عتیق این واژه ابتدائا برای خدمت بکار می‌رفت، در عهد جدید ابتدائا برای نجاتی که خدمت بدنبال دارد استفاده می‌شود. کتاب‌مقدس هرگز تناقض ظاهری بین حاکمیت خدا و اراده آزاد انسان را برطرف نمی‌کند، بلکه بر هر دوی آنها تاکید دارد! نمونه خوبی از کشمکش کتاب‌مقدسی رومیان ۹ در مورد انتخاب حاکمانه خدا و رومیان ۱۰ در مورد پاسخ ضروری انسان است (۱۰: ۱۱، ۱۳).
کلید این کشمکش الهیاتی را شاید بتوان در افسسیان ۱: ۴ یافت. عیسی انسان برگزیده خداست و همه در او بالقوه برگزیده هستند (کارل بارت). عیسی "بله" خداست به نیاز انسان سقوط کرده (کارل بارت). افسسیان ۱: ۴ همچنین تاکید می‌کند که مقصد تقدیر تقدس (شباهت به مسیح) است و نه بهشت، و از این طریق به روشن شدن موضوع کمک می‌کند. ما اغلب مجذوب منافع انجیل می‌شویم و مسئولیتها را نادیده می‌گیریم! دعوت خدا (گزینش) هم برای این زمان است و هم برای ابدیت!
اصول عقیدتی در ارتباط با سایر حقایق می‌آیند، نه به تنهایی، به عنوان حقایق غیر مرتبط. قیاس خوبی در این زمینه قیاس مجموعه ستاره‌ها با یک ستاره تنهاست. خداوند حقیقت را در سبک ادبی شرقی ارائه می‌دهد نه غربی. ما نباید کشمکش ایجاد شده در اثر زوجهای منطقی (متناقض) حقایق اعتقادی را حذف کنیم (خدا به عنوان غایت، در مقابل خدا به عنوان نافذ در همه چیز؛ امنیت در مقابل مداومت؛ عیسی به عنوان همشان با أدر در مقابل عیسی به عنوان خادم مادون پدر؛ آزادی مسیحی در مقابل مسئولیت مسیحی نسبت به طرف دیگر عهد، و غیره).
مفهوم الهیاتی "عهد" حاکمیت خدا (که همیشه پیشگام می‌شود و برنامه‌ریزی می‌کند) را با الزام اولیه و پاسخ از روی ایمان و توبه مداوم از سوی انسان پیوند می‌دهد (مرقس ۱: ۱۵؛ اعمال ۳: ۱۶، ۱۹؛ ۲۰: ۲۱). مراقب باشید تکیه بر بخشی خاص از کتاب باعث نشود تنها یک جنبه از قیاس را دیده و از جنبه دیگر غافل شوید! مراقب باشید تنها بر عقاید یا سیستم الهیاتی مورد علاقه خود تاکید نکنید!

◆ **"اعتراف نیکو را کردی"** این واژه یونانی *هومولوگچ* است که از اقرار یا اعتراف عمومی سخن می‌گوید (۱ یوحنا ۱: ۹). به نظر می‌رسد این اشاره دارد به تعمید تیموتائوس به عنوان اعتراف عمومی ایمانش. ایمانداران اولیه فرمول "عیسی خداوند است" را (رومیان ۱۰؛ ۱۳-۹) به عنوان اعتراف شخصی و عمومی خود به عیسی تکرار می‌کردند. این عبارت کوتاه اشاره ضمنی دارد به انسان بودن، الوهیت، کفاره و تجلیلش (فیلیپیان ۲: ۱۱-۶).

مبحث ویژه: اعتراف

الف: دو فرم از یک ریشه یونانی وجود دارد که برای اعتراف یا اقرار بکار می‌روند، *هومولگچ* و *اگزومولوگچ*. اولی فرم ترکیبی است با همو، به معنای همانند، و *لگچ*، به معنای سخن گفتن. معنای اولیه آن گفتن یک چیز است، یا موافقت کردن است.

ب. ترجمه این کلمه گروهی
۱. ستایش
۲. توافق
۳. اعلان
۴. اقرار
۵. اعتراف

ج. این کلمه گروهی دو کاربرد ظاهرا متضاد داشت
۱. ستایش کردن (خدا)
۲. به گرده گرفتن گناه

این ممکن است ریشه در درک انسانی از تقدس خدا و گناهکار بودن خودش داشته باشد. پذیرش یکی از اینها منجر به پذیرش دیگری می‌شود.

د. کاربرد عهدجدید این کلمه گروهی
۱. برای قول دادن (متی ۱۴: ۷؛ اعمال ۷: ۱۷)
۲. برای توافق یا رضایت نسبت به چیزی (یوحنا ۱: ۲۰؛ لوقا ۲۲: ۶؛ اعمال ۲۴: ۱۴؛ عبرانیان ۱۱: ۱۳)
۳. برای ستایش (متی ۱۱: ۲۵؛ لوقا ۱۰: ۲۱؛ رومیان ۱۴: ۱۱؛ ۱۵: ۹)
۴. برای موافقت با
الف. یک شخص (متی ۱۰: ۳۲؛ لوقا ۱۲: ۸؛ یوحنا ۹: ۲۲؛ ۱۲: ۴۲؛ رومیان ۱۰: ۹؛ فیلیپیان ۲: ۱۱؛ مکاشفه ۳: ۵)
ب. یک حقیقت (اعمال ۲۳: ۸؛ ۲ قرنتیان ۱۱: ۱۳؛ ۱ یوحنا ۴: ۲)
۵. برای اعلانی عمومی (جنبه حقوقی به تاکید الهیاتی تبدیل شد، اعمال ۲۴: ۱۴؛ ۱ تیموتائوس ۶: ۱۳)
الف. بدون قبول تقصیر (۱ تیموتائوس ۶: ۱۲؛ عبرانیان ۱۰: ۲۳)
ب. با قبول تقصیر (متی ۳: ۶؛ اعمال ۱۹: ۱۸؛ عبرانیان ۴: ۱۴؛ یعقوب ۵: ۱۶؛ ۱ یوحنا ۱: ۹)

◆**"در برابر شهود بسیار"** این اشاره دارد به (۱) انتصاب تیموتائوس (۵: ۱۴؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۶)؛ (۲) اعتراف عمومی‌اش در حضور کلیسای محلی (اعمال ۱۶: ۲-۱)؛ یا (۳) تعمیدش.

۶: ۱۳ "در برابر خدا . . . تو را سفارش می‌کنم" آیات ۱۶-۱۳ در یونانی یک جمله هستند. از آنجایی که تیموتائوس در حضور همه به ایمان به مسیح اعتراف کرد (متی ۱۰: ۳۳-۳۲)، حال پولس در برابر خدا به او سفارش می‌کند (۵: ۲۱؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۱).

پولس در رسالات شبانی اغلب به تیموتائوس سفارش یا امر می‌کند. گاهی اینها به مواردی اشاره دارد که تیموتائوس باید انجام دهد (۱: ۳، ۱۸؛ ۴: ۱۱؛ ۵: ۲۱؛ ۶: ۱۳؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۱) و برخی مواقع به چیزهایی که باید به دیگران بگوید (۵: ۷، ۲۱؛ ۶: ۱۷؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۱۴).

◆**"که به همه چیز زندگی می‌بخشد"** خدا سرچشمه و ابتدای همه زندگی است (آیه ۱۶؛ ۱: ۱۷؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۱۰). جدای از او حیات وجود ندارد. عنوان عهد عتیقی یهوه، از فعل عبری "بودن" (خروج ۳: ۱۴)، بازی با کلمات درست برای بیان این مفهوم است. خدا تنها کسی است که می‌تواند حیات جسمانی و ابدی عطا کند و آنرا حفظ نماید.

این واژه دارای مفاهیم ضمنی (۱) بخشیدن حیات (۱ سموئیل ۲: ۶؛ ۱ تیموتائوس ۶: ۱۳) و (۲) بقای حیات (داوران ۸: ۱۹؛ ۱ سموئیل ۲۷: ۹، ۱۱؛ ۱ پادشاهان ۲۱: ۳۱؛ لوقا ۱۷: ۳۳؛ اعمال ۷: ۱۹) است. یهوه هر دو را از طریق مسیح انجام می‌دهد.

◆**"و در حضور مسیحْ عیسی که در شهادت خود نزد پُنتیوس پیلاتُس اعتراف نیکو را کرد"** عیسی "شاهد امین" خوانده می‌شود (مکاشفه ۱: ۵؛ ۳: ۱۴). واژه "نزد" (*انچیپون*) این معانی را می‌تواند داشته باشد (۱)"جلوی" یا (۲) "در زمان". بنابراین ممکن است این اشاره داشته باشد به شهادت عیسی در تمام طول زندگیش یا اختصاصا به محاکمه‌اش (متی ۲۷: ۲؛ یوحنا ۱۸: ۳۷).

۶: ۱۴ "که این حکم را . . . بی‌لکه و به‌دور از ملامت نگاه داری" این ممکن است به آیات ۱۱ و ۱۲ اشاره داشته باشد. بر خلاف معلمین دروغین، تیموتائوس می‌بایست در اطاعت و پاکی زندگی کند. مبحث ویژه ۳: ۲ را ببینید.

◆**"تا زمان ظهور"** در ۲ تیموتائوس ۱: ۱۰ و تیطوس ۲: ۱۱ این واژه (*اپی‌فانیا*) برای آمدن اول عیسی بکار می‌رود، اما در اینجا و در ۲ تسالونیکیان ۲: ۸؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۱، ۸؛ تیطوس ۲: ۱۳ برای آمدن ثانویه‌اش استفاده می‌گردد. آمدن ثانویه همیشه انگیزه قوی‌تری برای زیستن مطابق با ارزشهای مسیحی بوده است.

۶: ۱۵ "که خدا این را در وقت خود به انجام خواهد رسانید" همین عبارت در ۲: ۶ و تیطوس ۱: ۳ درباره آمدن اولیه مسیح بکار رفته است. "او" توصیفگر معرفت و کنترل خدای پدر بر آمده اولیه و ثانویه مسیح است (متی ۲۴: ۳۶؛ اعمال ۱: ۷).

◆**"همان خدای متبارک که حاکم یکتا و شاه شاهان و ربِ ارباب است"** این دعا مشابه ۱: ۱۷ است. این عبارات توصیفی ابتدائا و در زمینه متنی به خدای پدر اشاره دارند:

۱. "متبارک" (۱: ۱)
۲. "حاکم یکتا" (۱: ۱۷؛ جامعه ۴۶: ۵)
۳. "رب ارباب" (تثنیه ۱۰: ۱۷؛ مزمور ۱۳۶: ۳)

عنوان "شاه شاهان" همراستاست با "رب ارباب" و در مکاشفه ۱۷: ۱۴؛ ۱۹: ۱۶ برای عیسی بکار می‌رود. در اصل به پادشاهان مقدونیه اشاره دارد، اما در زمان بین‌العهدین یهودیها آن را برای اشاره به یهوه بکار می‌بردند.

۶: ۱۶ "که تنها وجود فناناپذیر است" این واژه "مرگ" است به همراه با الف سلبی (۱ قرنتیان ۱۵: ۵۴-۵۳). ظاهرا این معنای اولیه عنوان عهد عتیقی "یهوه" است، زنده ابدی، و تنها زنده (خروج ۳: ۱۶-۱۴). به استنباط توحیدی دقت کنید، "که تنها او مالک است"**!** یهوه سرچشمه و ابتدای زندگی است و غیر از کسی نیست**!** یادداشت ۲: ۵ را ببینید.

◆**"و در نوری سکونت دارد که نتوان به آن نزدیک شد"** علمای یهود "ابر جلال" را *شکینا* می‌نامیدند، که از واژه یونانی "سکونت" می‌آید (با مفهوم ضمنی "سکونت دایمی با"، خروج ۲۴: ۱۷؛ ۲۳: ۲۰).

◆**"او را که هیچ‌کس ندیده و نتواند دید"** در عهد عتیق قدوسیت خدا چنان مهیب بود که هیچ انسان گناهکاری نمی‌توانست خدا را ببیند و زنده بماند (پیدایش ۱۶: ۱۳؛ ۳۲: ۳۰؛ خروج ۲۰: ۱۹؛ ۳۳: ۲۰-۱۸؛ داوران ۶: ۲۳-۲۲؛ ۱۳: ۲۲؛ اشعیاء ۶: ۵؛



یوحنا ۶: ۴۶؛ ۱ یوحنا ۴: ۱۲). در عهد جدید ایمانداران او را که براستی در عیسی مکشوف شد دیده‌اند)۱ یوحنا ۱: ۱۸؛ ۶: ۴۶) و یک روز نیز شخصا خواهند دید (متی ۵: ۸؛ عبرانیان ۱۲: ۱۴؛ مکاشفه ۲۲: ۴۰).

"او را . . . تا ابد حرمت و توانایی باد" پولس اغلب یکباره شروع به ستایش خدای پدر می‌کند (۱: ۱۷). پسر ابزار پدر برای آفرینش، مکاشفه مکاشفه، نجات، و داوری است. با اینحال، پادشاهی ابدی از طریق پسر به پدر تعلق دارد (دانیال ۷: ۱۳؛ ۱ قرنتیان ۱۵: ۲۸-۲۵).

◆ **"آمین"** این اصطلاحی عبری برای تایید است.

مبحث ویژه: آمین

۱. عهد عتیق

الف. کلمه "آمین" از واژه عبری برای حقیقت (*اِمِث*) یا راستی (*اِمون، اِمونا*) و ایمان یا امین بودن می‌آید.

ب. ریشه لغوی آن از وضعیت جسمانی پایدار شخص است. متضاد آن کسی است که ناپایدار و لغزان است (تثنیه ۲۸: ۶۷-۶۴؛ ۳۸: ۱۶؛ مزمور ۴۰: ۲؛ ۷۳: ۱۸؛ ارمیاء ۲۳؛ ۱۲) یا تلوتلو می‌خورد (مزمور ۷۳: ۲). از این کاربردهای لغوی بسطهای استعاره‌ای امین، قابل اعتماد، وفادار و قابل اتکا توسعه یافتند (پیدایش ۱۵: ۱۶؛ عبرانیان ۲: ۴).

ج. کاربردهای خاص

۱. یک ستون، ۲ پادشاهان ۱۸: ۱۶ (۱ تیموتائوس ۳: ۱۵)

۲. اطمینان، خروج ۱۷: ۲

۳. استواری، خروج ۱۷: ۲

۴. ثبات، اشعیاء ۳۳: ۶: ۳۴: ۷-۵

۵. راست، ۱ پادشاهان ۱۰: ۶؛ ۱۷: ۲۴؛ ۲۲: ۱۶؛ امثال ۱۲: ۲۲

۶. محکم، ۲ قرنتیان ۲۰: ۲۰؛ اشعیاء ۷: ۹

۷. قابل اتکا (تورات)، مزمور ۱۱۹: ۴۳، ۱۴۲، ۱۵۱، ۱۶۸

د. در عهد عتیق دو واژه عبری دیگر برای ایمان فعال بکار می‌روند

۱. *باتاچ*، توکل

۲ *یرا*، ترس، احترام، پرستش (پیدایش ۲۲: ۱۲)

ه. از معنای توکل یا قابل اعتماد بودن کاربرد عبادتی بوجود آمد که برای تایید بیانیه در مورد راستی یا قابل اعتماد بودن دیگری بکار می‌رفت (تثنیه ۲۷: ۲۶-۱۵؛ نحمیاء ۸: ۶؛ مزمور ۴۱: ۱۳؛ ۷۰: ۱۹؛ ۸۹: ۵۲؛ ۱۰۶: ۴۸).

و. کلید الهیاتی برای این واژه امین بودن انسان نیست، بلکه امین بودن یهوه است (خروج ۳۴: ۶؛ تثنیه ۳۲: ۴؛ مزامیر ۱۰۸: ۴؛ ۱۱۵: ۱؛ ۱۱۷: ۲؛ ۱۳۸: ۲). تنها امید انسانیت سقوط کرده پیمان وفاداری پر از رحمت و امانت یهوه و وعده‌های اوست.

کسانی که یهوه را می‌شناسند می‌بایست مانند او باشند (حبقوق ۲: ۴). کتاب‌مقدس داستان و حکایتی است از خدایی که تصویر خود را در انسان احیا می‌کند (پیدایش ۱: ۲۷-۲۶). نجات توان انسان برات داشتن رفاقت نزدیک با خدا را بازسازی می‌کند. به این دلیل است که ما خلق شدیم.

۲. عهد جدید

الف. کاربرد کلمه "آمین" به عنوان اختتام تایید آیینی قابل اعتماد بودن یک سخن در عهد جدید متداول است (۱ قرنتیان ۱۴: ۱۶؛ ۲ قرنتیان ۱: ۲۰؛ مکاشفه ۱: ۷؛ ۵: ۱۴؛ ۷: ۱۲).

ب. کاربرد واژه به عنوان اختتام دعا در عهد جدید متداول است (رومیان ۱: ۲۵؛ ۹: ۵؛ ۱۱: ۳۶؛ ۱۶؛ ۲۷؛ غلاطیان ۱: ۵؛ ۶: ۱۸؛ افسسیان ۳: ۲۱؛ فیلیپیان ۴: ۲۰؛ ۲ تسالونیکیان ۳: ۱۸؛ ۱ تیموتائوس ۱: ۱۷؛ ۶: ۱۶؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۱۸).

ج. عیسی تنها کسی است که این واژه را بکار می‌برد (اغلب دوبار در یوحنا) تا سخنان مهمی را آغاز کند (لوقا ۴: ۲۴؛ ۱۲: ۳۷؛ ۱۸: ۱۷، ۲۹: ۲۱: ۳۲؛ ۲۳: ۴۳)

د. در مکاشفه ۳: ۱۴ این واژه به صورت عنوان برای عیسی بکار می‌رود (احتمالا عنوانی برای یهوه از اشعیاء ۶۵: ۱۶).

ه. مفهوم امین بودن یا ایمان، قابل اتکا بودن یا توکل در یونانی با استفاده از واژه *پیستوس* یا *پیستیس* بیان می‌شود، که در انگلیسی توکل، ایمان و باور ترجمه می‌شود.

متن ان آ بی اس (بروز شده): ۶: ۱۷-۱۹
[۱۷] ثروتمندانِ این دنیا را حکم نما که متکبّر نباشند و بر مال ناپایدار دنیا امید مبندند. بلکه امیدشان بر خدا باشد که همه چیز را به فراوانی برای ما فراهم می‌سازد تا از آنها لذت ببریم. [18] آنان را امر کن که نیکویی کنند و در کارهای خیر دولتمند بوده، سخاوتمند و گشاده‌دست باشند. [19] بدین‌سان، گنجی برای خود خواهند اندوخت که پی استوار زندگی آیندۀ ایشان خواهد بود و آن حیات را که حیات واقعی است به‌دست خواهند آورد.

۶: ۱۹-۱۷ ممکن است این سوال پیش آید که آیا آیات ۱۹-۱۷ افکار بعدی بودند یا اینکه پولس اطلاعات بیشتری در مورد کلیساهای خانگی افسس بدست شورد. این امکان نیز وجود دارد که پولس مطابق معمول که نامه‌هایش را تمام می‌کرد خودش این آیات را نوشته باشد (۲ تسالونیکیان ۳: ۱۸-۱۷).

۶: ۱۷ "ثروتمندانِ این دنیا را حکم نما که متکبّر نباشند" همانطور که آیه ۹ در مورد اشتیاق شریرانه برای پول هشدار می‌دهد، آیه ۱۷ هم به کسانی که صاحب ثروت هستند هشدار می‌دهد که مبادا بجای مسیح ایمان خود را بر پول بگذارند (متی ۶: ۲۱-۱۹؛ ۱۳: ۲۲؛ ۱۹: ۳۰-۲۳؛ یعقوب ۱: ۱۱-۹؛ ۵: ۶-۱).

مبحث ویژه: این دوره و دوره آینده
انبیا عهد عتیق آینده را به عنوان دنباله حال می‌دیدند. برای آنها آینده احیای اسرائیل جغرافیایی است. با اینوجود، حتی آنها هم روز جدیدی را می‌دیدند (اشعیاء ۶۵: ۱۷؛ ۶۶: ۲۲). با توجه به رد ارادی و پیوسته یهوه توسط فرزندان ابراهیم (حتی بعد از تبعید) در ادبیات آخرتی بین‌العهدین یهودیان نوشته‌های جدیدی ظهور کرد (یعنی ۱ خنوخ، ۴ عزرا، ۲ باروخ). این نوشته‌ها با تمایز بین دو عهد آغاز می‌شوند: عهد شریرانه حاضر که شیطان بر آن احاطه دارد و عهد آینده پارسایی که توسط روح اداره و بوسیله مسیح برپا می‌شود (اغلب جنگجوی پویا).
در این قسمت از الهیات (آخرت‌شناسی) یک پیشرفت فاحش وجود دارد. الهیات‌دانان آن را "مکاشفه پیشرو" می‌نامند. عهد جدید وجود حقیقت جهانی نوین دو دوران را تایید می‌کند (یعنی یک دوگانگی موقت را):

عیسی	پولس	عبرانیان
متی ۱۲: ۳	رومیان ۱۲: ۲	۱: ۲
متی ۱۳: ۲۲ و ۲۹	۱ قرنتیان ۱: ۲۰، ۲: ۶، ۸؛ ۳: ۱۸	۶: ۵
	۲ قرنتیان ۴: ۴	۱۱: ۳
	غلاطیان ۱: ۴	
مرقس ۱۰: ۳۰	افسسیان ۱: ۲۱، ۲: ۱، ۷؛ ۶: ۱۲	
	۱ تیموتائوس ۶: ۱۷	
لوقا ۱۶: ۱۸	۲ تیموتائوس ۴: ۱۰	
لوقا ۱۸: ۳۰	تیطوس ۲: ۱۲	
لوقا ۲۰: ۳۵-۳۴		

در الهیات عهد جدید بدلیل پیش‌بینی‌های غیرمنتظره و نادیده‌گرفته شده در مورد آمدنهای دوگانه مسیح این دو دوره یهودی با هم همپوشانی کرده‌اند. تجسم مسیح نبوتهای عهد عتیق در مورد شروع دوره جدید را محقق کرد. با اینحال عهد عتیق آمدنش را به عنوان داور و فاتح در نظر داشت، اما او در ابتدا به عنوان خادم رنجور (اشعیا ۵۳)، فروتن و آرام (زکریا ۹: ۹) آمد. او چنان که عهد عتیق پیشگویی کرد با قدرت باز خواهد گشت (مکاشفه ۱۹). این تحقق دو مرحله‌ای سبب شد پادشاهی هم کنونی (آغاز شده)، و هم آینده (هنوز تکمیل نشده) باشد. این کشمکش عهد جدیدی بین از قبل، اما نه هنوز است!

◆**"و بر مال ناپایدار دنیا امید مبندند"** این فرم مصدری معلوم کامل است. گرایش انسانها به این است که به منابع خود تکیه کنند، نه منابع خدا (۴: ۱۰؛ ۵: ۵). برخی از درشتترین سخنان مسیح در رابطه با ثروت است (لوقا ۱۸: ۳۰-۱۸).

۶: ۱۸ "آنان را امر کن" خط مشی سگانه پولس برای آنان که دارایی دنیوی دارند از این قرار است: (۱) با کار نیک ادامه دهید (۵: ۱۰؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۲۱؛ ۳: ۱۷؛ تیطوس ۳: ۱، ۸، ۱۴)؛ (۲) آماده باشید که دارایی خود را با دیگران قسمت کنید؛ و (۳) سخاوتمند باشید (۲ قرنتیان ۹-۸).

۶: ۱۹ این آیه یادآور موعظه سر کوه عیسی است، بخصوص باب ۶ (لوقا ۱۲: ۱۵). در اینجا از در استعاره استفاده می‌شود: (۱) ذخیره کردن ثروتهای واقعی و (۲) ساختن زیربنای محکم و مطمئن. استفاده حکیمانه از ثروت هر دو را ممکن می‌کند**!** ایمانداران از طریق آنها زندگی واقعی را بدست می‌آورند (یعنی حیات ابدی، آیه ۱۲).

متن ان آ بی اس (بروز شده): ۶: ۲۰-۲۱
[20] ای تیموتائوس، امانتی را که به تو سپرده شده است، حفظ کن. از یاوه‌گویی‌های دنیوی و عقاید مخالفی که به‌غلط، معرفت نامیده می‌شود، دوری گزین؛ [21] برخی که ادعای برخورداری از آن داشته‌اند، از ایمان منحرف شده‌اند.
فیض با تو باد.

۶: ۲۱-۲۰ پولس ممکن است برای تایید اصالت رساله این آیات پایانی را با دست خود نوشته باشد (۲ تسالونیکیان ۳: ۱۸-۱۷).

۶: ۲۰ "امانتی را که به تو سپرده شده است، حفظ کن" فعل در اینجا امری معلوم خبری است. واژه "به امانت سپرده شده" با واژه بانکی "پیش‌پرداخت" که پولس آنرا در رسالات شبانی سه بار برای "انجیل" (۱: ۱) یا بدن مسیحیان حقیقی بکار برده (اعمال ۶: ۷؛ ۱۳: ۸؛ ۱۴: ۲۲؛ غلاطیان ۱: ۲۳؛ ۳: ۲۳؛ ۶: ۱۰؛ فیلیپیان ۱: ۲۷؛ یهودا آیه ۳، ۲۰) ربط دارد. ایمانداران محافظان انجیلند (۱ قرنتیان ۴: ۲-۱؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۱۲، ۱۴).

◆ **"از یاوه‌گویی‌های دنیوی و عقاید مخالفی که به‌غلط، معرفت نامیده می‌شود، دوری گزین"** "دوری گزیدن" اسم مفعول دوم شخص زمان حال است که بعنوان حالت امری بکار رفته است. ۱ تیموتائوس در وهله اول رساله‌ای در مورد بدعت است، نه سازماندهی کلیسا. خط ومشی‌های این کتاب مستقیما به مسایل ایجاد شده توسط معلمین دروغین مرتبط است، نه ضرورتا راهکارهای عمومی برای تمام کلیساها در تمام اعصار و مکانها.

◆**"معرفت"** معلمین دروغین در رسالات شبانی ترکیبی هستند از "قانونگرایان یهودی" و گنوستیکهای یونانی (بسیار شبیه معلمین دروغین در کولسیان و افسسیان). معرفت، معمولا معرفت سری یا خصوصا آشکار، ادعای این معلمین بود. این معلمین به نحوی حقیقت را از حیات جدا می‌کردند و نجات را به معرفت جدای از دینداری تبدیل می‌نمودند.

۶: ۲۱

ان آ اس بی،	**"برخی که ادعای برخورداری از آن داشته‌اند، از ایمان منحرف شده‌اند"**
ان کی ج وی	**"با ادعای برخورداری از آن ، برخی از ایمان منحرف شده‌اند"**
ان آر اس وی،	**"با ادعای برخورداری از آن ، برخی هدف را در رابطه با ایمان گم کرده‌اند"**
تی ای وی	**"برخی که ادعا کرده‌اند که از آن برخوردارند، و در نتیجه طریق ایمان را گم کرده‌اند"**
ان ج بی	**با قبول آن، برخی هدف ایمان را گم کرده‌اند"**

همین کلمات در ۱: ۶ برای توصیف معلمین دروغین بکار رفتند، به ۱: ۱۹؛ ۴: ۲-۱؛ ۵: ۱۵؛ ۶: ۱۰ نیز دقت کنید. در این کتاب هشدارهای جدی زیادی وجود دارد.
بیاد داشته باشید که مسیحیت (۱) پذیرش یک فرد است؛ (۲) ایمان داشتن به اصل عقیدتی است؛ و (۳) زیستن زندگی مرتب با آن است! اگر یکی از اینها حذف شده یا مورد تاکید قرار نگیرد، مشکلات جدی بوجود می‌آید (متی ۷: ۲۷-۲۱).

◆**"فیض با تو باد"** "تو" در اینجا جمع است. این نشان می‌دهد که نامه قرار بود در جمع خوانده شود. توجه کنید که پولس برای آنها فیض خدا و معرفت حقیقی را طلب می‌کند (آیه ۲۰)! همین فرم جمع در پایان همه رسالات شبانی دیده می‌شود (۲ تیموتائوس ۴: ۲۲؛ تیطوس ۳: ۱۵).

پرسشهای مربوط به بحث
آنچه در دست دارید تحقیق تفسیری است که نقش راهنمای مطالعه را ایفا می‌کند، به این معنای که شما شخصا مسئولیت تفسیر خود از کتاب‌مقدس را بر عهده دارید. ما همگی باید در نوری که داریم قدم برداریم. شما، کتاب‌مقدس و روح‌القدس مقدم بر تفسیر هستید. چنین نقشی را نباید به مفسر محول کنید.

پرسشهای مربوط به بحث نوشته شده‌اند تا به شما کمک کنند موضوعات عمده این بخش از کتاب را مرور کنید. قرار است آنها شما را وادار به تفکر کنند، نه اینکه حرف آخر را بزنند.

۱. چرا کلیسای مسیحی موضوع برده‌داری را مورد حمله قرار نداد؟ (بخشهای دیگر رسالات پولس که به مسئله برده‌ها می‌پردازد عبارتند از ۱ قرنتیان ۷: ۲۴-۲۱؛ غلاطیان ۳: ۲۸؛ افسسیان ۶: ۹-۵؛ کولسیان ۳: ۲۵-۲۲؛ فلیمون آیات ۱۶، ۱۷؛ تیطوس ۲: ۹؛ ۱ پطرس ۲: ۱۸).
۲. آیات ۱ و ۲ در مورد رابطه کارفرما/کارمند در عصر ما چه می‌گوید؟

۳. بدعت چیست؟
۴. تفاوت بین معلم دروغین و تفاوت در تفسیرها چیست؟
۵. آیا پول شر است؟
۶. الهیات معلمین دروغین را تا آنجا که می‌توانید توصیف کنید؟

تیطوس

مقدمه‌ای بر تیطوس

۱. خلاصه‌ای در مورد زمینه

الف) تیطوس بخشی از مجموعه رسالات پولس است که تحت عنوان "رسالات شبانی" شناخته می‌شوند. دلیل این مسئله این است که ۱ تیموتائوس، تیطوس و ۲ تیموتائوس به اندرزهای پولس به همکارانش در این موارد می‌پردازند (۱) طرز برخورد با معلمین دروغین، (۲) شیوه تثبیت رهبری در کلیساهای محلی، و (۳) تشویق دینداری. ترتیب زمانی این کتب از این قرار است: ۱ تیموتائوس و یا تیطوس و بعد از آن ۲ تیموتائوس. تیطوس به موضوعات می‌پردازد که در ۱ تیموتائوس مطرح می‌شوند. احتمال دارد تیطوس قبل از ۱ تیموتائوس نوشته شده باشد زیرا مقدمه آن طولانی و الهیات آن شبیه رومیان است.

ب) جابجایی‌های جغرافیایی پولس و این همکارانش با جابجایی‌های جغرافیایی پولس در اعمال رسولان جور در نمی‌آید. بنابراین بسیاری بر این باورند که این مدرکی است دال بر اینکه پولس از زندان آزاد شد و سفر بشارتی چهارمی را پیش گرفت.

ج) تاریخ این سفر بشارتی چهارم باید بین اوایل دهه ۶۰ بعد از میلاد تا سال ۶۸ میلادی باشد زیرا سر پولس در زمان زمامداری نرون از تن جدا شد و خود نرون در سال ۶۸ میلادی کشته شد (بسیاری از محققین معتقدند که پولس در زمان آزار و اذیت‌های سال ۶۵ میلادی کشته شد).

۲. شخص تیطوس

الف) تیطوس یکی از مورد اعتمادترین همکاران پولس بود. این امر از این واقعیت هویداست که پولس او را به قرنتس و کریت فرستاد که دردسرساز بودند.

ب) او کاملا غیریهودی بود (تیموتائوس تنها نیمی یونانی بود)، و در اثر موعظه پولس ایمان آورد. پولس از ختنه کردن وی امتناع کرد (غلاطیان ۲: ۳).

ج) نام او اغلب در رسالات پولس ذکر می‌شود (۲ قرنتیان ۲: ۱۳؛ ۷: ۱۵-۶؛ ۸: ۲۴-۶؛ ۱۲: ۱۸؛ غلاطیان ۲: ۱-۳؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۱۰) و بسیار جای تعجب است که لوقا در اعمال رسولان اسمی از او نمی‌برد. برخی تفاسیر تحقیقی نظر می‌دهند که وی از بستگان لوقا بود (احتمالا برادرش) و آوردن نامشان توسط لوقا از نظر فرهنگی نامناسب می‌بود یا اینکه (۲) تیطوس منبع اصلی اطلاعاتی لوقا در مورد زندگی و خدمت پولس بود و بنابراین، مانند لوقا نامش ذکر نمی‌شود.

د) او در تمام شوراهای مهم اورشلیم که در اعمال رسولان باب ۱۵ ثبت شده پولس و برناباس را همراهی کرد. در این شوراها موضوع موقعیت نوایمانان غیریهودی در رابطه با شریعت موسی مورد بحث قرار گرفت و حل و فصل شد.

ه) این کتاب بر نصایح پولس به تیطوس در رابطه با خدمتش در کریت متمرکز است. تیطوس نقش نماینده تام‌الاختیار یا سفیر پولس را بر عهده دارد.

و) آخرین اطلاعات عهدجدید در مورد تیطوس این است که وی برای خدمت به دلماتیه فرستاده شد (۲ تیموتائوس ۴: ۱۰).

۳. معلمین دروغین

الف) واضح است که در کریت گروهی از معلمین دروغین وجود دارند که با بشارت پولس مخالفت می‌کنند.

ب) تعالیم الهیاتی آنها مردم را به سبک زندگی سوق داد که مغایر بود با دینداری که از همه ایمانداران انتظار می‌رود.

۱. مراجع مربوط به دینداری: ۱: ۱، ۱۶؛ ۲: ۷، ۱۴؛ ۳: ۱، ۸، ۱۴

۲. خلاصه ویژگی‌های شخصیتی ۲: ۱۴-۱۱؛ ۳: ۷-۴

ج) در این تعلیم دروغین تاثیر یهودیت مشهود است (۱: ۱۰، ۱۴؛ ۳: ۹-۸). این بدعتها ترکیبی هستند از شریعتگرایی یهودی و اندیشه متفکرانه یونانی (گنوستیزیم، مبحث ویژه ۱: ۱ را ببینید). اینها مشابه هستند با معلمین دروغین مورد اشاره در ۱ تیموتائوس، کولسیان، و افسسیان. تمرکز رسالات شبانی بر بدعت است، و نه منحصرا سازماندهی کلیسا.

دایره قرایت یک (به صفحه ix مراجعه کنید)

آنچه در دست دارید تحقیق تفسیری است که نقش راهنمای مطالعه را ایفا می‌کند، به این معنای که شما شخصا مسئولیت تفسیر خود از کتاب‌مقدس را بر عهده دارید. ما همگی باید در نوری که داریم قدم برداریم. شما، کتاب‌مقدس و روح‌القدس مقدم بر تفسیر هستید. چنین نقشی را نباید به مفسر محول کنید.

کتاب مورد نظر از کتاب‌مقدس را یک دور کامل و یکجا بخوانید. موضوع کلی کتاب را به کلمات شخصی خود بیان کنید.

۱) موضوع کلی کتاب

۲) نوع ادبیات (ژانره)

دایره قرایت دو (از "راهنمای قرایت صحیح کتاب‌مقدس" صفحه ix)

آنچه در دست دارید تحقیق تفسیری است که نقش راهنمای مطالعه را ایفا می‌کند، به این معنای که شما شخصا مسئولیت تفسیرتان از کتاب‌مقدس را بر عهده دارید. ما همگی باید در نوری که داریم قدم برداریم. شما، کتاب‌مقدس و روح‌القدس مقدم بر تفسیر هستید. چنین نقشی را نباید به مفسر محول کنید.

کتاب مورد نظر از کتاب‌مقدس را یک دور کامل دیگر و یکجا بخوانید. طرح کلی موضوعات اصلی را ترسیم و هر موضوع را در یک جمله بیان کنید.

۱. موضوع واحد ادبی اول

۲. موضوع واحد ادبی دوم

۳. موضوع واحد ادبی سوم

۴. موضوع واحد ادبی چهارم

۵. و الی آخر

تیطوس ۱

تقسیم‌بندی پاراگرافها در ترجمه‌های جدید

ان ج بی	تی ای وی	ان آر اس وی	ان ک ج وی	یو بی اس
مخاطب	مقدمه	سلام و تعارف	سلام	سلام و تعارف
۱: ۱-۴	۱: ۳-۱	۱: ۳-۱	۱: ۱-۳	۱: ۱-۴
	۱: ۴ الف	۱: ۴ الف	۱: ۴ الف	
	۱: ۴ ب	۱: ۴ ب	۱: ۴ ب	
انتساب مشایخ	کار تیطوس در کریت	شیوه اداره امور	مشایخ دارای صلاحیت	کار تیطوس در کریت
۱: ۹-۵	۱: ۹-۵	۱: ۹-۵	۱: ۹-۵	۱: ۹-۵
مخالفت با معلمین دروغین			وظیفه مشایخ	
۱: ۱۴-۱۲	۱: ۱۶-۱۲	۱: ۱۶-۱۲	۱: ۱۰-۱۶	۱: ۱۰- ۱۲الف
				۱: ۱۲ب ۱۶-
۱: ۱۵-۱۶				

دایره قرایت سه (از "راهنمای قرایت صحیح کتاب‌مقدس" صفحه ix)

تبعیت از انگیزه نویسنده اولیه در سطح پاراگراف

آنچه در دست دارید تحقیق تفسیری است که نقش راهنمای مطالعه را ایفا می‌کند، به این معنای که شما شخصا مسئولیت تفسیرتان از کتاب‌مقدس را بر عهده دارید. ما همگی باید در نوری که داریم قدم برداریم. شما، کتاب‌مقدس و روح‌القدس مقدم بر تفسیر هستید. چنین نقشی را نباید به مفسر محول کنید.

باب مورد نظر را یکجا بخوانید. موضوعات را شناسایی کنید. تقسیم‌بندی موضوعی خود را با تقسیم‌بندی پنج ترجمه امروزی مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی الهامی نیست، اما کلیدی است برای دنبال کردن انگیزه مولف اولیه، که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. و الی آخر

گرچه پاراگراف‌بندیها الهامی نیستند، ولی کلیدی هستند برای درک و دنبال کردن انگیزه مولف اولیه، که قلب تفسیر است. همه ترجمه‌های جدید پاراگرافها را تقسیم‌بندی و خلاصه کرده‌اند. هر پاراگراف شامل یک موضوع، حقیقت تا تفکر مرکزی است. هر نسخه آن موضوع را بر اساس روش منتخب خود جمع‌بندی می‌کند. وقتی که متن را می‌خوانید از خود بپرسید کدام ترجمه با درک شما از موضوع و تقسیم‌بندی آیات سازگارتر است.

در هر باب باید ابتدا کتاب‌مقدس را بخوانیم و سعی کنیم موضوعات (پاراگرافهای) آن را شناسایی کنیم، سپس برداشت خود را با ترجمه‌های امروزی مقایسه کنیم. تنها زمانی می‌توانیم کتاب‌مقدس را بدرستی بفهمیم، که انگیزه مولف اولیه را از طریق دنبال کردن منطق و طرز ارائه‌اش است درک کنیم. فقط مولف نخستین تحت الهام بود- خوانندگان حق تغییر یا تعدیل پیام را ندارند. خوانندگان موظفند حقیقت الهامی را در دوره و زندگی خود بکار برند.

توجه داشته باشید که تمامی واژه‌های تخصصی و مخفف‌ها در ضمیمه‌های ۱، ۲ و ۳ بطور کامل توضیح داده خواهند شد.

مطالعه لغت و عبارت

متن ان آ بی اس (بروز شده): ۱: ۱-۳
[۱] از پولس، خادم خدا و رسول عیسی مسیح، در خدمتِ ایمانِ برگزیدگانِ خدا و شناخت آن حقیقت که موجد دینداری است، [2] و به امید حیات جاویدان که خدای منزّه از هر دروغ از ایام ازلَ بدان وعدِه فرمود [3] و کلام خود را در زمان مناسب آشکار ساخت، به‌واسطهٔ موعظه‌ای که به حکم نجات‌دهندهٔ ما خدا به من سپرده شد،

۱: ۱ "پولس" معنی این واژه یونانی "کوچک" است. پرسش این است که آیا پولس خود این نام را برای خود برگزید یا والدینش این نام بر او نهادند. پولس خود را کوچکترین مقدسین می‌دانست زیرا روزگاری کلیسا را مورد جفا قرار داد (اعمال ۷: ۵۸؛ ۸: ۱؛ ۹: ۱-۲؛ ۲۲: ۴، ۲۰-۱۹؛ ۲۶: ۱۱-۱۰؛ ۱ قرنتیان ۱۵: ۹؛ افسسیان ۳: ۸؛ ۱ تیموتائوس ۱: ۱۵). با اینحال، در این دوره به اغلب یهودیان مهاجر (که خارج از فلسطین زندگی می‌کردند) در هنگام تولد دو نام داده می‌شد، یکی یهودی و دیگری یونانی.

◆**"خادم خدا"** این عنوانی افتخارآمیز بود که در عهد عتیق برای رهبران بکار میرفت (تثنیه ۳۴: ۵؛ یوشع ۱: ۲-۱؛ ۲۴: ۲۹؛ ۲ سموئیل ۷: ۵؛ مزامیر ۸۹: ۳؛ ۱۰۵: ۴۲؛ دانیال ۶: ۲۰؛ ۹: ۱۱). پولس معمولا از عبارت "خادم مسیح" استفاده می‌کند (رومیان ۱: ۱؛ غلاطیان ۱: ۱۰؛ فیلیپیان ۱: ۱). با اینوجود، در اینجا او "خادم خدا" بود. شاید این اشاره به این نکته داشته باشد که معلمین دروغین به شکلی با یهودیت مرتبط بودند.

۱. خدا در مقدمه این رساله پنج بار ذکر شده است (آیات ۴-۱).
۲. شاید این توجیهی باشد برای اینکه چرا عنوان "نجات‌دهنده" سه بار برای خدای پدر و سه بار برای عیسی میسح بکار رفته است.
۳. از آیات ۱: ۱۰، ۱۴؛ ۳: ۹-۸ بوضوح روشن است که عنصری یهودی در جنجالهای کریت دخالت داشت.

◆**"رسول"** معنای لغوی این "فرستاده" است، که در ادبیات روحانی یهود بطور ضمنی برای کسی بکار می‌رفت که با اختیارات رسمی منسوب می‌شد. این مشابه مفهوم سفیر برای ماست (۲قرنتیان ۵: ۲۰). پولس به این طریق بر اقتدار خود در مسیح تاکید و پافشاری می‌کرد، که در مورد عنوان "خادم خدا" هم صادق است. وی اعتبار خود را تثبیت و از این طریق به تیطوس هم قدرت می‌بخشد. این رساله قرار بود برای تمام کلیسا قرائت شود. چنین مطلبی را می‌توان از فرمهای جمع در ۱ تیموتائوس ۶: ۲۱؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۲۲؛ و تیطوس ۳: ۱۵ بوضوح دریافت.

◆**"در خدمت ایمان"** این اسم حرف تعریف معین ندارد، بنابراین، ممکن است اشاره داشته باشد به (۱) توکل شخصی یک فرد به مسیح؛ (۲) زندگی باایمان (به مفهوم عهد عتیقی)؛ یا (۳) بدنه نظریه اعتقادی مسیحیت (اعمال ۶: ۷؛ ۱۸: ۸؛ ۱۴: ۲۲؛ غلاطیان ۱: ۲۳؛ ۳: ۲۳؛ ۶: ۱۰؛ فیلیپیان ۱: ۲۷؛ یهودا ۳، ۲۰). ماموریت پولس این بود که (۱) ایمان کسانی را که نجات یافته بودند تقویت کند یا (۲) افراد برگزیده را از ابدیت به ایمان فردی سوق دهد ("فراخواندن خوانده شدگان"). هر دو ضرورت دارند، اما روشن نیست در اینجا تاکید بر کدام است.

◆**"برگزیدگان خدا"** معنای لغوی آن این است "مطابق ایمان برگزیدگان". در عهد عتیق برگزیدگی به معنای خدمت به خدا بود، در حالیکه در عهد جدید برای نجات توسط خدا بکار می‌رود (رومیان ۸: ۳۰-۲۹؛ ۹: ۱؛ افسسیان ۱: ۱۱-۴؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۹). این مفهوم برگزیدگی در اعمال رسولان ۱۳: ۴۸ به خوبی بیان می‌شود. کلیسا برگزیده خداست (رومیان ۸: ۳۲؛ کولسیان ۳: ۱۲؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۱۰). کلیسا هویت جدید نبود بلکه در واقع امتداد قوم خدا در عهد عتیق بود. مبحث ویژه برگزیدگی (تقدیر) در ۱ تیموتائوس ۶: ۱۲ را ببینید.

◆**"شناخت"** این واژه ترکیبی یونانی *اپیگی‌چسکچ* است که مفهوم ضمنی شناخت تجربی کامل دارد. اصطلاحی است برای تبدیل اعتقادی واقعی (یوحنا ۸: ۳۲؛ ۱ تیموتائوس ۴: ۳؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۲۵؛ ۱ یوحنا ۲: ۲۱؛ ۳ یوحنا ۱). در واقع تضادی است با معلمین دروغین که تاکیدشان بر شناختی رمزآلودی بود که به زندگی مقدس ربطی ندارد. همین واژه در ۱ تیموتائوس ۲: ۴ نیز بکار رفته است، لیکن با تاکیدی بر اراده خدا برای همه انسانها!

مبحث ویژه: گنوستیسیزم
الف. بیشترین اطلاعات ما در مورد این بدعت از نوشته‌های گنوستیک قرن دوم می‌آید. با اینحال، این باورها در نوشته‌های قرن اول (طومارهای دریای مرده) و یوحنای رسول وجود داشتند.

ب. مشکل موجود در افسس (۱ تیموتائوس)، کریت (تیطوس) و کولسی (کولسیان) ترکیبی بود از گنوستیسیزم اولیه و شریعت‌گرایی یهود.
ج. برخی انگاره‌های گنوستیسیزم ولنتاینی و سرینتی قرن دوم
۱. ماده و روح از ازل با هم بوده‌اند (دوگانگی هستی). ماده شر است، اما روح نیکو. خدا، که روح است، نمی‌تواند مستقیما با ماده فسادپذیر شر ارتباط داشته باشد.
۲. بین خدا و ماده تجلیاتی وجود دارد (*ایونس* یا لایه‌های فرشتگان). آخرین یا پایین‌ترین یهوه عهد عتیق بود، که جهان (*کوزموس*) را آفرید.
۳. عیسی مسیح یک تجلی بود، مانند یهوه، اما در مقیاسی بالاتر، نزدیکتر به خدای واقعی. برخی او را بالاترین اما هنوز پایین‌تر از خدا خدا قرار می‌داند که قطعا الوهیت تجسم‌یافته نبود (یوحنا ۱: ۱۴). از آنجایی که ماده شر است، عیسی نمی‌توانست بدن انسانی داشته باشد و کماکان الوهیت داشته باشد. او ظاهری انسانی داشت، اما در واقع تنها روح بود (۱ یوحنا ۱: ۳-۱؛ ۴: ۶-۱).
۴. نجات از طریق ایمان به عیسی و معرفت ویژه‌ای حاصل می‌شد، که فقط افراد خاصی نسبت به آن شناخت داشتند. شناخت (رمزهای عبور) برای گذر از کرات آسمانی ضرورت داشت. شریعت‌گرایی یهودی نیست برای رسیدن به خدا لازم بود.
د. معلمین دروغین گنوستیک دو سیستم اخلاقی متضاد را ترویج می‌کردند
۱. برای برخی، روش زندگی هیچ تاثیری در نجات نداشت. برای آنها، نجات و معنویت در معرفت رمزآلود (رمزهای عبور) از کرات فرشتگان (*انوس*) نهفته است.
۲. برای دیگران، روش زندگی برای نجات اهمیت حیاتی داشت. بر اساس این کتاب، معلمین دروغین تاکید داشتند بر اینکه روش زندگی مرتاضانه گواهی است بر نجات واقعی (۲: ۲۳-۱۶).
ه. مراجع مفید عبارتند از
۱. *کتابخانه نگ همادانی* اثر جیمز ام رابینسون و ریچارد اسمیت
۲. مذهب *گنوستیک* اثر هانس جوناس

◆**"آن حقیقت که موجد دینداری است"** این تضاد فاحشی دارد با انحصارگرایی معلمین دروغین. آنها تاکید داشتند که شناخت تنها به گروهی نخبه تعلق دارد. حقیقت باید با زندگی روزمره مرتبط باشد (۱ تیموتائوس ۲: ۲). دینداری یا تقوا (*یوسبیا*) در موضوعی مشترک و متداول در رسالات شبانی است (۱ تیموتائوس ۲: ۲؛ ۳: ۱۶؛ ۴: ۷، ۸؛ ۶: ۳، ۵، ۶، ۱۱؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۵؛ تیطوس ۱: ۱؛ فرمی ترکیبی از ،*تیوسبیا*، در ۱ تیموتائوس ۲: ۱۰؛ و صفت *یوسبچس* در ۲ تیموتائوس ۳: ۱۰؛ تیطوس ۲: ۱۲). یادداشت ۱ تیموتائوس ۴: ۷ را ببینید.
روشن است که این منعکس کننده اشتباهات معلمین دروغین است. ایمانداران نه تنها پس از مرگ به آسمان خوانده می‌شوند، بلکه از آنها دعوت می‌شود که اکنون نیز مسیح‌گونه باشند (رومیان ۸: ۲۹-۲۸؛ ۲ قرنتیان ۳: ۱۸؛ غلاطیان ۴: ۱۹؛ افسسیان ۱: ۴؛ ۱ تسالونیکیان ۳: ۱۳؛ ۴: ۳). تا زمانی که همه نجات‌دهنده را نشناسند و شخصیت او را منعکس نکنند انجیل به مقصود خود نرسیده است. به مبحث ویژه: حقیقت در نوشته‌های پولس در ۱ تیموتائوس ۲: ۴ مراجعه کنید.

◆**"به امید حیات جاودان"** حرف اضافه *اپی* مفهوم ضمنی "با تکیه بر" را دارد. آر اس وی و تی ای وی آنرا "که بر اساس" ترجمه کرده‌اند. در مورد معنی کلمه "امید" به تحقق نقشه ابدی خدا برای نجات ابهام وجود دارد.
حیات جاودان در نوشته‌های پولس همواره زندگی دوران جدید است، زندگی اخروی (رومیان ۲: ۷؛ ۶: ۲۲، ۲۳؛ غلاطیان ۶: ۸؛ ۱ تیموتائوس ۱: ۱۶؛ تیطوس ۱: ۲؛ ۳: ۷). در نوشته‌های یوحنا به واقعیتی کنونی بر اساس اعتماد به مسیح به عنوان منجی اشاره دارد (یوحنا ۳: ۱۵؛ ۱۰: ۲۸؛ ۱۲: ۲۵؛ ۱۷: ۳-۲؛ ۱ یوحنا ۱: ۲؛ ۲: ۲۵؛ ۳: ۱۵؛ ۵: ۱۱، ۱۳، ۲۰). هر دو درست هستند. دوران جدید با آمدن اولیه عیسی شروع شد. ایمانداران پیشاپیش بخشی از این دوران جدید هستند. دوران جدید هنگام آمدن ثانویه مسیح تکمیل می‌شود.

مبحث ویژه: امید
پولس اغلب این واژه را با چندین مفهوم گوناگون مرتبط به هم بکار می‌برد. بیشتر اوقات به تحقق ایمان مومنان ربط دارد (۱ تیموتائوس ۱: ۱). ممکن است به صورت جلال، حیات جاودان، نجات غایی، آمدن ثانویه و غیره بیان شود. تحقق نهایی قطعی است، اما زمان آن در آینده نامعلوم است.
۱. آمدن ثانویه (غلاطیان ۵: ۵؛ افسسیان ۱: ۱۸؛ ۴: ۴؛ تیطوس ۲: ۱۳)
۲. عیسی امید ماست (۱ تیموتائوس ۱: ۱)
۳. حضور ایماندار در پیشگاه خدا (کولسیان ۱: ۲۳-۲۲؛ ۱ تسالونیکیان ۲: ۱۹)
۴. امید ذخیره شده در آسمان (کولسیان ۱: ۵)
۵. نجات غایی (۱ تسالونیکیان ۴: ۱۳)

۶. جلال خدا (رومیان ۵: ۲؛ ۲ قرنتیان ۳: ۱۲-۷؛ کولسیان ۱: ۲۷)
۷. نجات غیریهودیان توسط مسیح (کولسیان ۱: ۲۷)
۸. اطمینان از نجات (۱ تسالونیکیان ۵: ۹-۸)
۹. حیات جاویدان (تیطوس ۱: ۲؛ ۳: ۷)
۱۰. رستگاری تمامی خلقت (رومیان ۸: ۲۲-۲۰)
۱۱. تحقق فرزندخوانده شدن (رومیان ۸: ۲۵-۲۳)
۱۲. عنوانی برای خدا (رومیان ۱۵: ۱۳)
۱۳. دستورالعمل عهد عتیق برای ایمانداران عهد جدید (رومیان ۱۵: ۴)

◆**"خدای منزّه از هر دروغ"** ایمان ما بر امین بودن خدا قابل اعتماد بودنش در وعده‌هایش استوار است (اعداد ۲۳: ۱۹؛ ۱ سموئیل ۱۵: ۲۹؛ رومیان ۳: ۴؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۱۳؛ عبرانیان ۶: ۱۸). امیدمان متکی است بر شخصیت تغییرناپذیر خدا (مزمور ۱۰۲ : ۲۷؛ ملاکی ۳: ۶؛ عبرانیان ۱۳: ۸؛ یعقوب ۱: ۱۷).

◆**"از ایام ازل بدان وعده فرمود"** این فرم خبری کنشی نامحدود به زمان است. فرم کنشی بر فاعل، یعنی خدا تاکید دارد (رومیان ۴: ۲۱؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۹). واژه "از ایام ازل" از لحاظ لغوی به معنای "قبل از زمانهای جاودان" است. ممکن است این به وعده خدا برای رستگاری و تمهیدات قبل از خلقت اشاره داشته باشد (متی ۲۵: ۳۴؛ یوحنا ۱۷: ۲۴؛ افسسیان ۱: ۴؛ ۱ پطرس ۱: ۲۰-۱۹؛ مکاشفه ۱۳: ۸).

۱: ۳

ان آ اس بی، ان ک ج وی، ان آر اس وی	**"در زمان مناسب"**
ان ج بی	**"در زمان مقرر"**
تی ای وی	**" در زمان درست"**

این عبارت جمع است (یعنی "پیش از زمانهای جاودان") و احتمال دارد تمام وقایع مرتبط با مسیح را منعکس کند (۱ تیموتائوس ۲: ۶؛ ۶: ۱۵-۱۴؛ غلاطیان ۴: ۴). ممکن است اشاره داشته باشد به (۱) فراگیر بودن زبان یونانی؛ (۲) صلح سیاسی روم؛ و (۳) انتظارات مذهبی جهان پس از آنکه احترام و باورش را نسبت به خدایان هومری از دست داد.

◆**"آشکار ساخت"** یعنی "بوضوح روشن کرد" یا "آشکارا مکشوف کرد". عیسی آشکارا در اناجیل و موعظه‌های رسولان مکشوف می‌شود (۲ تیموتائوس ۱: ۱۰).

◆**"کلام خود"** این اشاره دارد به (۱) پیام انجیل در مورد مسیح یا (۲) خود مسیح (یوحنا ۱: ۱؛ مکاشفه ۱۹: ۱۳).

◆**"که ... به من سپرده شد"** پولس عمیقا وظیفه خود نسبت به انجیل را حس می‌کرد (۱ قرنتیان ۹: ۱۷؛ غلاطیان ۲: ۷؛ ۱ تسالونیکیان ۲: ۴؛ ۱ تیموتائوس ۱: ۱۱) و نیز وظیفه‌اش نسبت به ایمانداران (۱ قرنتیان ۴: ۲-۱ و ۱ پطرس ۴: ۱۰).

◆**"نجات‌دهنده ما خدا"** این عنوانی متداول برای خدا در رسالات شبانی است (۱: ۳؛ ۲: ۱۰؛ ۳: ۴). با اینحال، در هرکدام از این زمینه‌های متنی برای عیسی نیز می‌رود (۱: ۴؛ ۲: ۱۳؛ ۳: ۶). این عنوانی (مانند "خداوند") است که قیصرهای روم خود را مدعی آن می‌دانستند.

متن ان آ بی اس (بروز شده): ۱: ۴
[۴] **به تیطوس، فرزند راستینم در ایمانی مشترک: فیض و آرامش از جانب خدای پدر و نجات‌دهندهٔ ما عیسی مسیح بر تو باد.**

۱: ۴ "به تیطوس" این نامه خطاب به تیطوس نوشته شد، اما قرار بود برای تمام کلیساهای خانگی قرائت شود (پولس در ۳: ۱۵ از فرم جمع "شما" استفاده می‌کند). تیطوس نماینده رسالتی امین غیریهودی امین پولس بود. جای تعجب است که نام او در اعمال رسولان نیامده است (مقدمه II ج را ببینید).

◆**"فرزند راستینم"** پولس همین واژگان را برای تیموتائوس در ۱ تیموتائوس ۱: ۲ و "پسرم" در ۲ تیموتائوس ۱: ۲ را برای اونسیموس در فلیمون آیه ۱۰ استفاده می‌کند. این استعاره‌ای خانوادگی برای دوستان پولس و کسانی است که ایمان آوردند.

◆**"در ایمانی مشترک"** بر خلاف اعمال ۱۰: ۴ و ۱۱: ۸ "مشترک" در اینجا مفهوم ضمنی ناپاک را ندارد، بلکه مفهوم ضمنی‌اش جهانی و معمولی است. عبارتی مشابه در یهودا آیه ۳ بکار رفته است. از این جهت مشترک است که برای همه انسانها و قابل دسترس همه است. این ممکن است آنتی‌تز مستقیمی باشد به نخبه‌گرایی و باور انحصاری معلمین دروغین.

◆**"فیض و آرامش از جانب خدای پدر"** این دو واژه اغلب دعای افتتاحی پولس را تشکیل می‌دهند. امکان دارد که کلمه "فیض" (*کاریس*) بازی با کلمه "درودها" (*کارین*، مانند یعقوب ۱: ۱؛ اعمال ۱۵: ۲۳) باشد، همان کلمه یونانی که اغلب نامه های پولس با آن شروع می‌شود. پولس کلمه افتتاحی *کارین* را که از لحاظ فرهنگی متداول است گرفته و آنرا به کلمه منحصر به مسیحیت یعنی *کاریس* تغییر می‌دهد.
واژه "آرامش" ممکن است منعکس‌کننده درود متداول به زبان عبری یا همان "شالوم" باشد. در اینصورت، پولس دو سلام معمول از لحاظ فرهنگی را با هم ترکیب می‌کند و نتیجه سلام مسیحی است.
متن رسپتوس (ک ج وی) و دست‌نوشته‌های یونانی A, C_2, K ، به فیض و آرامش "رحمت" را نیز می‌افزاید. این احتمالا یکسان‌سازی است با ۱ تیموتائوس ۱: ۲ و ۲ تیموتائوس ۱: ۲. فرم کوتاهتر در دست‌نوشته‌هایC*, D, G, P , א و نیز لاتی ن وولگیت یافت می‌شود. نسخه UBS_4 قرائت کوتاهتر و درجه اعتبار "A " را برای آن قائل می‌شود.

◆ **"نجات‌دهنده ما عیسی مسیح"** این عبارت خدای پدر، یهوه عهد عتیق و عیسی مسیح را از طریق استفاده از واژه "نجات دهنده" به هم ربط می‌دهد (۱: ۴-۱؛ ۲: ۱۰، ۱۳؛ ۳: ۴، ۶). عبارت در آیه ۳ برای خدا و در آیه ۴ برای عیسی بکار می‌رود. بکار بردن عناوین عهد عتیق خدا برای عیسی روش معمول نویسندگان عهد جدید برای تاکید بر الوهیت عیسی بود.

متن ان آ بی اس (بروز شده): ۱: ۹-۵
[5] تو را از آن‌رو در کُریت بر جا گذاشتم تا کارهای ناتمام را سامان دهی و همان‌گونه که تو را امر کردم، در هر شهر مشایخی برگماری. [6] شیخِ کلیسا باید بری از ملامت، شوهر وفادار تنها یک زن، و دارای فرزندانی باایمان باشد که از هر گونه اتهام لجام‌گسیختگی و سرکشی مبرا باشند. [7] چراَ که ناظِر کلیسا کارگزار خداست و از همین‌رو باید بَری از ملامت باشد، نه خودرأی یا تندخو یا میگسار یا خشن یا در پی منافع نامشروع، [8] بلکه شهره به میهمان‌نوازی و دوستدار نیکویی و خویشتندار و پارسا و عابد و منظم؛ [9] و پایدار بر کلام مطمئنی که تعلیم داده شده است تا بتواند دیگران را بر پایهٔ تعلیم صحیح پند دهد و نظر مخالفان را رد کند.

۱: ۵ "از آن‌رو" ماموریت تیطوس این بود که (۱) کارهای انجام‌نشده و نیمه‌تمام را تکمیل کند، و (۲) مشایخ را منسوب نماید (اعمال ۱۴: ۲۳). مشکل اصلاح ساختار موجود و ناکارآمد نبود، بلکه پایه‌گذاری ساختار بود. ساختار اجرایی در اینجا با ۱ تیموتائوس ۳ فرق دارد که در آن کلیسای تثبیت‌شده افسس را مورد خطاب است. دقت کنید که انتساب توسط تیطوس انجام می شود و نه رای اعضا کلیسا. به عبارت "در هر شهر" توجه نمایید. بخاطر داشته باشید که تیموتائوس و تیطوس هردو نماینده رسالتی بودند، نه شبانان محلی یا رهبران منطقه.

◆**"کریت"** این موطن اصلی فلسطینی‌ها و فرهنگ مینوایی‌های قبل از یونان بود. اعمال ۲۷: ۱۳-۷ می‌گوید که پولس در راه خود به روم از این جزیره دیدن کرد، اما نمی‌نویسد که در آن وقت در آنجا موعظه نیز کرد. به همین دلیل بسیاری از مفسران (از جمله این نویسنده) معتقدند که رسالات شبانی منعکس کننده سفر بشارتی چهارم پولس بعد از رهایی‌اش از زندان روم در اوایل دهه ۶۰ می‌باشند.

◆**"تا"** این *هینا* (شبه جمله مقصودی) است که مشخصه رسالات پولس می‌باشد (۱: ۹، ۱۳؛ ۲: ۴، ۵، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۴؛ ۳: ۷، ۸، ۱۳، ۱۴).

◆**"برگماردن"** پولس تیطوس را راهنمایی می‌کند تا در کلیساهای تازه تاسیس مشایخی را بکار بگمارد، درست همانطور که خودش و برنابا در اعمال ۱۴: ۲۳ چنین کردند. وی چنین دستورالعملی را برای تیموتائوس تجویز نمی‌کند، زیرا کلیساهای خانگی افسس تثبیت‌شده بودند (۱ تیموتائوس ۳).

◆**"مشایخ"** واژه *پرزبوتروی* مترادف است با "ناظران" (آیه ۷) و "شبانان" (اعمال ۲۰: ۱۷، ۲۸؛ تیطوس ۱: ۵، ۷). این واژه پیش‌زمینه یهودی دارد، درحالیکه "ناظران" پیش‌زمینه‌اش به سیستم اداری-سیاسی شهری یونانی برمی‌گردد. توجه کنید که شرط نوایمان نبودن که در ۱ تیموتائوس ۳: ۶ آمده بود، در اینجا نادیده گرفته شده است. این مشخص می‌کند که اینها کلیساهایی تازه و در حال شکل گیری بودند.

◆**"همان‌گونه که تو را امر کردم"** این فرم امری میانی بدون زمان است. تیطوس به عنوان نماینده رسالتی پولس ایفای نقش می‌کرد.

◆**"اگر"** این جمله شرطی نوع اول است. فرض پولس این بود که در همه شهرها مردان واجد شرایطی وجود دارند.



ان آ اس بی	**"بری از ملامت"**
ان کی ج وی، ان آر اس وی	**"بی‌عیب"**
تی ای وی	**"بدون تقصیر"**
ان ج بی	**"شخصیت بدور از ملامت"**

این کلید همه ویژگیهای شخصیتی، مثبت و منفی، در ۱ تیموتائوس و تیطوس است (آیات ۶، ۷؛ ۱ تیموتائوس ۳: ۲، ۷، ۱۰؛ ۵: ۷؛ ۶: ۱۴). این دقیقا همان واژه یونانی نیست که ۱ تیموتائوس ۳ یافت می‌شود، اما مترادفی است که دقیقا به همان شکل استفاده می‌شود. شخص خادم باید در میان جامعه ایماندار و نیز غیرایمانداران جامعه شاهدی نیکو باشد (۲: ۵، ۸، ۱۰؛ اعمال ۲: ۴۷؛ ۴: ۳۱؛ ۵: ۱۳، ۴۲). به مبحث ویژه در ۱ تیموتائوس ۳: ۲ مراجعه کنید.

این ویژگیها باید با توجه به دو هدف تفسیر شوند: (۱) رهبران باید مقبول ایمانداران و غیرایمانداران باشند؛ چون بشارت هدف غایی است و (۲) رهبران باید بطرز مشهودی با معلمین دروغین فرق داشته باشند. تشخیص اینکه چطور باید این را به فرهنگها و دوره‌های زمانی متفاوت بسط داد کار ساده‌ای نیست. ایمانداران باید در مقابل قوانین محدودکننده تاریخی هشیاربوده، اما اصول خدادادی را با فکر باز بپذیرند. تجربه من در رابطه با کلیساهای امروزین غربی از این قرار است:

۱. تنها بر یک یا چندتا از این ویژگیها تاکید و مابقی را نادیده می‌گیرند
۲. به این دستورالعمل‌ها افزوده و مدعی می‌شوند از سوی کتاب‌مقدس اختیار اینکار را دارند.
۳. این قوانین را با توجه به زمانه ما تفسیر می‌کنند، نه فرهنگ قرن اول که توسط معلمین دروغین مغشوش شده بود.
۴. عبارات مبهم را گرفته و به قوانین کوته‌فکرانه مبدل می‌کنند که کاربرد جهانی دارند.

لطفا به بحث کاملتر در ۱ تیموتائوس ۳ رجوع کنید.

◆**"شوهرِ وفادارِ تنها یک زن"** این عبارت بحث‌های زیادی ایجاد کرده است. واضح است که برای کلیسای افسس نیز موضوع مهمی بود (۱ تیموتائوس ۳: ۱، ۱۲؛ ۵: ۷). ممکن است اشاره داشته باشد به (۱) چندهمسری؛ (۲) ازدواج مجدد پس از طلاق؛ (۳) ازدواج دوم پس از مرگ همسر؛ یا (۴) مردی که نسبت به زن و خانواده‌اش دلسوز و وفادار است. کلیسای اولیه ارزش زیادی برای روابط خانوادگی قائل می‌شد، و هر مشکلی در این زمینه صلاحیت فرد برای احراز موقعیت رهبری در کلیسا را سلب می‌کرد. مورد اول در امپراتوری روم مسئله‌ساز نبود، ولی در جامعه یهود ممکن است مشکه بوده باشد (یعقوب، الکانا، داوود، سیلمان)؛ دومی نه تنها در امپراتوری روم، بلکه بر اساس مباحثات بین علمای یهودی مدرسه اصولگرای شامای و مدرسه لیبرال هیلل، در جامعه یهود نیز مسئله‌ساز بود. مورد سوم در کلیسای اولیه، و بخصوص کلیسای ترتولیان باعث نگرانی شدید بوده، و هنوز در اروپا مسئله است؛ با اینحال در ۱ تیموتائوس ۵: ۹ (رومیان ۷: ۲-۱؛ ۱ قرنتیان ۷) زنان بیوه بدون هیچ ملامتی می‌توانند مجددا ازدواج کنند. مورد چهارم به تحقیر ازدواج توسط معلمین دروغین ربط دارد (۱ تیموتائوس ۴: ۳). از اینجهت این راه دیگری است برای تاکید بر نیاز به زندگی خانوادگی استوار، ولی این ضرورتا مردان مجرد را حذف نمی‌کند (بیاد داشته باشید که پولس و عیسی مجرد بودند).

◆**"دارای فرزندانی باایمان باشد که از هر گونه اتهام لجام‌گسیختگی و سرکشی مبرا باشند"** این در ۱ تیموتائوس ۳: ۵-۴ مورد بحث قرار گرفت. ویژگیهای رهبری را می‌توان در زندگی خانوادگی یک فرد دید. هرگونه مشکل بین شوهر و زن یا بچه‌ها یا نوه‌ها در کلیساهای اولیه مبنایی بود برای سلب صلاحیت. "هیچ بهانه‌ای برای انتقاد" دغدغه اصلی بود. طرز اداره محیط خانوادگی نشان می‌دهد فرد چگونه کلیسا را اداره خواهد کرد. برخی از ما که خدمت را به عنوان شغل برگزیده‌ایم باید نگران این ویژگیها باشیم! اغلب حتی در محیط خانوادگی دیندار فرزندان واعظ نافرمان از آب در می‌آیند. شاید فقدان تعصب ما در اینمورد لازم باشد در مورد ویژگیهای سایرین نیز منعکس شود.

◆آیا آیه ۶ در مورد بچه‌های شبان است، یا دو ویژگی دیگر برای خود شبان را بیان می‌کند؟ در هر دو صورت تمرکز آن بر طرز زندگی خانوادگی و رفتار نسبت به مقامات است. باور من این است که در فهرست بسط یافته ویژگیها به رهبر آینده مربوط می‌شود.

۱: ۷ "ناظر" واژه *اپیسکوپون* معمولا "ناظر" یا "اسقف" ترجمه می‌شود. زمینه متن نشان می‌دهد که آنها به یک شخص اشاره دارند (۱: ۵، ۷ و اعمال ۲۰: ۱۷، ۲۸). این واژه پیش‌زمینه سیاسی-اداری شهری یونانی دارد. یادداشت در ۱ تیموتائوس ۳: ۲ را ببینید.

◆**"کارگزار خدا"** این به پیشکار خانواده برمی‌گردد (۱ قرنتیان ۴: ۱؛ ۹: ۱۷). این واژه خانوادگی به ویژگیها در آیه ۶ مرتبط است. شبان به عنوان مرد خانواده‌دار نشان می‌دهد چطور کلیسا را اداره خواهد کرد. در آیه ۷ پنج ویژگی منفی و در آیه ۸ شش ویژگی مثبت وجود دارد. مبحث ویژه: گناهان و پرهیزگاریها در عهد جدید در ۱ تیموتائوس ۱: ۹ مراجعه کنید.

◆
ان آ اس بی، ان کی ج وی **"نه خودرأی"**
ان آر اس وی، تی ای وی **"نه مغرور"**
ان ج بی **"هرگز مغرور نه"**
این واژه‌ای ترکیبی از *آتوس* (خود شخص) و *ادومای* (لذت) است. مشخصه کسی است که خودسر، لجوج، مغرور و از خودراضی باشد (۲ پطرس ۲: ۱۰).

◆**"نه تندخو"** واژه اصلی *اُرگ* است که منظور از آن فوران خشم است. این واژه متضاد واژه‌های "آرام" و "صلحجو" در فهرست ویژگیها در ۱ تیموتائوس ۳:۳ می‌باشد. مشخصه کسی است که تمایل به خشم دارد یا حالت روحی‌اش شدیدا متغیر است.

◆
ان آ اس بی، ان آر اس وی **"میگسار"**
ان کی ج وی **"تسلیم شراب"**
تی ای وی **"میخواره"**
ان ج بی **"مصرف‌کننده شدید الکل"**
به نظر می‌رسد که این گریزی باشد به متن هفتادگان امثال ۳۵-۲۳:۲۹. این باید تاکید مجددی باشد بر اینکه کتاب‌مقدس مخالف میگساری است ولی اجتناب کامل از نوشیدن را نیز تعلیم نمی‌دهد (پیدایش ۲۷: ۲۸؛ مزمور ۱۰۴: ۱۴، ۱۵؛ جامعه ۹: ۷؛ امثال ۳۱: ۷-۶). اجتناب کامل از تعهد شخصی افراد نسبت به عیسای خداوند می‌آید و مبنای آن محدود کردن آزادی شخصی جهت محبت به افرادی است که در محیط فرهنگیشان خدمت می‌کنند (رومیان ۱۴: ۱۵-۱؛ ۱۳؛ ۱ قرنتیان ۹-۸؛ ۱۰: ۳۳-۲۳). به مبحث ویژه: نگرش کتاب‌مقدس در مورد الکل (مشروبات الکلی) و میخوارگی (اعتیاد به الکل) در ۱ تیموتائوس ۳: ۳ رجوع کنید.

◆
ان آ اس بی **"ستیزه‌گر نباشد"**
ان کی ج وی، ان آر اس وی،
تی ای وی، ان ج بی **"خشن نباشد"**
معنای لغوی آن "نه زننده" است. این ممکن است به افراط در مصرف الکل یا تیپ شخصیتی خاص مرتبط باشد (۱ تیموتائوس ۳: ۳).

◆
ان آ اس بی **" در پی منافع نامشروع نباشد"**
ان کی ج وی **"برای پول ولع نداشته باشد"**
ان آر اس وی **"برای منافع حرص نداشته باشد"**
تی ای وی **"برای منافع حرص نداشته باشد"**
ان ج بی **"زیاده‌طلب نباشد"**
همین مشکل در رابطه با معلمین دروغین در آیه ۱۱ ذکر می‌شود. یادداشت کاملتر را در ۱ تیموتائوس ۳: ۸ ببینید.

۱: ۸ "مهمان‌نواز" معنی لغوی آن "دوستار غریبه‌ها" است. مهمانخانه‌های زمان پولس محل کار فاحشه‌ها بودند؛ بنابراین، مسیحیان، و بخصوص رهبران مسیحی، می‌بایست در خانه خود را بروی مباشران سیار و نیازمندان جامعه باز نگه دارند (۱ تیموتائوس ۵: ۱۰؛ رومیان ۱۲: ۱۳؛ عبرانیان ۱۳: ۲؛ ۱ پطرس ۴: ۹؛ ۳ یوحنا آیه ۵).

◆ **"دوستدارِ نیکویی"** هر دو کلمه اول آیه ۸ ترکیبی از *فلیوس* و *آگاتوس* هستند. این عبارت، در فرهنگ یونانی-رومی عبارتی متداول برای تایید بود. در کتیبه‌های آنها به فراوانی یافت می‌شود. متضاد آن در ۲ تیموتائوس ۳: ۳ یافت می‌شود، که معلمین دروغین را توصیف می‌کند.

◆

ان آ اس بی، ان ج ب	**"خویشتندار"**
ان کی ج وی	**"معقول"**
ان آر اس وی	**"محتاط"**
تی ای وی	**"منضبط"**

این واژه در فرمهای مختلفش در رسالات شبانی مشترک است (۱ تیموتائوس ۲: ۹، ۱۵؛ ۳: ۲؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۷؛ تیطوس ۱: ۸؛ ۲: ۲، ۴، ۵، ۶، ۹، ۱۲، ۱۵). این واژه اجتباب از افراط را نشان می‌دهد. معنای ضمنی آن زندگی متعادل است.

◆

ان آ اس بی	**"پارسا و عابد"**
ان کی ج وی	**"پارسا و مقدس"**
ان آر اس وی، ان ج ب	**"درستکار و عابد"**
تی ای وی	**"درستکار و مقدس"**

این ویژگیها در ۱ تیموتائوس ۳ فهرست نشده‌اند. اینکه اغلب با فرهنگ یونانی مرتبط می‌شوند. اینها واژه‌هایی هستند که رابطه بین وظیفه نسبت به خدا و وظیفه نسبت به انسان را منعکس می‌کنند.

◆ **"منظم"** این منعکس کننده موعظه پولس در حضور فلیکس و دروسیلا در اعمال ۲۴: ۲۴ است. این کلمه مرتبط با یکی از استعارات ورزشی پولس می‌باشد که در ۱ قرنتیان ۹: ۲۵ آمده است. در تیطوس ۲: ۲ و ۲ پطرس ۱: ۶ به عنوان یکی از مشخصات بلوغ مسیحی ذکر می‌شود. اسم آن در فهرست ثمرات روح در غلاطیان ۵: ۲۳ دیده می‌شود. این واژه منعکس‌کننده کسی است که از طریق روح توان تسلط بر اشتیاقات و کششهای سیستم دنیوی سقوط کرده، وسوسه‌های شیطان (پلیدی) و طبیعت گناه‌آلود ساقط را یافته است. کلمه ایمانداری را توصیف می‌کند که توسط مسیح کنترل می‌شود.

۱: ۹

ان آ اس بی، ان کی ج وی	**"پایدار بر کلام مطمئن"**
ان آر اس وی	**"باید درک محکمی از کلامی که قابل اطمینان است داشته باشد"**
تی ای وی	**"باید محکم بر پیامی کی قابل اعتماد است چنگ اندازد"**
ان ج ب	**"درک محکمی از پیام تغییرناپذیر"**

این اسم مفعول میانی زمان حال است. ایمانداران باید در زنجیزه مسیحیت رسالتی-تاریخی نقشه حلقه را داشته باشند. باید از عهد عتیق و جدید که مکاشفه شخصی تنها خدای واحد یگانه است درک درستی داشته و سرسختانه به آن چنگ زنند. این تنها راهنمای آنها و ما برای ایمان و عمل است!

◆

ان آ اس بی، ان آر اس وی	**"که تعلیم داده شده است"**
ان کی ج وی	**"همانطور که او تعلیم داد"**
تی ای وی	**"که منطبق با اصول اعتقادی است"**
ان ج ب	**"که سنت است"**

رهبران کلیسا باید حقایق رسالتی رسالتی را که فرا گرفته‌اند بدون تغییر به دیگران منتقل کنند.

◆ **"تا بتواند دیگران را بر پایهٔ تعلیم صحیح پند دهد"** خادم، از طریق تدارک شخصی، عطایای روحانی و محبت باید بتواند با ایمانداران و غیرایمانداران کار کند. وظیفه او تعلیم، موعظه و الگوسازی (از طریق طرز زندگی‌اش) انجیل و اصلاح معلمین دروغین است (۱ تیموتائوس ۴: ۲).

◆ **"و نظر مخالفان را رد کند"** چند آیه بعدی (آیات ۱۶-۱۰) روش و اعمال این معلمین دروغین را توصیف می‌کند (آیات ۱۰، ۱۴).

متن ان آ بی اس (بروز شده): ۱: ۱۶-۱۰
[10] زیرا مردان گردنکش یاوه‌گوی و فریبکار بسیارند، بخصوص از ختنه‌شدگان، [11] که دهانشان را باید بست، زیرا برای کسب منافع نامشروع، تعالیم ناشایسته می‌دهند و بدین‌گونه خانواده‌ها را به تمامی تباه می‌سازند. [12] حتی یکی از انبیای خودشان گفته است: «کْریتیان همواره مردمانی دروغگو و وحوشی شرور و شکم‌پرستانی تن‌پرورند.» [13] این شهادت راست است. پس آنان را سختَ توبیخ کن تا از سلامتِ ایمان برخوردار باشند و [14] به افسانه‌های یهود و احکامِ منکرانِ حقیقت گوش نسپارند. [15] برای پاکان همه چیزْ پاک است، امّا برای آنان که آلوده‌اند و بی‌ایمان، هیچ چیز پاک نیست، بلکه همَ فکرشان آلوده است و هم وجدانشان. [16] مدّعی خداشناسی‌اند، امّا با کردارشان او را انکار می‌کنند. نفرت‌انگیزند و نافرمان، و نامناسب برای هر کار نیکو.



ان آ اس بی	**"مردان گردنکش"**
ان کی ج وی، ان ج ب	**"سرکشان"**
ان آر اس وی	**"افراد کردنکش"**
تی ای وی	**"کسانی که کردنکشی می‌کنند"**

این واژه "زیر فرمان" (*هوپوتاسچ*) با الف نفی است (۱: ۶)، به معنی "نه تحت اقتدار". از لحاظ زمینه متنی مرتبط است با "کسانی که سرپیچی می‌کنند" در آیه ۹. این افراد در ۳: ۱۱-۹ توصیف می‌شوند.



ان آ اس بی	**"یاوه‌گوی و فریبکار"**
ان کی ج وی، ان ج ب	**"بیهوده‌گو و فریبکار"**
ان آر اس وی	**"با حرفهای به معنی خود دیگران را فریب می‌دهند"**
تی ای وی	**"که حرفهای بیهوده می‌زنند و تلاش دارند دیگران را وادار به قبول آن کنند"**

مشکل اصلی مورد بحث در رسالات شبانی معلمین دروغین و پیروان آنهاست. باورها و طرز زندگی ما جنبه‌های بسیار مهم مسیحیت هستند.

◆**"ختنه‌شدگان"** این عبارت یادآور مخالفان الهیاتی پولس در شورای اورشلیم (اعمال ۱۵) و کلیساهای غلاطیه (غلاطیان ۲: ۱۲) است. بدرستی روشن نیست که چطور این شریعتگرایان یهودی اولیه، که تاکید داشتند مردم قبل از ایمان آوردن به عیسی و مسیحی شدن باید یهودی شوند و شریعت موسی را بجا آورند، به معلمین دروغین در کولسیان، افسسیان، و رسالات شبانی ربط دارند. این بدعتهای بعدی ظاهرا ترکیبی هستند از شریعتگرایی یهود و افکار فلسفی یونان (گنوستیک). به مقدمه ۱ تیموتائوس، در رابطه با معلمین دروغین رجوع کنید.
با مرگ رسولان و گسترش سریع مسیحیت، در خاور نزدیک و مدیترانه گروههای نفاق‌افکن زیادی بوجود آمدند. عهد جدید و بخصوص متی ۷ و ۱ یوحنا که بر شیوه درست زندگی و عقاید صحیح تاکید دارند، راهبردهایی را جهت شناسایی معلمین دروغین ارائه می‌دهد.

۱: ۱۱ "که دهانشان باید بسته شود" این زمان حال مصدری است از ترکیب "درِ دهان گذاشتن" (یعنی پوزبند زدن، دهان بند زدن، یا خاموش کردن). رهبران کلیسا باید کنترل کنند که چه کسی در کلیساهای خانگی حرف بزند. این اصل امروز هم صادق است. آزادی‌های مذهبی و علمی به هر کس یا همه این حق را نمی‌دهد که قوم گرد هم آمده خدا را مخاطب قرار دهد!

◆ **"بدین‌گونه خانواده‌ها را به تمامی تباه می‌سازند"** این ممکن است به کلیساهای خانگی (رومیان ۱۶: ۵؛ ۱ قرنتیان ۱۶: ۱۹؛ کولسیان ۴: ۱۵؛ ۱ تیموتائوس ۳: ۱۵) یا بهره‌کشی از زنان بیوه و مصاحبانشان اشاره داشته باشد (۲ تیموتائوس ۳: ۶).

◆ **"برای کسب منافع نامشروع"** این ذات واقعی معلمین دروغین را نشان می‌دهد (۱ تیموتائوس ۱: ۷؛ ۶: ۵، ۱۰؛ ۲ پطرس ۲: ۳؛ ۱۴؛ یهودا ۱۶). رهبران کلیسا در ۱ تیموتائوس ۳ باید از این وسوسه‌ها رها باشند (۱ تیموتائوس ۳: ۳، ۸؛ ۶: ۱۰-۹).

۱: ۱۲ "یکی از انبیا خودشان" اپی‌منایدس در قرن ششم قبل از میلاد زندگی می‌کرد و اهل کریت بود. این واقعیت که پولس از یکی از شعرای آنها مطلبی نقل می‌کند نشانگر نفوذ یونان بر این جزیره و بدعت است. پولس حداقل سه بار از فلاسفه و شعرای یونانی در نوشته‌هایش نقل قول می‌کند (اعمال ۱۷: ۲۸؛ ۱ قرنتیان ۱۵: ۱۳؛ تیطوس ۱: ۱۲). زادگاهش تارتوس به لحاظ موسسات آموزشی‌اش شناخته شده بود. پولس در زمینه هر دو فرهنگ یونانی و عبری تحصیلات بسیار بالا داشت. ممکن است

اپی‌منایدس را از این جهت پیامبر خوانده باشد که وی بدرستی در مورد ساکنان کریت نوشته بود یا اهالی کریت او را سخنوری تحت الهام خدایان یونان می‌دانستند. او به عنوان یکی از حکیم‌ترین مردان کریت شاخته شده بود.

◆ **"کُریتیان همواره مردمانی دروغگو"** این فرمی شعری شش وزنی است. کریتیان اعتقاد داشتند که زئوس در جزیره آنها مدفون است و به این مسیله افتخار می‌کردند. واژه "کریتِنوس" به معنای "دروغگو" بود. در این زمینه متنی این ویژگی ظاهرا به معلمین دروغین ربط دارد، نه به کلیساها و عموم مردم.

◆ **"شکم‌پرستانی تن‌پرورند"** معنای اساسی این عبارت طمع است (فیلیپیان ۳: ۱۹).

۱: ۱۳ "آنان را سخت توبیخ کن" معنای لغوی این عبارت "با چاقو ببر" است. فرم آن امری معلوم زمان حال می‌باشد. این عبارت محکم در عهد جدید تنها در اینجا بکار رفته است. تذکر مضاعف به منظور توبیخ شدید را در ۱ تیموتائوس ۵: ۲۵؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۲ و تیطوس ۲: ۱۵ می‌توان دید.

◆ **"تا از سلامتِ ایمان برخوردار باشند"** این نشان می‌دهد که انضباط باید برای اصلاح باشد نه تخریب (۱ قرنتیان ۵: ۵؛ عبرانیان ۱۲: ۱۳-۵). ضمیر در آیه ۱۳ به معلمین دروغین برمی‌گردد (۲ تیموتائوس ۲: ۲۶-۲۵).
واژه "سلامت" موضوعی است که بارها در رسالات شبانی تکرار می‌شود، و به سالم بود یک چیز اشاره دارد (۱ تیموتائوس ۱: ۱۰؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۱۳؛ ۴: ۳؛ تیطوس ۱: ۹، ۱۳؛ ۲: ۱، ۲، ۸).

۱: ۱۴ "افسانه‌های یهودی" این افسانه‌ها ممکن است به اندیشه‌های یهود درباره مسیح ربط داشته باشد (۳: ۹؛ ۱ تیموتائوس ۱: ۴؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۴).

◆ **"احکام [مردان]"** این به نظر می‌رسد در این زمینه متنی به سنت شفاهی یهودیان مربوط باشد که بعدها در مجموعه قوانین شرعی بابلیان و فلسطینیان (تلمود) تدوین شد (اشعیا ۲۹: ۱۳؛ مرقس ۷: ۸-۷؛ کولسیان ۲: ۲۳-۱۶).

◆ **"منکرانِ حقیقت"** این اسم مفعول میانی زمان حال است. این معلمین دروغین مدام از انجیل دورتر می‌شدند. مبحث ویژه: حقیقت در ۱ تیموتائوس ۲: ۴ را ببینید.

۱: ۱۵ "برای پاکان همه چیزْ پاک است" در یونانی به منظور تاکید "همه چیز" در ابتدای جمله می‌آید. برای برخی از ایمانداران درک این حقیقت سخت است (۱ تیموتائوس ۴: ۴؛ مرقس ۷: ۲۳-۱۵؛ لوقا ۱۱: ۴۱؛ رومیان ۱۴: ۱۴، ۲۰؛ ۱ قرنتیان ۱۰: ۳۳-۲۳)! این احتمالا مرتبط است با ریاضتی که در سنتهای فلسفی مذهبی یونان بسیار رایج بود (۱ تیموتائوس ۴: ۳؛ کولسیان ۲: ۲۲-۲۰). مسیحیان شریعتگرا اغلب توازن کتاب‌مقدسی را درست در این نقطه از دست می‌دهند!

◆ **"امّا برای آنان که آلوده‌اند و بی‌ایمان، هیچ چیز پاک نیست"** لفظ همریشه اول اسم مفعول مجهول کامل است و دومی فرم خبری مجهول کامل، که از وضعیت آرام شده‌ای حکایت دارد که عاملی خارجی، در اینجا احتمالا فرد شرور، مسبب آن بوده است. چنین شخصی برای منافع شخصی هر کس و هر چیز را به بازی می‌گیرد (اعمال ۲۰: ۲۹).

۱: ۱۶ "مدعی خداشناسی‌اند" در یونانی برای تاکید "خدا" در ابتدای جمله می‌آید. این معلمین دروغین ادعای مذهبی بودن دارند! بر مبنای ضوابط بشری مدعی دینداری هستند (اشعیا ۲۹: ۱۳؛ کولسیان ۲: ۲۳-۱۶)، اما در واقع، آلوده‌اند. برخی این را شاهدی دیگری برای عنصر یهودیت بدعت در نظر می‌گیرند، زیرا بجای مسیح واژه "خدا" بکار رفته است.

◆ **"امّا با کردارشان او را انکار می‌کنند"** این فرم خبری میانه زمان حال است. انتخابهای ایمانداران در زندگی مبین اعتقاد واقعی آنهاست (متی ۷: ۱۶، ۲۰؛ ۱ یوحنا و یعقوب).

◆ **"نفرت‌انگیز"** این واژه‌ای است که اغلب در متن هفتادگان "منفور" ترجمه می‌شود و غالبا با زناکاری مرتبط است. معنای لغوی آن "بدبو" است (مکاشفه ۲۱: ۸).

◆ **"و نافرمان، و نامناسب برای هر کار نیکو"** چه عبارت شوک‌آوری (۱ قرنتیان ۳: ۱۵-۱۰؛ ۲ پطرس ۱: ۱۱-۸)**!** کلمه "نامناسب" از لحاظ لغوی یعنی "ناموفق در گذراندن امتحان" (*دوکیموس* با الف نفی، ۲ تیموتائوس ۳: ۸). به مبحث ویژه: واژه یونانی برای "امتحان کردن" در ۱ تیموتائوس ۶: ۹ رجوع کنید.

پرسشهای مربوط به بحث

آنچه در دست دارید تحقیق تفسیری است که نقش راهنمای مطالعه را ایفا می‌کند، به این معنای که شما شخصا مسئولیت تفسیر خود از کتاب‌مقدس را بر عهده دارید. ما همگی باید در نوری که داریم قدم برداریم. شما، کتاب‌مقدس و روح‌القدس مقدم بر تفسیر هستید. چنین نقشی را نباید به مفسر محول کنید.

پرسشهای مربوط به بحث نوشته شده اند تا به شما کنند موضوعات عمده این بخش از کتاب را مرور کنید. قرار است آنها شما را وادار به تفکر کنند، نه اینکه حرف آخر را بزنند.

۱. چرا فهرست ویژگیهای رهبران در ۱ تیموتائوس ۳: ۱۳-۱ با فهرست تیطوس ۱ فرق دارد؟
۲. این فهرستها که منعکس‌کننده فرهنگ یونانی- رومی قرن اولند چطور به زمانه و کلیسای من ربط پیدا می‌کنند؟
۳. تعالیم و طرز زندگی معلمین دروغین چطور بر این فهرست اثر گذاشته‌اند؟
۴. کل فهرست را در یک جمله چنان خلاصه کنید که توصیف کننده یک رهبر مسیحی باشد؟
۵. آیا این باب نسبت به ۱ تیموتائوس ساختار اداری کلیسایی متفاوتی را نشان می‌دهد؟
۶. در کریت چه نوع معلمین دروغینی وجود داشتند؟ آیا مسیحی بودند یا نه؟
۷. آیاتی را که مبین جنبه یهودی معلمین دروغین است فهرست کنید؟
۸. آیاتی را که منعکس‌کننده جنبه فلسفه یونانی معلمین دروغین هستند فهرست کنید؟
۹. اصل عمومی در آیه ۱۵ را توضیح دهید؟

تیطوس ۲

تقسیم‌بندی پاراگرافها در ترجمه‌های جدید

ان ج بی	تی ای وی	ان آر اس وی	ان ک ج وی	یو بی اس
برخی دستورالعملهای اخلاقی خاص	عقاید درست	شبان و گله	ویژگیهای کلیسای سالم	تعلیم عقاید درست
		(۲: ۱ - ۳: ۱۱)		
۲: ۱۰-۱	۲: ۵-۱	۲: ۲-۱ ۲: ۵-۳ ۲: ۸-۶ ۲: ۱۰-۹	۲: ۱۰-۱	۲: ۱۰-۱
	۲: ۸-۶ ۲: ۱۰-۹			
مبانی زندگی اخلاقی مسیحیان			تعلیم یافته توسط فیض نجات‌بخش	
۲: ۱۴-۱۱ ۲: ۱۵	۲: ۱۴-۱۱ ۲: ۱۵	۲: ۱۴-۱۱ ۲: ۱۵- ۳: ۸	۲: ۱۱-۱۵	۲: ۱۱-۱۵

دایره قرایت سه (از "راهنمای قرایت صحیح کتاب‌مقدس" صفحه ix)

تبعیت از انگیزه نویسنده اولیه در سطح پاراگراف

آنچه در دست دارید تحقیق تفسیری است که نقش راهنمای مطالعه را ایفا می‌کند، به این معنای که شما شخصا مسئولیت تفسیرتان از کتاب‌مقدس را بر عهده دارید. ما همگی باید در نوری که داریم قدم برداریم. شما، کتاب‌مقدس و روح‌القدس مقدم بر تفسیر هستید. چنین نقشی را نباید به مفسر محول کنید.

باب مورد نظر را یکجا بخوانید. موضوعات را شناسایی کنید. تقسیم‌بندی موضوعی خود را با تقسیم‌بندی پنج ترجمه امروزی مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی الهامی نیست، اما کلیدی است برای دنبال کردن انگیزه مولف اولیه، که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. و الی آخر

برداشتهای دقیق‌تر از متن آیات ۱۰-۱:

الف) تذکرات پولس به گروههای مختلف از مردم
۱. مردان مسن (۲-۱)
۲. زنان مسن. آیه ۳ (۱ تیموتائوس ۲: ۱۵-۹)
۳. زنان جوان (آیات ۵-۴)
۴. مردان جوان (آیه ۶)

۵. تیطوس، آیات ۸-۷، ۱۵ (۱ تیموتائوس ۴: ۱۳-۱۲)
۶. برده‌ها (آیات ۱۰-۹)

ب) ویژگیهایی که در تیطوس ۱: ۹-۵ و ۱ تیموتائوس ۳ برای رهبران کلیسا ذکر می‌شوند، در تیطوس ۲ به ایمانداران از هر نوع جنسیت و سن بسط داده می‌شود.

ج) هدف غایی مسیحیانی که زندگی خداپسندانه دارند بروشنی در آیات ۱۴-۱۱ بیان می‌شود. این آیات در یونانی به صورت یک جمله می‌آیند.

د) تیطوس ۲ تضادی واقعی است با شیوه زندگی معلمین دروغین که در ۱: ۱۶-۱۰ آمده است.

مطالعه لغت و عبارت

متن ان آ بی اس (بروز شده): ۲: ۱-۲
[۱] امّا تو از آنچه مطابق با تعلیم صحیح است، سخن بگو. [۲] مردان سالخورده را بگو که معتدل و باوقار و خویشتندار باشند و در ایمان و محبت و پایداری، به شایستگی رفتار کنند.

۲: ۱ "اما تو" این تفاوت عمده بین معلمین دروغین و تیطوس، به عنوان معلم و رهبری واقعی را نشان می‌دهد (۱ تیموتائوس ۶: ۱۱؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۱، ۱۴).

◆**"سخن بگو"** این فرم امری معلوم زمان حال است (۱ تیموتائوس ۴: ۱۳؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۲). انجیل و مفاهیم آن باید بیان شوند.

◆**"از آنچه مطابق با تعلیم صحیح است"** تعلیم صحیح (تعلیم سالم) مفهومی است که مکرارا ذکر می‌شود (۱: ۹، ۱۳؛ ۲: ۱، ۲، ۸؛ ۱ تیموتائوس ۱: ۱۰؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۱۳؛ ۴: ۳). دقت کنید که در این زمینه متنی تعلیم سالم عقیدتی نیست، بلکه شیوه زندگی عملی مسیح‌گونه است که مردم در مرکز آن قرار دارند.

۲: ۲ "مردان سالخورده" این همان کلمه‌ای است که در تیطوس ۱: ۵ و ۱ تیموتائوس ۵: ۱، ۱۷ "مشایخ" ترجمه شده، ام در این زمینه متنی ترجمه متفاوتی دارد (فلیمون ۹). در این فرهنگ به مردان بالای ۶۰ سال اشاره دارد.

◆
ان آ اس بی، ان آر اس وی **"معتدل باشند"**
ان کی ج وی، تی ای وی **"میانه‌رو"**
ان ج ب **"متعادل"**
معنای لغوی آن "مست نبودن" است که اشاره دارد به خماری در اثر نوشیدن (۱: ۶، ۷). این واژه به صورت استعاره برای هشیاری فکری و گوش بزنگ بودن بکار می‌رفت (۱ تیموتائوس ۳: ۲، ۱۱).

◆**"باوقار"** این واژه در آیات ۲، ۴، ۵، ۶ و ۱۲ بکار رفته است. یادداشت در مورد "محتاط" در ۱ تیموتائوس ۳: ۲ رجوع کنید.

◆
ان آ اس بی، ان ج ب **"خویشتندار"**
ان کی ج وی **"جدی"**
ان آر اس وی **"معقول"**
تی ای وی **"موقر"**
این واژه بارها در رسالات شبانی بکار رفته است (۲: ۲، ۷؛ ۱ تیموتائوس ۲: ۲؛ ۳: ۴، ۸، ۱۱؛ و فرمی از این کلمه در ۲ تیموتائوس ۲: ۲؛ ۳: ۴). بر اساس لغت‌نامه اثر باور، آرندت، گینگریچ و دانکر، می‌تون آن را "خویشتنداری، وقار، جدیت، محترم بودن، تقدس یا پاکدامنی" ترجمه کرد (ص ۴۷). این کلمه با واژه یونانی "آگوستوس" مرتبط است (اعمال ۲۵: ۲۱، ۲۵؛

۲۷: ۱۱). واژه اشاره دارد به تکریم یا پرستش کسی، امپراتور، و توصیف می‌کند در حضور او باید چه احساسی داشت و چگونه عمل کرد.

◆**"صحیح"** این کاربرد استعاره‌ای مکرر واژه "سالم" در آیه ۱ است. مسیحیان باید در ایمان، محبت و پایداری (۱ تیموتائوس ۶: ۱۱؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۱۰) و نیز اصول عقیدتی خود باثبات و سالم باشند. برای پولس، اعتقاد و زیستن جدایی‌ناپذیر بودند – درست برعکس معلمین دروغین.

◆**"پایداری"** مبحث ویژه در ۱ تیموتائوس ۴: ۱۶ و در فرم متفاوت ۲ تیموتائوس ۲: ۱۱ را ببینید.

متن ان آ بی اس (بروز شده): ۲: ۳-۵
[۳] به همین‌سان، زنان سالخورده باید رفتار محترمانه‌ای داشته باشند. نباید غیبتگو یا بندۀ شراب باشند، بلکه باید آنچه را که نیکوست تعلیم دهند، [۴] تا بتوانند زنان جوانتر را خرد بیاموزند که شوهردوست و فرزنددوست باشند [۵] و خویشتندار و عفیف و کدبانو و مهربان و تسلیم شوهر، تا کلام خدا بد گفته نشود.

◆**"رفتار محترمانه"** این واژه ترکیبی است از *هیروس*، به معنای مقدس، خاص (از ریشه *هیروف*، برای معبد) و *پرِپئی*، به معنای مناسب، شایسته. زنان مسیحی مسنتر باید رفتار دینمدار و مقدس داشته باشند (۱ تیموتائوس ۲: ۱۰).

◆
ان آ اس بی **"نباید غیبتگو"**
ان کی ج وی، ان آر اس وی،
تی ای وی **"افترازن"**
ان ج ب **"بانی افترا"**
کلمه بکار رفته در اینجا (*دیابولوس*) کلمه‌ای است که برای شیطان بکار رفته است، "افترازن" (یوحنا ۶: ۲۰؛ ۱ تیموتائوس ۳: ۶. مبحث ویژه: شیطان در ۱ تیموتائوس ۵: ۱۰ را ببینید). با اینحال این واژه فرم جمع است و حرف تعریف ندارد (۱ تیموتائوس ۳: ۱۱؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۳). جان کالوین گفت: "پرحرفی بیماری زنان است، و با بالا رفتن سن بدتر می‌شود". مشکل مورد نظر تنها خبرچینی نیست بلکه احتمالا انتقال اطلاعات غلط هم هست (۱ تیموتائوس ۵: ۱۳). زنان بیوه جوان احتمالا حرفهای معلمین دروغین را به خانه‌ها و کلیساهای خانگی افسس منتقل می‌کردند (۲ تیموتائوس ۳: ۷-۵). روشن نیست که آیا این عبارت (۱ تیموتائوس ۳: ۱۱؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۳) به همان مشکل اشاره دارد یا نه.

◆**"نباید بنده شراب باشند"** این اسم مفعول مجهول کامل است. این سخن نسبت به تیطوس ۱: ۷ یا ۱ تیموتائوس ۳: ۳، ۸ کلامی محکمتر است. میگساری (مبحث ویژه در ۱ تیموتائوس ۳: ۳) احتمالا در کریت مشکل‌ساز بوده، که نشان می‌دهد راهبردهای عهد جدید را شاید بتوان در برخی فرهنگها با شدت یا سهولت بکار برد.

◆**"آنچه را نیکوست تعلیم دهند"** با توجه به ۱ تیموتائوس ۲: ۱۲ ظاهرا منظور معلمین خانگی و مربیان زنان جوان است. آیات ۵-۴ محتوای تعلیم را ارایه می‌دهند. به مبحث ویژه در ۱ تیموتائوس ۳: ۳ رجوع کنید.

۲: ۴ "تا بتوانند زنان جوانتر را خرد بیاموزند" کلمه ریشه‌ای *اسچفرچن* در آیات ۴، ۵، ۶ و ۱۲ یافت می‌شود. معنای اولیه آن این است "فکر سالم داشته باشد". در واقع خویشتنداری و زندگی متعادل را تشویق می‌کند.

◆**"که شوهردوست و فرزنددوست باشند"** اراده خدا برای زنان متاهل این است که همسر و فرزندان خود را دوست بدارند. معلمین دروغین محیط خانوادگی را مغشوش می‌کردند (۱: ۱۱؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۶).

۲: ۵ ویژگی زنان جوان به عنوان کدبانوی مطیع خانه روال اجتماعی مورد انتظار در فرهنگ مدیترانه‌ای قرن اول بود (۱ تیموتائوس ۲: ۱۰). آیا این پیام شامل حال همه زنان متاهل در همه زمانها می‌شود؟ این پرسش آسانی نیست! مسیحیت امروزین باید بدون کوته‌فکری در اینجا آزادی‌هایی را برای تفسیر قائل شود. لطفا به کتاب *چگونه کتاب‌مقدس را آن چنانکه شایسته آن است بخوانیم*، اثر فی و استوارت، و کتاب *انجیل و روح* اثر گوردون فی رجوع کنید.

◆

ان آ اس بی	**"کدبانوی خانه"**
ان کی ج وی	**"کدبانو"**
ان آر اس وی	**"مدیر شایسته خانه"**
تی ای وی	**"زن خانه‌دار شایسته"**
ان ج ب	**"چطور در خانه خود کار کند"**

در مورد این عبارت مشکلی در دست‌نوشته‌های یونانی وجود دارد. بیشتر دست‌نوشته‌های یونیکال قدیمی (A, C, D*, F, G, I, ℵ*) ، بیشتر پدران اولیه کلیسا، و بیشتر دست‌نوشته‌های کوچک موخرتر واژه مشترکی دارند، کدبانو (*اُیکورگوس*، "خانه" + "کارگر")، اما برخی متون باستانی (ℵc, Dc, H, L, P) خانه‌دار (*اُیکوروس*، "خانه" + "محافظ") را دارند، که مشابه ۱ تیموتائوس ۵: ۱۴، *اُیکودسموتیو* (مدیر خانه، "خانه" + "ارباب") است.
این واژه، *اویکورگوس*، واژه بسیار نادری است (بروس ام متزگر، *تحقیق تفسیری عهد جدید یونانی*، ص ۶۴۵). یکی از اصول بنیادین نقد متون این است که غیرمعمولترین واژه یا عبارت احتمالا اصل است زیرا احتمال اینکه کاتب آنرا به واژه یا عبارت شناخته شده تغییر دهد بیشتر است.

◆**"و تسلیم شوهر"** واژه "تسلیم" یا "مطیع" از واژه نظامی می‌آید که به زنجیره‌ای از فرمانها اشاره دارد. این اسم مفعول متوسط زمان حال است (افسسیان ۵: ۲۱؛ کولسیان ۳: ۱۸؛ ۱ تیموتائوس ۲: ۱۲-۱۱؛ ۱ پطرس ۳: ۱). با اینحال، دقت کنید که پولس در افسسیان ۵: ۲۱، تسلیم را به پری روح ربط می‌دهد (۵: ۱۸) و آنرا مسئولیت متقابل همه مسیحیان قرار می‌سازد. لطفا به یادداشتهای ۱ تیموتائوس ۲: ۱۲-۱۱ مراجعه کنید.

◆**"تا کلام خدا بد گفته نشود"** شیوه زندگی ایمانداران اهمیت زیادی دارد. این موضوعی از که مدام در رسالات شبانی تکرار می‌شود، "بهانه‌ای برای انتقاد نباشد" (آیات ۸، ۱۰؛ ۱ تیموتائوس ۳: ۲، ۷، ۱۰؛ ۵: ۸، ۱۴؛ ۶: ۱؛ تیطوس ۱: ۷-۶، ۸، ۱۰). زندگی و کلام ایمانداران دیگران را به سوی مسیح هدایت می‌کند (متی ۲۸: ۲۰-۱۹).

متن ان آ بی اس (بروز شده): ۲: ۸-۶
[۶] نیز مردان جوان را پند ده تا خویشتندار باشند. [۷] خودْ در همه چیز سرمشق اعمال نیکو باش. در تعلیم خود خلوص و وقار به‌خرج ده، [۸] و سلامتِ گفتارت چنان باشد که کسی آن را مذمّت نتواند کرد، تا مخالفان چون فرصت بد گفتن از ما نیابند، شرمسار شوند.

۲: ۶ به مردان جوانتر فقط یک راهبرد داده شده ("خویشتندار باشند"، آیات ۲، ۴، ۵). این تنها فرم امری در آیات ۶-۲ است. از لحاظ گرامر مشخص نیست آیا "در همه چیز" در آیه ۷ به این آیه مرتبط و راهبرد دیگری برای مردان است، یا به "خود" موکد در آیه ۷ ربط دارد، که به تیطوس اشاره می‌کند.

۲: ۷ "خودْ ... سرمشق ... باش" این اسم مفعول متوسط زمان حال است که به صورت امری بکار رفته است (۱ تیموتائوس ۴: ۱۲).

◆**"اعمال نیکو"** این تاکیدی است که مدام تکرار می‌شود (۱: ۱۶؛ ۲: ۷، ۱۴؛ ۳: ۱، ۸، ۱۴). تغییر شیوه زندگی گواهی بود بر جذب شدن به پیام مسیحیت.

◆

ان آ اس بی	**"خلوص در تعلیم"**
ان کی ج وی	**"در تعلیمی که نشانگر راستی است"**
ان آر اس وی	**"در تعلیم خود راستی نشان ده"**
تی ای وی	**"صادق باش ... در تعلیم خود"**
ان ج ب	**"با صداقت ... وقتی تعلیم می‌دهی"**

به نظر می‌رسد این علاوه بر محتوای تعلیم و موعظه، روش تعلیمی را که قرار بود تیطوس دنبال کند نیز توصیف می‌کند (در مقایسه با زندگی و انگیزه‌های ناپاک معلمین دروغین). اگر به محتوا اشاره نمی‌کند، پس احتمالا تاکیدی است بر قیام مسیح (رومیان ۲: ۷؛ ۱ قرنتیان ۱۵: ۴۲، ۵۳، ۵۴). در دست‌نوشته‌های یونانی مشکلات متعددی به این عبارت مرتبط می‌شوند. در

تفسیری تحقیقی بر عهد جدید یونانی، بروس ام متزگر می‌گوید واژه *آمفتوریان* (فسادناپذیری) (۱) پشتوانه خوبی در دست‌نوشته‌ها دارد (ℵ, A, C, D*) ، (۲) با زمینه متن متناسب است؛ (۳) گوناگونی را توجیه می‌کند؛ و (۴) غیرمعمول‌ترین گزینه‌ها است. متداولترین گزینه (!c, Dc, L . و بیشتر دست‌نوشته‌های مینوسکل بعدی) *آدیافتوریان* (خلوص) است (ص ۶۵۴).

۲: ۸ "سلامتِ گفتار" این واژه به معنای "سالم" مدام تکرار می‌شود و در آیات ۱ و ۲ هم آمده است (از لحاظ استعاره مقایسه‌ای است با پیام ناسالم معلمین دروغین).

◆

ان آ اس بی	**"وقار"**
ان کی ج وی	**"احترام"**
ان آر اس وی	**"متانت"**
تی ای وی	**"جدیت"**
ان ج ب	**"اشتیاق"**

به یادداشت کامل در ۲: ۲ رجوع کنید.

◆**"که کسی آن را مذمّت نتواند کرد"** این راهبردی است هم برای رهبران مسیحی و همه تمامی ایمانداران (۱: ۷-۶، ۸، ۱۰؛ ۵: ۸، ۱۴؛ ۶: ۱). مبحث ویژه در ۱ تیموتائوس ۳: ۲ را ببینید.

◆**"مخالفان"** در زمینه متنی این ممکن است اشاره داشته باشد به (۱) معلمین دروغین آیات ۱: ۱۶-۱۰؛ یا (۲) غیرایمانداران جامعه‌ای که از روی جهل ناشی از بت‌پرستی مسیحیان را مورد انتقاد قرار می‌دادند. زندگی ایمانداران باید هر دو گروه را خاموش و به سوی انجیل جذب کند.

متن ان آ بی اس (بروز شده): ۲: ۱۰-۹
[۹] به غلامان تاکید کن که در هر امر مطیع اربابان خود باشند و بدون جرّ و بحث، ایشان را راضی سازند [۱۰] و دزدی نکنند بلکه نشان دهند که کاملاً امین هستند تا با کارهای نیکوی خود بتوانند به شهرت و جلال کلام نجات‌دهندهٔ ما خدا، بیافزایند.

۲: ۹ **"به غلامان *تاکید کن* که در هر امر مطیع اربابان خود باشند"** "مطیع بودن" فرم حال متوسط مصدری دارد (افسسیان ۶: ۹-۵؛ کولسیان ۳: ۲۴-۲۲؛ ۱ تیموتائوس ۶: ۲-۱). فعل "تاکید کن" از آیه ۶ استنباط می‌شود. همانند زنان، به برده‌ها نیز تاکید می‌شود که به خاطر مسیح در مقابل ساختارهای قدرت فرهنگی زندگی خداپسندانه داشته باشند. مسئله مهم بشارت است، نه آزادی شخصی! به مبحث ویژه: تذکرات پولس به برده‌ها در ۱ تیموتائوس ۶: ۱ رجوع کنید.

◆**"در هر امر"** این عبارت در آیه ۱۰ تکرار می‌شود. مهم است که ایمانداران درک کنند که زندگیشان در تمامی قسمت‌ها باید منعکس کننده خدا است. این مفهوم از لحاظ الهیاتی در راستای تسلیم متقابل است که در افسسیان ۵: ۲۱ یافت می‌شود و نیز تسلیم زنان دیندار در ۵: ۲۲ – ۶: ۹ (کتاب *آجر مخمل‌پوش*، اثر اچ ای بوت).

◆**"ایشان را راضی سازند"** مفهوم بیان نشده، اما ضمنی این است که نه تنها صاحبان برده، بلکه بالاتر از آن خدا را راضی سازند (رومیان ۱۲: ۲-۱؛ افسسیان ۶: ۸-۷).

◆

ان آ اس بی	**"بدون جرّ و بحث"**
ان کی ج وی	**"جواب ندهند"**
ان آر اس وی، تی ای وی	**"در جواب حرف نزنند"**
ان ج ب	**"بدون بحث"**

طرز برخورد ایمانداران به هنگام مواجهه با شرایط و موقعیت‌های دشوار شهادت واضح و قدرتمندی است در مورد ایمانشان به مسیح (افسسیان ۶: ۹-۵).

۲: ۱۰ "دزدی نکنند" احتمالا این مسئله‌ای رایج در میان برده‌ها بوده است (افسسیان ۴: ۲۸).

◆**"نشان دهنده"** معنی این واژه این است که گواه بیرونی و واضح در مورد چیزی ارائه دهند. زندگی ما باید خدا را جلال دهد و گواهی باشد بر قدرت انجیل برای تغییر زندگیها!

◆**"نجات‌دهندۀ ما خدا"** این عنوانی بود که بطور معمول توسط و برای قیصر بکار می‌رفت. این عبارت، عبارتی است که در رسالات شبانی مشخصا برای خدا بکار می‌رود (۱: ۳- ۲: ۱۰؛ ۳: ۴). همین عنوان مرتبا برای عیسی هم استفاده می‌شود (۱: ۴؛ ۲: ۱۳؛ ۳: ۶).

برداشتهای دقیق‌تر از متن تیطوس ۲: ۱۴-۱۱

الف) این بخش کوتاه (آیات ۱۴-۱۱) دلایل الهیاتی برای زندگی خداپسندانه مسیحیان ارائه می‌دهد. این بحث شباهت زیادی به تیطوس ۳: ۷-۴ و ۲ تیموتائوس ۱: ۱۰-۸ دارد.

ب) آیه ۱۱ به آمدن اول مسیح و جسم پوشیدن او اشاره دارد (تیطوس ۳: ۴؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۱۰). آیه ۱۳، از همان واژه، یعنی "ظهور" برای اشاره به آمدن ثانویه مسیح استفاده می‌کند (۱تیموتائوس ۶: ۱۴؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۱، ۸). مشخصه آمدن اولیه فیض خدا بود، مشخصه آمدن ثانویه عدالت خدا خواهد بود!

ج) آیه ۱۲ خلاصه‌ای است از ویژگیهای خداپسندانه لازم برای رهبران در فصل ۱: ۹-۵ و همه مسیحیان در فصل ۲: ۱-۱۰.

ه) آیه ۱۳ انجیل را در چارچوب طبقه پولسی "آنچه هست" (پادشاهی خدا حضور دارد) و "هنوز نیامده" (پادشاهی خدا در آینده می‌آید). این تنش در مورد اغلب بحثهای پولس درباره زندگی مسیحی صدق می‌کند.

و) آیا آیه ۱۳ تنها به عیسی اشاره دارد (ان آ اس بی، آر اس وی، ان ای بی، ان آی وی) یا اشاره دوگانه دارد به خدای پدر و عیسای پسر (ک جی وی، آ اس وی، ترجمه موفات)؟ دلایل زیادی هست که تایید می‌کنند الهیت مسیح مورد اشاره است و این در لفافه عنوان مصطلح برای قیصر روم آمده است:

۱. تنها یک حرف تعریف برای دو نام بکار رفته
۲. آیه ۱۴ تنها به مسیح ربط دارد
۳. واژه "عظیم" و "ظهور" به خدای پدر اشاره دارد
۴. بخشهای دیگری در نوشتهای پولس و سایر مولفین عهد جدید وجود دارد که الهیت کامل به عیسی نسبت داده شده
۵. اکثر بزرگان کلیسای اولیه نیز آن را اشاره به عیسی می‌دانستند. با اینحال، باید توجه داشت که نظر نسخه‌های اولیه این بود که اشاره هم به یهوه است و هم عیسی.

ز) آیه ۱۴ کلیسا را با استفاده از واژه‌های عهد عتیق مورد استفاده در اسرائیل توصیف می‌کند. از جهاتی کلیسا ثمره اشتیاق خدا برای اسرائیل است (رومیان ۲: ۲۹-۲۸؛ غلاطیان ۶: ۱۶؛ ۱ پطرس ۲: ۵، ۹؛ مکاشفه ۱: ۶). با اینوجود اسرائیل کماکان مورد مهر و توجه خاص خدا باقی می‌ماند (رومیان ۱۱).

مطالعه لغت و عبارت

متن ان آ بی اس (بروز شده): ۲: ۱۱-۱۴
[۱۱] زیرا فیض خدا به‌ظهور رسیده است، فیضی که همگان را نجات‌بخش است [۱۲] و به ما می‌آموزد که بی‌دینی و امیال دنیوی را ترک گفته، با خویشتنداری و پارسایی و دینداری در این عصر زیست کنیم، [۱۳] در حینی که منتظر آن امید مبارک، یعنی ظهور پرجلال خدای عظیم و نجات‌دهندۀ خویش عیسی مسیح هستیم، [۱۴] که خود را فدای ما ساخت تا از هر شرارت رهایی‌مان بخشد و قومی برای خود طاهر سازد که از آنِ خودش باشند و غیور برای کار نیکو.

۲: ۱۱ "زیرا" آیات ۱۴-۱۱ به ۱۰-۱ ربط دارند، و اساس الهیاتی برای زندگی خداپسندانه را ارائه می‌دهند.

◆**"فیض خدا به‌ظهور رسیده است"** این به جسم پوشیدن عیسی اشاره دارد (۲ تیموتائوس ۱: ۱۰؛ تیطوس ۳: ۷-۴). زندگی، تعلیم و مرگ عیسی محبت، رحمت و فیض پدر را به تمامی متجلی کرد. وقتی عیسی را ببینیم، پدر را دیده‌ایم (یوحنا ۱: ۱۴-۱؛ ۱۴: ۱۱-۸؛ کولسیان ۱: ۱۹-۱۵؛ عبرانیان ۱: ۳-۱). واژه یونانی *اپیفانی* (ظهور) در آیه ۱۳ برای آمدن ثانویه مسیح بکار رفته است (۲: ۱۱، ۱۳؛ ۳: ۴؛ ۲ تسالونیکیان ۲: ۸؛ ۱ تیموتائوس ۶: ۱۴؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۱۰؛ ۴: ۱، ۸). مبحث ویژه ۲: ۱۳ را ببینید.

◆**"فیضی که همگان را نجات‌بخش است"** خدا مسیح را فرستاد تا برای گناهان همه انسانها بمیرد، اما آنها باید شخصا از طریق توبه، ایمان، اطاعت و مداومت آن را بپذیرند. این بخشها مقیاس جهانی کار مسیح را منعکس می‌کنند: (۱) "برای جهان" (یوحنا ۱: ۲۹؛ ۳: ۱۶؛ ۶: ۳۳، ۵۱؛ ۲ قرنتیان ۵: ۱۹؛ ۱ یوحنا ۲: ۲) و (۲) "همه انسانها" (رومیان ۵: ۱۸؛ ۱ قرنتیان ۱۵: ۲۲؛ ۱ تیموتائوس ۲: ۶-۴؛ عبرانیان ۲: ۹؛ ۲ پطرس ۳: ۹). برای یادداشت کاملتر به ۱ تیموتائوس ۲: ۴ رجوع کنید.
خدا انسانها را به صورت خود آفرید (پیدایش ۱: ۲۷-۲۶). در پیدایش ۳: ۱۵ خداوند وعده‌ها که همه انسانها را نجات بخشد. او مخصوصا حتی در دعوتش از ابراهیم (پیدایش ۱۲: ۳) و اسرائیل (خروج ۱۹: ۵) برنامه جهانی خود را اعلام می‌کند.
وعده‌های عهد عتیق به اسرائیل (یهود در مقابل غیریهود) اکنون به ایماندار و غیرایماندار عمومیت داده شده‌اند (افسس ۲: ۱۱-۳: ۱۳). دعوت خدا به نجات جهانی، متمرکز بر فرد و تحت قدرت روح است.

مبحث ویژه: تقدیر (کالوینیزم) در مقابل اراده آزاد انسان (ارمنیانیزم)
تیطوس ۲: ۱۱ سایر بخشهای عهد جدید مربوط به برگزیدگی را تعدیل می‌کند. به نظرم رسید که تهیه یادداشتهای تفسیری از رومیان ۸: ۲۹ و ۹، و نیز افسسیان ۱ از لحاظ الهیاتی کمک خواهد کرد.

۱. رومیان ۸: ۲۹- پولس از کلمه "پیشدانی" (*پروگینچسکچ*، "از قبل دانستن") دوبار استفاده می‌کند، یکی اینجا و دیگری در ۱۱: ۲. در ۱۱: ۲ این اشاره دارد به عهد محبت خدا نسبت به اسرائیل قبل از آغاز. به یاد داشته باشید که واژه "دانستن" در عبری به ارتباط صمیمی و شخصی ربط دارد، نه به واقعیات در مورد یک فرد (پیدایش ۴: ۱؛ ارمیاء ۱: ۵). در اینجا در زنجیره‌ای از امور ازلی آمده است (رومیان ۸: ۳۰-۲۹). این واژه به تقدیر ربط داشت. با اینحال، لازم به ذکر است که پیشدانی خدا مبنای گزینش نیست زیرا اگر چنین بود، در این صورت گزینش تابع پاسخ انسان سقوط کرده می‌بود، که در واقع همان اعمال انسان باشد. این واژه در اعمال ۲۶: ۵؛ ۱ پطرس ۱: ۲، ۲۰ و ۲ پطرس ۳: ۱۷ نیز یافت می‌شود. ("پیشدانی" *پروگینچسکچ*، "از قبل دانستن")

الف. واژه‌های "پیشدانی" یا "مقدر" هر دو ترکیبی و دارای حرف اضافه "قبل" هستند و بنابراین، باید "از قبل دانستن،" "از قبل تعیین شده،" یا "از پیش علامتگذاری شده" ترجمه شوند. بخشهای قاطع در مورد تقدیر در عهد جدید در رومیان ۸: ۳۰-۲۸؛ افسسیان ۱: ۱۴-۳ و رومیان ۹ یافت می‌شوند. این متون آشکارا بر حاکمیت خدا تاکید دارند. او بر همه چیز تسلط کامل دارد. این نقشه از قبل تعیین شده خدا است که در زمان معین عملی می‌شود. با اینحال، این نقشه مستبدانه و تبعیض‌آمیز نیست. این نقشه نه تنها بر حاکمیت و پیشدانی خدا، بلکه همچنین بر مشخصه تغییرناپذیر محبت، رحمت و فیض بیدریغ او بنا شده است.
باید دقت کنیم فردگرایی غربی (امریکایی) یا اشتیاقمان به بشارت این حقیقت فوق‌العاده را تحت‌الشعاع قرار ندهد. باید مراقب باشیم تحت تاثیر جدالهای تاریخی الهیاتی بین آگوستین و پلگیوس یا کالوینیزم و آرمنیانیزم نیز قرار نگیریم.

ب. "مقدر" (*پروریزچ*، "از قبل تعیین شده") تقدیر اعتقادی نیست به منظور محدود کردن محبت، فیض و رحمت خدا یا خذف کردن بخشهایی از انجیل. منظور از آن تقویت ایمانداران از طریق شکل‌دهی جهان‌بینی آنهاست. خدا متعلق به همه انسانهاست (۱ تیموتائوس ۲: ۴؛ ۲ پطرس ۳: ۹). خدا بر همه چیز مسلط است. چه کسی یا چه چیزی می‌تواند ما را از او جدا کند (رومیان ۸: ۳۹-۳۱). برای خدا تمام تاریخ زمان حال است. انسانها محدود به زمان هستند. درک و توانایی فکری ما محدود است. بین حاکمیت خدا و اراده آزاد انسان تناقضی نیست. این ساختاری مبتنی بر عهد است. مثال دیگری است از حقیقتی که در کشمکش دیالکتیکی ارائه شده است. اصول اعتقادی کتاب‌مقدسی از زوایای دید متفاوت عرضه شده‌اند. اینها اغلب متناقض به نظر می‌رسند. حقیقت این است که بین زوجهای به نظر متضاد یک موازنه وجود دارد. نباید با گزیدن یکی از این حقایق کشمکش را حذف کنیم. هیچکدام از حقایق کتاب‌مقدسی را نباید به تنهایی در یک کنج منزوی کنیم.
لازم به ذکر است که هدف از برگزیده‌شدن تنها این نیست که بعد از مرگ به بهشت برویم، بلکه باید اکنون نیز زندگی مسیح‌گونه داشته باشیم (رومیان ۸: ۲۹؛ افسسیان ۱: ۴؛ ۲: ۱۰). ما انتخاب شدیم تا "مقدس و بی‌عیب" باشیم. خداوند ما را انتخاب کرد که تغییرمان دهد تا شاید دیگران با مشاهده تغییر در ما با ایمان به خدا در مسیح پاسخ مثبت دهند. تقدیر امتیازی شخصی نیست، بلکه مسئولیتی مبتنی بر عهد است. این حقیقت مهمی است که در این بخش آمده است. این هدف مسیحیت است. تقدس اراده خداست برای هر ایماندار.
گزینش خدا برای مسیح‌گونه شدن است (افسسیان ۱: ۴)، نه امتیازی خاص. تصویر خدا، که هنگام خلقت به

انسان اعطا شد (پیدایش ۱: ۲۶؛ ۵: ۱، ۳؛ ۹: ۶)، باید احیا شود.
ج. "تطبیق داده شده با تصویر پسرش" – هدف نهایی خدا احیای تصویری است که هنگام سقوط از دست رفت. ایمانداران از قبل تعیین شده‌اند که همانند مسیح باشند (افسسیان ۱: ۴).

۲. رومیان ۹
الف. باب ۹ یکی از محکمترین بخش‌های عهد جدید در مورد حاکمیت خداست (بخش دیگر افسسیان ۱: ۱۴-۳ است)، در حالی که رومیان ۱۰ بوضوح و مکررا اراده آزاد انسان را بیان می‌کند ("هرکس" آیه ۴؛ "هر کسی که" آیات ۱۱، ۱۳؛ "همه" آیه ۱۲ [دوبار]). پولس هرگز سعی نکرده این کشمکش الهیاتی را آشتی دهد. اینها هر دو حقیقت دارند. بیشتر اصول اعتقادی کتاب‌مقدس به صورت زوجهای تناقضی یا دیالکتیکی ارائه شده‌اند. اغلب سیستمهای الهیاتی عقلانی نیمه حقیقت هستند. آگوستینیانیزم و کالوینیزم در مقابل نیمه پلیگیانیزم و ارمنیانیزم عناصری از حقیقت و اشتباه را دارند. کشمکش کتاب‌مقدسی بین اصول اعتقادی ارجحیت دارد بر سیستم الهیاتی کوته‌نظرانه و منطقی مبتنی بر بخش محدودی از کتاب، که کتاب‌مقدس را تبدیل می‌کند به یک مجموعه تفسیری غیرمستند.
ب. همین حقیقت (رومیان ۹: ۲۳) در رومیان ۸: ۳۰-۲۹ و افسسیان ۱: ۴، ۱۱ نیز بیان می‌شود. این باب محکمترین بیان حاکمیت خدا در عهد جدید است. جای بحث نیست که تمامی خلقت و نجات تحت تسلط خداست. این حقیقت بزرگ هرگز نباید تلطیف یا تقلیل داده شود. با اینوجود این مسئله باید با عهد انتخابی خدا تعدیل شود، که وسیله‌ای است برای ارتباط با انسانی مخلوقی که به صورت او ساخته شد. قطعا این حقیقت دارد که برخی از عهدهای عهدعتیق، مانند پیدایش ۱۵، بی‌قید و شرط هستند و ربطی به عکس‌العمل انسان ندارند، درحالی که سیر عهدها مشروط به پاسخ مثبت انسان می‌باشند (مثلا عدن، نوح، موسی، داود). خدا طرحی دارد برای رستگای تمامی خلقتش؛ هیچ انسانی نمی‌تواند این طرح را تحت تاثیر قرار دهد. اراده خدا بر این بوده که اجازه دهد افراد در طرحهایش نقش داشته باشند. این فرصت برای ایفای نقش کشمکشی الهیاتی است بین حاکمیت خدا (رومیان ۹) و اراده آزاد انسان (رومیان ۱۰). گزینش یک نکته کتاب‌مقدسی و نادیده گرفتن دیگری صحیح نیست. بین اصول اعتقادی کشمکش وجود دارد زیرا مردم مشرق زمین حقیقت را به صورت زوجهای دیالکتیکی یا پر از کشمکش ارائه می‌دهند. اصول اعتقادی باید در ارتباط با سایر اصول حفظ شوند. حقیقت همانند یک طرح موزائیک است.
۳. افسسیان ۱
الف. برگزیدگی اصل اعتقادی فوق‌العاده‌ای است. با اینوجود، دلیلی برای تبعیض نیست، بلکه دعوتی این برای اینکه فرد تبدیل به یک گذرگاه شود، ابزار یا وسیله‌ای برای نجات دیگران. در عهد عتیق این واژه ابتدائا برای خدمت بکار می‌رفت؛ در عهد جدید معنای اولیه آن نجاتی است که منجر به خدمت می‌شود. کتاب‌مقدس هرگز باعث مصالحه تناقض ظاهری بین حاکمیت خدا و اراده آزاده انسان نمی‌شود، بلکه هر دو را تایید می‌کند! مثال خوبی در زمینه کشمکشهای کتاب‌مقدسی رومیان ۹ در مورد حاکمیت خدا و رومیان ۱۰ در مورد پاسخ ضروری انسان است (۱۰: ۱۱، ۱۳).
کلید این کشمکش الهیاتی در ۱: ۴ یافت می‌شود. عیسی انسان برگزیده خداست و همه از طریق او ظرفیت برگزیده شدن را دارند (کارل بارث). عیسی "بله" خداست به نیاز انسان سقوط کرده (کارل بارث). افسسیان ۱: ۴ تاکید می‌کند که هدف از تقدیر تنها بهشت نیست، بلکه تقدس (مسیح گونه شدن) نیز هست، و از این طریق به روشن شدن موضوع کمک می‌کند. ما اغلب جذب مزایای انجیل می‌شویم و مسئولیتها را نادیده می‌گیریم! دعوت خدا (انتخاب) هم برای جاودانگی است و هم برای اکنون!
اصول اعتقادی مرتبط با سایر حقایق می‌آیند، نه مجرد و بی ارتباط با حقیقت‌ها. قیاس خوب در این مورد مجموعه ستارگان در مقابل یک ستاره است. خداوند با استفاده از سبک ادبی شرق حقیقت را ارائه می‌کند، نه ادبیات غرب. ما نباید کشمکش ناشی از زوجهای دیالکتیک (تناقضی) حقایق اعتقادی را حذف کنیم (خدای ورای جهان مادی در مقابل خدایی حاضر در کل جهان؛ امنیت در مقابل مداومت؛ عیسی بی عنوان هم شان با پدر در مقابل عیسی خادم پدر؛ آزادی مسیحی در مقابل مسئولیت مسیحی نسبت به عهد متقابل، و غیره).
مفهوم الهیاتی "عهد" حاکمیت خدا (که همیشه ابتکار عمل را در دست دارد و برنامه را تنظیم می‌کند) را با پاسخ ارادی اولیه و ادامه‌دار انسان از طریق توبه و ایمان آشتی می‌دهد. دقت کنید که تنها با تکیه بر یک بخش از کتاب یک جنبه از تناقض برنداشته و بخش دیگر را نادیده بگیرید! مواضب باشید که فقط بر اصول اعتقادی و یا یا سیستم الهیاتی مورد علاقه خود تاکید نکنید.

ب. "او ما را برگزید" در افسسیان ۱: ۴ فرم اخباری متوسط گذشته است که بر فاعل تاکید دارد. این بر انتخابی که پدر در ازل انجام داد متمرکز است. انتخاب توسط خدا را نباید با مفهوم اسلامی جبر یا مفهوم فوق کالوینیستی اشتباه گرفت، بلکه باید مفهوم عهدی آن را مدنظر قرار داد. خداوند قول داد که انسان سقوط کرده را نجات دهد (پیدایش ۳: ۱۵). خدا ابراهیم را دعوت و انتخاب کرد تا همه بشریت را برگزیند (پیدایش ۱۲: ۳؛ خروج ۱۹: ۶-۵). خداوند خود همه انسانهایی را ایمان در مسیح را تجربه می‌کنند انتخاب کرد. خداوند همواره گام اول نجات را برمیدارد (یوحنا ۶: ۴۴، ۶۵). این متن و رومیان ۹ پایه‌های الهیاتی اعتقاد به تقدیر هستند که آگوستین و کالوین بر آن تاکید داشتند.

خدا ایمانداران را برگزید، نه تنها برای نجات (تبریه از گناهان)، بلکه همچنین برای تقدس (کولسیان ۱: ۱۲). این ممکن است ربط داده شود به (۱) موقعیت ما در مسیح (۲ قرنتیان ۵: ۲۱) یا (۲) اشتیاق خدا برای تکثیر شخصیت خود در فرزندانش (۲: ۱۰؛ رومیان ۸: ۲۹-۲۸؛ غلاطیان ۴: ۱۹). اراده خدا برای فرزندانش این است که روز به آسمان بروند و اکنون مانند مسیح شوند! "در او" مفهوم کلیدی افسسیان ۱: ۴ است. برکات، فیض و نجات خدا از طریق مسیح جاری می‌شوند (یوحنا ۱۴: ۶). به تکرار این فرم گرامری دقت کنید (فرم مکانی کره) در آیه ۳، "در مسیح"؛ آیه ۴، "در او"؛ آیه ۷، "در او"؛ آیه ۹، "در او"؛ آیه ۱۰، "در مسیح"، "در او"، آیه ۱۲، "در مسیح" و آیه ۱۳، "در او" (دوبار). عیسی "بله" خداوند است به انسان سقوط کرده (کارل بارث). عیسی انسان برگزیده است و همه بالقوه در او برگزیده هستند. تمام برکات خدای پدر از طریق مسیح جاری می‌شوند. عبارت "قبل از بنیاد جهان" در متی ۲۵: ۳۴؛ یوحنا ۱۷: ۲۴؛ ۱ پطرس ۱: ۲۰-۱۹ و مکاشفه ۱۳: ۸ نیز بکار رفته است.این عبارت نشانگر کار نجاتبخش خدای تثلیث حتی قبل از پیدایش ۱: ۱ است. انسانها محدود به زمان هستند؛ همه چیز برای ما گذشته، حال و آینده است، ولی برای خدا چنین نیست.
هدف از تقدیر تقدس است نه امتیاز. دعوت خدا برای تعداد محدودی از فرزندان آدم نیست، برای همه است! دعوت به آنچیزی است که خدا برای نوع بشر می‌خواهد، که مانند او (۱ تسالونیکیان ۵: ۲۳؛ ۲ تسالونیکیان ۲: ۱۳)؛ و به شباهت او (پیدایش ۱: ۲۷-۲۶) شوند. تبدیل تقدیر به اعتقادی الهیاتی به جای زندگی مقدس فاجعه است. اغلب الهیات پرسر و صداتر از خود کتاب مقدس است.
واژه "بی‌عیب" (*امچموس*) یا "عاری از ملامت" استفاده شده است برای (۱) عیسی (عبرانیان ۹: ۱۴؛ ۱ پطرس ۱: ۱۹)؛ (۲) زکریا و الیزابت (لوقا ۱: ۶)؛ (۳) پولس (فیلیپیان ۳: ۶)؛ و (۴) همه مسیحیان حقیقی (فیلیپیان ۲: ۱۵؛ ۱ تسالونیکیان ۳: ۱۳؛ ۵: ۲۳). اراده تغییرناپذیر خدا برای همه مسیحیان نه تنها ورود به بهشت در آینده، بلکه زندگی مسیح‌گونه در زمان حال است (رومیان ۸: ۳۰-۲۹؛ غلاطیان ۴: ۱۹؛ ۱ پطرس ۱: ۲). ایمانداران باید به منظور بشارت ویژگیهای خدا را برای جهان گمگشته منعکس کنند.
از لحاظ دستور زبان عبارت "در محبت" در این آیه می‌تواند به آیه ۴ و یا آیه ۵ برگردد. با اینحال، وقتی این عبارت در سریر قسمتهای افسسیان بکار می‌رود همیشه به محبت انسان نسبت به خدا اشاره دارد (۳: ۱۷؛ ۴: ۲، ۱۵، ۱۶).

ج. در افسسیان ۱: ۵ عبارت "ما را از قبل تعیین کرد" اسم مفعول فعال گذشته است. این واژه یونانی ترکیبی است از "قبل" و "علامتگذاری". عبارت اشاره دارد به نقشه نجاتبخش از پیش تعیین شده خدا (لوقا ۲۲: ۲۲؛ اعمال ۲: ۲۳؛ ۴: ۲۸؛ ۱۷: ۳۱؛ رومیان ۸: ۳۰-۲۹). سرنوشت از پیش تعیین شده یکی از چندین حقیقت مرتبط با نجات انسان است. این مسئله بخشی از طرح الهیاتی یا سریهای حقایق مرتبط است. هرگز قرار این نبود که این امر به تنهایی مورد توجه قرار گیرد. حقیقت کتاب‌مقدسی به صورت زوج تناقضی پر از کشمکش ارائه شده است. فرقه‌گرایی تمایل دارد کشمکش کتاب مقدسی را حذف و تنها بر یکی از حقایق دیالکتیک (تقدیر در مقابل اراده آزاد انسان؛ امنیت ایماندار در مقابل مداومت قدیسان؛ گناه اولیه در مقابل گناه اختیاری، عاری از گناه بودن در مقابل کمتر گناه کردن؛ تقدیس فوری در مقابل تقدیس تدریجی؛ ایمان در مقابل کار؛ آزادی مسیحی در مقابل مسئولیت مسیحی؛ برتری خدا بر خلقت در مقابل حضور خدا در میان خلقت) تاکید کند.
گزینش خدا بر مبنای هویت فیاض اوست، نه بر اساس دانش قبلیش در مورد اینکه انسان چگونه رفتار خواهد کرد (آیات ۹ و ۱۱). خواست او این است که همه (نه تنها افرادی خاص از قبیل گنوستک‌ها یا افراد فوق کالوینیست امروزی) نجات یابند (حزقیال ۱۸: ۲۳-۲۱، ۳۲؛ یوحنا ۳: ۱۷-۱۶؛ ۱ تیموتائوس ۲: ۴؛ ۴: ۱۰؛ تیطوس ۲: ۱۱؛ ۲ پطرس ۳: ۹). فیض خدا (ماهیت خدا) کلید الهیاتی این بخش است (آیات ۶، ۷، ۹)، همانطوریکه فیض خدا کلید رومیان ۱۱-۹ در مورد تقدیر است.
تنها امید انسان سقوط کرده فیض و رحمت خداست (اشعیاء ۵۳: ۶ و متون متعدد دیگر عهد عتیق که در رومیان ۳: ۱۸-۹ بدانها اشاره شده است). در تفسیر این فصول الهیاتی اولیه ضروری است که درک کنیم پولس به اموری تاکید دارد که کاملا غیرمرتبط با عمل انسان هستند: تقدیر (باب ۱)، فیض (باب ۲)، نقشه ابدی خدا برای نجات (راز، ۲: ۳-۱۱: ۱۳). هدف او این بود که تاکید معلمین دروغین بر اعتبار و غرورو انسانی خنثی کند.

۲: ۱۲ "به ما می‌آموزد" معنای لغوی این تادیب و تربیت بچه است (۱ تیموتائوس ۱: ۲۰؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۲۵؛ ۳: ۱۶). فیض به صورت پدر یا مادری مهربان تصویر شده است (عبرانیان ۱۲: ۵).

◆"بی‌دینی" این بازی با کلمات *اسبیا* (بی‌دینی، سلبی از نوع آلفا) و *یوسبیا* (دینداری) است. اینها احتمال "دو طریق" ادبیات حکمتی عهد عتیق را منعکس می‌کنند (یوشع ۲۴: ۱۵-۱۴؛ مزامیر ۱؛ امثال ۴: ۱۹-۱۰؛ متی ۷: ۱۴-۱۳). ما باید از شریر دوری کنیم زیرا مسیح جان خود را داد تا ما را از شریر برهاند؛ باید به سوی نیکویی برویم زیرا مسیح برای ما الگویی بجا گذاشت. فیض به ما هم درسهای مثبت می‌آموزد و هم درسهای منفی!

◆**"امیال دنیوی"** (۳: ۳؛ ۱ تیموتائوس ۶: ۹؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۲۲؛ ۳: ۶؛ ۴: ۳)

◆**"خویشتنداری"** یادداشتهای ۱ تیموتائوس ۳: ۲ را ببینید.

◆**"پارسایی"** (آیات ۲، ۴، ۵، ۶)

مبحث ویژه: پارسایی

"پارسایی" چنان مبحث مهمی است که دانشجوی کتاب‌مقدس باید مطالعه شخصی گسترده‌ای را در مورد مفهوم آن انجام دهد. در عهدعتیق شخصیت خدا به عنوان "منصف" و "عادل" توصیف می‌شود. این واژه بین‌النهرینی خود از نام نی رودخانه می‌آید که در ساختمانسازی به عنوان ابزاری برای تعیین تراز افقی دیوارها و نرده‌ها بکار می‌رفت. خداوند این واژه را برگزید تا بطور استعاری آن را برای توصیف شخصیت خود بکار برد. او لبه صافی (خط کش) است که همه چیز با آن سنجیده می‌شود. این مفهوم برعدالت خدا و نیز حق او برای داوری تاکید دارد.

انسان به صورت خدا آفریده شد (پیدایش ۱: ۲۷-۲۶؛ ۵: ۱، ۳؛ ۹: ۶). بشر برای مشارکت با خدا آفریده شد. تمام خلقت سکو یا صحنه تعامل بین خدا و انسان است. خدا می‌خواست اشرف مخلوقاتش، یعنی انسان، او برا بشناسد، دوست بدارد، خدمت کند و مانند او باشد. وفاداری انسان آزموده شد (پیدایش ۳) و زوج اول از آزمون سربلند بیرون نیامدند. این باعث برهم خوردن رابطه بین خدا و انسان شد (پیدایش ۳؛ رومیان ۵: ۲۱-۱۲).

خدا وعده داد که این رابطه را ترمیم و احیاء سازد (پیدایش ۳: ۱۵). او اینکار را از طریق اراده و پسر خود انجام می‌دهد. انسان قادر به ترمیم شکاف نبود (رومیان ۱: ۳-۱۸: ۲۰).

پس از سقوط انسان، اولین قدم خدا برای احیاء ارتباط مفهومی مبتنی بر عهد بود؛ یعنی دعوت از سوی او و پاسخ انسان به شکل توبه، ایمان و اطاعت. سقوط باعث شد انسان نتواند بدرستی عمل کند (رومیان ۳: ۳۱-۲۱؛ غلاطیان ۳). پس خود خدا پیشقدم شد تا رابطه‌اش را با انسانی که عهد را شکسته بود احیاء کند. به این منظور او

۱. انسان گناهکار را از طریق کار مسیح پارسا شمرد (پارسایی قضایی).
۲. انسان را از طریق کار مسیح به رایگان پارسا به حساب آورد (پارسایی پیوندی)
۳. روح را عطا نمود که در انسان ساکن شده و سبب پارسایی نوع بشر می‌شود (پارسایی نژادی)
۴. تصویر خدا در انسان را از طریق مسیح احیا (پارسایی ارتباطی) و در نتیجه رابطه باغ عدن را بازسازی کرد (پیدایش ۱: ۲۷-۲۶).

با اینحال خدا خواهان واکنش مبتنی بر عهد از سوی انسان است. خداوند عطا می‌کند (به رایگان می‌دهد) و فراهم می‌نماید، اما انسانها باید پاسخ مثبت دهند و از طریق

۱. توبه
۲. ایمان
۳. زندگی همراه با اطاعت
۴. مداومت

به پاسخگویی خود ادامه دهد.

پارسایی، بنابراین، مبتنی بر عهد و کنش دوسویه بین خدا و اشرف مخلوقاتش است. پارسایی بنا شده است بر شخصیت خدا، کار مسیح، و قدرتبخشی روح‌القدس، که هر فرد باید شخصا و پیوسته به آن پاسخ مناسب دهد. مفهوم "عادلشمردگی در اثر ایمان" نامیده می‌شود. این مفهوم در اناجیل مکشوف می‌شود، اما نه به این صورت. ابتدائا پولس آن را توضیح داد، که واژه یونانی "پارساشمردگی" را به فرمهای مختلف آن بیش از ۱۰۰ بار بکار برد.

پولس، که معلم مذهبی تعلیم دیده بود، واژه *دیکایوسون* را به مفهوم عبری اس د کیو مورد استفاده در نسخه هفتادگان بکار برد، نه مطابق با ادبیات یونانی. در نوشته‌های یونانی این واژه به کسی اشاره دارد که با توقعات الهی و اجتماعی همسو است. در مفهوم عبری همیشه دارای ساختار واژه‌های عهدی است. یهوه خدای عادل، اخلاقگرا و دارای ارزشهای اخلاقی است. او می‌خواهد انسانها شخصیت او را منعکس کنند. انسان نجات یافته مخلوق جدیدی می‌شود. نتیجه این تازگی روش زندگی جدید توام با دینداری است (کانون توجه کاتولیکهای که بر پارساشمردگی تاکید دارند). از آنجایی که قوم اسرائیل قومی مذهبی بود، خط جدایی مشخصی بین سیستم دنیوی (هنجارهای اجتماعی) و مقدسات (اراده خدا) وجود نداشت. این تمایز در واژه‌های عبری و یونانی ترجمه شده به انگلیسی به صورت "عدالت" (مربوط به اجتماع) و "پارساشمردگی" (مربوط به مذهب) بیان می‌شود.

انجیل (خبر خوش) عیسی این است که انسان سقوط کرده احیاء شده تا دوباره با خدا ارتباط داشته باشد. سخن نقض‌آمیز پولس این است که خدا از طریق مسیح گناهکار را تبرئه می‌کند. این از طریق محبت، رحمت و فیض پدر؛ زندگی مرگ و قیام پسر؛ و جاذبه و کشش روح به سوی انجیل توسط روح، تحقق یافته است. تبرئه شدن از گناه عمل رایگان خداست، اما نتیجه آن دینداری است (دیدگاه آگوستین، که منعکس کننده تاکید اصلاحات است بر رایگان بودن انجیل و نیز تاکید کلیسای کاتولیک بر زندگی که در اثر محبت و ایمان عوض می‌شود). برای طرفداران اصلاحات واژه "عدالت خدا" واژه اضافی مفعولی است (یعنی عمل تبدیل انسان گناهکار به آنچه مقبول خداست [تقدیس یکباره])، در حالیکه برای کاتولیکها اضافی فاعلی است یعنی فرآیند خداگونه شدن (تقدیس تدریجی تجربی). در دنیای واقعی مطمئنا هر دو اینهاست!!

به نظر من تمام کتاب‌مقدس، از پیدایش ۴ تا مکاشفه ۲۰، تاریخچه تلاش خدا برای بازسازی رابطه‌ای است که در باغ عدن وجود داشت. کتاب‌مقدس با صحنه‌ای شروع می‌شود که در آن خدا و انسان در روی زمین با هم در رابطه هستند (پیدایش ۱-۲) و با همین صحنه نیز به پایان می‌رسد (مکاشفه ۲۲-۲۱). تصویر و هدف خدا احیاء خواهند شد!
برای سندیت بخشیدن به بحثهای بالا بخشهای انتخاب شده زیر از عهد جدید را یادداشت کنید که گروه‌های لغوی یونانی را به تصویر می‌کشند.

۱. عدالت خدا (اغلب به داور بودن خدا ارتباط پیدا می‌کند)
   - الف. رومیان ۳: ۲۶
   - ب. ۲ تسالونیکیان ۱: ۶-۵
   - ج. ۲ تیموتائوس ۴: ۸
   - د. مکاشفه ۱۶: ۵
۲. مسیح عادل است
   - الف. اعمال ۳: ۱۴؛ ۷: ۵۲؛ ۲۲: ۱۴ (عنوان مسیح)
   - ب. متی ۲۷: ۱۹
   - ج. ۱ یوحنا ۲: ۱، ۲۹؛ ۳: ۷
۳. اراده خدا برای خلقتش عدالت (نیکو) است
   - الف. لاویان ۱۹: ۲
   - ب. متی ۵: ۴۸ (۵: ۲۰-۱۷)
۴. ابزارهای خدا برای فراهم کردن و ایجاد پارسایی
   - الف. رومیان ۳: ۳۱-۲۱
   - ب. رومیان ۴
   - ج. رومیان ۵: ۱۱-۶
   - د. غلاطیان ۳: ۱۴-۶
   - ه. عطاشده توسط خدا
     1. رومیان ۳: ۲۴؛ ۶: ۲۳
     2. ۱ قرنتیان ۱: ۳۰
     3. افسسیان ۲: ۹-۸
   - و. دریافت شده توسط ایمان
     1. رومیان ۱: ۱۷؛ ۳: ۲۲، ۲۶؛ ۴: ۳، ۵، ۱۳؛ ۹: ۳۰؛ ۱۰: ۴، ۶، ۱۰
     2. ۱ قرنتیان ۵: ۲۱
   - ز. از طریق کارهای پسر
     1. رومیان ۵: ۲۳-۲۱
     2. ۲ قرنتیان ۵: ۲۱
     3. فیلیپیان ۲: ۱۱-۶
۵. اراده خدا این است که پیروانش پارسا باشند
   - الف. متی ۵: ۴۸-۳؛ ۷: ۲۷-۲۴
   - ب. رومیان ۲: ۱۳؛ ۵: ۵-۱؛ ۶: ۲۳-۱
   - ج. ۲ قرنتیان ۶: ۱۴
   - د. ۱ تیموتائوس ۶: ۱۱
   - ه. ۲ تیموتائوس ۲: ۲۲؛ ۳: ۱۶
   - و. ۱ یوحنا ۳: ۷
   - ز. ۱ پطرس ۲: ۲۴
۶. خدا جهان را بوسیله پارسایی داوری خواهد کرد.
   - الف. اعمال ۱۷: ۳۱
   - ب. ۲ تیموتائوس ۴: ۸

عدالت ویژگی خداست، که آنرا برایگان از طریق مسیح به انسان گناهکار عطا می‌کند. عدالت
۱. حکم خداست
۲. هدیه خداست
۳. کار مسیح است

اما پارسا شدن یک فرآیند است که باید با اشتیاق و مداومت دنبال شود؛ و یک روز، هنگامی که مسیح بازگردد، تحقق می‌یابد. رابطه با خدا در اثر نجات احیاء می‌شود، اما در تمام طول زندگی ادامه می‌یابد تا هنگام مرگ یا بازگشت دوباره مسیح که دیدار رو در رو امکانپذیر می‌شود.

این نقل قولی است که از *فرهنگ لغت پولس و نامه‌های او* از آی وی پی گرفته شد "کالوین، بیشتر از لوتر، بر جنبه ارتباطی عدالت خدا تاکید دارد. دیدگاه لوتر در مورد عدالت خدا ظاهرا دربرگیرنده جنبه تبرئه است. کالوین بر ماهیت فوق‌العاده گفتگو

یا ابلاغ عدالت خدا به ما تاکید دارد (ص ۸۳۴).
از نظر من رابطه ایماندار با خدا سه جنبه دارد:
۱. انجیل شخص است (تاکید کلیسای شرق و کالوین)
۲. انجیل حقیقت است (تاکید آگوستین و لوتر)
۳. انجیل زندگی تغییریافته است (تاکید کلیسای کاتولیک)
همه اینها درست است و برای حصول یک مسیحیت سالم، صحیح و کتاب‌مقدسی باید در کنار هم باشند. اگر یکی از آنها مورد تاکید بیش از حد یا بی‌توجهی قرار گیرد مشکل ایجاد می‌شود.
ما باید عیسی را با آغوش باز بپذیریم!
باید به انجیل ایمان داشته باشیم!
باید بدنبال مسیح‌گونه شدن باشیم!

◆**"در این عصر"** مبحث ویژه ۱ تیموتائوس ۶: ۱۷ را ببینید.

۲: ۱۳ "منتظر" این فرم زمان حال متوسط است که به انتظار شخصی مداوم برای بازگشت مسیح اشاره دارد.

◆**"امید مبارک"** این اشاره دیگری است به بازگشت دوباره مسیح.

◆**"ظهور"** به مبحث ویژه در زیر رجوع کنید.

مبحث ویژه: واژه‌های عهد جدید برای بازگشت مسیح
معنای لغوی آن "تا *پاروسیا*" که به معنای "تشریف فرمایی" است و برای دیدار سلطنتی بکار می‌رفت. واژه‌های دیگر بکار رفته در عهد جدید عبارتند از(۱) *اپی‌فانیا*، "ظهور رو در رو"؛ (۲) *اپوکالوپیس*، "نقاب‌برداری"؛ و (۳) "روز خداوند" و فرمهای مختلف این عبارت. "خداوند" در این آیه برمی‌گردد به یهوه در آیه ۱۰ و ۱۱، و عیسی در آیات ۷، ۸، ۱۴. ابهام گرامری تکنیک معمول نویسندگان عهد جدید برای تاکید بر الوهیت عیسی بود. عهد جدید کلا در چارچوب جهان‌بینی عهدعتیق نوشته شده که تاکید دارد بر
۱. عصر حاضر شر و طغیانگر
۲. عصر آینده جدید مبتنی بر پارسایی
۳. این در اثر عمل روح و از طریق کار مسیح (مسح شده) انجام می‌شود
انگاشت الهیاتی مکاشفه تدریجی ضرورت دارد زیرا نویسندگان عهد جدید توقع اسرائیل را کمی تعدیل کردند. بجای لشکرکشی مسیح و آمدن متمرکز بر یک ملیت (اسرائیل)، در واقع دو آمدن وجود دارد. آمدن اول جسم پوشیدن خدا در شکل تولد عیسای ناصری بود. او به صورت "خادمی رنجکش"، غیرنظامی، و غیر داور آمد که در اشعیاء ۵۳ ذکر شده بود و چنانکه زکریا ۹: ۹ گفته بود، بر کره الاغی سوار بود (نه اسب جنگی یا استر شاهانه). آمد اول عصر نوین مسیحانه، یعنی پادشاهی خدا بر زمین را آغاز کرد. از یک جهت پادشاهی اینجاست، ولی البته، از جهت دیگر هنوز مربوط به آینده است. کشمکش بین دو آمدن مسیح که به یک معنا همپوشانی اعصار یهود است در عهد عتیق قابل رویت یا حداقل مشخص نبود.در واقع این آمدن دوگانه موید تعهد یهوه به رستگاری همه انسانهاست (پیدایش ۳: ۱۵؛ ۱۲: ۳؛ خروج ۱۹: ۵ و موعظه پیامبران، بخصوص اشعیاء و یونس).
کلیسای منتظر تحقق نبوت عهد عتیق نیست زیرا بیشتر نبوتها به آمدن اول مسیح اشاره دارند (مرجع: *چگونه کتاب‌مقدس را آن چنانکه شایسته آن است بخوانیم*، صفحات ۱۶۶-۱۶۵). آنچه ایمانداران انتظارش را می‌کشند آمدن پرجلال شاه شاهان و رب‌الارباب قیام کرده است، که تحقق تاریخی عصر جدید پارسایی بر روی زمین همانند آسمان است (متی ۶: ۱۰). تصاویر عهد عتیق ناکامل بود نه غیردقیق. درست همانطور که پیامبران پیشگویی کردند او با قدرت و اختیار یهوه خواهد آمد.
آمدن دوم واژه کتاب‌مقدسی نیست، اما این مفهوم جهان‌بینی و چارچوب تمام عهدجدید را تشکیل می‌دهد. خدا همه اینها را محقق خواهد کرد. رابطه خدا و انسانی که به صورت او آفریده شد احیاء می‌شود. شرارت داوری و اخراج خواهد شد. اهداف خدا نمی‌تواند شکست بخورد و شکست نخواهد خورد!

◆**"پرجلال"** واژه "پرجلال" ممکن است به دو طریق فهمیده شود: (۱) "ظهور شکوهمند" (ان ک ج وی) یا (۲) "ظهور جلال" (ان آ اس بی، ان آر اس وی، تی ای وی و ان ج بی). جلال در عهد عتیق اغلب مرتبط است با حضور خدا (بخصوص حضور جلال خدا در ابر در دوران سرگردانی در بیابان). جلال از کلمه عبری *کابُد* می‌آید که اشاره دارد به شکوه نورانی. دو کلمه

یونانی که به آمدن ثانویه مسیح ربط دارند هم به نوعی درخشش تا تلالوء اشاره دارند: *اپیفانیا،* (متی ۲۵: ۳۱) و *فانرچچ* (متی ۲۴: ۳۰). عیسی در یوحنا ۱۷: ۵-۱، ۲۲، ۲۴ از جلال خودش و پدرش سخن می‌گوید.

مبحث ویژه: جلال
تعریف کردن مفهوم کتاب‌مقدسی "جلال" آسان نیست. جلال ایمانداران در این است که انجیل را بفهمند و جلال را به خدا بدهند نه به خود (۱: ۳۱-۲۹؛ ارمیاء ۹: ۲۴-۲۳). در عهدعتیق معمولترین لغت عبری برای "جلال" (کبد) در اصل واژه تجاری مرتبط با دو کفه ترازو ("سنگینی") بود. هر چه سنگین بود ارزشمند یا دارای ارزش ذاتی بود. اغلب مفهوم درخشندگی به این لغت اضافه می‌شد تا شکوهمندی خدا را بیان کند (خروج ۱۹: ۱۸-۱۶؛ ۲۴: ۱۷؛ اشعیاء ۶۰: ۲-۱). تنها او شایسته و پرافتخار است. او نورانی‌تر از آن است که انسان سقوط کرده تاب تحملش را داشته باشد (خروج ۳۳: ۲۳-۱۷؛ اشعیاء ۶: ۵). یهوه تنها از طریق مسیح بدرستی قابل شناخت است (ارمیاء ۱: ۱۴؛ متی ۱۷: ۲؛ عبرانیان ۱: ۳؛ یعقوب ۲: ۱).
واژه "جلال" تاحدی دوپهلوست: (۱) ممکن است همراستای "عدالت خدا" باشد؛ (۲) ممکن است به "تقدس" یا "کاملیت" خدا اشاره داشته باشد؛ یا (۳) امکان دارد اشاره داشته باشد به تصویر خدا که انسان مانند آن ساخته (پیدایش ۱: ۲۷-۲۶؛ ۵: ۱؛ ۹: ۶)، اما بعدا در اثر نافرمانی انسان مخدوش شد (پیدایش ۳: ۲۲-۱). این واژه اولین بار برای حضور یهوه در کنار قومش در دوران سرگردانی در بیابان در خروج ۱۶: ۷، ۱۰؛ لاویان ۹: ۲۳؛ و اعداد ۱۴: ۱۰ بکار برده شد.

◆**"خدای عظیم و نجات‌دهندهٔ خویش عیسی مسیح هستیم"** در اینجا بدون هیچ ابهامی به عیسی عنوان خدا داده شد است! قیصرها هم ادعای خدایی داشتند. واژه "ظهور" و "عظیم" هرگز برای یهوه استفاده نمی‌شود. همچنین در کنار "نجات‌دهنده" حرف تعریف نیامده است. لغت‌شناسی یونانی باستان نشان می‌دهد که این عنوان مختص عیسی است زیرا برای هر دو اسم تنها یک حرف تعریف بکار رفته، که آنها را به هم ربط می‌دهد. عیسی خداست (یوحنا ۱: ۱؛ ۸: ۵۸-۵۷؛ ۲۰: ۲۸؛ رومیان ۹: ۵؛ فیلیپیان ۲: ۶؛ ت تسالونیکیان ۱: ۱۲؛ عبرانیان ۱: ۸؛ ۱ یوحنا ۵: ۲۰؛ ۲ پطرس ۱: ۱، ۱۱). در عهد عتیق انتظار می‌رفت مسیح شخصی باشد که مانند داوران از طرف خدا صاحب اقتدار می‌شود. الوهیت او همه را غافلگیر کرد!

۲: ۱۴ "که خود را فدای ما ساخت" این از الهیات مرقس ۱۰: ۴۵؛ ۲ قرنتیان ۵: ۲۱؛ و عبرانیان ۹: ۱۴ پیروی می‌کند. اشاره دارد به فدیه نیابتی، علی‌البدلی (اشعیاء ۵۳؛ غلاطیان ۱: ۴؛ ۱ تیموتائوس ۲: ۶-۵؛ عبرانیان ۹: ۱۵-۱۲؛ ۱ پطرس ۱: -۱۸ ۱۹). خدای پدر "فرستاد" اما پسر "خود را فدا کرد"!

◆**"تا رهایی‌مان بخشد"** واژه‌های "فدیه" و "بازخرید" ریشه‌های عهدعتیقی دارند (ان آ اس بی آیه ۱۴ را به عنوان نقل قولی از عهد عتیق چاپ می‌کند). هر دوی آنها اشاره دارند به کسی که از بردگی بازخرید شده، همانند قوم اسرائیل که از مصر آزاد شدند. این همچنین اشاره ضمنی دارد بی اینکه ایمانداران از طریق مسیح از قدرت گناه آزاد شدند (رومیان ۶). به مبحث ویژه: بهای رهایی/بازخرید در ۱ تیموتائوس ۲: ۶ رجوع کنید.

◆**"طاهر سازد"** مبحث ویژه "پارسایی" در ۲: ۱۳ را ببینید. پرسش الهیاتی این است که او چگونه مردم را تطهیر می‌کند؟ آیا این هدیه‌ای رایگان از طریق مسیح است که خدا عطا می‌کند، یا در اثر توبه، اطاعت و ایمان پایدار بدست می‌آید؟ آیا کاملا کار خداست یا اینکه وابسته به عکس‌العمل انسان است؟ از نظر من، که کتاب‌مقدس را ارائه‌گر حقیقت در زوجهای متناقض میدانم، کار رایگان خدای قدوس و هم عمل اولیه و اعمال مستمر انسان سقوط کرده هر دو ضرورت دارند!

◆**"قومی برای خود"** اینها واژگان عهدی مربوط به عهدعتیق است (خروج ۱۹: ۵؛ تثنیه ۱۴: ۲؛ ۱ پطرس ۲: ۵، ۹، ۱۰؛ مکاشفه ۱: ۶). کلیسا اسرائیل معنوی است (غلاطیان ۶: ۱۶؛ رومیان ۲: ۲۹). کلیسا ملزم است که با درمیان گذاشتن انجیل و زندگی کردن مطابق با آن به کل جهان بشارت دهد (متی ۲۸: ۲۰-۱۹؛ اعمال ۱: ۸)!

◆**"غیور برای کار نیکو"** هدف مسیحیت تنها این نیست بعد از مرگ وارد بهشت شود، بلکه مسیحی باید اکنون زندگی مسیحگونه داشته باشد (افسسیان ۱: ۲-۴: ۱۰). قوم خدا از طریق اشتیاقشان برای کارهای نیک شناخته می‌شوند (یعقوب و ۱ یوحنا).

۲: ۱۵ "اینها را بگو، و تشویق و توبیخ کن" سه فعل زمان حال معلوم امری وجود دارد: به تعلیم ادامه بده (۲: ۱)، به تشویق ادامه بده، و به توبیخ ادامه بده (۲ تیموتائوس ۳: ۱۶). رهبران کلیسا باید مقدسین را تشویق و معلمین دروغین را شناسایی کنند!

◆**"با کمال اقتدار"** گفته می‌شود عیسی صاحب تمامی اقتدار (*اکسوپا*) در آسمان و بر روی زمین است (متی ۲۸: ۱۸). او این اقتدار را به رسولانش تفویض می‌کند (پولس آخرین رسول بود، کسی که در زمان مقرر بدنیا نیامد). پولس اختیارات خود را (*اپی‌تگ*) به تیموتائوس و تیطوس که نمایندگان شخصی‌اش بودند می‌دهد.
از زمان مرگ این شاهدان عینی، عهدجدید مکتوب (و نیز عهدعتیق) اقتدار "همه نسلهای بعدی ایمانداران" شده است (۲ تیموتائوس ۳: ۱۷-۱۵).

◆**"مگذار کسی تو را حقیر شمارد"** این فرم نهی حال معلوم است (۱ تیموتائوس ۴: ۱۲). این عبارت ممکن است اشاره داشته باشد به (۱) کسانی که در کلیسا تیطوس را به خاطر سن و یا اختیاراتش زیر سوال می‌بردند یا (۲) کسانی که با معلمین دروغین رابطه داشتند، حتی احتمالا یک سخنگوی اصلی.

پرسشهای مربوط به بحث

آنچه در دست دارید تحقیق تفسیری است که نقش راهنمای مطالعه را ایفا می‌کند، به این معنای که شما شخصا مسئولیت تفسیر خود از کتاب‌مقدس را بر عهده دارید. ما همگی باید در نوری که داریم قدم برداریم. شما، کتاب‌مقدس و روح‌القدس مقدم بر تفسیر هستید. چنین نقشی را نباید به مفسر محول کنید.

پرسشهای مربوط به بحث نوشته شده اند تا به شما کنند موضوعات عمده این بخش از کتاب را مرور کنید. قرار است آنها شما را وادار به تفکر کنند، نه اینکه حرف آخر را بزنند.

۱. آیا این باب به آمدن اول مسیح می‌گوید یا آمدن دومش؟
۲. اهمیت آیه ۱۳ در چیست؟
۳. سه وظیفه واعظ را بنویسید؟
الف.
ب.
ج.
۴. آیا آیه ۱۵ اختتامیه باب ۲ است یا افتتاحیه بحث باب ۳؟

تیطوس ۳

تقسیم‌بندی پاراگرافها در ترجمه‌های جدید

ان ج بی	تی ای وی	ان آر اس وی	ان ک ج وی	یو بی اس
دستورالعملهای عمومی برای ایمانداران	راهبرد مسیحیت	شبان و گله ۲: ۱- ۳: ۱۱	فیض‌های وارثان فیض	مداومت در کار نیک
۳: ۱- ۳ ۳: ۸-۴	۳: ۸-۱	۲: ۱۵- ۳:۸	۳: ۸-۱	۳: ۱-۷
راهنمایی شخصی به تیطوس			دوری از نفاق	۳: ۱۱-۸
۳: ۱۱-۸	۳: ۱۱-۸	۳: ۱۱-۸	۳: ۱۱-۹	
توصیه‌های عملی، خداحافظی‌ها و آرزوهای نیک	دستورالعملهای نهایی	دستورالعملهای نهایی	پیغامهای آخر	دستورالعملهای شخصی و احوالپرسی
۳: ۱۴-۱۲	۳: ۱۴-۱۲	۳: ۱۴-۱۲	۳: ۱۴-۱۲	۳: ۱۴-۱۲
			خداحافظی	
۳: ۱۵	۳: ۱۵الف ۳: ۱۵ ب	۳: ۱۵الف ۳: ۱۵ ب	۳: ۱۵	۳: ۱۵

دایره قرایت سه (از "راهنمای قرایت صحیح کتاب‌مقدس" صفحه ix)

تبعیت از انگیزه نویسنده اولیه در سطح پاراگراف

آنچه در دست دارید تحقیق تفسیری است که نقش راهنمای مطالعه را ایفا می‌کند، به این معنای که شما شخصا مسئولیت تفسیرتان از کتاب‌مقدس را بر عهده دارید. ما همگی باید در نوری که داریم قدم برداریم. شما، کتاب‌مقدس و روح‌القدس مقدم بر تفسیر هستید. چنین نقشی را نباید به مفسر محول کنید.

باب مورد نظر را یکجا بخوانید. موضوعات را شناسایی کنید. تقسیم‌بندی موضوعی خود را با تقسیم‌بندی پنج ترجمه امروزی مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی الهامی نیست، اما کلیدی است برای دنبال کردن انگیزه مولف اولیه، که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم

۴. و الی آخر

برداشتهای دقیق‌تر از تیطوس ۳:

الف) این پیام کوتاه از دو طریق به کل کتاب ویژگی مشخص می‌بخشد.

۱. شخصیت مسیحی در ۱: ۱۶؛ ۲: ۷، ۱۴؛ ۳: ۲-۱، ۸ مورد تاکید قرار می‌گیرد

۲. اعتقاد بنیادی مسیحیت در ۲: ۱۴-۱۱ و ۳: ۷-۴ خلاصه می‌شود

۳. ایمانداران باید درست زندگی کنند زیرا رابطه آنها با خدا درست شده است. ما باید ویژگیهای خانوادگی پدر خود را داشته باشیم. هدف مسیحیت تنها این نیست که بعد از مرگ وارد بهشت شویم، بلکه باید اکنون زندگی مسیح گونه داشته باشیم (رومیان ۸: ۲۹-۲۸؛ ۲ قرنتیان ۳: ۱۸؛ غلاطیان ۴: ۱۹؛ افسسیان ۱: ۴؛ ۱ تسالونیکیان ۳: ۱۳؛ ۴: ۳). هدف زندگی جدید ما این است که پیام انجیل را به افراد گمشده برسانیم. با اینحال، پولس می‌خواست اطمینان حاصل کند که اصرار او بر "خوب زیستن" با "پارساشمردگی از طریق اعمال" اشتباه گرفته نمی‌شود.

ب) تمامیت تثلیث در نجات بشر فعالیت می‌کند

۱. محبت پدر (آیه ۴)

۲. اشتیاق، نوسازی و تعمید روح (آیه ۵)

۳. وساطت پسر (آیه ۶)

ج) آیات۱۰-۹ هشدار پولس هستند در مورد معلمین دروغین و تشویق به انجام اعمال نیکو، که مشخصه رسالات پولس است (۱: ۱۶-۱۰؛ ۱ تیموتائوس ۱: ۷-۳).

د) آیات ۱۵-۱۲ نتیجه‌گیری شخصی و تشویق و راهنمایی تیطوس را تشکیل می‌دهند.

مطالعه لغت و عبارت

متن ان آ بی اس (بروز شده): ۳: ۱-۱۱

[۱] ایشان را یادآور شو که تسلیم حکمرانان و صاحبمنصبان باشند و فرمانبرداری کنند، و برای هر کار نیک آماده باشند؛ [۲] کسی را ناسزا نگویند و ستیزه‌جو نباشند، بلکه فروتن باشند و نزد همه براستی باملاحظه.

[۳] ما نیز زمانی نادان و نافرمانبردار بودیم و گمراه و بندهٔ همه‌گونه امیال و لذتها؛ و در کین و حسد روزگار می‌گذراندیم. منفور بودیم و متنفر از یکدیگر. [۴] امّا چون مهربانی و انساندوستی نجات‌دهندهٔ ما خدا آشکار شد، [۵] ما را نه به‌سبب کارهای نیکویی که کرده بودیم، بلکه از رحمت خویش نجات بخشید، به غسل تولد تازه و نو شدنی که از روح‌القدس است؛ [۶] که او را به فراوانی بر ما فرو ریخت، به‌واسطهٔ منجی ما عیسی مسیح، [۷] تا به فیض او پارسا شمرده شده، بنا بر امید حیات جاویدان، به وارثان بدل گردیم. [۸] این سخنی است درخور اعتماد. و از تو می‌خواهم که بر این امور تأکید ورزی، تا آنان که بر خدا اعتماد بسته‌اند، دقت کنند که خویشتن را وقف کارهای نیکو نمایند، که اینها همگان را نیکو و سودمند است.

[۹] امّا از مجادلات نابخردانه و شجره‌نامه‌ها و بحثها و نزاعهای پیرامونِ شریعت اجتناب کن، زیرا بی‌فایده و بی‌ارزش است. [۱۰] به آن که عامل تفرقه است یک بار، و سپس برای دوّمین بار هشدار دِه، و از آن پس، با او قطع ارتباط کن. [۱۱] چرا که می‌دانی چنین شخص منحرف است و گناهکار، و خودْ عامل محکومیت خویش.

۳: ۱ "ایشان را یادآور شو" این فرم امری معلوم زمان حال است، به معنای "مدام یادآوری کن". این جمله مشخصا به ۲: ۱۵ مرتبط است. تیطوس باید آنچه را قبلا یاد گرفته‌اند به آنها یادآوری کند (۲ تیموتائوس ۲: ۱۴؛ ۲ پطرس ۱: ۱۲؛ ۳: ۲-۱؛ یهودا ۵). به مبحث ویژه گناهان و پرهیزگاریها در عهد جدید در ۱ تیموتائوس ۱: ۱۹ رجوع کنید.

◆**"که تسلیم ... باشند"** این فرم مصدری متوسط زمان حال است، به معنای "مدام مطیع حاکمان باشید". این لغت واژه‌ای نظامی است که برای زنجیره‌ای از اوامر بکار می‌رود. همین واژه در مورد زنان مسیحی در ۲: ۵ و برده‌های مسیحی در ۲: ۹ نیز بکار می‌رود. همچنین در افسسیان ۵: ۲۰ همه مسیحیان را مخاطب قرار می‌دهد. اساسا این باید منش مسیحیان در تمامی بخشهای زندگی باشد.

◆**"حکمرانان و صاحبمنصبان"** این دو واژه، *اکسوسیا و آرچ*، در مدیترانه دامنه وسیعی از معانی را دربر می‌گیرند. با اینوجود نوعی همپوشانی معنایی به مفهوم اختیار و اقتدار بر دیگری وجود دارد.

۱. *اکسوسیا* در رومیان ۱۳: ۱ و تیطوس ۳: ۱ به معنای اختیارات مدنی بکار می‌رود. ۱ تیموتائوس ۲: ۲ و ۱ پطرس ۲: ۱۷-۱۳ از لحاظ الهیاتی همراستا با این آیات هستند اما از این دو واژه یونانی خاص استفاده نمی‌کنند.

۲. *اکسوسیا* و *آرچ* در افسسیان ۲: ۲ و کولسیان ۲: ۱۵ برای مقامات و نیروهای روحانی استفاده می‌شود. در افسسیان ۳: ۱۰ و ۶: ۱۲ این دو واژه با "موجودات آسمانی" مرتبط می‌شود، که منحصر به افسسیان است و اشاره دارد به قلمرو روحانی فعال در تاریخ بشریت.
۳. برخی متون مربوط به پولس هستند که مقامات روحانی و مدنی را با هم ترکیب می‌کنند (۱ قرنتیان ۱۵: ۲۴؛ افسسیان ۱: ۲۱؛ و کولسیان ۱: ۱۶). به مبحث ویژه: حکومت انسانی در ۱ تیموتائوس ۲: ۲ رجوع کنید.

◆**"فرمانبرداری کنند"** این فرم مصدری معلوم زمان حال است. در واقع کلمه ای ترکیبی است و شامل "اطاعت" (*پیتومای*) بعلاوه "حاکمان" (*آرچِ*) می‌شود. این کلمه در عهد جدید تنها در اینجا و در اعمال رسولان ۲۷: ۲۱ آمده است. مفهوم اطاعت و تسلیم در نصایح پولس به زنان، کودکان و برده‌های مسیحی در افسسیان ۵: ۶-۲۱: ۹ و کولسیان ۳: ۲۵-۱۸ تکرار می‌شود.

◆**"برای هر کار نیک آماده باشند"** این عبارت در زمینه این متن ممکن است به خدمت ایمانداران به مقامات محلی یا خدمت اجتماعی به سایر همنوعان اشاره داشته باشد. با اینوجود عبارات مشابهی در ۲ تیموتائوس ۲: ۲۱ و ۳: ۱۷ یافت می‌شود که در آن زمینه متنی به زندگی خداپسندانه بطور عام اشاره دارد (تیطوس ۲: ۱۴؛ ۲ قرنتیان ۹: ۸؛ افسسیان ۲: ۱۰). معلمین دروغین در ۱: ۱۶ صلاحیت انجام هیچ کار خوبی را ندارند، چه از نوع غیرمذهبی و چه مذهبی.

۳: ۲ این جمله چهار چیز را فهرست می‌کند که مسیحیان در ارتباط به همسایه‌های خود باید انجام دهند. مسیحیان در محله خود در اقلیت قرار داشتند. طرز رفتار آنها شهادتی تعیین کننده بود. همچنین این فهرست ممکن است منعکس کننده آنچیزی باشد که معلمین دروغین انجام می‌دادند و ایمانداران واقعی باید از آن دوری کنند. عمل ما درست به اندازه کلاممان اهمیت دارد**!** هیچ چیز به اندازه بشارت حائز اهمیت نیست**!**

◆

ان آ اس بی	**"کسی را ناسزا نگویند"**
ان ک ج وی، ان آر اس وی	**"در مورد کسی حرف بد نزنند"**
تی ای وی	**"از کسی حرف بد نزنند"**
ان ج بی	**"به دنبال افترا زدن به دیگران نباشند"**

از لحاظ لغوی معنی این عبارت "کفر" است (۱ تیموتائوس ۱: ۱۳، ۲۰؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۲؛ ۱ پطرس ۴: ۴؛ ۲ پطرس ۲: ۲، ۱۰، ۱۱، ۱۲). معمولا از این عبارت برای اشاره به ناسزاگویی به خدا استفاده می‌شود (متی ۲۶: ۶۵). پولس به این دلیل آن را بکار برد که تاکید کند نباید عمل مسیحیان منجر به توهین به انجیل شود (رومیان ۱۴: ۱۶؛ ۱ قرنتیان ۱۰: ۱۳ و اینجا). شیوه زندگی ایمانداران برای شهادت بشارتی کلیسا اهمیت حیاتی دارد.

◆**"فروتن"** این واژه، همانند سه واژه دیگر به طرز برخورد ایماندارن با غیرایمانداران اشاره دارد. یادداشت ۱ تیموتائوس ۳: ۳ را ببینید.

◆**"فروتن"** یادداشت ۱ تیموتائوس ۳: ۳ را ببینید.

◆

ان آ اس بی	**" نزد همه براستی باملاحظه"**
ان ک ج وی، ان آر اس وی	**"با همه به نزاکت برخود کند"**
تی ای وی	**"نسبت به همه رفتاری آرام داشته باشد"**
ان ج بی	**"با همه نوع افراد همیشه مودب باشد"**

مجددا عبارت اشاره دارد به طرز برخورد ایمانداران به غیرایمانداران. در ۲ تیموتائوس ۲: ۲۵ این ربط داده می‌شود به طرز برخورد ما با ایمانداران (۱ تیموتائوس ۶: ۱۱). بحث در مورد "همه افراد" یکی از ویژگیهای رسالات شبانی است. خدا همه انسانها را دوست دارد؛ عیسی برای همه مرد؛ مسیحیان باید با همه انسانها بدرستی برخورد کنند (۱ تیموتائوس ۲: ۱، ۴، ۶؛ ۴: ۱۰؛ تیطوس ۲: ۱۱).

◆**"ما نیز زمانی"** اعمال توصیف شده در این آیه مشخصه انسان سقوط کرده است، و این شامل مسیحیان قبل از نجاتشان نیز می‌شود (رومیان ۱: ۳۱-۲۹؛ ۲ قرنتیان ۶: ۱۱-۹؛ افسسیان ۲: ۳؛ ۴: ۲۱-۱۷؛ غلاطیان ۵: ۲۱-۱۹).

◆**"نادان"** این واژه منفی شده "تفکر" یا "استدلال" است (لوقا ۶: ۱۱؛ ۲۴: ۲۵؛ رومیان ۱: ۱۴، ۲۱؛ غلاطیان ۳: ۱، ۳؛ ۱ تیموتائوس۶: ۹؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۹). این لغت، لغتی تند برای تفکر غلط یا نامناسب است.

◆**"نافرمانبردار"** این کلمه منفی شده "ایمان داشتن" است. این واژه در این موارد بکار برده شد: (ا) آگریپا پادشاه در اعمال ۲۶: ۱۹؛ (۲) کافران در رومیان ۱: ۱۳؛ افسسیان ۲: ۲؛ ۵: ۶؛ (۳) یهودیان در لوقا ۱: ۱۷؛ رومیان ۱۱: ۳۰، ۳۲؛ عبرانیان ۴: ۶؛ و (۴) معلمین دروغین در تیطوس۱: ۱۶ و ۲ تیموتائوس ۳: ۲.

◆**"گمراه"** این واژه اسم مفعول معلوم زمان حال، و معنای لغویش "فریب‌خورده" یا "اغوا شده" است. در اصل این واژه اشاره داشت به اجرامی که در شب در آسمان سرگردانند و معادل انگلیسی آن "سیاره" است. اما بعدا این لغت بطور استعاری برای چیزی بکار رفت که در خطا بود. پولس این واژه را، همانند دو واژه قبلی، در توصیف خود از گناه انسان در رومیان ۱: ۲۷ و ۲ تسالونیکیان ۲: ۱۱ بکار می‌برد. به کاربرد آن در ۱ تیموتائوس ۴: ۲-۱؛ ۲ تیموتائوس ۳: ۱۳؛ ۱ پطرس ۲: ۲۵؛ ۲ پطرس ۲: ۱۸؛ ۳: ۱۷؛ و یهودا ۱۱ نیز توجه کنید.
فرم مجهول آن اشاره تلویحی دارد به عمل یک عامل خارجی، که در اینجا شیطان یا ارواح پلید می‌باشد.

◆**"بنده"** این اسم مفعول معلوم زمان حال است، به معنای لغوی "کسی که به عنوان برده به امیال انسانی خدمت می‌کند" (رومیان ۶: ۶، ۱۲)

◆**"همه‌گونه"** این صفت "ملون" است، که برای رنگین‌کمان استفاده می‌شود. این واژه برای اشیاء چندپهلو بکار می‌رفت (در ۱ پطرس ۱: ۶ و یعقوب ۱: ۲ برای آزمایشات متعددی که ایماندار با آنها مواجه می‌شود و در ۱ پطرس ۴: ۱۰ برای طبیعت پرتنوع و چند پهلوی فیض خدا).

◆**"امیال"** این واژه‌ای مرکب است متشکل از "بالا" (*اپی*) و "فکر یا جان" (*توموس*). معنای آن تمایل شدید برای چیزی است، و اغلب حالت منفی دارد. در رومیان ۱: ۲۴ از این واژه برای توصیف انسان سقوط کرده استفاده شده است.

◆**"لذتها"** کلمه انگلیسی ؛؛هدونیسم" از این کلمه یونانی گرفته شده (لوقا ۸: ۱۴؛ یعقوب ۴: ۳-۱). رضایت شخصی به یک ستمگر تبدیل می‌شود!

◆**"در کین و حسد روزگار می‌گذرانیم"** این توصیف دیگری است از ویژگیهای انسان سقوط کرده که از رومیان ۱: ۲۹ برگرفته شده است.



ان آ اس بی، ان ک ج وی	**"منفور بودیم و متنفر از یکدیگر"**
ان آر اس وی	**"نفرت‌انگیز و متنرف از یکدیگر"**
تی ای وی	**"دیگران از ما نفرت داشتند و ما از دیگران"**
ان ج بی	**"تنفر از یکدیگر و خود منفور"**

در اینجا از دو کلمه مترادف یونانی برای تنفر استفاده شده است. فهرست مشکلات یادآور متی ۷ است، "آنها را از ثمراتشان خواهید شناخت"! این عبارت توصیفگر ایمانداران است قبل از ایمان آوردنشان و نیز توصیفگر معلمین دروغین و پیروانشان.

۳: ۷-۴ در یونانی این بخش در یک جمله آمده و انجیل را تعریف می‌کند (مشابه ۲: ۱۴-۱۱). ممکن است این آیات بخشی از یک سرود، حکم یا آهنگ پرستشی باشند.

۳: ۴ "اما چون مهربانی" اوه، فیض سبب چه قیاسی می‌شود! کلمه انگلیسی "فیلانتروپی" از این واژه گرفته شده که از دو لغت یونانی تشکیل می‌شود: "محبت برادرانه" (*فیلیو*) و "بشر" (*آنتروپوس*). در عهد جدید این لغت تنها در اینجا و در اعمال ۲۸: ۲ یافت می‌شود. خدا انسانهایی را که به شباهت او آفریده شده‌اند دوست دارد، حتی آنهایی که سقوط کرده‌اند (رومیان ۵: ۸).

◆**"نجات‌دهنده ما خدا"** این توصیفی است از یهوه (۲ پادشاهان ۱۳: ۵؛ مزامیر ۱۰۶: ۲۱؛ اشعیاء ۱۹: ۲۰؛ ۴۳: ۳، ۱۱؛ ۴۵: ۱۵، ۲۱؛ ۴۹: ۲۶؛ ۶۰: ۱۶؛ لوقا ۱: ۴۷). این احتمالا منعکس کننده عناوینی است که در آن زمان برای امپراتور بکار می‌رفت (۱ تیموتائوس ۱: ۱). این واژه مشخصه رسالات پولس است. توجه کنید که در آیه ۶ همین از عنوان برای عیسی استفاده شده

است (۱ تیموتائوس ۱: ۱؛ ۲: ۳؛ ۴: ۱۰؛ لوقا ۲: ۱۱؛ یوحنا ۴: ۴۲؛ اعمال ۵: ۳۱؛ ۱۳: ۲۳؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۱۰). تیطوس ۱: ۴-۳؛ ۲: ۱۳-۱۰؛ ۳: ۶-۴ را با هم مقایسه کنید. دل خدا دقیقا برای نجات، رستگاری، بخشش، حیات نو بخشیدن و ارتباط مجدد با مخلوقات سرکشش می‌تپد (یوحنا ۳: ۱۶؛ رومیان ۵: ۸).

◆**"آشکار شد"** این به آمدن اول مسیح اشاره دارد. همین واژه در ۲: ۱۳ برای آمدن ثانویه بکار می‌رود (۱ تیموتائوس ۶: ۱۴). مبحث ویژه ۲: ۱۳ را ببینید. ناجی موعود خدا در بیت‌لحم بدنیا آمد (۲: ۱۱).

۳: ۵ "ما را ... نجات بخشید" این فرم خبری معلوم زمان گذشته، نشانگر عملی است که در گذشته کامل شده است. این فعل، فعلی اصلی جمله طولانی است که آیات ۴ تا ۷ را تشکیل می‌دهد. به مبحث ویژه: زمانهای افعال یونانی بکار برده شده برای نجات در ۲ تیموتائوس ۱: ۹ رجوع کنید.

◆**"نه به‌سبب کارهای نیکویی که کرده بودیم"** برای تاکید این عبارت در ابتدای جمله یونانی آمده است. نجات کار خداست، نه نتیجه تلاشهای انسان (۳: ۲۰، ۲۸-۲۲؛ ۴: ۵-۴؛ رومیان ۹: ۱۱؛ غلاطیان ۲: ۱۶؛ افسسیان ۲: ۹-۸؛ فیلیپیان ۳: ۹؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۹). این کشمکش الهیاتی است بین "ایمان جدای از عمل" و "ایمان مشهود در اعمال" (افسسیان ۲: ۱۰-۸؛ یعقوب ۲: ۲۶-۱۴). معلمین دروغین گنوستیک یهودی بر عمل انسان تاکید داشتند!

◆**"نیکو"** ایمانداران باید پس از نجات بدنبال نیکویی (مانند مسیح شدن) باشند (۱ تیموتائوس ۶: ۱۱)، اما انسان سقوط کرده هرگز نمی‌تواند به اعتبار پارسایی خودساخته به خدای قدوس نزدیک شود (اشعیاء ۶۴: ۴ و سایر نقل قولها از عهد عتیق در رومیان ۳: ۱۸-۱۰). مبحث ویژه پارسایی در ۲: ۱۲ را ببینید.

◆**"بلکه از رحمت خویش"** تنها امید انسان سقوط کرده به فیض محبت‌آمیز و پر از رحمت خداست. شخصیت خدا و عمل هدفمند اوست که فرصت بخشودگی و حیات تازه را فراهم کرد (پیدایش ۳: ۱۵؛ ملاکی ۳: ۶؛ افسسیان ۲: ۷-۴؛ ۱ پطرس ۱: ۳).

◆**"به غسل تولد تازه"** معنای لغوی این عبارت "از طریق حمام حیات تازه" است. واژه غسل (*لوت‌رون*) در عهد جدید تنها دو بار بکار رفته است (افسسیان ۵: ۲۶ و اینجا). در ترجمه هفتادگان به ندرت استفاده شد. این کلمه اشاره دارد به (۱) محل استحمام، (۲) آب استحمام، یا (۳) عمل استحمام. در لاویان غسلها نمادی از تمیزی یا تطهیر فرد یا سایر چیزها بودند (طومارهای دریای مرده).
واژه "تولد تازه" (پالین‌جنِسیا) نیز واژه‌ای نادر است، که تنها در متی ۱۹: ۲۸ و اینجا یافر می‌شود. این کلمه ترکیبی است از "دوبار" (پالین) و "تولد" (جنسس). بنابراین، این کلمه به تولد تازه اشره دارد که نتیجه کار تکمیل شده عیسی مسیح و عمل روح‌القدس است. زمان تولد تازه تعمید آب است، عمل‌کننده روح‌القدس است (آیات ۶-۵)، ابزار آن مرگ و قیام مسیح است (آیه ۶)، و بنیاد آن محبت و رحمت پدر است (آیه ۴). این متن، متنی برای حمایت از تولد نو از طریق تعمید نیست. تعمید موقعیتی است برای اعتراف عمومی (اعمال ۲: ۳۸) و نمادی است از مرگ، تدفین و قیام ایماندار با مسیح در عملی نمادین (رومیان ۶: ۹-۳؛ کولسیان ۲: ۱۲). در کلیسای اولیه تعمید فرصتی بود برای شخص تا در حضور جمع ایمان خود را اعتراف کند ("عیسی خداوند است" رومیان ۱۰: ۱۳). مرکز آن کار روح‌القدس است (یعنی تولد و تازگی بخشیدن).

◆**"نو شدن"** این نیز کلمه‌ای کمیاب است و در عهد جدید تنها دوبار، یعنی در اینجا و در رومیان ۱۲: ۲ یافت می‌شود. معنای آن باعث تازه شده کسی یا چیزی شدن است. واژه مرتبط با آن در کولسیان ۳: ۱۰ دیده می‌شود. از لحاظ دستو زبانی این واژه مترادف با "تولد مجدد" است. تنها یک حرف اضافه (*دیا*) هر دوی آنها را همراهی می‌کند. بنابراین، اینها دو کار فیض نیستند، بلکه دو جنبه از یک کار هستند. پس منظور ضمنی این است که آنها یک ماجرا هستند که توسط روح‌القدس اجرا می‌شوند. این مشابه است با یوحنا ۳: ۸-۵ و ۱ پطرس ۱: ۲۳.

۳: ۶ "فرو ریخت" این عبارت ممکن است اشاره به پدر (آیه ۴) یا روح‌القدس (آیه ۵) داشته باشد. همین فعل با ابهام مشابه در اعمال ۲: ۱۸-۱۷، ۳۳؛ ۱۰: ۴۵ نیز بکار می‌رود، که از یوئیل ۲: ۳۰-۲۸ گرفته شده است.

◆**"به‌واسطهٔ منجی ما عیسی مسیح"** عنوان "منجی" که در آیه ۴ برای خدای پدر بکار رفت، اکنون به خدای پسر اطلاق می‌شود. این استفاده مشترک از عناوین در تیطوس ۱: ۳ و ۴؛ و ۲: ۱۰ و ۱۳ نیز یافت می‌شود.

مبحث ویژه: تثلیث

دقت کنید به عمل هر سه شخص تثلیث. واژه "تثلیث"، که اولین بار توسط ترتولیان معرفی شد، با آنکه واژه‌ای کتاب‌مقدسی نیست، اما مفهومی فراگیر است.

۱. اناجیل
الف. متی ۳: ۱۷-۱۶؛ ۲۸: ۱۹ (و بخشهای موازی)
ب. یوحنا ۱۴: ۲۶
۲. اعمال – اعمال ۲: ۳۳-۳۲، ۳۹-۳۸
۳. پولس
الف. رومیان ۱: ۵-۴؛ ۵: ۱، ۵؛ ۸: ۴-۱، ۱۰-۸
ب. ۱ قرنتیان ۲: ۱۰-۸؛ ۱۲: ۶-۴
ج. ۲ قرنتیان ۱: ۲۱؛ ۱۳: ۱۴
د. غلاطیان ۴: ۶-۴
ه. افسسیان ۱: ۱۴-۳، ۱۷؛ ۲: ۱۸؛ ۳: ۱۷-۱۴؛ ۴: ۶-۴
و. ۱ تسالونیکیان ۱: ۵-۲
ز. ۲ تسالونیکیان ۲: ۱۳
ح. تیطوس ۳: ۶-۴
۴. پطرس – ۱ پطرس ۱: ۲
۵. یهودا – آیات ۲۱-۲۰

در عهد عتیق به آن اشاره شده است:
۱. استفاده از فرم جمع برای خدا
الف. نام *الوهیم* جمع است، اما برای خدا که بکار می‌رود فعل مفرد آن را همراهی می‌کند
ب. "ما" در پیدایش ۱: ۲۷-۲۶؛ ۳: ۲۲؛ ۱۱: ۷
ج. "یک" در تثنیه ۶: ۴ جمع است (همینطور در پیدایش ۲: ۲۴؛ حزقیال ۳۷: ۱۷)
۲. فرشته خداوند به عنوان نماینده قابل رویت خدا
الف. پیدایش ۱۶: ۱۳-۷؛ ۲۲: ۱۵-۱۱؛ ۳۱: ۱۱، ۱۳؛ ۴۸: ۱۶-۱۵
ب. خروج ۳: ۲، ۴؛ ۱۳: ۲۱؛ ۱۴: ۱۹
ج. داوران ۲: ۱؛ ۶: ۲۳-۲۲؛ ۱۳: ۲۲-۳
د.زکریا ۳: ۲-۱
۳. خدا و روح مستقل هستند، پیدایش ۱: ۲-۱؛ مزمور ۱۰۴: ۳۰؛ اشعیاء ۶۳: ۱۱-۹؛ حزقیال ۳۷: ۱۴-۱۳
۴. خدا (یهوه) و مسیح (*ادون*) مستقل هستند، مزمور ۴۵: ۷-۶؛ ۱۱۰: ۱؛ زکریا ۲: ۱۱-۸؛ ۱۰: ۱۲-۹
۵. مسیح و روح مستقل هستند، زکریا ۱۲: ۱۰
۶. به هر سه در اشعیاء ۴۸: ۱۶؛ ۶۱: ۱ اشاره شده است

الوهیت عیسی و شخصیت روح برای ایمانداران اولیه که بسیار متعصب و معتقد به وحدانیت خدا بودند مشکل‌ساز شد:
۱. ترتولیان – پسر را پایین‌تر از پدر قرار دادند
۲. اوریگِن – ذات الهی پسر و روح را پایین‌تر در نظر گرفتند
۳. آریوس – الهیت پسر و روح را نفی کرد
۴. تسلسل – معتقد به تجلی پی در پی خدا بود

تثلیث فرمولی است که تدریجا بسط یافت و اطلاعات مربوط به آن از کتاب‌مقدس برداشت شد
۱. الوهیت کامل عیسی، شان یکسان با پدر، در سال ۳۲۵ میلادی در شورای نیقیه تصویب شد
۲. شخصیت کامل و الوهیت روح که هم شان با پدر و پسر است توسط شورای قسطنطنیه تصویب شد (۳۸۱ میلادی)
۳. اصل اعتقادی تثلیث در نوشته آگوستین بنام *دِ ترینیتات* بیان شد.

حقیقت این است که در اینجا رازی وجود دارد. اما به نظر می‌رسد که عهد جدید بر ذاتی الهی با سه تجلی شخصتی ازلی تاکید دارد. برای بحث گسترده‌تر در مورد این موضوع به کتاب *تفسیر تا به کجا* صفحات ۳۵۰-۳۳۰ اثر گوردون دی فی و نیز *الهیات مسیحی*، ویرایش دوم، صفحات ۳۶۷-۳۴۶ اثر میلارد ج اریکسون رجوع کنید.

۳: ۷ "تا" این بیان هدف است (*هینا*) همانند ۳: ۸، ۱۳ و ۱۴.



ان آ اس بی	**"به فیض او پارسا شمرده شده"**
ان ک ج وی، ان آر اس وی	**"پارسا شده به فیض او"**
تی ای وی	**"مگر در اثر فیض او رابطه ما با خدا اصلاح شود"**

ان ج بی "پارسا توسط فیض او"
این اسم مفعول مجهول گذشته است (رومیان ۱: ۱۷-۱۶؛ ۳: ۲۴) و با کلمه "پارساشمردگی" مرتبط است. یادداشت ۲: ۱۲ را ببینید. فرم مجهول اشاره ضمنی به این دارد که عامل روح است. "پارساشمردگی در اثر ایمان" استعاره‌ای حقوقی است که اغلب پولس بکار می‌برد تا بر فیض خدا که قدم اول را برمی‌دارد تاکید کند (۱ تیموتائوس ۱: ۲، ۱۴؛ ۲تیموتائوس ۱: ۲؛ تیطوس ۱: ۴). ایمانداران در اثر شخصیت و کار او بخشیده و پذیرفته شدند، نه به خاطر شخصیت و اعمال خودشان!

◆**"به وارثان بدل گردیم"** این کاربرد استعاره خانوادگی برای توصیف ایمانداران به بهترین وجه ممکن است (رومیان ۴: ۱۳؛ ۸: ۱۷-۱۴؛ غلاطیان ۳: ۲۹؛ ۴: ۷؛ عبرانیان ۶: ۷؛ یعقوب ۲: ۵).

◆**"حیات جاویدان"** یادداشت ۱: ۲ را ببینید.

۳: ۸ "این سخنی است درخور اعتماد" این عبارت شاخص معمولی است که پنج بار پولس برای تاکیدات الهیاتی در رسالات شبانی بکارمی‌برد (۱ تیموتائوس ۱: ۱۵؛ ۳: ۱؛ ۴: ۹؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۱۱). مفسرین بر سر اینکه منظور از این دقیقا کدام آیه است با هم بحث دارند، ولی نظر اغلب آنها آیات ۷-۴ است.

◆**"بر این امور تأکید ورز"** (۱ تیموتائوس ۱: ۷)

◆**"تا"** این یک *هینای* (عبارت بیانگر هدف) دیگر است، مانند ۳: ۷، ۱۳، و ۱۴.

◆**"آنان که بر خدا اعتماد بسته‌اند"** این اسم مفعول معلوم کامل است، که عملی را توصیف می‌کند که در گذشته انجام و نتیجه هنوز ادامه داشته و در نهایت عینیت می‌یابد. معمولا در عهدجدید مفعول ایمان مسیح است، اما اغلب ضمیر (او) بکار رفته برای ذات الهی مبهم بوده و ممکن است به پدر یا پسر اشاره داشته باشد.

◆**"دقت کنند که خویشتن را وقف کارهای نیکو نمایند"** واژه دقت فرمی است از فعل "استدلال کردن" یا "بدقت در نظر گرفتن"، که در عهد جدید تنها در اینجا یافت می‌شود. فرم مصدری "وقف کردن" حالتی از کلمه‌ای که معمولا "اداره کردن" ترجمه می‌شود (۱ تیموتائوس ۳: ۴، ۵، ۱۲). ایمانداران باید پیوسته در مورد خداپسندانه زیستن بخاطر انجیل اندیشیده و در انجام آن پیشرو باشند. پولس مجددا تاکید می‌کند که انسانها صرف نظر از اعمال نیکویشان نزد خدا پارسا شمرده می‌شود، اما اراده خدای برای هر ایمانداری انجام کارهای نیک است (افسسیان ۲: ۱۰-۸ و یعقوب ۲: ۲۳-۱۴). انگیزه این امر فیض خداست که نه سزاوار آن است و نه شایستگی‌اش را دارد، اثر آن مسیح‌گونه شدن؛ و هدف بشارت.

◆**"همگان"** مجددا، تاکید عمومی بر این است که خدا تمام انسانها را دوست دارد و مایل است همه نجات یابند. طریق کلیدی آوردن غیرایمانداران به سوی خدا زندگی تغییریافته ایمانداران است (متی ۵: ۱۶؛ ۱ پطرس ۲: ۱۲).

۳: ۹ "اما ... اجتناب کن" این فرم امری وسط زمان حال است، به معنای "به دوری کردن از یا پرهیز از ادامه بده" (۲ تیموتائوس ۲: ۱۶).

◆**"مجادلات نابخردانه"** این واژه برای تاکید در متن یونانی اول آورده شده است (۱ تیموتائوس ۶: ۵-۴؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۱۴، ۲۳). تیموتائوس نماینده رسالتی پولس است. او قرار نیست که بحث یا مشاجره کند، بلکه باید حقیقت رسالتی را با اقتدار به دیگران منتقل نماید.

◆**"شجره‌نامه‌ها"** در کریت معلمین دروغینی همانند معلمین دروغین افسس وجود داشت (۱ تیموتائوس ۱: ۴). این شجره‌نامه‌ها احتمالا مربوط به یهودیان بوده، به فرضیات مربوط به مسیح ربط داشتند، نه به سطوح فرشتگان مورد اعتقاد گنوستیک (*ایون‌ها*).

◆ در آیه ۹ یک دسته نام وجود دارد که بوسیله "و" (*کای*) به هم ربط داده شده، و احتمالا به جنبه‌های مجزا یا یک گرایش عمومی اشاره دارند. این نامها عبارتند از "مجادلات"، "شجره‌نامه‌ها"، "بحث‌ها" و "نزاع‌ها". همه آنها در ۱ یا ۲ تیموتائوس هم دیده می‌شوند.

◆**"پیرامون شریعت"** این نشانگر عنصر یهودی در تعالیم دروغین است (۱: ۱۰، ۱۴؛ ۱ تیموتائوس ۱: ۳-۷).

◆**"زیرا بی‌فایده و بی‌ارزش است"** موشکافی و فرضیات الهیاتی همیشه به بدن مسیح کمک نمی‌کنند. تیطوس، همانند تیموتائوس، با اقتدار رسالتی پولس سخن می‌گوید.

۳: ۱۰ "قصع ارتباط کن" این همانند آیه ۹ فرم امری وسط زمان حال است. همین واژه، "امتناع، رد کردن، یا خودداری" در ۱ تیموتائوس ۴: ۷؛ ۵: ۱۱ و ۲ تیموتائوس ۲: ۲۳ نیز بکار رفته است. همین مفهوم در رومیان ۱۶: ۱۷؛ غلاطیان ۱: ۹-۸؛ ۲ تسالونیکیان ۳: ۱۴-۶ نیز استفاده شده است.
در تلاش خود برای گفتگو با مردم تفرقه‌افکن نباید عکس‌العملی نشان دهیم که پذیرش یا تایید تعبیر شود (۲ یوحنا ۱۰)



ان آ اس بی	**"عامل تفرقه"**
ان ک ج وی	**"عامل چنددستگی"**
ان آر اس وی	**"کسی که باعث چنددستگی می‌شود"**
تی ای وی	**"به آنان که باعث چنددستگی می‌شوند"**
ان ج بی	**"اگر کسی با تعالیم تو مخالفت کند"**

این واژه یونانی *هیرتیکوس* بوده (که در عهد جدید تنها در اینجا آمده)، که ریشه کلمه انگلیسی "هیرتیک" می‌باشد. معنای اولیه این واژه "جانبداری" یا " انتخاب برای خود" بود. در عهد جدید برای این موارد بکار می‌رود: (۱) "فرقه‌ها" در اعمال ۵: ۱۷؛ ۲۴: ۱۴؛ (۲) "فرد نفاق‌افکن" در ۱ قرنتیان ۱۱: ۱۹؛ غلاطیان ۵: ۲۰ و (۳) "تعالیم" در ۲ پطرس ۲: ۱.

◆**"یک بار، و سپس برای دوّمین بار هشدار ده"** این عبارت با سایر بخشهای عهدجدید در رابطه با نظم کلیسایی هماهنگی دارد (متی ۱۸: ۱۷-۱۵؛ غلاطیان ۶: ۱؛ ۲ تسالونیکیان ۳: ۱۵؛ یعقوب ۵: ۱۹). ممکن است این عبارت منعکس‌کننده لاویان ۱۹: ۱۷ باشد.

۳: ۱۱ "چرا که می‌دانی چنین شخصی" این اسم مفعول معلوم کامل است. اعمال آنها هویت واقعی‌شان را نشان می‌دهد و خواهد داد (متی ۷).

◆**"منحرف است"** این عبارت فرم خبری مجهول کامل را دارد. در عهدجدید این عبارت تنها در اینجا یافت می‌شود. عبارت ترکیبی است از *اِک* (از) و *استرفچ* (روی آرودن)، بنابراین معنای آن، روبرگرداندن از است. در واقع این عبارت بازی با کلمات عبارت روی آوردن به مسیح (ایمان آوردن) یا *اپیسترفچ* در متی ۱۸: ۳ است که اشاره دارد به واژه عهدعتیقی برای روی آوردن (*شاب*) به خدا (متی ۱۳: ۱۵؛ مرقس ۴: ۱۲؛ لوقا ۲۲: ۳۲؛ یوحنا ۱۲: ۴۰؛ اعمال ۳: ۱۹؛ ۲۵: ۲۷؛ یعقوب ۵: ۲۰-۱۹). این معلمین دروغین اکنون از خدا روی برگردانده (۱: ۱۴، *آپوسترفچ*) و به بدعتها و تعالیم غلط روی می‌آورند. فرم مجهول نشانگر وجود یک عامل خارجی است. در اینجا این عامل باید شیطان باشد.

◆**"و گناهکار"** این فرم خبری معلوم کامل است، که بیانگر عادت، تداوم و مشخصه‌های شیوه زندگی است (۱ تیموتائوس ۵: ۲۰).

◆**"خود عامل محکومیت خویش"** این اسم مفعول معلوم زمان حال است. در عهد جدید این عبارت تنها در اینجا یافت می‌شود. اعمال و گفتا ما قلبمان را آشکار می‌کنند (۱ تیموتائوس ۵: ۲۴؛ متی ۷؛ مرقس ۷).

متن ان آ بی اس (بروز شده): ۳: ۱۲-۱۴
[۱۲] وقتی آرتِماس یا تیخیکوس را نزدت فرستادم، بکوش تا هر چه زودتر نزد من به نیکوپولیس آیی، زیرا عزم آن دارم که زمستان را در آنجا به‌سر برم. [۱۳] تا آنجا که می‌توانی، زیناسِ وکیل و آپولُس را در راه سفرشان مدد فرما تا هیچ محتاج نمانند. [۱۴] بگذار مردم ما بیاموزند که خویشتن را وقفِ انجامِ کارهای نیکو کنند تا برای رفع نیازهای ضروری تدارک بینند و زندگی بی‌ثمری نداشته باشند.

۳: ۱۲ "آرتماس" این مرد برای ما ناشناخته است، اما برای خدا ناشناخته نیست.

◆**"تیخیکوس"** نام این فرد در اعمال ۲۰: ۴؛ افسسیان ۶: ۲۲-۲۱؛ کولسیان ۴: ۸-۷ و ۲ تیموتائوس ۴: ۱۲ ذکر شده است. او حمل‌کننده نامه‌ها از زندان است. این دو مرد قرار بود در کریت به جای تیطوس رهبری را به عهده گیرند تا وی بتواند در زمستان به پولس ملحق شود.
این نشان مئدهد که گرچه نامه به تیطوس نوشته شده، اما هدف از آن این بود کل کلیسای کریت مطلع، راهنمایی و تشویق شاند. اگر قرار بود تیطوس اندک زمانی پس از دریافت نامه آنجا را ترک کند بسیاری از گفته‌های پولس به تیطوس بی معنی به نظر نمی‌رسند. تنها در صورتی آین نوشته منطقی خواهد بود که برای ایمانداران روشن بوده باشد که پولس از طریق ارسال نامه به تیطوس همه آنها را مورد خطاب قرار داده است.

◆**"بکوش هر چه زودتر نزد من بیایی"** پولس نمی‌خواست تنها باشد (۲ تیموتائوس ۴: ۹، ۲۱). فکر می‌کنم دلیل این امر این باشد که شدیدا از ناحیه چشم مشکل داشت، مشکلی که به زمان ایمان آوردنش در راه دمشق بر می‌گشت (اعمال ۹: ۹-۳، ۱۲، ۱۸-۱۷). معتقدم که "خار در جسم" (۲ قرنتیان ۱۲: ۷) احتمالا همین مشکل چشم بود. در غلاطیان ۶: ۱۱ نیز پولس در مورد درشت بودن دستخطش صحبت می‌کند. او چند خط آخر نامه‌هایش را خودش می‌نوشت تا اصل بودن آنها مشخص باشد (۲ تسالونیکیان ۲: ۲؛ ۳: ۱۷؛ ۱ قرنتیان ۱۶: ۲۱؛ کولسیان ۴: ۱۸؛ فلیمون ۱۷).

◆**"نیکوپولیس"** شهرهای متعددی به این نام که معنایش "شهر پیروزی" است وجود دارد. احتمالا این شهر، شهری ساحلی در نزدیکه محل نبرد آکتیوم بود.

۳: ۱۳

ان آ اس بی	**"عامل تفرقه"**
ان ک ج وی	**"تا آنجا که می‌توانی در راه سفرشان. . . مدد فرما"**
ان آر اس وی	**"در راه سفرشان به عجله . . . بفرست"**
تی ای وی	**"تا می‌تونی بکوش در راه سفرشان . . . بفرست"**
ان ج بی	**"غیورانه در راه سفرشان کمکشان کن"**

این قید *اسپودیاسچ* است به معنای "غیورانه" یا "مشتاقانه" یا "با سخت‌کوشی" (لوقا ۷: ۴ و واژه مرتبط در فیلیپیان ۲: ۲۸). این عبارت با فرم امری معلوم گذشته *پروپمپچ*، به معنی تجهیز کامل برای سفر (۳ یوحنا ۶؛ و اعمال ۱۵: ۳). ظاهرا زیناس و آپولس فعالیتی خدمتی را انجام می‌دادند. پولس در رومیان ۱۵: ۲۴همین درخواست را از کلیساهای خانگی روم می‌کند.

◆**"زیناس وکیل"** مشخص نیست آیا او وکیلی یونانی بود یا یهودی.

◆**"آپولس"** او واعظی سخنور از اهالی اسکندریه بود که پریسکیلا و آکیلا یاریش کردند (اعمال ۱۸: ۲۴، ۲۸؛ ۱۹: ۱؛ ۱ قرنتیان ۱: ۱۲؛ ۳: ۵، ۶، ۲۲؛ ۴: ۶؛ ۱۶: ۲۲). این دو مرد حاملان نامه پولس به تیطوس بودند.

۳: ۱۴ "بگذار مردم ما بیاموزند که خویشتن را وقف انجام کارهای نیکو کنند" این فرم امری معلوم زمان حال است (۱: ۱۶؛ ۲: ۷، ۱۴؛ ۳: ۱۸)، که به خادمان در انجام فعالیت بشارتی‌شان دلگرمی می‌دهد (۲: ۷، ۱۴؛ ۳: ۸).

◆**"و زندگی بی‌ثمری نداشته باشند"** کلمه بی‌ثمر مبهم است. برداشت من این است که این کلمه همراستاست با کلمه "بیهوده" که پولس بکار می‌برد (*ایک* در ۱ قرنتیان ۱۵: ۲؛ غلاطیان ۳: ۴؛ ۴: ۱۱ یا*کنوس* در ۱ قرنتیان ۱۵: ۱۰، ۵۸؛ ۲ قرنتیان ۶: ۱: غلاطیان ۲: ۲؛ فیلیپیان ۲: ۱۶؛ ۱ تسالونیکیان ۲: ۱؛ ۳: ۵)، و اشاره دارد به کلیساهای فعال بشارتی با نگرش خدمتی. پولس با هدف بشارت دادن به کل منطقه در نواحی بخصوصی کلیساها را افتتاح کرد. اگر به هر دلیل این اجتماع کلیسایی بینش خود در مورد "فرمان اعظم" را از دست می‌دادند، این افتتاح کار بیهوده‌ای می‌شد!

.

متن ان آ بی اس (بروز شده): ۳: ۱۵ الف
آنان که با من‌اند، جملگی تو را سلام می‌فرستند. به آنان که ما را در ایمان دوست می‌دارند، سلام برسان.

۳: ۱۵ "آنان که با من‌اند، جملگی تو را سلام می‌فرستند" پولس معمولا، ولی نه همیشه (۱ تیموتائوس)، نامه‌های خود را خاتمه می‌دهد با احوالپرسی (۱) از طرف تیم خدمتی که او را همراهی می‌کنند و (۲) به ایمانداران در کلیسا یا محلی که نامه را خطاب به آنها می‌نویسد.

◆**"در ایمان"** واژه ایمان ممکن است مانند اعمال ۶: ۷؛ ۱۳: ۸؛ ۱۴: ۲۲؛ غلاطیان ۱: ۲۳؛ ۳: ۲۳؛ فیلیپیان ۱: ۲۷؛ تهودا ۳، ۲۰ برای اصول اعتقادی بکار رود یا راهی باشد برای بیان ارتباط شخصی فرد با خدا از طریق عیسی مسیح (یوحنا ۱: ۱۲: ۳: ۱۶). این واژه در عهدعتیق به مفهوم امین بودن یا قابل اعتماد بودن نیز بکار رفته است. منظور این عبارت احتمالا این است که معلمین دروغین در کریت اقتدار رسالاتی و تعالیم پولس را رد کردند.

.

متن ان آ بی اس (بروز شده): ۳: ۱۵ ب
فیض با همهٔ شما باد.

◆**"فیض با همه شما باد"** "شما" جمع است. این نامه مانند همه رسالات شبانی می‌بایست برای کلیساهای خانگی کریت خوانده می‌شد (۱ تیموتائوس ۶: ۲۱؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۲۲).

◆نسخه کینگ جیمز در انتها "آمین" را اضافه می‌کند، اما این کلمه در دست‌نوشته‌های یونانی اولیه P[61] , א ,A, C یا D* وجود ندارد. احتمالا کاتبان بعدها متوجه کاربرد این کلمه در رومیان ۱۶: ۲۷؛ غلاطیان ۶: ۱۸؛ فیلیپیان ۴: ۲۰؛ ۲ تسالونیکیان ۳: ۱۸؛ ۱ تیموتائوس ۶: ۱۶ و ۲ تیموتائوس ۴: ۱۸ شدند و آن را به این آیه اضافه کردند، همان کاری که در رومیان ۱۵: ۳۳؛ ۱۶: ۲۰، ۲۴؛ ۱ قرنتیان ۱۶: ۲۴؛ ۲ قرنتیان ۱۳: ۱۴؛ افسسیان ۶: ۲۴؛ فیلیپیان ۴: ۲۳؛ ۱ تسالونیکیان ۵: ۲۸؛ ۱ تیموتائوس ۶: ۲۱؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۲۲ و تیطوس ۳: ۱۵ نیز انجام دادند.

پرسشهای مربوط به بحث

آنچه در دست دارید تحقیق تفسیری است که نقش راهنمای مطالعه را ایفا می‌کند، به این معنای که شما شخصا مسئولیت تفسیر خود از کتاب‌مقدس را بر عهده دارید. ما همگی باید در نوری که داریم قدم برداریم. شما، کتاب‌مقدس و روح‌القدس مقدم بر تفسیر هستید. چنین نقشی را نباید به مفسر محول کنید.

پرسشهای مربوط به بحث نوشته شده اند تا به شما کنند موضوعات عمده این بخش از کتاب را مرور کنید. قرار است آنها شما را وادار به تفکر کنند، نه اینکه حرف آخر را بزنند.

۱. چرا باید مسیحیان مطیع حکومت مدنی باشند؟ اگر مقامات حکومت مسیحی نباشند چه باید کرد؟
۲. در آیات ۷-۴ تاکید اصلی بر چیست؟
۳. آیا تعمید برای نجات ضرورت دارد؟ چرا؟ چرا نه؟
۴. چرا ایمانداران باید از مقامات مدنی اطاعت کنند؟
۵. بدعت‌گذار چه کسی است؟
۶. بیانات الهیاتی آیات ۷-۵ را خلاصه کنید.
۷. "اعمال نیکو" در آیات ۸ و ۱۴ شامل چه چیزهایی می‌شوند؟
۸. معلمین دروغین یهودی بودند یا گنوستیک؟ چرا؟

دوم تیموتائوس ۱

تقسیم بندی پاراگرافها در ترجمه‌های جدید

ان ج بی	تی ای وی	ان آر اس وی	ان ک ج وی	یو بی اس
سلام و شکرگزاری	مقدمه	سلام و تعارف	سلام	سلام و تعارف
۱: ۱-۲	۱: ۱	۱: ۱	۱: ۱	۱: ۱-۲
	۱: ۲ الف	۱: ۲ الف	۱: ۲ الف	
	۱: ۲ ب	۱: ۲ ب	۱: ۲ ب	
۱: ۳-۵	شکرگزاری و تشویق	شکرگزاری و نصیحت	ایمان و میراث تیموتائوس	وفاداری به انجیل
	۱: ۳-۷	۱: ۳-۷	۱: ۷-۳	۱: ۱۴-۳
هدایایی که تیموتائوس دریافت کرد				
۱: ۶-۱۱				
		تقاضای برای ابراز شجاعت (۱: ۸- ۲: ۱۳)	بابت انجیل شرمنده نبودن	
۱: ۱۲	۱: ۱۱ ۱۴-		به ایمان وفادار باش ۱: ۱۳ - ۱۸	
۱: ۱۳ - ۱۴	۱: ۱۵- ۱۸	۱: ۱۵- ۱۸		۱: ۱۵ - ۱۸
۱: ۱۵ – ۱۸				

دایره قرایت سه (از "راهنمای قرایت صحیح کتاب‌مقدس" صفحه ix)

تبعیت از انگیزه نویسنده اولیه در سطح پاراگراف

آنچه در دست دارید تحقیق تفسیری است که نقش راهنمای مطالعه را ایفا می‌کند، به این معنای که شما شخصا مسئولیت تفسیرتان از کتاب‌مقدس را بر عهده دارید. ما همگی باید در نوری که داریم قدم برداریم. شما، کتاب‌مقدس و روح‌القدس مقدم بر تفسیر هستید. چنین نقشی را نباید به مفسر محول کنید.

باب مورد نظر را یکجا بخوانید. موضوعات را شناسایی کنید. تقسیم‌بندی موضوعی خود را با تقسیم‌بندی پنج ترجمه امروزی مقایسه کنید. پاراگراف‌بندی الهامی نیست، اما کلیدی است برای دنبال کردن انگیزه مولف اولیه، که قلب تفسیر است. هر پاراگراف تنها و تنها یک موضوع اصلی دارد.

۱. پاراگراف اول

۲. پاراگراف دوم

۳. پاراگراف سوم
۴. و الی آخر

مطالعه لغت و عبارت

متن ان آ بی اس (بروز شده): ۱: ۲-۱
[۱] از پولُس، که به خواست خدا و مطابق وعدهٔ حیاتی که در مسیحْ عیسی یافت می‌شود، رسول مسیحْ عیساست، [۲] به پسر عزیزم، تیموتائوس: فیض و رحمت و آرامش از جانب خدای پدر و خداوند ما مسیحْ عیسی بر تو باد.

۱: ۱ **"پولس"** شائول ترسوسی برای اولین بار در اعمال ۱۳: ۹ پولس خوانده شد. احتمالا بیشتر یهودیان در غربت یک نام یونانی (پولس) و یک نام یهودی (شائول) داشتند. در اینصورت، والدین شائول این نام را بر او گذاشتند، اما چرا در اعمال ۱۳ ناگهان نام "پولس" ظاهر می‌شود؟ احتمالا (۱) دیگران او را با این نام می‌خواندند یا (۲) او خود برای خود نام "حقیر" یا "ناچیز" را برگزید. معنای نام یونانی *پوئولس* "ناچیز" است. نظریه‌های متعددی در مورد مبدا نام یونانی او ارائه شده است: (۱) سنت قرن دوم که می‌گوید پولس کوتاه قد، فربه و بی مو بود و پاهای منحنی، ابروان پرپشت و چشمان برآمده داشت از کتاب تایید نشده‌ای برگرفته شده که نام آن *پلوس و تکلا* است. ممکن است این کتاب که از تسالونیکی آمده مبدا نام باشد؛ (۲) پولس خود را به خاطر جفایی که بر کلیسا روا داشت "حقیرترین مقدسین" می‌خواند (اعمال ۹: ۲-۱؛ ۱ قرنتیان ۱۵: ۹؛ افسسیان ۳: ۸؛ ۱ تیموتائوس ۱: ۱۵). برخی این "حقیرترین" را ریشه این عنوان خودخواسته می‌دانند. با اینحال، با توجه به کتابی مانند غلاطیان، که در آن وی بر استقلال خود و برابری‌اش با دوازده رسول اورشلیم تاکید می‌کند، این برداشت تا حدودی غیرمحتمل به نظر می‌رسد (۲ قرنتیان ۱۱: ۵؛ ۱۲: ۱۱؛ ۱۵: ۱۰).

◆ **"رسول"**، این از واژه یونانی "فرستادن" (*آپوستِلِچ*) می‌آید. عیسی دوازده مرد را برگزید که به شکلی خاص او را همراهی کنند و آنها را "رسولان" خواند (لوقا ۶: ۱۳). این واژه اغلب برای عیسی که از سوی پدر فرستاده شده بود نیز بکار می‌رفت (متی ۱۰: ۴۰؛ ۱۵: ۲۴؛ مرقس ۹: ۳۷؛ لوقا ۹: ۴۸؛ یوحنا ۴: ۳۴؛ ۵: ۲۴، ۳۰، ۳۶، ۳۷، ۳۸؛ ۶: ۲۹، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۵۷؛ ۷: ۲۹؛ ۸: ۴۲؛ ۱۰: ۳۶؛ ۱۱: ۴۲؛ ۱۷: ۳، ۸، ۱۸، ۲۱، ۲۳، ۲۵؛ ۲۰: ۲۱). در منابع یهود، رسول کسی است که به عنوان نماینده رسمی دیگری فرستاده می‌شود، همانند "سفیر" (۲ قرنتیان ۵: ۲۰).

◆ **"مسیح"**، این معادل کلمه عبری *مشایاح* به معنای "تدهین شده" است. منظور "کسی است که خدا فراخوانده و برای کاری خاص تجهیز کرده است". در عهد عتیق سه گروه از رهبران – کاهنان، پادشاهان و پیامبران – تدهین می‌شدند. عیسی هر سه این عناوین را با خود داشت (عبرانیان ۱: ۳-۲). او موعودی است که می‌بایست عصر نوین پارسایی را برقرار کند.

◆ **"عیسی"** اسمی عبری است به معنای "یهوه نجات می‌دهد"، "یهوه نجات است" یا "یهوه سبب نجات می‌شود". این نام در واقع همان نام عهدعتیقی "یوشع" است. "عیسی" از کلمه عبری برای نجات، یعنی *هوسیا*، مشتق می‌شود که به عنوان پسوند به نام عهدی خدا، یعنی "یهوه" اضافه شده است. این نام را فرشته از طرف خدا به مریم ابلاغ کرد (متی ۱: ۲۱)

◆ **"به خواست خدا"** همین عبارت مقدماتی در ۱ قرنتیان ۱: ۱؛ ۲ قرنتیان ۱: ۱؛ افسسیان ۱: ۱؛ و کولسیان ۱: ۱ نیز آمده است. پولس باور داشت که خداوند او را برگزید که رسول باشد. این گونه خاص از فراخوندگی در راه دمشق شروع شد، زمانی که پولس ایمان آورد (اعمال ۹: ۲۲-۱؛ ۲۲: ۱۶-۳؛ ۲۶: ۱۸-۹). پولس اغلب بر فرخواندگی و اقتدار خدادادی خود تاکید می‌کرد تا بدین وسیله ثابت کند نوشته‌هایش منحصرا از جانب خدا هستند (یعنی الهامی، ۲ تیموتائوس ۳: ۱۶؛ ۱ قرنتیان ۲: ۱۳-۹؛ ۱ تسالونیکیان ۲: ۱۳).

◆

ان آ اس بی، ان ک ج وی	**"مطابق وعدهٔ حیاتی"**
ان آر اس وی	**"به‌خاطر وعدهٔ حیاتی"**
تی ای وی	**"فرستاده شد تا وعده حیات را اعلام کند"**
ان ج بی	**"در راستای وعده حیات خود"**

پولس تاکید می‌کند که نجات، خوندەشدگی و تجهیزش برای خدمت همه بر اساس وعده‌های خداست برای زندگی واقعی، یعنی حیات جاویدان از طریق مسیح (۱: ۱، ۲، ۹، ۱۳). پولس بارها در رسالات شبانی به این مفهوم که خدا مالک و بخشنده حیات است گریز می‌زند (۱: ۱؛ ۱ تیموتائوس ۶: ۱۶-۱۵، ۱۹؛ تیطوس ۱: ۲).

۱: ۲ "به پسر عزیزم، تیموتائوس" این حالت استعاره دارد برای بیان اینکه پولس در انجیل پدر روحانی تیموتائوس است (۲: ۱؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۲؛ تیطوس ۱: ۴). این پاراگراف افتتاحی محبت متقابل آنها را نشان می‌دهد.

◆ **"فیض، رحمت و آرامش"** به وجوه اشتراک و تفاوتها در احوالپرسی‌های افتتاحی پولس دقت کنید

۱. "فیض و آرامش از جانب خدا، پدر ما، و خداوند عیسی مسیح، بر شما باد" (رومیان ۱: ۷؛ ۱ قرنتیان ۱: ۳؛ ۲ قرنتیان ۱: ۲؛ غلاطیان ۱: ۳؛ افسسیان ۱: ۲؛ فیلیپیان ۱: ۲؛ ۱ تسالونیکیان ۱: ۲؛ فلیمون ۱: ۳)
۲. "فیض و آرامش از جانب خدا، پدر ما، بر شما باد" (کولسیان ۱: ۲)
۳. "فیض و آرامش بر شما باد" (۱ تسالونیکیان ۱: ۱)
۴. "فیض، رحمت و آرامش از جانب خدا، پدر ما، و خداوند عیسی مسیح، بر شما باد" (۱ تیموتائوس ۱: ۲؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۲)
۵. "فیض و آرامش از جانب خدا، پدر ما، و نجات‌دهنده ما عیسی مسیح، بر تو باد" (تیطوس ۱: ۴).

دقت کنید که با وجود تنوع، برخی از عناصر ثابت می‌مانند.

۱. تمام تهنیت‌ها با "فیض" شروع می‌شوند. این در واقع افتتاحیه استاندارد یونانی یک نامه است که فرم مسیحی به خود گرفته است. تمرکز در آن بر شخصیت خداست.
۲. "آرامش" نتیجه توکل انسان به خدای قابل اعتماد و ایمان داشتنش به وفاداری خداست.
۳. "رحمت" طریق دیگری برای توصیف شخصیت خدا بوده که تنها در ۱ و ۲ تیموتائوس به این شکل بکار رفته است. این واژه در نسخه هفتادگان برای ترجمه کلمه عبری *هِسِد* بکار رفت (یعنی محبت و وفاداری مبتنی بر عهد). خدا فیاض و قابل اعتماد است.
۴. پدر و پسر در همه تهنیت‌ها ذکر شده‌اند (در ۱ تسالونیکیان در عبارت قبلی به آنها اشاره شده). از لحاظ دستوری آنها همیشه به هم ربط داده می‌شوند. این یکی از روشهای نویسندگان عهدجدید برای تاکید بر الوهیت کامل عیسی ناصری بود. روش دیگر اطلاق عناوین عهدعتیقی یهوه به عیسی است (یعنی خداوند و نجات‌دهنده).

◆ **"از جانب خدای پدر و خداوند ما مسیح عیسی"** عبارت افتتاحی که بعد از "فیض، رحمت و آرامش" می‌آید تنها یک حرف اضافه (*اپو*) دارد که از لحاظ دستوری پدر و پسر را همسطح قرار می‌دهد (۱ تیموتائوس ۱: ۲؛ تیطوس ۱: ۴ و ۲ تیموتائوس ۱: ۲). پولس از این تکنیک استفاده می‌کرد تا بر الوهیت عیسی تاکید کند.

"پدر" به مفهوم ارتباط نسلی جسمی یا ترتیب زمانی بکار برده نشده است، بلکه منظور ارتباط صمیمی از نوع خانوادگی است. خدا برای مکشوف کردن خود به انسان عبارات خانوادگی را برگزید (خدا در هوشع ۳-۲ به صورت عاشقی شیدا و وفادار و در عوشع ۱۱ به شکل پدر و مادر بامحبت تصویر می‌شود). پدر عیسی مسیح مبدا و منشاء اولیه فلسفه یونانی است، نه خدای مکاشفه. کتاب‌مقدس نه فلسفه استدلالی انسانی، بلکه مکاشفه شخصی خداست، مکاشفه‌ای که با تجزیه و تحلیل انسانی قابل کشف نیست. به مبحث ویژه: پدر در ۱ تیموتائوس ۱: ۲ رجوع کنید.

◆ **"خداوند"** خداوند نام عهدی خود را در خروج ۳: ۱۴ بر موسی مکشوف کرد: یهوه. این نام فرم سببی فعل عبری "بودن می‌آید. بعدها به هنگام قرائت متون مقدس یهودیان می‌ترسیدند که مبادا این نام مقدس را بیهوده بر زبان آورده و یکی از فرمانهای دهگانه را زیر پا بگذارند (خروج ۲۰: ۷؛ تثنیه ۵: ۱۱). بنابراین، آنها کلمه *آدون*، به معنای "شوهر، مالک، ارباب، و سرور" را جایگزین آن کردند. این مبدا ترجمه انگلیسی یهوه به لرد است.

وقتی نویسندگان عهدجدید عیسی را "خداوند" (*کوریوس*) نامیدند، در واقع بر الوهیت او تاکید داشتند. این تایید فرمول تعمیدی کلیسای اولیه شد، "عیسای خداوند" (رونیان ۱۰: ۱۳-۹؛ فیلیپیان ۲: ۱۱-۶).

متن ان آ بی اس (بروز شده): ۱: ۱۴-۳
[۳] وقتی تو را شب و روز، پیوسته در دعاهایم یاد می‌دارم، خدا را سپاس می‌گزارم، خدایی را که من نیز چون پدرانم با وجدانی پاک خدمتش می‌کنم. [۴] چون اشکهای تو را به‌خاطر می‌آورم، آرزو می‌کنم با تو دیدار تازه کنم تا از شادی لبریز شوم. [۵] ایمان بی‌ریای تو را به‌یاد می‌آورم که نخست در مادربزرگت لوئیس و سپس در مادرت اِفْنیکی ساکن بود، و یقین دارم اکنون نیز در تو ساکن است. [۶] از این‌رو، تو را یادآور می‌شوم که آن عطای خدا را که به‌واسطهٔ دست گذاشتن من، در تو جای گرفته، شعله‌ور سازی. [۷] زیرا روحی که خدا به ما بخشیده، نه روح ترس، بلکه روح قوّت و محبت و انضباط است.

[8] پس، از شهادت بر خداوند ما عار مدار، و نه از من که به‌خاطر او در بندم، بلکه تو نیز با اتکا به نیروی الهی در رنج کشیدن برای انجیل سهیم باش. [9] خدا ما را نجات داده و به زندگی مقدّس فراخوانده است. این نه به‌سبب اعمال ما، بلکه به‌خاطر قصد و فیض خودِ اوست، فیضی که در مسیحْ عیسی از ایام ازل به ما عطا شده بود، [10] ولی اکنون با ظهور نجات‌دهندهٔ ما مسیحْ عیسی عیان گشته است - همان که به‌واسطهٔ انجیل، مرگ را باطل کرد و حیات و فناناپذیری را آشکار ساخت. [11] و من برگماشته شده‌ام تا واعظ، رسول و معلّم این انجیل باشم. [12] از همین‌روست که این‌گونه رنج می‌کشم، امّا عار ندارم، چرا که می‌دانم به که ایمان آورده‌ام و یقین دارم که او قادر است امانتم را تا بدان روز حفظ کند.
[13] با ایمان و محبتی که در مسیحْ عیسی یافت می‌شود، به آنچه از من شنیده‌ای چون الگوی تعلیم صحیح سخت بچسب. [14] به یاری روح‌القدس که در ما ساکن است، آن گنج را که به تو سپرده شده، پاس دار.

۱: ۳ "خدا را سپاس می‌گزارم" در نامه‌های منطقه مدیترانه باستان آوردن دعای شکزگزاری در ابتدای نامه مرسوم بود. پولس معمولا از این الگو پیروی می‌کرد (رومیان ۱: ۸؛ ۱ قرنتیان ۱: ۴؛ افسسیان ۱: ۱۶-۱۵؛ فیلیپیان ۱: ۴-۳؛ کولسیان ۱: ۴-۳؛ ۱ تسالونیکیان ۱: ۲؛ ۲ تسالونیکیان ۱: ۳؛ فلیمون ۴).

◆ **"خدایی را که من نیز چون پدرانم . . . خدمتش می‌کنم"** پولس مسیحیت را ایمانی جدید یا جدای از عهد عتیق نمی‌دانست (اعمال ۲۴: ۱۴؛ ۲۶: ۶-۵؛ رومیان ۴؛ ۲ قرنتیان ۱۱: ۲۲؛ و فلیمون ۳: ۵).

◆ **"وجدانی پاک"** به یادداشت ۱ تیموتائوس ۱: ۵ رجوع کنید.

◆ **"یاد می‌دارم"** پولس زندگی، خانواده و دعوت تیموتائوس به خدمت را به یاد دارد. وی در آیات ۶-۳ از واژه *منیا* به چهار طریق استفاده می‌کند.

۱. در آیه ۳ پولس تیموتائوس را دائما در دعای خود به یاد دارد.
۲. در آیه ۴ فرم اسم مفعول را بکار می‌برد تا جدایی پراشکشان را به تیموتائوس یادآوری کند
۳. در آیه ۵ از فرم مرکب (*هوپو + منیا*) استفاده می‌کند تا ایمان صمیمانه خانواده تیموتائوس را به وی یادآوری کند.
۴. در آیه ۶ از فرم فعلی مرکب این واژه (*آنا + منیا*) استفاده می‌کند تا خوانده‌شدگی تیموتائوس و تجهیزش برای خدمت را به یادش آورد.

نگاه به گذشته و دیدن اینکه چطور در هر مرحله دست خدا در کار بوده از لحاظ الهیاتی مفید و سبب تشویق ما می‌شود (ایمان خانواده، ایمان شخصی، دعوت و تجهیز برای خدمت، و دوستان و مشاوران دیندار).

۱: ۴ پولس و تیموتائوس در خدمتشان به مسیح با هم رابطه بسیار خوبی داشتند. رابطه آنها باعث می‌شد برای خدمت تشویق و تقویت شوند (۴: ۹، ۲۱).

۱: ۵ "ایمان بی‌ریا" از لحاظ لغوی در واقع "بدون ریاکاری" است. این عبارت به معنای "ایمان خالص" بکار رفته است (۱ تیموتائوس ۱: ۵).

◆ **"(ایمان بی‌ریا)ی تو"** از زمینه متن (و ۳: ۱۵ و نیز اعمال ۱۶: ۱) نمی‌توان نتیجه گرفت که آیا منظور یهودیت است (مادر بزرگ و احتمالا مادر تیموتائوس) یا مسیحیت (ایمان آوردن تیموتائوس). آنچه واضح است این است که منظور ایمان به یهوه و نقشه نجاتبخش اوست.



ان آ اس بی	**"یقین دارم اکنون نیز در تو ساکن است"**
ان ک ج وی	**"متقاعدم که اکنون نیز در تو ساکن است"**
ان آر اس وی	**"مطمئنم در تو می‌زید"**
تی ای وی	**"مطمئنم تو نیز آن را داری"**
ان ج بی	**"مطمئنم در تو نیز ساکن است"**

این فرم خبری مجهول کامل است. این عبارت در یونانی تایید محکمی است در مورد اطمینان مداوم در مورد کار روح در زندگی و خدمت تیموتائوس.

۱: ۶ "شعله‌ور سازی" این فرم خبری معلوم زمان حال است که مفهوم ضمنی نیاز به دوباره روشن کردن، زیر و رو کردن یا باد زدن آتش را دارد. جنبه‌ای اختیاری در صاحب عطا بودن وجود دارد. مفهوم این جمله این نیست که تیموتائوس اجازه داده بود شعله دعوت و عطای خدا نیم خاموش شود، بلکه منظور این است که در شرایط دشوار مانند ماموریت فعلی، او باید از دعوت و تجهیز خدا در گذشته نیرو بگیرد.

◆ **"عطای خدا"** ریشه واژه "عطا" (کاریزما)، "فیض" (*کاریز*) است. این ممکن است به روح‌القدس یا، در این زمینه متنی، به عطایای خدمت او اشاره داشته باشد. هر ایمانداری دارای عطا یا عطایای فوق طبیعی برای خدمت است (۱ قرنتیان ۱۲: ۷، ۱۱، ۱۸). عطای تیموتائوس مورد تایید پولس و کلسیای محل زندگیش قرار گرفت (۱ تیموتائوس ۴: ۱۴).

◆ **"که به‌واسطهٔ دست گذاشتن من"** برای انتصاب رسول نمی‌توان تنها به این متن استناد کرد. به مبحث ویژه در ۱ تیموتائوس ۴: ۱۴ رجوع کنید. دست‌گذاری در کتاب‌مقدس برای مقاصد مختلف مورد استفاده قرار گرفت.

۱: ۷ "زیرا روحی که خدا به ما بخشیده، نه روح" متون باستانی یونانی عهد جدید همه با استفاده از حروف بزرگ (حروف یک دوازدهمی) نوشته شدند، پس استفاده از حروف بزرگ در ترجمه‌های جدید جنبه تفسیری دارد. در متن یونانی حرف تعریف وجود ندارد. مواردی وجود دارد که روح با حرف کوچک شروع شده (رومیان ۸: ۱۵؛ ۱ قرنتیان ۲: ۱۲)، اما در هر دو مورد روح‌القدس بطور خاص ذکر شده است. بیشتر ترجمه‌های جدید کلمه "روحی . . ." را بکار برده‌اند (ک ج وی، آ اس وی، ان ک ج وی، ان آ اس بی، آر اس وی، ان آر اس وی، ان ای بی، آر ای بی و ان آی وی). با اینحال، برداشت دیگران این است که در اینجا منظور روح‌القدس است (تی ای وی، ان ج بی، و عهد جدید ترجمه ویلیام). در واقع ممکن است این نوعی ابهام عمدی باشد (ان ای بی و ان ج بی).
خدا نه تنها به تمام ایمانداران بزرگترین عطایا، یعنی روح، و نیز عطایای روحانی لازم جهت خدمت را بخشیده، بلکه به آنها اشتیاق شجاعانه و قدرتمند برای خدمت، بشارت، رفتن و مانند مسیح شدن را نیز داده است. کتاب *مترادف‌های عهدعتیق* اثر رابرت گیردل‌استون، بحث جالبی در مورد کاربردهای واژه "روح" در عهدجدید دارد (صفحات ۶۳-۶۱).

۱. ارواح شریر
۲. روح انسان
۳. روح‌القدس
۴. چیزهایی که روح(القدس) در و از طریق روحهای انسانی ایجاد می‌کند
الف. "نه روح بندگی" در مقابل "روح فرزندخواندگی"، رومیان ۸: ۱۵
ب. "روح آرامی"، ۱ قرنتیان ۴: ۲۱
ج. "روح ایمان"، ۲ قرنتیان ۴: ۱۳
د. "روح حکمت و مکاشفه در شناخت او" افسسیان ۱: ۱۷
ه. "نه روح ترس" در مقابل "قدرت، محبت و نظم"، ۲ تیموتائوس ۱: ۱۷
و. "روح اشتباه" در مقابل "روح راستی"، ۱ یوحنا ۴: ۶



ان آ اس بی، ان ج بی	**"روح ترس"**
ان ک ج وی	**"روح وحشت"**
ان آر اس وی	**"روح بزدلی"**
تی ای وی	**"روح ... ما را ترسو نمی‌کند"**

درعطای خدادادی یک جنبه منفی و سه جنبه مثبت وجود دارد.



ان آ اس بی،	**"نظم"**
ان ک ج وی	**"فکر سالم"**
ان آر اس وی	**"خویشتنداری"**
تی ای وی، ان ج بی	**"کنترل شخصی"**

به یادداشت ۱ تیموتائوس ۳: ۲ در مورد *اسچفرچن* رجوع کنید.

۱: ۱۴-۸ در یونانی همه این آیات یک جمله را تشکیل می‌دهند.

 **"عار نداشته باش"** این عبارتی کلیدی در باب اول است (آیات ۸، ۱۲، ۱۶؛ به مرقس ۸: ۳۸؛ رومیان ۱: ۱۶ نیز دقت کنید). فرم گرامری در اینجا مجهول (با معنای معلوم) گذشته فاعلی است. این به این معنی نیست که تیموتائوس عار داشت، بلکه هشداری است برای اینکه در آینده عار نداشته باشد. احتمال دارد پولس گریزی زده باشد به این مفهوم عهدعتیقی که گناه سبب مشکلات و پارسایی سبب برکات می‌شود (تثنیه ۲۸-۲۷؛ ایوب، مزمور ۷۳). پولس به خاطر مسیح در زحمت بود، نه در اثر گناه.

◆ **"از شهادت بر خداوند ما . . . و نه از من که به‌خاطر او در بندم"** پولس تیموتائوس نصیحت می‌کند که به موعظه در مورد رنجهای مسیح ادامه دهد (پیدایش ۳: ۱۵؛ اشعیاء ۵۳؛ اعمال ۳: ۱۸؛ ۲۶: ۲۳) و با پولس به عنوان کسی که زندانی روحانی انجیل و زندانی جسمانی بخاطر انجیل است سهیم شود! انجیل را صرفنظر از هزینه و عواقب آن موعظه کن!

◆ **"سهیم باش"** بدلیل الهیات پولس در مورد یکی شدن با مسیح در مرگ (رومیان ۶؛ غلاطیان ۲: ۲۰) و رنج (رومیان ۸: ۱۷؛ ۲ قرنتیان ۱: ۵؛ فلیمون ۳: ۱۰؛ ۱ پطرس ۴: ۱۳)، وی اغلب با استفاده از حرف اضافه *سین* کلمات جدید می‌سازد به معنای "شرکت کردن در": (۱) رنج با (۱: ۸ و ۲: ۳)؛ (۲) مرگ با (۲: ۱۱)؛ (۳) زیستن با (۲: ۱۱)؛ و (۴) سلطنت با (۲: ۱۲).

◆ **"در رنج کشیدن به‌خاطر انجیل"** این فرم امری معلوم گذشته است (۲: ۳، ۹؛ ۴: ۵؛ رومیان ۸: ۱۷؛ ۱ پطرس ۳: ۱۴؛ ۴: ۱۲-۱۹). بخش کلیدی این عبارت "به‌خاطر انجیل" است، نه شرارت خودمان (۱ پطرس ۲: ۱۶-۱۵). مسیحیان امروزی می‌دانند که رنج کشیدن برای انجیل روندی عادی است، نه استثناء (متی ۵: ۱۲-۱۰؛ یوحنا ۱۵: ۲۱-۱۸؛ ۱۶: ۲-۱؛ ۱۷: ۱۴؛ اعمال ۱۴: ۲۲؛ رومیان ۵: ۴-۳؛ ۲ قرنتیان ۴: ۱۸-۱۶؛ ۶: ۱۰-۴؛ ۱۱: ۲۸-۲۳؛ فیلیپیان ۱: ۲۹؛ ۱ تسالونیکیان ۳: ۳؛ ۲ تسالونیکیان ۳: ۱۲؛ یعقوب ۱: ۴-۲).

۱: ۹ "خدا ما را نجات داده و . . . فراخوانده است" در اینجا دو اسم مفعوم معلوم گذشته وجود دارد که با "و" (*کای*) به هم وصل شده‌اند. در رومیان ۸: ۳۰-۲۹ "فراخوانده" قبل از "نجات داده" آمده است که به حاکمیت خدا (برگزیدن) اشاره دارد، اما در اینجا فراخواندگی به خدمت اشاره دارد (خوانده شده با یک دعوت، آیات ۸-۶ و مبحث ویژه در آیه ۹).
این معادل عهدجدیدی گفتار مبتنی بر عهد است که در عهدعتیق برای اسرائیل بکار می‌رفت. ایمانداران به مسیح قوم عهد خدا هستند.

مبحث ویژه: زمان افعال یونانی بکار رفته برای نجات

نجات محصول نیست، رابطه است. نجات زمان که شخص به مسیح ایمان می‌یابد تمام نمی‌شود، بلکه تازه شروع می‌شود! نجات بیمه آتش‌سوزی نیست، بلیط ورود به بهشت هم نیست. نجات رابطه‌ای شخصی با مسیح است که در زندگی مسیح‌گونه هرروزه نمود می‌یابد.

نجات به عنوان عملی تکمیل شده (گذشته)
- اعمال ۱۵: ۱۱
- رومیان ۸: ۲۴
- ۲ تیموتائوس ۱: ۹
- تیطوس ۳: ۵
- رومیان ۱۳: ۱۱ (گذشته را با نگرشی به آینده ترکیب می‌کند)

نجات به عنوان یک وضعیت بودن (زمان کامل)
- افسسیان ۲: ۵، ۸

نجات به عنوان فرآیندی دنباله‌دار (زمان حال)
- ۱ قرنتیان ۱: ۱۸؛ ۱۵: ۲
- ۲ قرنتیان ۲: ۱۵
- ۱ پطرس ۳: ۲۱؛ ۴: ۱۸

نجات به عنوان آنچه در آینده تحقق می‌یابد (آینده بر اساس زمان فعل یا محتوای متن)
- (اشاره ضمنی در متی ۱۰: ۲۲، ۲۴: ۱۳؛ مرقس ۱۳: ۱۳)
- رومیان ۵: ۹، ۱۰؛ ۱۰: ۹، ۱۳
- ۱ قرنتیان ۳: ۱۵؛ ۵: ۵
- فیلیپیان ۱: ۲۸
- ۱ تسالونیکیان ۵: ۹-۸
- ۱ تیموتائوس ۴: ۱۶
- عبرانیان ۱: ۱۴؛ ۹: ۲۸
- ۱ پطرس ۱: ۵

بنابراین، نجات با تصمیم ایمان اولیه شروع می‌شود (یوحنا ۱: ۱۲؛ ۳: ۱۶؛ رومیان ۱۰: ۱۳-۹)، اما باید در فرآیند زیستنی بر اساس ایمان نمود یابد (رومیان ۸: ۲۹؛ غلاطیان ۴: ۱۹؛ افسسیان ۱: ۴؛ ۲: ۱۰) و روزی تکمیل آن تحقق خواهد یافت (۱ یوحنا ۳: ۲). این قسمت آخر به جلال رسیدن نامیده می‌شود. این فرآیند را می‌تواب به این صورت به تصویر کشید:

۱. نجات اولیه – تبرئه شدن (نجات از مجازات گناه)
۲. نجات تدریجی – تقدیس (نجات از قدرت گناه)
۳. نجات نهایی – جلال یافته (نجات از حضور گناه).

◆ **"به . . . مقدّس فراخوانده است"** این ممکن است به خدا به عنوان مقدس اشاره داشته باشد، اما در متن احتمال دارد که برگردد به اراده خدا برای قوم مقدس عهد. اراده خدا همیشه وجود قومی "به شباهت او" بوده است (پیدایش ۱: ۲۷-۲۶) تا صورت او را منعکس کند! کار مسیح شباهت خدا را که در اثر نافرمانی آدم و حوا در پیدایش ۳ از بین رفته بود احیاء کرد. هدف مسیحیت شبیه مسیح شدن است (رومیان ۸: ۲۹؛ غلاطیان ۴: ۱۹؛ افسسیان ۱: ۴).

مبحث ویژه: فراخوانده

خدا همیشه در فراخواندن، انتخاب و تشویق ایمانداران به سوی خود پیشقدم می‌شود (یوحنا ۶: ۴۴، ۶۵؛ ۱۵: ۱۶؛ ۱ قرنتیان ۱: ۱۲؛ افسسیان ۱: ۵-۴، ۱۱). واژه "فراخواندن" مفاهیم الهیاتی متعددی دارد:

الف. گناهکاران در اثر فیض خدا از طریق کار کامل مسیح و عمل متقاعد کننده روح به نجات فراخوانده می‌شوند (*کلتوس*، رومیان ۱: ۷-۶؛ ۹: ۲۴، که از لحاظ الهیاتی مشابه ۱ قرنتیان ۱: ۲-۱ و ۲ تیموتائوس ۱: ۹؛ ۲ پطرس ۱: ۱۰ است).

ب. گناهکاران برای نجات نام خداوند را می‌خوانند (*اپیکالچ* اعمال ۲: ۲۱؛ ۲۲: ۱۶؛ رومیان ۱۰: ۱۳-۹). این بیانیه یک اصطلاح پرستشی یهودی است.

ج. ایمانداران خوانده شده‌اند که زندگی مسیح‌گونه داشته باشند (*کلسیس*، ۱ قرنتیان ۱: ۲۶؛ ۷: ۲۰؛ افسسیان ۴: ۱؛ فلیمون ۳: ۱۴؛ ۲ تسالونیکیان ۱: ۱۱؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۹)

د. ایمانداران به انجام کارهای خدمتی فراخوانده شده‌اند (اعمال ۱۳: ۲؛ ۱ قرنتیان ۱۲: ۷-۴؛ افسسیان ۴: ۱).

◆ **"نه به سبب اعمال ما"** این نکته اصلی موعظه پولس خطاب به غیریهودیان در اعمال ۱۵ و غلاطیان بود. معلمین دروغین ذکرشده در رسالات شبانی نیز به کسب پارسایی از طریق اعمال معتقد بودند. رد پارسایی از طریق اعمال موضوعی است که در نوشته‌های پولس مرتب تکرار می‌شوند (رومیان ۳: ۲۰؛ ۲۸-۲۷؛ ۴: ۵-۴؛ ۸؛ ۹: ۱۱؛ غلاطیان ۲: ۱۶؛ افسسیان ۲: ۹-۸؛ فیلیپیان ۳: ۹؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۹؛ تیطوس ۳: ۵).

◆ **"به‌خاطر قصد و فیض خود"** اراده و شخصیت خدا از هم جداشدنی نیستند. او بر اساس ذات خود به جای انسان سقوط کرده عمل کرد (افسسیان ۱: ۵-۴، ۱۱). انجیل منعکس کننده قلب پدر، اعمال محبت‌آمیز پسر و قدرت روح است. نجات ایده خدا، ابتکار خدا و تمهید خدا بود.

◆ **"که در مسیحْ عیسی از ایام ازل به ما عطا شده بود"** انجیل "طرح یدکی" نبود. نقشه خدا همواره این بود که بشر سقوط کرده را رستگار سازد، بشر که به صورت خود او و برای رفاقت با او خلق شده بود. پیدایش نه تنها نافرمانی انسان، بلکه وعده و نقشه خدا را نیز ثبت می‌کند (پیدایش ۳: ۱۵؛ رومیان ۱۶: ۲۶-۲۵؛ افسسیان ۲: ۱۱- ۳: ۱۳).
در موعظه‌های رسولان در کتاب اعمال، اغلب به این نقشه از پیش تعیین شده از طریق مسیح اشاره می‌شود (۲: ۲۳؛ ۳: ۱۸؛ ۴: ۲۸؛ ۱۳: ۲۹ و نیز سخنان خود عیسی در مرقس ۱۰: ۴۵؛ لوقا ۲۲: ۲۰). در تیطوس ۱: ۲ و مکاشفه ۱۳: ۸ احتمالا به این اشاره می‌شود. قوم اسرائیل تنها مرحله اول از نقشه خدا برای نجات جهان بود (پیدایش ۱۲: ۳؛ خروج ۱۹: ۵). مسیح همواره تنها امید بشریت گنهکار بوده است!

۱: ۱۰ "ظهور" واژه *اپی‌فانی* در اینجا به آمدن اول میسح اشاره دارد (۱ تیموتائوس ۶: ۱۴؛ تیطوس ۲: ۱۱)، اما در ۲ تیموتائوس ۴: ۱ و تیطوس ۲: ۱۳ همین کلمه برای آمدن ثانویه او بکار می‌رود. مبحث ویژه در تیطوس ۲: ۱۳ را ببینید.

◆ **"نجات‌دهندهٔ ما مسیح عیسی"** نجات‌دهنده در عهدعتیق عنوانی است برای یهوه (مزمور ۱۰۶: ۲۱؛ اشعیاء ۴۳: ۳، ۱۱، ۱۵، ۲۱؛ ۴۹: ۲۶؛ ۶۰: ۱۶؛ ۶۳: ۸؛ هوشع ۱۳: ۴؛ لوقا ۱: ۴۷). در عهدجدید این عنوان به عیسی به عنوان مسیحِ خدا اطلاق می‌شود (لوقا ۲: ۱۱؛ یوحنا ۴: ۴۲؛ ۱۳: ۲۳؛ افسسیان ۵: ۲۳؛ فیلیپیان ۳: ۲۰؛ ۱ یوحنا ۴: ۱۴).
تنها در رسالات شبانی هر دو عنوان به فاصله نزدیکی هم برای خدای پدر و هم خدای پسر بکار برده شده‌اند.
الف. خدا

۱. نجات‌دهنده ما خدا، که در آن کلمه نجات‌دهنده با حرف بزرگ شروع می‌شود (۱ تیموتائوس ۱: ۱)
۲. نجات‌دهنده ما خدا، که در آن کلمه نجات‌دهنده با حرف کوچک شروع می‌شود (۱ تیموتائوس ۲: ۳)
۳. نجات‌دهنده همه انسانها (۱ تیموتائوس ۴: ۱۰)
۴. نجات‌دهنده ما خدا، که در آن کلمه نجات‌دهنده با حرف کوچک شروع می‌شود (تیطوس ۱: ۳)
۵. نجات‌دهنده ما خدا، که در آن کلمه نجات‌دهنده با حرف کوچک شروع می‌شود (تیطوس ۲: ۱۰)
۶. نجات‌دهنده ما خدا، که در آن کلمه نجات‌دهنده با حرف کوچک شروع می‌شود (تیطوس ۳: ۴)

الف. مسیح
۱. نجات‌دهنده ما (۲ تیموتائوس ۱: ۱۰)
۲. خداوند عیسی مسیح نجات‌دهنده ما (تیطوس ۱: ۴)
۳. خداوند و نجات‌دهنده عظیم ما، عیسی مسیح (تیطوس ۲: ۱۳)
۴. عیسی مسیح نجات‌دهنده ما (تیطوس ۳: ۶)
۵. خداوند و نجات‌دهنده ما عیسی مسیح (۱ پطرس ۱: ۱۱)
۶. خداوند و نجات‌دهنده عیسی مسیح (۲ پطرس ۲: ۲۰)
۷. خداوند و نجات‌دهنده ما عیسی مسیح (۲ پطرس ۳: ۱۸)

رسالات شبانی، که بین اواسط تا اواخر دهه ۶۰ میلادی نوشته شدند، واکنشی نیز بودند در مقابل ادعای امپراتوران روم که خود را خدا و نجات‌دهنده می‌دانستند (این عناوین در مذاهب مرموز نیز کاربرد داشتند). برای مسیحیان این عناوین مختص یهوه و مسیح او بودند.

◆ **"مرگ را باطل کرد"** به مبحث ویژه زیر رجوع کنید.

مبحث ویژه: پوچی و بیهودگی (*کاتارگج*)

کاتارگج یکی از کلمات مورد علاقه پولس بود. وی این واژه را حداقل ۲۵ با بکار برد، اما دامنه معنای آن بسیار وسیع است.

الف. ریشه لغوی ابتدایی آن از *آرگوس* می‌آید
۱. غیرفعال
۲. عاطل
۳. استفاده نشده
۴. بلااستفاده
۵. غیرعملی

ب. ترکیب آن با *کاتا* برای بیان موارد زیر استفاده شد
۱. غیرفعال بودن
۲. بلااستفاده بودن
۳. کنسل شده
۴. از رده خارج شده
۵. کاملا غیرعملی

ج. در لوقا یکبار برای توصیف درخت بی‌ثمر و نتیجتا بی‌فایده بکار رفت (لوقا ۱۳: ۷).

د. پولس آن را به شکل استعاری به دو صورت بکار برد:
۱. خداوند چیزهای غیرموثری را خلق کند که با بشر دشمنی دارند
الف. طبیعت گناه‌آلود بشر (رومیان ۶: ۶)
ب. شریعت موسی در مقابل وعده خدا در مورد "بذر" (رومیان ۴: ۱۴؛ غلاطیان ۳: ۱۷؛ ۵: ۴، ۱۱: افسسیان ۲: ۱۵)
ج. نیروهای روحانی (۱ قرنتیان ۱۵: ۲۴)
د. "شخص بی‌دین" (۲ تسالونیکیان ۲: ۸)
ه. مرگ جسمانی (۱ قرنتیان ۱۵: ۲۴، ۲۶؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۱۰؛ عبرانیان ۲: ۱۴)
۲. خدا نو را جایگزین کهنه (عهد، دوران) کند
الف. مسائل مرتبط با شریعت موسی (رومیان ۳: ۳، ۳۱؛ ۴: ۱۴؛ ۲ قرنتیان ۳: ۷، ۱۱، ۱۳، ۱۴)
ب. استفاده از قیاس ازدواج برای شریعت (رومیان ۷: ۲، ۶)
ج. مسائل مربوط به این دوران (۱ قرنتیان ۱۳: ۸، ۱۰، ۱۱)
د. این بدن (۱ قرنتیان ۶: ۱۳)
ه. رهبران این دوران (۱ قرنتیان ۱: ۲۸؛ ۲: ۶)

این کلمه به طرق مختلف ترجمه شده، اما معنای آن بلااستفاده، بیهوده و پوچ، غیرموثر، و یا فاقد توانایی کردن چیزی است،

با اینحال این ضرورتا به معنای محو، نابود یا خنثی کردن آن نیست.

◆ **"حیات و فناناپذیری را آشکار ساخت"** واژه "حیات" در نامه‌های شبانی بارها تکرار شده و می‌تواند این معانی را داشته باشد: (۱) زندگی ابدی (۱ تیموتائوس ۱: ۱۶؛ ۶: ۱۲؛ تیطوس ۱: ۲؛ ۳: ۷)؛ (۲) حیات حقیقی (۱ تیموتائوس ۶: ۱۹)؛ (۳) حیات فعلی و حیات در اعصار آینده (۱ تیموتائوس ۴: ۸)؛ (۴) وعده حیات در مسیح (۲ تیموتائوس ۱: ۱)؛ و (۵) زندگی و فنا ناپذیری از طریق مسیح (۲ تیموتائوس ۱: ۱۰).
دو واژه مرتبط وجود دارد که در اعمال رسولان برای بیان حیات بی‌انتهای عصر جدید بکار می‌روند: (۱) "فاسد" با الف سلبی (۲ تیموتائوس ۱: ۱۰؛ تیطوس ۲: ۷؛ رومیان ۲: ۷؛ ۱ قرنتیان ۱۵: ۵۴-۵۲)؛ (۲) "مرگ" با الف سلبی (۱ تیموتائوس ۶: ۱۶ و ۱ قرنتیان ۱۵: ۵۴-۵۳).
این با مفهوم یونانی که معتقد به وجود "جان" فناناپذیر ازلی برای هر انسان است، فرق دارد. فناناپذیری ایمانداران با توبه ایمان شخصی آنها در مسیح آغاز می‌شود. خدا تنها منشاء فناناپذیری است (۱ تیموتائوس ۱: ۱۷؛ ۶: ۱۶). او آن را به رایگان از طریق مسیح (و تنها مسیح) عطا می‌کند.

◆ **"به‌واسطه انجیل"** این واژه یونانی در اصل به معنای "مژدگانی" بود. سپس در مسیحیت معنای آن منحصرا به پیام فوق‌العاده بخشش و پذیرش خدا توسط زندگی، تعالیم، مرگ و قیام مسیح تغییر کرد. بعدها واژه‌ای شد که برای توصیف کتب زندگی عیسی بکار می‌رفت (یعنی چهار انجیل). عیسی خبر خوش محبت و تمهید خدا برای گناهکاران است.

۱: ۱۱ "و من برگماشته شده‌ام" این فرم خبری مجهول گذشته است. در این آیه پولس بر عطایا و اهداف خدادادی خود که با انجیل مرتبط هستند تاکید می‌کند (۱ تیموتائوس ۲: ۷).

◆ **"واعظ"** این بیشتر یک وظیفه است تا عطا (تی ای وی). وعظ هرگز در فهرست عطایا نیامده، بلکه در واقع جنبه حیاتی برای تمامی عطایای رهبری است (افسسیان ۴: ۱۱)، که درگیر اعلام انجیل هستند. این اسم از فعل *کروسچ* می‌آید، به معنای اعلام یا ابلاغ عمومی. بعدها این واژه مفهوم تکنیکی پیدا کرد و راهی شد برای اشاره به موعظه رسولان (*کریگما*) بخصوص که در موعظه‌های ثبت شده پطرس و پولس در کتاب اعمال آمده است.

◆ **"رسول"** "رسول" از کلمه‌ای یونانی به معنای "فرستادن" (*آپوستلچ*)می‌آید. عیسی دوازده تن از شاگردانش را برگزید که او را به شکل خاصی همراهی کنند و آنها را "رسولان" خواند (لوقا ۶: ۱۳). فرم فعلی آن اغلب برای عیسی بکار می‌رود که توسط پدر فرستاده شد (متی ۱۰: ۴۰؛ ۱۵: ۲۴؛ مرقس ۹: ۳۷؛ لوقا ۹: ۴۸؛ یوحنا ۴: ۳۴؛ ۵: ۲۴، ۳۰، ۳۶، ۳۷، ۳۸؛ ۶: ۲۹، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۵۷؛ ۷: ۲۹؛ ۸: ۴۲؛ ۱۰: ۳۶؛ ۱۱: ۴۲؛ ۱۷: ۳، ۱۸، ۲۱، ۲۳، ۲۵، ۲۰: ۲۱). در منابع یهودی، این واژه برای اشاره به کسی بکار می‌رفت که به عنوان نماینده رسمی دیگری فرستاده می‌شد، مشابه "سفیر".
این واژه مفهوم اقتداری خاصی داشت. برای کسانی بکار می‌رفت که مسیح را در زمان حیات جسمانی و ماموریتش می‌شناختند (اعمال ۱: ۲۶-۲۱). پولس مدعی بود که او نیز در رویای و دعوتش در جاده دمشق خداوند را ملاقات کرد (اعمال ۹). این مردان بطرزی بی‌نظیر توسط روح‌القدس فراخوانده و تجهیز شدند تا وقایع، تعالیم و معجزات زمان حیات زمینی عیسی را ثبت و تشریح کنند.
این واژه بعدا برای عطایی بکار رفت که همیشه در کلیسا وجود دارد (۱ قرنتیان ۱۲: ۲۸؛ افسسیان ۴: ۱۱). وظیفه دقیق آنها هرگز مشخص نشد؛ این ممکن است شروع کلیسا در نواحی جدید یا رهبری منطقه‌ای باشد (اعمال ۱۴: ۴، ۱۴؛ ۱۸: ۵؛ ۱ قرنتیان ۴: ۹؛ غلاطیان ۱: ۱۹؛ فیلیپیان ۲: ۲۵؛ ۱ تسالونیکیان ۲: ۶).

◆ **"معلم"** این در اعمال رسولان ۱۳: ۱؛ رومیان ۱۲: ۷-۶؛ ۱ قرنتیان ۱۲: ۲۸ و یعقوب ۳ در زمره عطایای روحانی آمده است. این عطا در افسسیان ۴: ۱۱ و ۱ تیموتائوس ۳: ۲؛ ۲ تیموتائوس ۲: ۲۴ همراه با عطای شبانی آمده است. وقتی به عنوان عطایی جداگانه استفاده می‌شود، به تعلیم ایمانداران جدید اشاره دارد، اما هنگامی که مرتبط با شبانی می‌آید منظور آموزش اصول اعتقادی به ایمانداران است (۲ تیموتائوس ۲: ۱۵؛ ۳: ۱۷-۱۶).
ک ج وی و ان ک ج وی عبارت "به غیریهودیان" را به آن اضافه کرده‌اند. این عبارت در دست‌نوشته یهودی قدیمی *א و A دیده نمی‌شود، ولی در اغلب متون باستانی دیگر وجود دارد. در ۱ تیموتائوس ۲: ۷ نیز این عبارت آمده است و احتمالا کاتبان اولیه آن را اضافه کردند.

۱: ۱۲ "از همین‌روست که این‌گونه رنج می‌کشم" این باید به آیه ۸ ربط داشته باشد. پولس شخصا می‌دانست به عنوان رهبری روحانی چه بهایی باید بپردازد (۲ قرنتیان ۴: ۱۲-۷؛ ۶: ۱۰-۳؛ ۱۱: ۲۸-۲۴).

◆ **"اما عار ندارم"** این برمی‌گردد به نصیحت پولس بی تیموتائوس در آیه ۸ و آیه ۱۶. مشکلات پولس از یک جهت شاهدی بودند بر موفقیتش در اشاعه انجیل!

◆ **"چرا که می‌دانم به که"** دقت کنید که تاکید بر رابطه‌ای شخصی است، نه بر شرایط.

◆ **"ایمان آورده‌ام"** این عبارت فرم خبری معلوم کامل دارد، به معنای لغوی "ایمان آورده‌ام و کماکان ایمان دارم". عبارت اشاره دارد به تجربه نجات پولس در جاده دمشق (اعمال ۹).

◆ **"یقین دارم"** این فرم خبری مجهول کامل است و منظور از آن اطمینان پولس است به خدا و از خدا، حتی در زمانی که جفاها و زندانها را تجربه می‌کند.

◆ **"او قادر است . . . حفظ کند"** عبارت "او قادر است" عنوان توصیفی فوق‌العاده‌ای برای خداست (رومیان ۱۶: ۲۵؛ افسسیان ۳: ۲۰ و یهودا ۲۴). خدا نه تنها قادر است، بلکه می‌خواهد اعتراف ایمان ما به مسیح (۱ پطرس ۱: ۵-۴) و زندگی مطابق با ایمانمان را حفظ کند! تنها نجات ابتکار، محصول و واقعه تکمیل شده توسط خدا نیست، بلکه زندگی مسیح‌گونه نیز چنین است.

◆ **"امانتم"** خدا اعترافات ایمان ایمانداران را حفظ می‌کند (۱ پطرس ۱: ۵-۴). با اینوجود ایماندار باید وظیفه خود نسبت به انجیل را حفظ کند (۱ تیموتائوس ۶: ۲۰؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۱۴). مسیحیت عهدی است که منفع و مزایایی به همراه دارد، اما در کنار آن الزامات و مسئولیتهایی را هم می‌طلبد!

◆ **"بدان روز"** این یکی از طرق عهدعتیق برای اشاره به زمان آخر است (آیه ۱۸). عهدعتیق بروشنی یکی از مداخلات فوق‌العاده خدا در تاریخ بشر را آشکار کرد. با اینوجود، با توجه به مکاشفه تدریجی عهدجدید ایمانداران می‌دانند که دو ظهور وجود دارد: تجسم (پایه‌گذاری پادشاهی خدا) و آمدن دوم (تحقق کامل پادشاهی خدا).

۱: ۱۳

ان آ اس بی	**"سخت بچسب"**
ان ک ج وی	**"محکم نگهدار"**
ان آر اس وی	**"توسل کن"**
تی ای وی	**"محکم توسل کن"**
ان ج بی	**"حفظ کن"**

این در واقع کلمه بسیار معمول "من دارم" (اِچِش) است، اما همانطوریکه که از ترجمه‌ها مشخص است دامنه معنایی وسیعی دارد. فرم آن امری معلوم زمان حال است. تیموتائوس باید پیوسته به حقیقت رسالتی که از پولس به او رسیده محکم بچسبد (۳: ۱۴؛ تیطوس ۱: ۹).

◆ **"الگو"** واژه الگو در یونانی به معنای طرح اولیه بود و برای طرحهای معماری بکار می‌رفت (بلوپرینت). پولس طرح کلی را به تیموتائوس داده بود.

◆ **"تعلیم صحیح"** این مطلبی است که در رسالات شبانی مرتب تکرار می‌شود و به تعلیم سالم اشاره دارد (۱ تیموتائوس ۱: ۱۰؛ ۴: ۶؛ ۶: ۳؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۱۳؛ ۴: ۳، ۴؛ تیطوس ۱: ۹، ۱۳؛ ۲: ۱، ۲). این آیه آشکارا حضور و مشکلات ایجاد شده توسط معلمین دروغین را منعکس می‌کند.

◆ **"با ایمان و محبتی که"** این عبارت برمی‌گردد به روشی که رهبران باید اتخاذ کنند تا بوسیله آن حقیقت انجیل را حفظ و منتقل کرده و از آن دفاع نمایند (۱ قرنتیان ۱۳).

◆ **"به یاری روح‌القدس . . . پاس دار"** این فرم امری معلوم دنباله‌دار است. توجه کنید که ایمانداران باید پاس بدارند، اما روح‌القدس قدرت و وسیله‌ای است که توسط آن این کار انجام می‌شود! یادداشت ۱: ۱۲ را ببینید.

◆ **"که در ما ساکن است"** این فرم اسم مفعول معلوم زمان حال را دارد. بین کار روح و کار پسر نوعی جریان وجود دارد. جی کمپبل مورگان می‌گوید بهترین نام برای روح "عیسای دیگر" است. در زیر شمایی از مقایسه کار و عناوین پسر و روح ارائه می‌شود:

۱. روحی که تحت عنوان "روح عیسی" یا عناوین مشابه شناخته می‌شود (رومیان ۸: ۹؛ ۱ قرنتیان ۱۵: ۴۵؛ ۲ قرنتیان ۳: ۱۷؛ غلاطیان ۴: ۶؛ ۱ پطرس ۱: ۱۱).
۲. هر دو با واژه‌های یکسان خوانده می‌شوند
الف. "حقیقت"
۱. عیسی (یوحنا ۱۴: ۶)
۲. روح (یوحنا ۱۴: ۱۷؛ ۱۶: ۱۳)
ب. "شفیع"
۱. عیسی (۱ یوحنا ۲: ۱)
۲. روح (یوحنا ۱۴: ۱۶؛ ۱۶: ۷)
۳. هر دو در ایمانداران ساکن می‌شوند
الف. عیسی (متی ۲۸: ۲۰؛ یوحنا ۱۴: ۲۰، ۲۳؛ ۱۵: ۵-۴؛ رومیان ۸: ۱۰؛ ۲ قرنتیان ۱۳: ۵؛ غلاطیان ۲: ۲۰؛ افسسیان ۳: ۱۷؛ کولسیان ۱: ۲۷)
ب. روح (یوحنا ۱۴: ۱۷-۱۶؛ رومیان ۸: ۹، ۱۱؛ ۱ قرنتیان ۳: ۱۶؛ ۶: ۱۹؛ ۲ تیموتائوس ۱: ۱۴)
ج. پدر (یوحنا ۱۴: ۲۳؛ ۲ قرنتیان ۶: ۱۶)



ان آ اس بی	**"آن گنج را که به تو سپرده شده"**
ان ک ج وی	**"چیز خوبی را به تو امانت داده شد"**
ان آر اس وی	**"گنج نیکویی که به تو سپرده شد"**
تی ای وی	**"چیز خوبی را به تو سپرده شد"**
ان ج بی	**"چیز ارزشمندی که به امانت به تو داده شد"**

این جمله اشاره دارد به چیزی که به دیگران سپرده می‌شود تا آن را امن نگاه دارد. این احتمالا نوعی بازی با کلمه *پیستیس* است، که در انگلیسی به باور، توکل یا ایمان ترجمه می‌شود. ایمانداران ایمان خود را به خدا سپرده‌اند (۱: ۱۲). خدا در عوض پیام انجیل را به امانت به آنها داده است (۱ تیموتائوس ۶: ۲۰). ایمانداران حفاظت‌کنندگان پیام انجیل هستند. روزی باید به او حساب پس دهیم (۲ قرنتیان ۵: ۱۰) که با این امانت حقیقت چه کرده‌ایم!

متن ان آ بی اس (بروز شده): ۱: ۱۵ - ۱۸
[۱۵] **آگاهی که ساکنان ایالت آسیا، همه مرا ترک کرده‌اند، از آن جمله، فیگلوس و هِرموگِنِس.**
[۱۶] **رحمت خداوند بر خانوادهٔ اونیسیفوروس باد، چه او بارها جان مرا تازه کرد و از زنجیرهایم عار نداشت.** [۱۷] **بلکه چون به روم آمد، بسیار مرا جُست تا سرانجام یافت.** [۱۸] **رحمت خداوند در آن روزِ از جانب خداوند خاص شامل حال او شود. تو خود از خدمات بسیار او در اِفِسُس، نیک آگاهی.**

۱: ۱۵ "همه مرا ترک کردند" برخی از دستیارام پولس (۴: ۱۰، ۱۶) او هنگامی که در حبس بود را ترک کردند (۱: ۸، ۱۶) اما این به این معنا نیست که بی ایمان خود به مسیح پشت کردند. این بخش احتمالا به محاکمه پولس توسط رومیان ربط دارد.

◆ **"فیگِلوس و هِرموگِنِس"** در مورد این دو شخص هیچ اطلاعی وجود ندارد.

۱: ۱۸-۱۶ آیات ۱۸-۱۶ دعا هستند (فرم دعایی معلوم پیوسته).

۱: ۱۶ "اونیسیفوروس" وی یکی از ایماندارانی بود که خود و خانواده‌اش (یا کلیسای خانگی) پولس را تنها نگذاشتند (۴: ۱۹). هنگامی پولس که در زندان بود، این مرد به طرقی که ذکر نشده (احساسی، مالی) از وی حمایت کرد. علاوه بر آن خدمتی نیز در افسس انجام داد (آیه ۱۸).

۱: ۱۸ "خداوند . . . خداوند" در عبری بین یهوه و ادون تمایز روشنی وجود دارد (خداوند، مزمور ۱۱۰: ۱). در یونانی هر دو اینها *کوریوس* ترجمه شده‌اند. به نظر می‌رسد این دعا خطاب به مسیح است و اشاره می‌کند به "روز یهوه"، که اصطلاحی عهدعتیقی برای زمان آخر (روز برکت و داوری) است.

برای ما این دعا عجیب به نظر می‌رسد. برخی از مفسرین فکر می‌کنند که اونیسیفوروس مرده بود؛ اگر چنین باشد این تنها دعای کتاب مقدس برای یک مرده است. پولس دعا می‌کند که خدا بخاطر خدمت وفادارانه‌اش "خانه‌اش" (یعنی خانواده یا کلیسای خانگی) را برکت دهد (تثنیه ۷: ۹؛ ۵: ۱۰ و همین مبحث در ۱ قرنتیان ۷: ۱۴).

پرسشهای مربوط به بحث

آنچه در دست دارید تحقیق تفسیری است که نقش راهنمای مطالعه را ایفا می‌کند، به این معنای که شما شخصا مسئولیت تفسیر خود از کتاب‌مقدس را بر عهده دارید. ما همگی باید در نوری که داریم قدم برداریم. شما، کتاب‌مقدس و روح‌القدس مقدم بر تفسیر هستید. چنین نقشی را نباید به مفسر محول کنید.

پرسشهای مربوط به بحث نوشته شده اند تا به شما کنند موضوعات عمده این بخش از کتاب را مرور کنید. قرار است آنها شما را وادار به تفکر کنند، نه اینکه حرف آخر را بزنند.

۱. آیا پولس مسیحیت را جدای از ایمان عهدعتیق می‌دید یا دنباله آن؟
۲. هدف از دستگذاری چیست؟
۳. اهمیت الهیاتی موارد ذکر شده در آیه ۹ را فهرست کنید؟
۴. عیسی چطور مرگ را پایان داد؟
۵. تفاوت کاربرد کلمه "پاس داشتن" در آیه ۱۲ با آیه ۱۴ در چیست؟
۶.همکاران پولس چرا او را ترک کردند؟ این این نشان می‌دهد که آنها دیگر ایماندار نبودند؟